٩٢٤

٢٥

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۴۴۵
رده‌بندی دیویی:	گ ت / م ۷۸۳ و ۹۱۰
سرشناسه:	ون دایک، کورنلیوس ون آلن، ۱۸۱۸ - ۱۸۹۵م
عنوان قراردادی:	[المرآة الوضیة فی الکرة الارضیة. فارسی]
عنوان:	کشف القناع عن احوال الاقالیم والبقاع
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر:	بمبئی ناشر: مطبع مظفر حسنی تاریخ نشر: [بی تا]
صفحه شمار:	۲۲۰ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان:	فارسی ابعاد: ۲۱ x ۱۳ نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐
توضیحات:	نامعلوم تاریخ ثبت: بهمن ۱۳۶۲
یادداشتها:	۱. در ابتدا دیباچه آمده است. ۲. بذیل، فهرست اسامی اقالیم و ممالک و بلاد و مدن به اختلاف لغات
موضوع(ها):	۱. جغرافیا - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه(های) افزوده:	الف. طباطبائی، فخرالدین بن ابی القاسم، مترجم. ب. عنوان.
فهرستنگار:	السرزار. تاریخ فهرستنگاری: خرداد ۸۹

یادداشت: ب. تاریخ تألیف کتاب ۱۸۵۲ م می‌باشد.

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: کشف القناع عن احوال الاقالیم والبقاع

مؤلف: فخرالدین ابی القاسم گلپایگانی

موضوع: جغرافیا — زبان: فارسی

سال چاپ: — محل چاپ: بمبئی

شماره عمومی: ۱۸۶۴۱ — کتابخانه / بخش:

وقفی / ~~خریداری~~ — تاریخ: بهمن ۴۲

طول: ۲۱ — عرض: ۱۴ — شماره صفحه ها: ۲۲۵

ملاحظات:

شماره عمومی ۱۴۰۵

هو الله تعالى شأنه

كتابخانه آستان قدس
ویژه کتاب
910
م 7829
ک 15 /

هذا

كتاب
كشف القناع
عن احوال الاقاليم و البقاع في ترجمة كتاب مرآة الوضيّة في الكرة الارضيّة

من تاليفات مستر كرنيليوس فنديك امريكاني طبع في معمورة بمبئي بعون الله و توفيقه

کتابخانه آستان قدس
شماره ثبت 18941
تاریخ

٥

1852

در حمد و ثنای الهی

بسم الله الرحمن الرحیم

جواهر زواهر حمد و سپاس درگاه حضرت احدیتی را لایق و سزا استکه
قبهٔ چرخ مقرنس را بی‌آلت خشت و گل برافراشته و طاق رواق را بشمسهٔ
زرین خورشید و صور سیمین ماه نگاشته و آینه‌خانهٔ زجاج را بنقوش
اختران آراسته و نشیمن خاک که عمارت زیرین افلاک است بجلائل ثوابت
بهجت پیراسته کریمی که بحار امواج عطایش را انتهائی و عیون جاریهٔ
رحمتش را زوالی و انهر منشعبهٔ احسانش را نفادی نه صانعی که
سطح مستدیر ارض از خطوط تذکرهٔ جلالش نقطه و رشحات سحاب و نفحات
صبا از گلزار صنعش ورقی است مبدعی که خاک تیره را بمواهب
سنیه مجمع غرائب و مظهر بدائع صنائع ساخته و از قاموس محیط
مرحمت و اوقیانوس مکرمت درر معانی لطیفه بساحل ظهور آورده
تا هرکس بحسب استعداد خود فوائد جلیله عظیمه از آن بردارد و

دیباچه

درود نامحدود بر نور پاک و نیر تابناک شمس فلک رسالت و اختر
برج جلالت و نبالت حضرت سید الاصفیاء و خاتم الانبیاء محمد
المبعوث بالآیات الباهرات و البینات الظاهرات علیه من الصلوة ازکیها
و من التحیة انماها و وصی بلافصل آنحضرت امیر البررة و قاتل الکفرة
یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین الشهاب الثاقب علی بن ابی طالب
علیه السلام و ذراری طیبهٔ طاهرهٔ او باد **و بعد** چنین گوید
بندهٔ فانی فخر الدین بن ابی القاسم الگلپایگانی محتداً و الاصفهانی
مسکناً که بر ضمیر منیر ارباب دانش و بینش مخفی و پوشیده مباد که
ژغرافیا علمیست مطلوب و مرغوب و از جملهٔ علوم منیفه و فنون
شریفه معدود و محسوب پیوسته موجب ازدیاد مراتب مدنیت
و مایهٔ حصول هیئت اجتماعیهٔ بشریت و صاحبان آن در هر عصر و زمان
مقبول اهل معانی و منظور اعالی و ادانی بوده‌اند و چونکه کتاب مرآة
الوضیة فی الکرة الارضیة از تالیفات جناب فخامت نصاب مستر
کرنیلیوس فندیک امریکانی که در این علم کتابی است کافی و وافی بلغت
عربی مبین و بر اکثر ناس غیر مستبین بود لذا بخاطر فاتر رسید که
محض خدمت بهم‌وطنان بترجمهٔ این نسخهٔ شریفه قیام نمایم و لکن بواسطهٔ
حوادثات روزگار و تقلبات لیل و نهار و بلحاظ تعمیم موضوع مقاله
لازم التمهید من صنف فقد استهدف این امر خطیر در عهدهٔ تعویق
و تاخیر افتاد تا این ایام خجسته فرجام که بعضی از دوستان جانی و اخلاء
روحانی که تخلف امرشان را فرض محال میشمرده مهیج خیال و محرک
این شکسته بال گردیدند چاره ندیده جز آنکه بمضمون المأمور معذور
بانجام این خدمت کوشم و چشم از تعنت همگنان پوشم رجا از نکته

پردازان فصاحت شعار و سخن سنجان بلاغت دثار انکه این ضعیف
نحیف را هدف سهام ایراد و اعتراض ننمایند و اگر غلط واضحی یا خطاء
لائحی مشاهده نمایند از حسن طویّت و صفای طینت خود بقلم عفو و
اغماض باصلاحش کوشند و من الله استمدّ و به استعین و هو حسبی
و نعم المعین **مقدّمه** بدانکه این علم بدو قسم منقسم میشود طبیعی و
وصفی امّا اوّل مدار ان سطح زمین و انچه روی انست و کرهٔ هوائی است
که بان احاطه دارد بدون التفات باقسام زمین و متعلّقات ان و امّا
در قسم دوّم بلدان و ممالک و نسبت بعضی از اقسام سطح زمین ببعض
دیگر ملاحظه میشود و لکن در این رساله بعضی از متعلّقات ژغرافیای
طبیعی را اوّلا ذکر مینمائیم و بعض دیگر با متعلّقات ژغرافیای وصفی
بیان میشود **فصل اوّل** در حقیقت این علم و بعض اصطلاحات ان
بدانکه ژغرافیا علمیست که از هیئت و اقسام سطح زمین و انواع اهل
ان و حاصلهایش و امثال اینها در ان بیان میشود امّا زمین جسمی است
مستدیر بشکل کرهٔ عظیمه و کمی از دو جهت قطب جنوبی و شمالی مسطّح
است یعنی قطر ان از شرق بغرب مقدار ۲۶ میل از قطر ان از شمال
بجنوب طولانی تر است و امّا استداره زمین از عهد فیثاغورس قریب
پانصد سال قبل از مسیح تا حال متّفق علیه فلاسفه است و ادلّهٔ
ان بسیار است از انجمله ظهور کرویّت سطح دریاست از برای کسی که
در کنار ان می ایستد و دیگر ظاهر شدن اعالی اشباح بعیده است
قبل از اسافل انها اگرچه این اسافل بحسب جرم بزرگتر باشد و دیگر
انکه بسیاری از اهل سیاحت از شرق یا غرب از یک جهت مسافرت
اختیار کرده اند و بدون انکه برگردند سفر انها بهمان مکانیکه اوّلا

ان

ان حرکت کرده بودند منتهی شده و بدان که هرگاه خطّ مستقیمی
میانه نقطه شمالی و جنوبی زمین کشیده شود پس ناچار بمرکز ان باید
بگذرد و انرا محور زمین میگویند و طرف شمالی انرا قطب شمالی و طرف
جنوبی را قطب جنوبی میگویند و هرگاه دور زمین خطّی بمساوات بعد
ان از قطب شمالی و جنوبی کشیده شود دائره حادث میشود و بواسطهٔ
ان زمین بدو نصف میشود شمالی و جنوبی و این دائره را خطّ استواء
مینامند و هرگاه دور زمین خطّ دیگری از جهت شمال بموازات خطّ
استواء و بمسافت ۲۳ درجه و ۲۸ ثانیه از ان و یکی دیگر مثل ان از جهت جنوب
کشیده شود دو دائره حادث میشود و شمالی انها را خطّ سرطان و
جنوبی را خطّ جدی و جزئی از سطح زمین که میانه انهاست منطقهٔ
حارّه مینامند و هرگاه بموازات یکی از دو دائرهٔ مذکوره و بمسافت ۲۳
درجه و ۲۸ ثانیه از قطب شمالی دائره کشیده شود پس ان دائرهٔ شمالیّه
است و مثل ان جنوبیّه است و جزئی از سطح زمین که میانه خطّ سرطان
و دائرهٔ شمالیّه است منطقه معتدلهٔ شمالیّه و جزئیکه میانه دائرهٔ
شمالیّه و قطب شمالیست منطقه بارده یا متجمّده شمالیّه و میانه خطّ
جدی و دائره جنوبیّه منطقه معتدله جنوبیّه و میانه دائره جنوبیّه
و قطب منطقه بارده نامیده میشود پس زمین بملاحظه اینها به پنج
منطقه منقسم میشود امّا دوائر پس هر دائره به ۳۶۰ درجه و درجه
به ۶۰ دقیقه و دقیقه به ۶۰ ثانیه منقسم میشود و درجه در خطّ
استواء ۶۰ میل از میلهای جغرافیه و ۶۹.۲ میل از میلهای
اعتیادیّه است و همچنین دائره هائیکه دور زمین از شمال بجنوب
کشیده میشود مگر اینکه دوائریکه موازی خطّ استواء است نزدیک

فصل اول

شدن بجهت قطب شمالی وجنوبی کوچك میشود تا انکه در پیش
انها متلاشی میکردد پس واضح شد که هر قدر که دائره کوچك میشود
درجه نیز کوچك میکردد و بدانکه خطوطیکه دور زمین از شمال بجنوب
کشیده میشود دوائر تامه نیستند چه که زمین چنانچه کذشت دائره
تامه نیست ولکن فرق بسیار کمست وملاحظه ان مکر در بعضی از
حسابهای دقیقه فلکیه مثل حساب کسوف وامثال ان نمیشود ❊❊❊
وازبرای زمین دو حرکتاست یکی یومی که بدوران زمین در محور
خودش از غرب بشرق در هر بیست وچهار ساعت یکمرتبه تمام می
شود وان علت تتابع شب وروزاست ودیکری سنوی که بدوران
زمین دور افتاب ازمغرب بمشرق در هر سال که عبارتاز ٣٦٥
روز و ٥ ساعت و ٤٢ دقیقه وچند ثانیه است یکمرتبه تمام میشود
وان ازجمله علتهای تتابع فصول است ❊❊❊ وهرکاه صورت زمین
یا صورت جزئی ازانرا در روی کاغذی بکشند بترتیبی که اقسام
حدودان ونسبت بعضی ببعض دیکر ازحیثیت قرب وبعد وامثال
ان معلوم کردد انرا دراصطلاح اهل این علم خارته میکویند واعلای
ان شمال واسفلش جنوب ویمینش شرق ویسارش غرب محسوب
میشود واین چهار جهت را نقط اصلیه مینامند وجهت متوسطه
میانه شمال وشرق شمال شرقیاست ومیانه جنوب وشرق جنوب
شرقی ومیانه شمال وغرب شمال غربی ومیانه جنوب وغرب جنوب
غربیاست واین جهات را نقط فرعیه مینامند ومیانه نقط اصلیه
وفرعیه نقطههای دیکریاست که بدقت کردن در تفصیل جهات
استنباط میشود ❊❊❊ عرض عبارتاز دوربودن موضعی است

ازخط

در بعض اصطلاحات این علم

ازخط استواء شمالا یا جنوبا وطول عبارتاز دوربودن موضعیاست
ازیکی ازخطوطیکه میانه دو قطب را در روی زمین بیکدیکر وصل
میکند وخطوط مذکوره را خطوط نصف النهار مینامند وطول را ان
هر یکی ازاین خطوط مذکوره میتوان حساب کرد مکر اینکه نزد هر قومی
عادت جاری شده که انرا ازخط نصف النهار که بقصبهٔ بلاد شان
میکذرد حساب میکنند پس انکریز انرا ازخط لندن واهل فرانسا از
خط پاریس حساب میکنند وعلی هذا القیاس **فصل دویم** در
ارض یابسه واقسام ان بدانکه مسافت سطح زمین مقدار ٢٠٠٠٠٠٠٠٠
میل مربعست وبدو قسم منقسم میشود یکی یابسه که خشکیاست و
دیکری اب وقسم بزرکتر ان ابست که مقدار دو ثلث کره را فرو
کرفته اما ارض یابسه باقسام مختلفه تقسیم میشود **قسم اول** از ارض
قاره است وان قسم وسیعی از زمین است که بممالك متشتته مشتمل
است وقارات شش است چهار از انها در نصف کره شرقی واقع است
وان اوروپا واسیا وافریقا واوستر الیا است ودو قاره دیکر در نصف
غربی واقعست وان امریکای شمالی وجنوبیاست **دویم** مملکت است
وان قسم وسیعی از قاره است که در تحت حکومت واحده داخل است
مثل مملکت چین وفرانسا وعثمانیه وامثال اینها وکاهی مملکت بایالت
وایالت بولایت وولایت بقطعه وهمچنین تا برود تقسیم میشود
سیم جزیره است وان قطعه از زمین است که ازجمیع جهات اب بان
احاطه دارد مثل قبرس وکریت ومالطه وامثال اینها وجزائر بحسب
مساحت مختلف اند چنانچه جزیره که دراوقیانوس تلانتیك شمالی
است محیطش ١٥٠ ذراع است وجزیره اوستر الیا مساحتش مقدار

۳۰۰۰۰۰ میل مربّعست و بعضی ازجزائر مثل قبرس منفرد و بعضی
در سلسله واقعند مثل جزائر الوتیان که میانه امریکای شمالی و آسیا
واقعست و بعضی مجتمعند مثل اوقیانوس محیط و هرگاه جزائر بسیاری
در دریائی واقع شده باشد انرا ارخبیل مینامند مثل ارخبیل
رومی و ارخبیل هند غربی و بعضی ازجزائر در اصل برکان بوده و
بعضی همیشه برکان بوده است مثل جزیره سترمبولی چهارم
شبه جزیره است وان قطعهٔ از زمین است که از سه جهت اب انرا
احاطه کرده و از یک جهت بخشکی محدود است مثل موره و قرم و
ملقا پنجم راس است وان جزئی از کوه یا از زمین مرتفعی است که
داخل در دریا باشد ششم انف یا لسان است وان جزئی از زمین
است که داخل دریا باشد هفتم برزخ یا مختنق است وان قطعه
زمین تنگی است که میانه دو دریا محصور شده باشد هشتم
جبل است وان جزئی از قشر زمین است که از سطح ان بسیار مرتفع است
و اگر کمی ارتفاع داشته باشد انرا هضبه یا تلّ میگویند و در هر جا
که کوهها بیکدیگر متصل باشند و بمسافت بعیده امتداد داشته
باشند انرا سلسله جبال مینامند و ناچار میانه دو کوه زمین
پستی واقع است پس اگر کوچک باشد انرا شعبه میگویند و اگر بزرگ
باشد وادی مینامند و اگر تنگ باشد در میانه سنگهای سختی
که از دو جانب قائمند انرا مضیق میگویند نهم سهل است وان زمینی
استکه سطح ان مستوی باشد پس اگر کوچک باشد و از چشمه‌ها
سیراب شود انرا مرج میگویند و اگر وسیع باشد و از اب باران
سیراب شود و گیاه دران روئیده باشد و درخت نداشته باشد

انرا بقعه مینامند و اگر ریگزار باشد و نباتات دران روئیده
نباشد بادیه یا صحراء مینامند و گاهی در صحراها قطعه‌هائی یافت
میشود که اب باران از اطراف دران جاری است و باین واسطه
زمین با نما میشود پس انرا روضه میگویند و اگر اب نهر یا چشمه دران
جاری باشد و درختهای بسیاری داشته باشد انرا غوطه مینامند و
ازجمله انها غوطه دمشق است دهم جبل نار است که انرا برکان یا بلقان
میگویند وان کوهی است که در اوقات معیّنه یا غیر معیّنه اتش و دود
و خاکستر و سنگهای اب شده یا نشده و معدنهای اب شده که به
اطراف کوه جاری میشوند و پس از سرد شدن منجمد میگردند از ان
خارج میشود و در روی زمین مقدار پانصد کوه از این قبیل یافت
میشود و انها را براکین نیز میگویند فصل سیّم در اب و ان دو
نوع است شور و شیرین و باعتبار وسعت و نسبت ان بخشکی به
اقسام مختلفه منقسم میشود   قسم اوّل دریای محیط استکه
انرا اوقیانوس میگویند وان قسم عظیمی از اب شور است که بیشتر
روی کره زمین را فرو گرفته مثل محیطی که میانه امریکا و اسیا است و
طول ان از شرق بغرب قریب دوازده هزار میل است و عرضش از مضیق
بیرینگ تا ۵ عرض جنوبی قریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس
اتلانتیک که میانه غربی اوروپا و افریقا و شرقی امریکای شمالی و
جنوبی است و معظم عرض ان از شرق بغرب ۵۰۰۰ میل و کمتر عرضش
میانه شمالی اوروپا و شمالی امریکا ۹۰۰۰ میل و طولش از شمال به
جنوب قریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس هندی که میانهٔ
شرقی افریقا و جنوبی اسیا و شمالی اوستراليا و غربی انست و مثل

خارطهٔ کرهٔ زمین

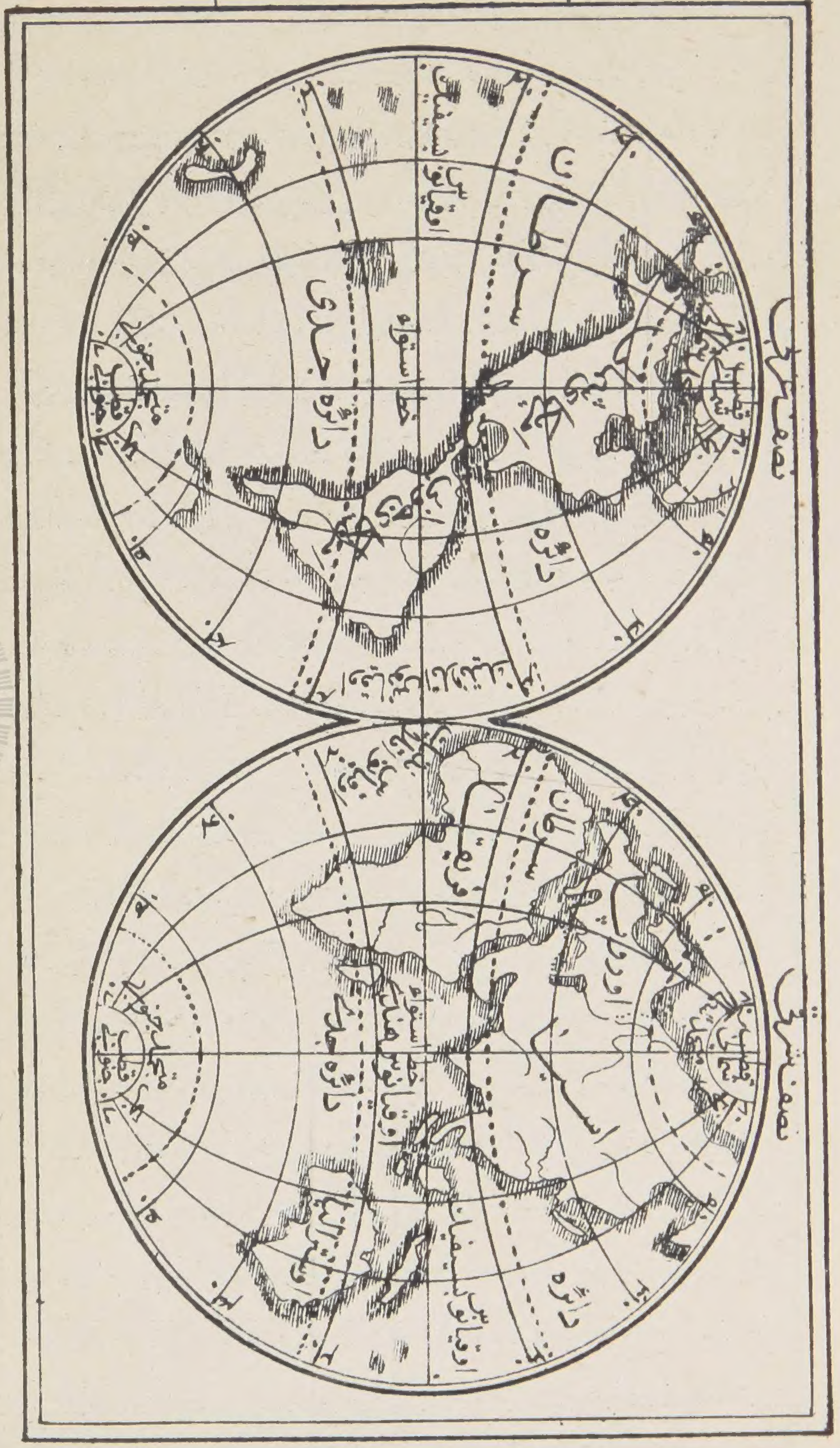

تسطیح کرهٔ زمین

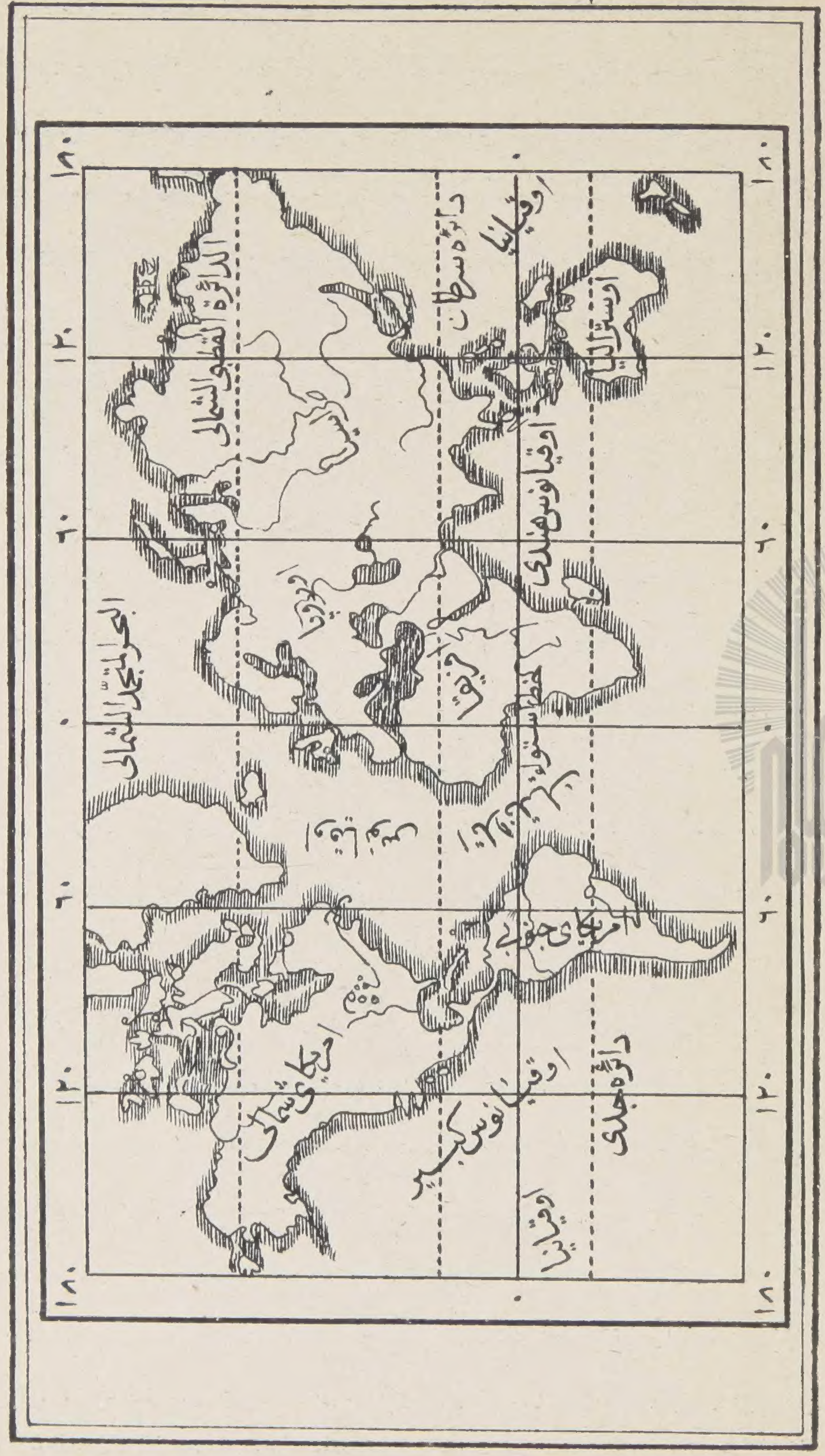

اوقیانوس شمالی که در شمال اوروپا و اسیا و امریکاست و اوقیانوس
جنوبی که در جنوب افریقا و امریکا و اوستر الیاست و بعضی از این
اقسام ببعض دیگر متصّل است و امّا تسمیهٔ انها باسامی مذکوره محض
سهولت وصف و قرب تحدید است و بدانکه قعر دریا مثل خشکی
پستی و بلندی و کوه و بیابان و وادی دارد و معدّل عمق اوقیانوس
قریب هفت میل است **دوّیم** بحر است و ان قسم عظیمی از اب شور است
که کمتر از اوقیانوس است مثل بحر متوسّط و بحر روم که میانه اوروپا
و افریقاست و اکثر دریاها اجزاء اوقیانوس یا متصّل باشند مگر بحر
خزر و بحر ارال که در اسیاست که انها از اوقیانوس منفصل اند
سیّم خلیج است و ان جزء بزرگی از بحر یا اوقیانوس است که داخل
در برّ است و جون نیز از این قبیل است ولکن از خلیج کوچکتر است و
انرا خور نیز میکویند **چهارم** بوغاز است و ان جزئی از اب است که
میانه دو بیابان محصور شده باشد و دو دریا را بیکدیکر وصل کند
مثل بوغاز کوه طارق که بحر متوسّط و اوقیانوس اتلانتیکی را بیکدیکر
وصل میکند **پنجم** بحیره است و ان قطعهٔ از اب شیرین ایستاده است
که از جمیع جهات زمین بان احاطه دارد و اَجَمه نیز از این قبیل است و
لکن کوچکتر از بحیره است و معروف به بُرکه است و اب بعضی از این بحیرات
و برکه ها بواسطه داخل شدن نهری یا نهرها جاری است مثل بحیره طبریّه
و بعضی جاری نیست مثل بحیره مرج **ششم** نهر است و ان مجرای
عظیمی از اب شیرین است که بعد از جاری شدنش بمسافتی در بحر
یا بحیره ریخته میشود و جدول کوچکتر از انست و انرا نُهیر نیز میکویند
و ان نهر کوچکی است که در نهر دیکری ریخته میشود و مکان داخل

شدن یکی از اینها را بدیکری ملتقی النّهرین و مکان داخل شدن انرا
بدریا مصبّ میکویند و مکان خارج شدن انرا از زمین عین یا ینبوع
مینامند و زمینی که اب ان بدریائی جاری میشود انرا حوض این دریا
میکویند و وادی که اب از جوانب ان بنهر یا نهیری جاری میشود انرا
حوض این نهر یا نهیر میکویند و خطّیکه میانه دو حوضی را که بیکدیکر
متصّل اند فصل میکند انرا خطّ تقسیم میاه میکویند و جائی که نهر یا
جدول از مکان عالی سرا شیب میکردد شلّاله یا خراره حادث می
شود مثل شلّالات نیل **هفتم** تُرعه است و ان نهر مصنوع عمیقی
است که میانه دو دریا یا دو نهر را جمع میکند و بعضی از ان برای عبور
کشتیهای بزرك و بعضی برای زورقهای فقط صلاحیّت دارند
فصل چهارم در احکام و ادیان امّا احکام مختلفاست ولکن
حصر ان در سه نوع ممکن است **اوّل** حکم ملکی مطلق که زمام امر و نهی در
کف کفایت شخص واحد باشد و بشرائع و قوانینی مقیّد نباشد **دوّیم**
حکم ملکی مقیّد که حکم سلطان از روی قوانین و شرائع مملکت باشد و
از ان تجاوز نتواند بکند **سیّم** حکم جمهوری است که زمام امر و نهی در
دست اشخاصی باشد که رعایا انها را اختیار مینمایند و بحسب احکام
انها سلوك میکنند و امّا ادیان در چهار نوع منحصر است **اوّل**
دیانت یهودیّه است و ان مبنی بر اسفار عهد عتیق و تفاسیر و اضافاتی
است که از کتاب تلمود با انها شده **دوّیم** دیانت مسیحیّه است و ان
مبنی بر اسفار عهد عتیق و جدید است و اتباع ان بسه قسم منقسم
است **اوّل** رومیه که عقائد و طرق انها بحسب قوانین مجامع و اقوال
اسلافشان است **دوّیم** باباویّه که پاپای رومی را رئیس کنیسه و

نائب مناب مسیح میدانند و او را از غلط و اشتباه در امور دینیه معصوم و مقدّس می پندارند سیّم پروتستانیّه که عقائدشان بر اسفار مقدّسه فقط مبنی است و بقول دیگری اصلا التفات ندارند واما ارمن و یعاقبه واقباط و نساطره از فروع رومیّه اند که در قرون سابقه از ایشان جدا شده اند سیّم اسلام است و ان مبنی بر قران مجید و سنّت است و اهل ان بچهار قسم منقسم است سنّی و شیعه و وهّابیّه و صوفیّه امّا دروز و نضیریّه و اسماعیلیّه اگرچه در ظاهر مدّعی اسلام اند ولکن فی الحقیقة هر طائفه از انها عقائد مخصوصه دارند که از عقائد مجوسیّه و اسلامیّه و مسیحیّه ممزوج و مخلوط است چهارم وثنیّه است و ان چند نوع است که از جمله انها برهمیّه است انها بیك خداوند که او را ضابط کلّ میدانند معتقدند و میگویند که او سه خدا از جانب خود نصب کرده برهمه و وشنو و سیوا و در تحت اینها خدایان بسیاری قائلند که عدد انها بچهارصد هزار میرسد و اهل این مذهب بچهار مرتبه منقسم اند کهنه و جنود و تجّار و اهل صنایع و هیچ یك از این مراتب بدیگری مخلوط نمیشود و کسی که در یکی از انها از مادر متولّد میشود بغیر ان انتقال نمی تواند کرد و این دیانت بیشتر در بلاد هندوستان شائعست ولکن حال بسیاری از ایشان در خطّ تمدّن و تربیت داخل شده اند و باین رتبه ها اعتنائی ندارند و با دیگران که در رتبه دیگر متولّد شده اند مخالطه میکنند و دیگر از انواع دیانت وثنیه بوذیّه است و انها معتقدند که اوّل ما صدر از مادّه عقل است و انرا بوذه مینامند و بعد هیولی و سایر موجودات از اینها تکوین شده اند و از جمله عادات این طائفه انست که اسلاف و

اعقاب خود را عبادت میکنند و بیشتر شیوع این دین در چین و سیام و برما و شرقی هندوستان و جزائر جاپان است و دیگر از انواع وثنیه فتشیّه است و این طائفه هر چه را که نافع و ضارّ است عبادت میکنند و این مذهب بغیر از میانه سودان در اواسط افریقا یافت نمی شود و عدد اصحاب این مذاهب از این قرار است که ثبت میشود

اهل عالم تقریبا	۱۲ . . . .
وثنیّه	۴۶ . . . .
مسیحیّه	۳۷ . . . .
مسلمان	۱۶۵ . . . . . .
یهود	۵ . . . . . .

جدول عدد اصحاب ادیان

وثنیّه	بوذیّه	۳۵ . . . .
	برهمیّه	۱۶ . . . .
	فتشیّه و سایر انواع	۱۵ . . . .
اسلامیّه	سنّی	۱۱ . . . .
	شیعه	۵ . . . .
	وهّابیّه	۴۹ . . . . . .
	صوفیّه	۱ . . . . . .
مسیحیّه	روم	۹ . . . .
	پروتستانیّه	۹ . . . .
	نساطره و ارمن و اقباط وغیره	۱ . . . .

فصل پنجم در اقسام بشر و لغات انها چون بعضی از اجناس حیوانات از قبیل اسب و سگ و امثال اینها را ملاحظه نمائیم می بینیم که انها با اتفاقشان در فصل قریب بانواع بسیاری منقسم اند که هر نوعی از انها از غیر خود بهیئتی مخصوص و تکوینی مخصوص ممتاز است و از اینراه میتوان استدلال کرد باینکه اصل انها یکی است و اختلافی که درمیانه انهاست عرضی است که از اختلاف اقالیم و اطعمه و امثال اینها حادث شده و هم چنین هر گاه در جنس بشر ملاحظه شود مشهود میگردد که با اتفاق کلّی در جوهریّات که مقوّم جنس اند بانواع مختلفه منقسم اند و ان فرقی که میانه حیوانات است در انها نیست و اختلاف انها از حیثیّت رنگ و شکل و هیئت با اتّحاد اصل انها منافی نیست و انها بسه قسم منقسم اند **اوّل** سفید یا قوقاسی بانتساب ان به قوقاس یا قوه قاف یعنی کوه قاف که در بلاد چرکس میانه بحر خزر و بحر اسود است و این قسم از غیر خود بسفیدی اندام و نرمی موی و بلندی جبهه و نازکی دماغ و سفیدی صورت ممتاز اند مثل اهل اوروپا و نسل انها در امریکا و سکّان غربی اسیا یعنی عرب و فرس و یهود و سریان **دوّیم** زرد یا مغول بانتساب ان بمغول که قسمی از تتر است و بعضی گفته اند که اصل انها از کوههای التائی است که در شمالی چین واقع است و این قسم از اقسام دیگر بزردی بشره و کمی و زبری موی و استواء صورت و تنگی جبهه و ارتفاع استخوان صورت ممتاز اند و این قسم بحسب قامت از قسم اوّل کوتاه تر اند مثل اهل چین و جاپان و شمالی اسیا و شمالی بلاد مسکوب در اوروپا و شمالی امریکا و لکن سکّان شمالی امریکا که معروف باسکیمو هستند فی الجمله رابطهٔ بانوع

سیم

سیّم دارند حتّی اینکه بعضی گمان کرده اند که انها از نتائج قسم دوّیم و سیّم اند که در ازدواج اختلاط کرده اند **سیّم** سیاه و این قسم از سایر اقسام بسیاهی بشره ممتاز است و از برای ان سه فرع است **اوّل** ملقّی بنسبت دادن ان بشبه جزیره ملقّا و ان برنگ زیتونی و سیاهی و زیادتی موی با پیچیدگی و تنگی سر و بزرگی دماغ ممتاز است مثل ساکنین ملقّا و جزائر بحر محیط و جزیره مادا گسکار **دوّیم** امریکانی و ان برنگ نحاسی و سیاهی موی و تنگی ریش و پستی جبهه و ارتفاع استخوان صورت ممتاز است مثل ساکنین اصلیّه امریکا **سیّم** زنگی و ان بشدّت سیاهی بشره و پیچیدگی و سیاهی موی و پستی جبهه و ضخامت لب و فراخی دهان ممتاز است مثل بیشتر ساکنین واسط افریقا و جنوبی ان و این اقسام در بعضی از بلاد با یکدیگر در ازدواج مخالطه کردند و فروع بسیار و نتائج بیشمار از انها پیدا شد که ملحق ساختن انها را باصلشان بسیار مشکل است **امّا لغات دنیا** ادلّه بسیار باتّحاد اصل انها دلالت میکنند و لکن لغت اصلیّه بالفعل مفقود است چه که بمرور ایّام و تمادی اجیال اندک اندک ازمیان رفته و اقرب لغات بان لغت چین و سایر لغاتی است که از دو حرف مرکّب اند پس لغات بحسب نسبت انها بلغت اصلیّه بسه فرع تقسیم میشوند **اوّل** لغات طورانیّه و از جمله انها لغت چینیّه و تتریّه است که از جمله ان ترکیّه و چرکسیّه و مجاریّه و لغات قبائل شمالی روسیا و سیبیریا است **دوّیم** لغات اریانیّه و از جمله انها لغات هندیّه و فارسیّه و یونانیّه و لاتینیّه و مسکوبیّه و نمساویّه و فروعات اینها مثل ایطالیانیّه و فرانساویّه و

کتابخانه آستان قدس

اسبانیولیّه وانکریزیّه است سیّم لغات سامیه یعنی ارامیه واز
جمله انها عبرانیّه وسریانیّه وعربیّه وقبطیّه وحبشیّه واشوریّه و
بابلیّه وبربریّه وفروع اینهاست **فصل ششم در قارّهٔ**
اسیا قارّهٔ اسیا از سایر قارات بزرکتر و وسیعتر وساکنین ان
زیاده تر است ودر حسن اراضی وتنوّع غلّات از قارات دیکر اعتبارش
کمتر نخواهد بود واز جمله چیزهائیکه مزید اعتبار انستانکه خداوند
عزّ وجلّ ادم را از خاک ان خلق فرمود واز نسل نوح واولاد او بعد
از طوفان این سلسله تجدید شد واز انجا بقارات دیکر متفرّق و
پراکنده شدند ودر سنوات قدیمه اهل ان بمقامات عالیه ودرجات
سامیه از علوم وصنایع وتربیت وتمدّن ارتقا جستند واهالی
قارات دیکر در بحر جهالت وخرافت شناور بودند امّا حدود این
قارّه از جهت شمال بحر متجمّد شمالی واز شرق باوقیانوس پسیفیکی
واز غرب بقارّه اوروپا وبحر متوسّط وبحر احمر واز جنوب باوقیانوس
هندی محدود است ومساحتان ۴۰ ملیون متر مربّع است
که هر متری یکذراع وثلثان میشود وسکّان ان مقدار ۸۰۰
ملیون نفس است واواسط این قارّه بمقدار ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰
قدم از مساوات دریا مرتفع است وکوههای بلندی که ارتفاع
بعضی از انها بمقدار ۲۸۰۰۰ قدم میرسد احاطه باانها دارد چنانچه
ازجهت شمال سلسله کوههای التای میانه چین وسیبریاست
واز جنوب کوههای همالیا در شمالی هندوستان واین سلسلها
از جهت غرب ممتدّ است تا اینکه بجبال کوه قاف وکوههای اسیای
صغری میرسد ‌‌ ‌ وبدانکه بحر خزر وبحر ارال از سایر دریاها

منفصل اند ومخرجی ندارند امّا بحر ارال طول ان مقدار ۲۷۰ میل و
عرضش میانه ۱۰۰ و ۱۳۰ میل است واب ان شور است ومردمان
پس از تخفیف ابش نمک از ان استخراج میکنند ودر بیابانهای مجاوره
ان اسب وحمار وحشی وکرک واهو یافت میشود وامّا بحر خزر که انرا
بحر قزبین وبحر دیلم وبحر جرجان وبحر طبرستان نیز میکویند طول
ان مقدار ۷۵۰ میل وعرضش مقدار ۲۵۰ میل است وابش
بواسطه امتزاج بنفط تلخ وشور است ودر ان انواع بسیاری از ماهی
ودر کنارههای ان بسیاری از پرندکان الی یافت میشود وعبور
کشتی بواسطه شدّت طوفان ان بسیار خطرناکست واینقارّه بچند
اقلیم که در هوا وحاصل مختلف است تقسیم میشود چه که در جهات
شمالیّه سیبریا برودت شدّت دارد ونهرها از ماه ایلول تا ماه
حزیران منجمد میمانند ودر جنوبی ان برودت اندکی تلطیف میشود
پس نهرها از ماه تشرین اوّل تا ماه ایار منجمد میمانند ودر جهات
متوسّطه قارّه در کوهها برودت شدّت دارد وبعضی از انها در ایّام
سال خالی از برف نمیمانند وامّا هوای بیابانها ووادیها در اکثر اوقات معتدل
است وامّا جهات جنوبیّه که در منطقهٔ حارّه واقعست از ماه نیسان تا ماه
تشرین دوّم فصل زمستان وبقیّه سال فصل تابستان است وبغیر
این دو فصل فصلی ندارد ‌‌ ‌ ودر اینقارّه اجناس بسیاری از
حیوانات برّیه یافت میشود چنانچه یوز وپلنک وشیر وکرکدن وفیل و
در بلاد هندوستان ونهنک در نهرهای ان واصناف بسیاری
از مار وهوامّ در انجا یافت میشود ودر جهات متوسّطه روباه وکفتار
وکرک واهو ونوعی از یوز که از یوز هندوستان کوچکتر است وهمچنین

خرس در بعضی از کوهها یافت میشود و در بیابانهای بلاد تتر و سیبیریا غزال مشک و انواع دیگر از اهوان و در کوههای سیبیریا نوعی از روباه که پوست ان از پوست روباه جنوب نرمتر است یافت میشود و در انجا سمور و سنجاب بسیار است و اهل ان انها را صید میکنند و گاهی میشود که پوست سنجاب را بهزار و پانصد غروش و زیاده میفروشند و در بلاد عرب اسبهای خوب و شتر تا حدّ ۵۵ عرض شمالی و حمار وحشی تا حدّ ۴۰ یافت میشود و در این قارّه انواع طیور از قبیل نعام و طاوس و دُرّه و باز و بوم و انواع دیگر یافت میشود و در ان از اشجار و نباتات غیر مألوف درخت قهوه در جنوبی بلاد عرب و قاقله و فلفل و زنجبیل و نارجیل و جوز طیب و انواع گل و ریاحین و نیشکر در هندوستان و از عقاقیر افیون و راوند و مُرّ و صبر و مصطکی و حنظل و کافور و بسیاری از اشجار مثل خرما و بلوط و تمر هندی و صنوبر و سرو و صفصاف و گز و پسته و بادام و انجیر و غیر اینها یافت میشود و در هندوستان درخت تیک که چوب ان از برای ساختن کشتی خوب است و خیزران و صندل و درخت بنیان که شاخههای ان بزمین سراشیب میشود و در جاها ریشه میکند و هر شاخه درختی میگردد یافت میشود و بعضی از اهل سیاحت ذکر کرده که یکی از این درختها را مشاهده کرده که قریب سیصد شاخه داشته که هفت هزار نفر در زیر سایه ان میتوانستند که راحت کنند ⁂ ⁂ و امّا معادن این قارّه اگرچه قلیلی از انها کشف شده ولکن بسیار است چنانچه بلور در جاهای بسیاری از ان یافت میشود و زبرجد در کوههای اورال و لاجورد در نزدیکی

بحیرهٔ بیکال که در سیبیریاست و یاقوت در جزیرهٔ کیلان و جزع در بلاد فارس و خاک خزف چینی در چین و جاپان و الماس در هند و لؤلؤ در دریای هند بخصوص در دریای عمّان و بحرین و بهرمان و فیروزج و دیگر معدنهای طلا و نقره و سرب و مس و زغال سنگ و نمک و نفط و زیبق و قلع و سنگ مغناطیس و غیر اینها یافت میشود و بدانکه بلاد اسیا در زمان قدیم معدن علوم و صنائع بوده ولکن حال از حیثیّت تمدّن و تربیت و هیئت اجتماعیّه از بلاد اوروپا پستتر است مگر اینکه از جهة بعض صنائع بخصوص از بابت بعضی از چیزهائیکه در انها یافته میشود و منشأ تجارت کلّی است ممتاز است و در تفصیل این قارّه انرا بده قسم تقسیم میکنیم اوّل املاک روسیا یا بلاد مسکوب در اسیا دوّیم بلاد ترک یا مملکت ال عثمان در اسیا سیّم بلاد عرب چهارم بلاد فارس غربیّه پنجم بلاد فارس شرقیّه یا افغانستان ششم بلاد تتر هفتم هندوستان هشتم هند چینیّه نهم چین دهم جزائر

فصل هفتم

در املاک روسیا یعنی بلاد مسکوب که در اسیا واقعست و ان از جهت شمال ببحر متجمّد شمالی و از شرق ببوغاز بیرین و بحر کمتشتکا و بحر اوخوتسک و از جنوب بکوههای التائی و بلاد تتر و جزئی از بلاد عجم و بلاد ترک که در اسیاست و بحر اسود و از غرب ببحر اسود و نهر دن و کوههای اورال محدود است و این اراضی بحسب مساحت از قارّه اوروپا بزرگتر است چه که مساحت انها مقدار ۵۸۰۰۰۰۰ میل مربّع و مساحت قارّه اوروپا مقدار ۳۸۰۰۰۰۰ میل مربّعست و انها بسه قسمت کبری تقسیم میشوند اوّل بلاد سیبیریا دوّیم بلاد

فصل هفتم

کوه قاف یعنی بلاد کرج وقرق سیّم جزائر قسم اوّل از انها
بلاد سیبیریا ست واین قسم مقدار ۵۱۶۳۰۰۰ میل مربّعست
وان مشتمل بر جمیع اراضی ست که سابقا ذکر شد سوای جزائر وجرگی
که از جهت شرق میانه نهر اورال و بحر خزر واز جنوب میانه بلاد عجم وبلاد
ترك واز شمال وغرب میانه بحر اسود ونهر دون ونهر ولکا واقعست و
این جزو تا اواخر جیل ۱۵ که اهل روسیا بجهة تجارت داخل ان شدند
مجهول بود واز انوقت حکم مسکوبی بتدریج دران جاری شد تا اینکه
از ناحیهٔ شرق باقصای اینقارّه رسید وسکّان بلاد سیبیریا دران
وقت بلیشتر از صد قبیله متوحّشه بودند که طباع وعادات ولغات
وادیان جمیع مختلف بود ومشهور ترین انها تتر بودند که در نواحی بحر
خزر ساکن میشدند وبعضی از انها بت پرست وبعضی مسلمان بودند
ودر نواحی جنوبیّه منغول ساکن میشدند وانها بنوعی از دیانت
بوذیّه بودند ودر کناره های نهر لینا ونهر ینیسی ونهر عاموند شور
ساکن میشدند ودین انها بت پرستی بود ودر جهات شمالیّه فین
ساکن میشدند وانها نیز بت پرست بودند ودر شمال غربی ومیانهٔ
نهر ینیسی ونهر لینا سمواید ساکن میشدند وانها بنهایت توحّش
وبربریّت بودند ودر دو جانب نهر لینا یاکوت ساکن میشدند
وبلیشتر بتربیت مواشی اعتناد اشتند ودر طبیعت شبیه تتر
ودر دیانت بمنغول شباهت داشتند ودر ناحیه شمال شرقی در
کناره های نهر انادیر کوریاك ساکن میشدند واهل کمشتکا در شبه
جزیره کمشتکا سکنی داشتند وبعد از انکه مسکو باین بلاد داخل
شد بسیاری از اهل روسیا وهندوستان وارمن ویهود ومسلمان

خارطهٔ آسیا

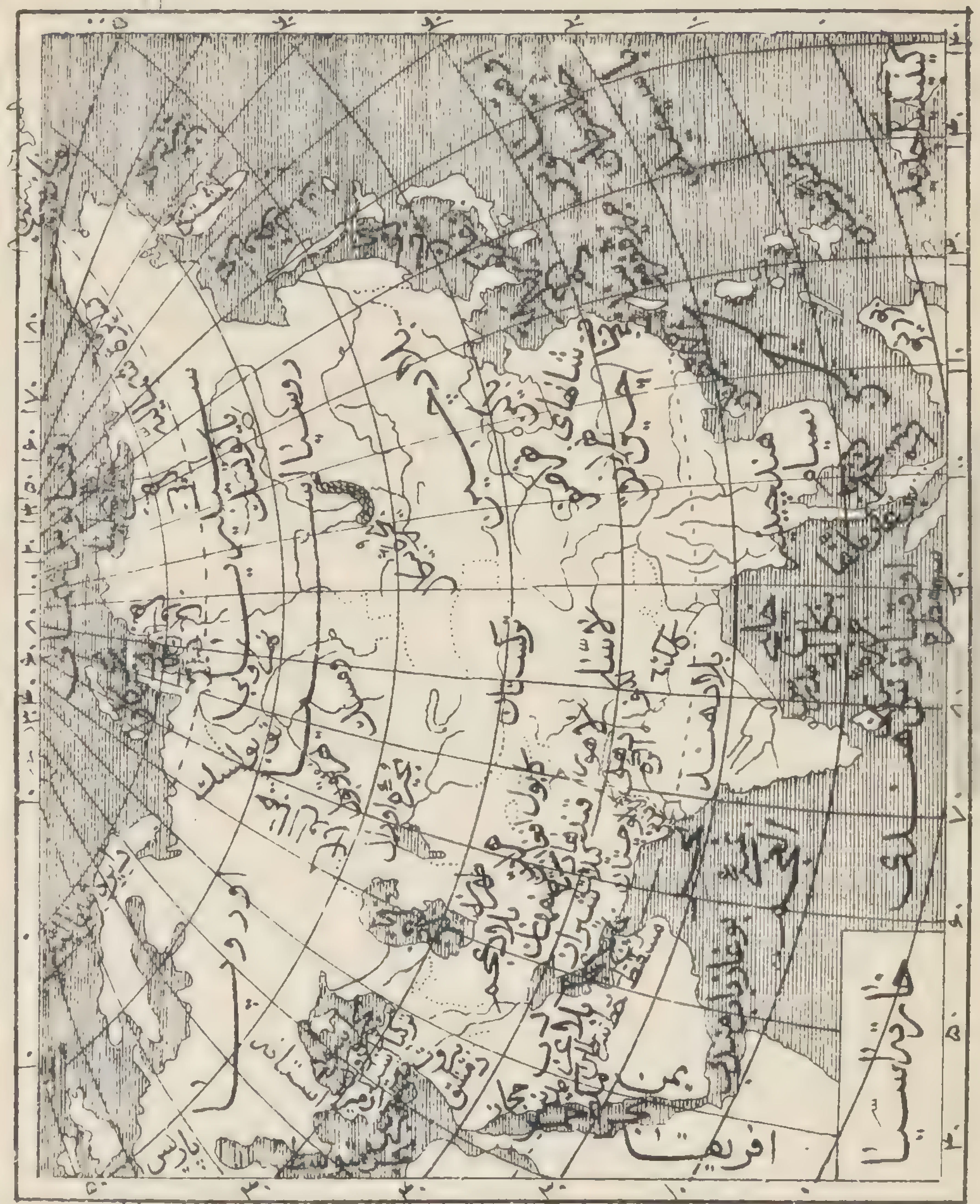

داخل انها شدند وحکم مسکوبی بعضی از اهالی اصلیّه انها را الزام کرد که بدیانت مسیحیّه بمذهب کنیسه شرقیّه متدیّن شوند ولکن بیشتر انها بدیانت خود باقی ماندند وعدد سکّان روسیا در اسیا از غرباء واهالی اصلیّه ان از اینقرار است

اهل روسیا وغرباء	۷۵۸۶۰۰۰
قبائل بلاد کوه قاف	۸۰۸۰۰۰
تتر	۱۸۰۰۰۰
منغول	۳۰۰۰۰۰
مندشور	۸۰۰۰۰
فین	۶۳۰۰۰۰
سمواید	۳۰۰۰۰
کوریاك	۳۴۰۰۰
اهل کمشتکا	۶۰۰۰
مجموع	۸۲۲۴۰۰۰

امّا عدد انها باعتبار مذاهب دینیّه از اینقرار است

نصاری از هر طائفه	۸۲۲۴۰۰۰
مسلمان	۱۶۰۰۰۰
بوذیّه وغیر انها	۱۴۴۰۰۰
مجموع	۱۱۲۶۴۰۰۰

ودر این بلاد سلسله کوههای بسیاری ممتدّ است که از جمله انها

کوههای

کوههای اورال است که میانه سیبیریا وروسیا فاصله است واوّل انها از راس بحر کارا در ۶۸ عرض شمالی است وبعضی گفته اند که اوّل انها از جزیره زمبلای جدید است واین سلسله از جهت جنوب مایل بغرب بمسافت ۱۲۰۰ میل ممتدّ است واز جمله کوههای سیبیریا سلسله ألتائی است که میانه ان وچین واقعست وشعبه های بسیاری از ان بجهت واسط قارّه ممتدّ است که از جمله انها کوههای بیکال است که بحیره بیکال وجبال داور که از جهت شمال شرقی میانه مخرج نهر لینا ونهر عامور ممتدّ است وببوغاز بیرین منتهی میشود احاطه دارد ونهرهای این بلاد از اعظم نهرهای اسیا است واز جمله انها نهر کارا است که از کوههای اورال بیرون میاید وبجهت شمال غربی جاری میگردد ودر بحر کارا ریخته میشود ودیگر نهر اوب است که از کوههای ألتائی در ۴۸ عرض شمالی و۹۶ طول شرقی بیرون میاید وبجهت شمال غربی جاری میگردد ودر خلیج اوبی ریخته میشود وطول ان مقدار ۲۶۰۰ میل است وچند نهر در ان ریخته میشود که اعظم انها نهر ایرتیش است وطول ان مقدار ۲۲۰۰ میل است ودر نزدیکی شهر سمرو فود اخل نهر اوبی میشود واز جمله نهرهای بزرك سیبیریا نهر ینیسی است که مخرج ان از کوههای ألتائی است وبجهت شمال جاری میگردد ودر بحر منجمد شمالی ریخته میشود وطول ان مقدار ۱۹۰۰ میل است ونهرهای بسیاری از شرق وغرب در ان ریخته میشود واز جمله نهرهای این بلاد نهر لینا است که از کوههای ورجلت بیرون میاید ودر بحر منجمد شمالی ریخته میشود وطول ان مقدار ۲۰۰۰ میل است واز جمله نهرهائیکه بجهت شرق جاری میشود نهر انادیر است که از کوههای

استنوفوی بیرون میاید ودر دریای نادیر ریخته میشود ودیگر نهر اوداست که در دریای اوخوتسک ریخته میشود امّا نهر اورال از کوههای اورال بیرون میاید و بجهت غرب جاری میشود پس بجهت جنوب برمیکردد و در بحر خزر ریخته میشود و در هر جهتی از جهات این بلاد بحیرات بسیاریست که اعظم انها بحیره بیکال استکه در قطعهٔ ایرکوتسک است وطول ان ۴۰۰ میل و عرضش میانه ۲۰ و ۵۰ میل ست واب ان شیرین وایستاده است ودر جهت شمالی ان جزیره ایستکه انرا جزیره اولکهون میکویند وطول ان ۴۰ میل وعرضش مقدار ۱۷ میل ست وسکّان ان بفلاحت وتربیت مواشی اعتماد دارند ودر این بحیره چند نهر کوچك که از کوههائیکه محیط بانست بیرون میایند ریخته میشود واز جملهٔ بحیرات سیبیریا بحیرهٔ چانی است که طول ان مقدار ۸۰ میل ست ودر نزدیکی ان بحیرات وبیشه های بسیاری است وجمیع انها در بیابان وسیعی که انرا اسهل برابا میکویند واقعست وطول ان مقدار ۷۰۰ میل و عرضش میانه ۱۶۰ و ۱۹۰ میل ست واین بلاد باعتبار هوا بچهار اقلیم قسمت میشود اوّل اقلیم منجمد که هوای ان بسیار سرد است و ان اراضی ایست که از عرض ۶۷ در جهت شمال واقعست ودر این اقلیم برف روی زمین را میپوشاند ونهرها مقدار نُه ماه بسته است دوّیم اقلیم بارد وان میانه ۶۰ و ۶۷ عرض شمالی واقعست واین برای ان دو فصل است زمستان وتابستان وبغیر از این دو فصل فصلی ندارد سیّم اراضی ایست که میانه ۵۰ و ۶۰ عرض شمالی واقع است وانها هر چهار فصل را دارند چهارم اراضی ایستکه در عرض

۵۰ شمالی واقعست واین اقلیم از اقالیم معتدله است امّا در جهات شرقیّه وشمالیّه از شدّت برودت وفرط رطوبت امراض غدّدیه و هم چنین درد چشم بواسطه تابش افتاب بر برف بسیار است واهل انجا بواسطه دفع این مرض برقع میاندازند واز جملهٔ حیوانات بلاد سیبیریا حمار وحش استکه در نواحی بحر خزر یافت میشود و روباه سیاه وغیر ان از انواع این جنس که در کوههای اورال یافت می شود ودیگر گربهٔ برّی وسمور وسنجاب وخرس سفید است ودر بحر شمالی بعضی از اصناف ماهی ودر کمشتکا کرك دریائی یافت میشود و در این بلاد انواع بسیاری از پرنده کان ابی نیز یافت میشود وامّا زنبور عسل در سیبیریا یافت نمیشود ولکن انواع هوامّ وپشه و انواع ماهی در نهرهای ان بسیار است وامّا اشجار ونباتات سیبیریا از جملهٔ انها بلّوط وصنوبر است که تا حدّ ۶۰ عرض شمالی میروید و حور وصفصاف که در کنارهٔ نهرها میروید ودر جهات متوسطه جنوبیّه حبوب بدون عیب ثمر میرسد وبنا بر انچه که حساب کرده اند سه خمس بلاد سیبیریا اصلاً قابل فلاحت وزراعت نیست وامّا معادن وسنکهای قیمتی وجواهرات این بلاد بسیار است چنانچه زبرجد والماس وبلاتین در کوههای اورال وبلّور ولاجورد در کوههای آلتائی ونفط وطلا ونقره وسنك مغناطیس ومس وزرنیخ وغیر اینها در جاهای بسیاری از انها یافت میشود وامّا حال صنایع سیبیریا چنانچه باید وشاید نیست ولکن بسیاری از الات اهنی وامتعهٔ صوف وکتان در ان بافته میشود وامّا تجارت این بلاد بیشتر از راه بیابان بواسطه قافله هائی استکه مسافتهای بعیده

طی میکنند و سرمایه تجارت انها بیشتر پوست و موی و پیه و چهارپایان است و با اهل چین بقماشهای صوف و معادن و بارود و حبوب و مواشی تجارت میکنند و در عوض حریر و پنبه و تتن و راوند و مشک و غیر اینها از عقاقیر میگیرند و این بلاد بچند قطعه مختلفه قسمت میشود که از جمله انها قطعه توبولسک است و ان در جانب شرقی نهر ایرتیش است و سکان ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و دیگر قطعه تومسک است و اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و دیگر قطعه ایرکوتسک است که در جهت غربی بحیرهٔ بیکال واقعست و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای این قطعه شهر کیاختا ست که محل اجتماع تجار مسکوب و اهل چین است و بعضی از انرا مسکوب و بعض دیگر را اهل چین بنا کرده اند و انرا میماصین نیز میگویند و دیگر قطعه اوخوتسک است و اهل ان مقدار ۱۵۰۰ نفس است و دیگر قطعه شبه جزیره کمشتکا ست و اهالی اصلیه ان تندخو و وحشی اند و بیشتر اعتماد انها بصید حیواناتی استکه در بلاد شان بسیار است و هم چنین ماهیهائی که دریاها از انها پر است و عدد انها بمقدار ۲۷۰۰ نفس میرسد و اما اهل روسیا که انجا متوطن شده اند مقدار ۱۲۰۰ نفس است

قسم دویم از املاک مسکوب در اسیا اراضی ایستکه از جهت شرق میانه کوههای اورال و نهر اورال و بحر خزر و از جنوب میانه بلاد عجم و بلاد ترک در اسیا و بحر اسود و از غرب و شمال میانه بحر اسود و نهر دون و نهر ولکا واقعست و این قسم بچهار قطعه قسمت می شود کاسان و اورنبرج و استرخان و کوه قاف اما قطعه کاسان که

که انرا کازان نیز میگویند در جانب نهر کاما و نهر ولکا واقعست و از جملهٔ شهرهای مشهورهٔ ان کاسان است که میانه ان و نهر ولکا مسافت سه میل است و سکان ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است که ۱۲۰۰۰ نفس از انها تتر است و تجارت ان با بطرسبرج و ارکانکل و استرخان و توبولسک و موسکو و اورنبرج است و سرمایه تجارتش کندم و عسل و شمع و صابون و پوست و اسب است و اما قطعه اورنبرج در زمان قدیم قصبهٔ ان شهر اورنبرج بوده و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و از جملهٔ شهرهای ان اوفا ست که مقدار ۶۰۰۰ نفس در ان ساکن است و ان حال قصبهٔ این قطعه است و اما قطعه استرخان قصبه ان شهر استرخان است و در ان چند کارخانه از برای ساختن قماشهای پنبه و بارود و استخراج نمک و رنک کردن اقمشه موجود است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و سرمایه تجارتش پوست بز و پیه و شراب و کاو و ماهی است و ان مرکز تجارت وسیعی است میانه روسیا و بلاد عجم و بخارا و اما خاکش چندان مرغوب نیست و لکن کندم و تتن و توت بدون عیب در ان ثمر میرسد و میوه هایش مشهی و مقوی است و در کناره های نهرها و جزائر نهر ولکا مرتعهای بسیاری است و اهل این قطعه مقدار ۱۹۰۰۰۰ نفس از اسباط مختلفه مثل روس و ارمن و تتر و کلموک و قزاق و هنود و کرج است و از جملهٔ نهرهای اینقطعه نهر ولکا ست که طول ان مقدار ۲۵۰۰ میل است و کشتیها و زورقها مقدار ۲۰۰۰ میل در ان بالا میروند و دیگر نهر اورال است که طولش مقدار ۴۵۰ میل است و دیگر نهر

فصل هفتم

کوما ست وان نهر کوچکی است واما قطعه کوه قاف هوا وحاصل ان
مختلف است چه که برودت در کوهها شدت دارد وبعضی از انها
مثل البرز که مقدار ۱۴۵۰۰ قدم ارتفاع دارد در مدت سال خالی از
برف نیست اما جهت جنوبیه ووادیها وبیابانها هوای انها معتدل و
جمیع غله های اقالیم معتدله در انها یافت میشود واینقطعه بچند
قسم مختلف تقسیم میشود که از جمله انها بلاد کرج است در جهت
جنوبیه کوه قاف وهوای این بلاد معتدل وخشک است واز جمله
میوه های انها بادام وزردالو وگلابی وانجیر وانار وانکور است و
از جمله معادن انها مس وقلع واهن است واز جمله نهرهای انها نهر کور
ونهر رس است واما اهل انها مقدار ۲۳۸۰۰۰ نفس از طوائف
کرج وارمن واتراک ویهود است واز شهرهای مشهوره این قسم
تفلیس است واهلش بمقدار ۳۰۰۰۰ نفس میرسد ودر زمان
قدیم تفلیس وایروان وقریه های انها تابع قسمی از بلاد عجم بوده و
در سنه ۱۸۲۹ تابع مسکوب گردید واز جمله اقسام این قطعه
قسمی است که انرا ایمریتیا مینامند وحدودان از شمال کوه قاف
واز شرق بلاد کرج واز جنوب بلاد ترک واز غرب بحر اسود است و
این قسم در زمان قدیم جزئی از بلاد خلخیس بوده وحاصلهای ان
مثل کرجستان است واهلان مقدار ۱۴۵۰۰۰ نفس است و
در جهت شمال این قسم قبیله اباسیه اند وایشان صاحب مکر و
حیله وشر وفتنه اند وبا ارمن واتراک بپوست روباه وعسل
وشمع وچوب بقس تجارت میکنند ودیگر از اقسام این قطعه بلاد
جرکس است که در جهت شمالیه جبال کوه قاف است ونهر کوبان

در بلاد مسکوب در اسیا

که در بحر اسود ریخته میشود ونهر ترک ونهر کوما که در بحر خزر
ریخته میشوند در این بلاد جاری میگردند واهل اینقطعه بقبائل
مختلفه منقسم اند وجمیع مقدار ۴۷۰۰۰۰ نفس اند که بظاهر
در تحت حکم مسکوبی وفی الحقیقه اکابرشان برانها حکومت دارند
وایشان بسیار صاحب مکر وحیله وخباثت اند وبیشتر اعتمادشان
باسب وچهارپایان است وبسرقت ونهب وغارت اشتغال دارند
ودیگر از اقسام این قطعه بلاد داغستان است واهل ان مقدار
۲۰۰۰۰۰ نفس از جرکسیه وترکمان وارمن ویهود است واز
جمله نهرهای ان نهر سمور است واز جمله شهرهای ان دربند است
ودیگر بلاد شروان است وحدود انها از جهت شمال داغستان
واز شرق بحر خزر واز جنوب قطعه گیلان واذربایجان واز غرب
کرجستان است وعدد اهل انها از فرس وارمن وترکمان ویهود
مقدار ۱۲۰۰۰۰ نفس است وسرمایه تجارت انها شراب وزعفران
وافیون ونفط وماهی است واز اصول شهرهای این قسم باکو است
وتجارتشان در اشیاء مذکوره بخصوص در نفط وسیع است و
مجوس فرس وهند انرا شهر مقدس میدانند وبواسطه فوارات نفطی که
در انست قصد ان مینمایند واهالی اصلیه این قطعه بحسن وجمال
مشهوراند واز انجا بسیاری از کنیزان وغلامان را میگیرند ودر
بلاد عثمانیه وفارسیه میفروشند قسم سیم از بلاد مسکوب
در اسیا جزائر است واز جمله انها جزائر سیبیریای جدید است که
در بحر شمالی واقعست وکسی در انها ساکن نیست وبعضی از جزیره
های کوچک که در بوغاز بیرین است وسلسله جزائر الوتیان و

جزائر ثعالب که میانه کمشتکا ست وجزائر کوریل که در جهت جنوبیه کمشتکا ستد بمقدار ۲۴ جزیره مشتمل است وبزرکترین انها که جنوبیه انهاست تابع مملکت جاپان است **فصل هشتم** در بلاد ترك وان مملکت عثمانیّه است در اسیا بدانکه املاك وسیعهٔ از دولت عثمانیّه در اسیا واقعست وانها ازجهت شمال ببحر مرمرا وبحر اسود وجزئی از کرجستان واز شرق نیز بجزئی از کرجستان ومملکت عجم واز جنوب بخلیج عجم وبادیهٔ شام وبلاد عرب وبحر روم واز غرب نیز ببحر روم وبحر مرمرا وبوغاز کلیبولی که دردنیل نیز انرا میکویند وبوغاز قسطنطینیّه محدود است ومعظم طول این بلاد مقدار ۱۰۰۰ میل اعتیادی ومعظم عرض انها مقدار ۹۲۰ میل و مساحت انها ۴۰۱۰۰۰ میل مربّع وسکّان انها ۱۴۰۰۰۰۰ نفس است واین مملکت بشش قسم تقسیم میشود **اوّل** اسیای صغری وان برّ اناضول است **دوّیم** ارمینیا وان بلاد ارمن است **سیّم** کردستان وان بلاد اکراد است **چهارم** جزیره که میانه فرات ودجله است **پنجم** عراق عربی که نزد راس خلیج عجم است **ششم** سوریه وفلسطین که انرا برّ شام میکویند **قسم اوّل** اسیای صغری وجزائر تابعه انست واتراك انرا برّ اناضول مینامند وحدوان از جهت شمال بحر مرمرا وبحر اسود است واز غرب بوغاز قسطنطینیّه وبحر مرمرا وبوغازیکه انهارا بیکدیکر وصل میکند واز جنوب بحر روم واز شرق خطّ مفروضی از راس خلیج اسکندرون بجهت شمال شرقی تا جائیکه کوه لکام وکوه کورین که قدماء انرا کوه طوروس یا کوه ثور نامیده اند بیکدیکر میرسند واز انجا بسر اینکوهها تا ثغر انوشروان

بنزدیکی نهر فرات واز انجا بکوههائیکه تالی غربی فرات است تا نزدیکی ۴۰ عرض شمالی و ۴۲ طول شرقی تا اینکه بحدّ بلاد ارمینیای غربی برسد وحدّ شرقی ببحر اسود منتهی کردد وعرب این بلاد را ارض روم نامیده بواسطه انکه تابع قیاصره رومیّه وقسطنطینیّه بوده ودر این ایّام شهرهائیکه در نزدیکی حدّ ما بین املاك مسلمین واملاك روم واقعست ثغور شام وجزیره مینامند واز جمله انها ملطیه وحدث ومرعش وهارونیّه وعین زربه واذنه وطرطوس است وابو اسحق اصطخری درکتاب اقالیم ذکر کرده که در شام ثغوری استکه بعض انها بثغور شام معروف وبعض دیکر بثغور جزیره موصوف وهردو ازشامند بواسطه انکه هرچه ماوراء فراتست ازشام محسوب میشود واتراك این بلاد را بسه قسم تقسیم کرده اند **اوّلا** ناضولی در شمال غربی **دوّیم** قرمان در جنوب شرقی **سیّم** ارض روم در شمال شرقی و همچنین بایالتهای مختلفه نیز تقسیم شده مثل ایالت اناضول وقرمان وسیواس وطرابزون وقونیا ومرعش واذنه ⁂ وبدانکه در بلاد اسیای صغری سلسله کوههای بلندی ممتدّ است که از جمله انها سلسله کوه ایدا استدر جهت شمال غربی که ترکها انرا قره طاغ مینامند ودیکر سلسله کوههای طوروس استکه از جهت شرق در جهات جنوبیّه ممتدّ است ومیانه این سلسله ودریای روم بیابانی فاصله است واین سلسله بکوه لکام که از جنوب در سوریه ممتد است متّصل میشود ودر شمالی این سلسله سلسله دیکری استکه بجسنه طاغ مسمّی است وامّا ارکی طاغ که بمسافت ۱۱۰ میل در جنوبی شهر قیساریّه است بلندترین کوههای اسیای صغری استچه که ارتفاع

فصل هشتم

ان مقدار ١٣١٠٠ قدم است و از دور بمسافت ١٥٠ یا ١٨٠ میل نمایان میشود و امّا کوه اولمبوس که در کتب قدماء مشهور است در نزدیکی شهر برساست و حال انرا اناضولی طاغ مینامند ارتفاعش مقدار ٩١٠٠ قدم است و امّا اراضی که میانه نهر سکاریا و قزل ارمق واقعست بکوهها و شعبه هائیکه به الکس طاغ نامیده میشود مشتمل است و در این نواحی زلزله بسیار واقع میشود چنانچه بعضی ذکر کرده اند که در ایّام طیباریوس قیصر بواسطه زلزله سیزده شهر در آسیای صغری در یکروز خراب شد و از کوههای این بلاد نهرهای بسیاری بدریاهائیکه احاطه بانها دارند سراشیب میکردد و لکن بیشتر انها نهرهای کوچك است و بزرکترین انها بطرف شمال جاری میشود و ان نهر هالیس است که حال بقزل ارمق موسوم است و از دو نهر مجتمع است که یکی از انها شرقی و دیکری جنوبی است که در نزدیکی شهر بستان از حسنه طاغ بیرون میاید و اوّل بطرف غرب در وادی بستان جاری میشود تا اینکه بنهر ایرکلی میرسد پس بجهت شمال بر میکردد امّا مخرج شرقی در شمال شرقی سیواس است و بطرف غرب جاری میشود تا اینکه بجنوبی میرسد و از انجا میان کوهها جاری میشود تا اینکه در ٤١٣٢٥٢ عرض شمالی و ٣٤١١٤٥ طول شرقی در بحر اسود ریخته میشود و طول ان با قطع نظر از اعوجاجش مقدار ٤٠٠ میل است و امّا نهر ایریسا که حال به ییشیل ارمق مسمّی است از نهر هالیس کوچکتر است و از التقاء سه نهر مجتمع است کرد و نهر انها از جنوب نزدیکی شهر اماسیا بیکدیکر میرسند و سیّم در وقت جریان از شرق بنزدیکی شهر شکمه بانها میرسد پس

بجهت شمال مائل بشرق جاری میشود و در نزدیکی شهر سمسون در بحر اسود ریخته میشود و طول ان از مصبّش تا مخرج نهر شرقی که در نزدیکی قره حصار است مقدار ٢٠٠ میل است و امّا مخرج نهر فتسا در کوههائی است که میانه انهائیکه بفرات و بحر اسود جاری میشوند فاصله است و بیشتر جریان ان در جهت شمال غربی بمسافت ١٦٠ میل است و در بحر اسود ریخته میشود و امّا نهر سکاریا مخرجش در اواسط بلاد است و اوّل بجهت شمال غربی جاری میشود و پس از ان بشمال شرقی و در بحر اسود ریخته میشود و طولش مقدار ٢٥٠ میل است و نهرهای کوچك بسیاری بان میرسد و از جانب غربی مراد طاغ نهرهای بسیاری سراشیب میکردد و در بحر روم ریخته میشود و از جانب غربی قره طاغ چند نهر در بحر مرمرا ریخته میشود امّا نهرهائیکه در بحر روم ریخته میشود اعظم انها نهر میاندر است که حال غزه کلی نامیده میشود و دیکر بیوك مندر است که مخرجش در مراد طاغ است و بجنوب غربی جاری میکردد و در نزدیکی ٣٧٢٠ عرض شمالی در بحر روم ریخته میشود و نهرهای کوچك بسیاری از شمال و جنوب بان میرسد امّا نهرهائیکه بجهت جنوب جاری میشود اعظم انها نهر سیحون است که مخرجش در وجه شمالی کوه طوروس است و در بحر روم ریخته میشود و امّا هوای این بلاد خوش و اعتدالش از هوای بلاد اوروپا که در عرض معادل انهاست بیشتر است و این بواسطه انستکه کوهها کرمی هوای تابستان و دریاها سردی هوای زمستان را تلطیف میکنند مکر اینکه در اماکن جنوبیّه حرارت شدّت دارد و در نواحی بحر اسود رطوبت

زیاده است و در اسیای صغری در نزدیکی طوقات و قونیا و کمش
خانه تا جنوبی طرابزون معدنهای مس و نقره یافت میشود ولکن
حال زیاده از ثلث انچه قبل از ان استخراج میکردید استخراج
نمیشود و در جمیع کوههای مجاورهٔ نهر فرات و بحر اسود دلائل
و اثاری بر یافت شدن مس در انها مشهود است و در نزدیکی شهر غربیکیر
معدنهای طلا و نقره یافت میشود و در کتاب حزقیال پیغمبر
مذکور استکه تجارت قوم توبال و مساخ در ظروف مس بوده
و انها در این زمین ساکن بوده اند و دیگر معدنهای اهن که اهالی
انجا فولاد از ان میسازند نیز یافت میشود و در زمان قدیم زبجهٔ
در اناضولی و طلا در لیدیا و بلور در فنطوس و انواع مرمر در جهات
متوسط یافت میشده ولکن بعضی از این معادن در این ایام خالی و
بعضی دیگر بواسطه عدم اعتناء دولت و اهالی بیفائده است و
در زمان قدیم سنگ مغناطیس در لیدیا یافت میشده و این
اسم از مغنیط اخذ شده و انها قومی بودند که در نواحی شهر مغنیسیا
ساکن میشدند و در انجا سنگ لیدیا که سنگ محک است نیز
یافت میشود ⁘ ⁘ ⁘ ⁘ ⁘ و از جمله حاصلهای این بلاد جمیع انواع
حبوب و مصطکی و تمر هندی و رز و پنبه و سرو و صنوبر و نوعی
از بلوط استکه عفص از ان چیده میشود و ان دوائیست قابض
و مجفف که اعضاء سست را محکم میکند و دیگر زردالو و شفتالو
و سیب و درخت بق که از ابوقیصا نیز مینامند و ترکی قره اغاج
میگویند و درخت وشیع و صفصاف و گردو و لیمون و پرتقال و
انار و انواع خربزه و امثال اینهاست و بعضی ذکر کرده اند که

شاخه درخت رز در ان کاهی باندازهٔ غلظت جسم انسان میشود
و در جنگلها و بیشه ها بدرختها بالا میرود و این بلاد با وجود این
که خاکش خوب و اشجار و نباتات و جمیع انواع حبوب در انها یافت
میشود مع ذلک مخروبه و ساکنین انها بالنسبه بوسعت و برکت
و فراوانی نعمت انها کمست و از جمله حیوانات اسیای صغری اسبان
ترکمانیه و گاو و سیاه و گوسفند و بز است و در نواحی شهر انکورا
نوعی از بز یافت میشود که مویش دراز و در نازکی و لطافت شبیه
حریر است و از ان شالهائی بافته میشود که معادل شالهای
کشمیریست و در انجا نیز نوعی از گوسفند یافت میشود که پشمش
خوب و ممتاز است و در هر سال دو مرتبه انرا میبرند و دیگر نوعی
از گربه که جثه اش بزرگ و مویش بسیار نرم است و در کوههای
ان بسیاری از حیوانات و پرندگان بیابانی یافت میشود و
اما تجارت این بلاد از طرف بر و بحر هر دو میشود و لکن بیشتر
تجارت طرف دریا با فرنگیها و رومیهاست و اما طرف خشکی با
ارمن است و بیشتر مرکز ان شهر ازمیر است و سرمایهٔ تجارت
ان حریر و انجیر و موی بز و پشم گوسفند و شتر و پنبه و پوست
بز دباغی شده و عفص و کهربا و لاجورد است و دیگر بعضی از
عقاقیر مثل افیون و مشک و راوند و قنه که بلغت فارسیه
انرا بیرزد میگویند و بعضی از چیزهائیکه بافته میشود مثل طناب
و فرش و از ازمیر تا ایدین در داخل بلاد خط اهن کشیده شده
و بواسطه ان تجارت انها بسیار وسیع است و در شهر برسا
مناسج حریر و در شهر اماسیا مناسج کتان فراهم و مهیاست

واهل اسیای صغری ترك وارمن وروم وترکمان وکرداند وهرگاه بلاد ارمن بان اضافه شود مقدار سه خمس اهلش ارمن وروم اند وارمن زیادتر از روم است وبعمل تجارت مشغول وبمحبت مال ومنال موصوفند واما رومیها بعضی از انها بتجارت امور معاش خود میگذرانند وبالفطرة صاحب مکر وحیله ودروغ وکینه اند وهر وقتکه مرد صالحی درمیانه ایشان ظاهر شد بقتل یا نفی او قیام کردند چنانچه بسقراط حکیم وارستیدس وغیر انها نمودند وایشان خوردن گوشت را در روز جمعه مذموم دانسته وکمال تحاشی از ان دارند واما ترکها بعضی از انها بعمل زراعت وبعضی بحرف وصنائع اشتغال دارند ودر عمل مس وفولاد یدی طولی دارند واما ترکمان قبائل مختلفه اند واز برای هر قبیله شیخ یا امیریستکه بر دیگران استیلا دارد واعتماد انها باسب ومواشی ست وفی الحقیقه اینها ترك اندکه بحالت اصلیّه خود که در نواحی بلاد تتر بوده اند باقی مانده اند ودزدی از ایشان کمتر دیده میشود بخلاف اکراد که مشهورترین خصلت انها سرقت ونهب وغارتست وبیشتر انها در نواحی مرعش وحدود جزیره ساکنند ⁂ ⁂ ⁂ اما شهرهای اسیا صغری از معموریّت سابقه تنزل نموده وجانب عظیمی از ان خراب وویران است چنانچه افسس ولاذقیّه وسردیس وملیطوس که از شهرهای مشهوره بوده اند بغیر از اثار مندرسه چیزی از انها باقی نیست ومشهورترین شهرهای ان در این ایّام شهر ازمیر است که در رأس خلیج ازمیر واقعست ومولد هومیروس شاعر یونانیست ویکی از هفت کنیسهٔ که در سِفرِ رؤیا مذکور است در

این شهر واقعست واینشهر قریب ده مرتبه بواسطه زلزله وجنگ خراب شده وحال ساکنین ان مقدار ۱۱۴۰۰۰ نفس استکه مقدار ۶۵۰۰۰ از انها ترك و ۳۵۰۰۰ روم و ۱۰۰۰۰ ارمن و ۴۰۰۰ نفس فرنك ست وسرمایه تجارت ان حریر وپنبه وپشم وموی بز وطناب وفرش است ودیگر انجیر ومویز وبعضی از عقاقیر وبعضی از جواهرات ودر جنوبی ازمیر شهر افسس قدیم واقعست واز ان سوای بعضی اثار وبعضی پلها که هیکل ارطامیس در روی انها بنا شده چیزی باقی نمانده واما شهر غزل حصار همان شهر مغنیسیای قدیم است وحال محیطش مقدار ۴ میل است وتجارت پنبه وغزل دران وسیع است واثار هیکلی باسم ارطامیس دران باقی مانده وبوستانهایش وسیع وبدرخت سرو وپرتقال مشحون است واما شهر ملیطس قدیم در نزدیکی مصب نهر میندر در جانب جنوبی ان واقعست وحال بغیر از بعضی اثار چیز دیگر از ان باقی نیست ⁂ ⁂ ⁂ ودر جهت شرقی ازمیر بمسافت ۵۰ میل بلده ایستکه انرا سَرت میگویند واین بلد همان سردیس قدیم استکه قصبهٔ مملکت لیدیا بوده واز اثار قدیمه ان که حال باقی مانده معلوم میشود که زمان قدیم بلد عظیمی بوده ودر جهت شمالی سردیس قریهٔ اقحصار واقعست واین همان شهر ثیاتیرهٔ قدیم است وطول ان ۲۷ ۴۲ ۱۵ شرقی وعرضش ۳۹ ۵ ۱۰ شمالیست ودران مقدار ۱۰۰۰ خانه است که مقدار ۳۵۰ از انها روم و ۲۵۰ یا ۳۰۰ ارمن وباقی ترك اند ودر جهت شرقی سردیس قریهٔ الله شهر واقعست واین همان شهر فیلادلفیای

قدیم است و اهلش در عمل صباغت مشهور و معروفند و بواسطهٔ
انکه در یکی از طرق ازمیر واقعست تجارتش کم نیست و در جنوب
شرقی الله شهر شهر لاذقیه قدیم است که حال انرا اسکی حصار می
نامند و در نزدیکی ان شهر دنزلو است که غوطهٔ شبیه بغوطهٔ دمشق
دارد و در سنه ۱۷۱۵ بزلزلهٔ عظیمی که مقدار ۱۲۰۰۰ نفس در ان
هلاک شدند خراب گردید و در این وادی علامات و اثار براکینهٔ
بسیاری است و بواسطه کثرت حدوث زلزله در این اراضی انها را
بلاد محترقه نامیده اند و در جهت شرقیهٔ اسکی حصار بمسافت چند
میل شهر کولوسایس قدیم واقعست و در جهت شمالیهٔ ازمیر شهر
برغما واقعست و این همان شهر برغاموس قدیم است و اهالی ان بمقدار
۱۵۰۰۰ نفس از ترک وارمن و روم و یهود است و در ان جامع
بزرگی است که بعضی گفته اند کنیسه نصارائی است که یوحنا
کاتب و معلم انها بوده و در زمان قدیم کتابخانه در ان بوده که
بمقدار ۲۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل بوده و بحسب انچه مشهور و
معروف است جالینوس حکیم در این شهر تولد یافته و اما شهر برسا
طولش مقدار ۲۷ْ ۸ ۵ ۲۶ شرقی و عرضش مقدار ۲ْ ۲۷ ۴۰ْ
شمالیست و در طرف جنوبی شرقی وادی یا بقعهٔ واقعست که
طولش مقدار ۲۰ میل و عرضش مقدار ۴ میل است و بناهای
اینشهر از چوب است و از این جهت غالبا اتش میگیرد و بازارهای
ان تنک و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰ و بعضی ۶۰۰۰۰ نفس ذکر کرده اند
و در زمان سابق پای تخت سلاطین عثمانیه بوده و در ان کار
خانه های بسیاری است که قماشهای حریر در انها بافته میشود

واما شهر نیقیای قدیم که حال انرا ازنیک مینامند در طرف شرقی
بحیرهٔ که متصل بخلیج جنوبی بحر مرمراست واقعست و از سنگهای
شهر قدیم بنا شده و قابل ذکر نیست و در طرف شرقی خلیج دیگری
که از بحر مرمرا ممتد است شهر نیکومیدیای قدیم واقعست که حال
انرا ازنکمید مینامند و قسطنطین ملک در ان وفات یافته و بر
مقدار ۷۰۰۰ خانه مشتمل است و در جهت شمال غربی ان شهر
خلکیدون قدیم واقعست و حال در ان غیر از بوستانها و درخت
رز چیزی نیست و اما شهر اسکودار که متجه قسطنطنیه است
اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و قافله هائیکه از داخل بلاد
میایند و بقسطنطنیه میروند از ان عبور میکنند و اما شهرهائی
که در ریف بحر اسود واقعست از جمله انها شهر سمسون است که
در ۳۶ ۸ طول شرقی و ۳ ۴۲ عرض شمالیست و اهلش مقدار ۳۸
نفس است و دیگر شهر طرابزون است که اهلش مقدار ۲۵۰۰۰
نفس است و انرا ادریانوس ملک بنا کرده و سلطان سلیم اول
مدتی در ان اقامت داشته و از جمله شهرهائیکه در ریف بحر روم
یا نزدیکی ان در جنوبی بلاد واقعست شهر اذنه است و بوستانهای
وسیعهٔ که از جمله اشجار انها رز و توت و زردالو و انجیر و زیتون
است احاطه بان دارد و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و
ابوالفداء ذکر کرده که احمد کاتب گفته که این شهر از بناهای رشید
است که طرطوس را نیز بنا کرده و شاید که مقصود احمد از بناء
اصلاح و تعمیر باشد چه که انها پیش از زمان رشید بنا شده اند
و یاقوت در مشترک ذکر کرده که اذنه شهر مشهوری است و

از جمله ثغور بوده و ابن حوقل گفته که اذنه شهری است که در غربی
نهر سیحان واقعست و در روی این نهر پل طولانی کشیده شده
که بنای ان عجیب است و اذنه بمسافت دوازده میل از مصیصه
واقع است و میان ان و طرطوس ۱۸ میل است انتهی کلام ابی الفدا
امّا طرطوس در زمان قدیم قصبه کیلیکیا بوده و پولس رسول در
ان تولد یافته و ساکنین حالیّه ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و مترمّا
تجارت ان گندم و جو و پنبه و مس است و ابو الفداء ذکر کرده که *
طرطوس شهری مشهور و ثغری از ناحیهٔ بلاد روم است که در
کنار دریای شامی واقعست و زمین ان بسیار خوب و مرغوب است
انتهی و این شهر در ردائت و بدی اب و هوا شبیه باسکندرونه
است و دیگر از شهرهای جنوبیّه ادالیه است که در ۳۰ ۴۵
طول شرقی و ۵۰ ۳۶ عرض شمالیست و اهلش مقدار ۸۰۰۰
نفس است و در رأس خلیج ادالیه واقعست و شهر مقری در راس
خلیج مقری در نزدیکی ان واقعست و خرابه و ویرانست و از
انجا چوب بمصر و نمک و مواشی و چوب بجزیره رودس میرود و خلیج
مرمریس محاذی جزیره رودس است و بندر امینی است از برای
کشتیها و محیطش مقدار ۲۰ میل است و از جمله شهرهائی که در
داخل بلاد واقعست کوتاهیه است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰
نفس است و ان مقرّ والی یالت ناضولیست و در جانب غربی
نهر کوچکی که بجهت شمال شرقی جاری میشود و در بحر سکاریا
ریخته میشود واقعست و در جهت شمال شرقی ان شهر اسکی
شهر واقعست و در شمال غربی اسکی شهر شهر شغوت بنزدیکی

شط نهر سکاریا واقعست و در جهت جنوبیّه کوتاهیه که مائل
بشرق است شهر قره افیون حصار است و بواسطه انکه تجارتش
در افیون است باین اسم مسمی شده و دران مقدار ۱۲۰۰۰ خانه
است و هر سال مقدار ۱۰۰۰۰ اقّه افیون دران فروخته میشود
و طول این شهر ۵ ۳۲ ۱۳ شرقی و عرضش ۳ ۳۸ شمالیست و
بمسافت ۱۴۰ میل از ازمیر و ۱۰۴ میل از انکوره واقعست و
بیشتر فرشهائیکه در ازمیر فروخته میشود در بلادیکه میانه
ان و افیون قره حصار واقعست ساخته میشود و امّا شهر قونیا
بار و ئی که طولش مقدار سه میل است بان احاطه دارد و نزدیکی
ان بوستانهای وسیعی است که انواع میوه ها در انها یافت می
شود و از نهرهای کوچکی که از کوههای ناحیه غرب جاری میشود
و در بحیرهٔ از ناحیهٔ شمال شرقی ریخته میشود سیراب میکردند
و این بحیره در فصل زمستان مسافت زیادی از بیابانهائی
که مجاور انست فرو میگیرد و از جمله حاصلهای ان گندم و پنبه
و کتان است و در اینشهر طناب و فرشها بافته میشود و دیگر
پوستهائیکه برنگ کبود و زرد دبّاغی شده از انجا میگیرند و
اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و در سمت جنوب شرقی قونیا
بمسافت ۵۰ میل شهر قرمان واقعست و در زمان قدیم محلّ
اقامت سلطان مملکت قرمان بوده که سابق ذکر شد و امّا شهر
انقره که انرا انکوریه نیز میگویند عرضش ۳۹ ۳۱ شمالی و طولش
۳۲ ۴۲ ۱۴ شرقیست و در بیابانیکه از مساوات سطح دریا
بسیار مرتفعست واقع شده و دران قلعه بزرگی است و از اثار

شهر قدیم خرابه های هیکل جوبتیر و هیکل دیکری باقی است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس از مسلمان و ۵۰۰۰ از نصاری و ۲۰۰۰ از یهود است و هر سال مقدار ۵۰۰۰ اقه پشم و مقدار زیادی مصطکی و صمغ و شمع و عسل و پوست بز از انجا ببلاد دیکر میرود و از جمله شهرهای اسیای صغری شهر اماسیا است در طول شرقی ۳۴۱۲ و عرض شمالی ۴۰.۲۰ و در وادی که در دو طرف نهر ایرساست واقعست و بوستانهای بسیاری دارد که بادلو انهارا اب میدهند و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و بیشتر انها نصاری هستند و استرابون مشهور که در جغرافیا صاحب مؤلفات کثیره است در ان تولد یافته و از جمله شهرهای ان توقات است در عرض ۳۹۵۵ شمالی و طول ۳۶۳۲ شرقی و بمسافت ۱۸ ساعت از اماسیا در جهت جنوب شرقی واقعست و تجارت برّیه ان وسیع است و سرمایه اش مسینه الات و اقمشه حریر و پوستهای بز است که برنک کبود دباغی شده و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و از امهات شهرهای اسیای صغری سیواس است که در جهت جنوبی توقات بمسافت ۴۰ میل در نزدیکی یکی از منحنیهای نهر قزل ارمق واقعست و اهلش به تربیت اسب اعتماد دارند امّا شهر قیساریّه در جهت جنوب غربی سیواس بمسافت سیر ۳۶ ساعت واقعست و اهلش مقدار ۲۵۰۰۰ نفس است که ۵۰۰ از انها ارمن و ۳۰۰ روم و ۱۵۰ یهود و مابقی ترک است و این شهر مرکز تجارت وسیعی است بخصوص در پنبه و انچه از ان بافته میشود و امّا شهر ملطیه در

نزدیکی

نزدیکی فرات و مصب نهر قره صو واقعست و اهلش مقدار ۱۱۰۰۰ نفس است که ۸۰۰۰ از انها اسلام و ۳۰۰۰ ارمن است و در زمان قدیم از شهرهای مشهوره بوده و لکن حال از عظمت قبل بسیار تنزل کرده و ابوالفداء ذکر کرده که ان شهر بیست صاحب اشجار و میوه ها و نهرها و در نزدیکی کختا و کرکر و شمالی زبطره واقعست و مسافت میانه ان و کختا و کرکر دو منزل و میانه ان و زبطره منزل بزرکیست و از برای ملطیه قناتهای بسیاری است که داخل ان میشود و در خانه ها و کوچه ها میکردد و کوههای بعیده بان احاطه دارد انتهی و ابواسحق اصطخری ذکر کرده که ملطیه شهری بزرک و از بزرکترین ثغور و ستور است و کوههای بسیاری که کردو و سایر میوه های انها فراوان و بی صاحب است بان احاطه دارد انتهی و ظاهر انست که موقع حالیّه ان غیر از موقع قدیمی است و در جنوب ملطیه شهر سمیساط و در غربی سمیساط شهر مرعش و در جنوب غربی مرعش عین زربه واقع است و جمیع اینها از جملهٔ ثغور و ستور اند و بعضی انها را از شام و بعضی از اسیای صغری شمرده اند و لکن بحسب حدیکه در اوّل این فصل ذکر شد از اسیای صغری محسوب میشوند و از این جهة در این قسم ذکر شد ⁂ ⁂ ⁂ امّا جزائر تابعهٔ این قسم از املاک عثمانیّه در اسیا جزیرهٔ مرمرا و جزیرهٔ ارتاکوی و غیر اینها است که در بحر مرمرا واقع است و دیکر جزیره تیندوس است که در نزدیکی مدخل بوغاز دردنیل است و بواسطه انکه در اشعار هومیروس یونانی و فرجیلیوس رومانی ذکر شده مشهور و معروفست

وایشان انرا بغنی و برکت وفراوانی نعمت وصف کرده اند ودیکر
جزیره متلینواست که انرا لسبوس نیز میکویند واز زمان قدیم به
خوبی شراب وحسن زنان وخوش اوازی مغنّیان مشهور وتا
حال هم بهمین منوال باقی است وهوایش بسیار خوبست بقسمی که
کویا تمام سال فصل بهاراست ودران درخت رز وزیتون و
مصطکی ودیکر انواع میوه ها بسیار است وزمینش بچشمه ها و
جویهای بسیاری که از کوهها سراشیب میشود سیراب میکردد
وطول این جزیره مقدار ۳۶ میل از میلهای جغرافیّه است و
عرضش مقدار ۲۵ میل ومحیطش مقدار ۱۰۰ میل واهلش مقدار
۴۰۰۰۰ نفس است ودیکر جزیره شیواست که بواسطه زیادتی
مصطکی انرا جزیره مصطکی نیز میکویند ودران انواع میوه ها یافت
میشود ودیکر جزیره ساموس است که مولد فیثاغورس فیلسوف
معروف است وبمسافت ۴۲ میل درجنوب شرقی شیو واقع
است وطولش مقدار ۲۶ میل وعرضش مقدار ۱۲ میل و
محیطش ۷۰ میل است ودران دوسلسله کوهست که ارتفاع
بعض انها بمقدار ۴۷۵۲ قدم میرسد واز جمله حاصلهای ان
حبوب وانکور وانجیر وانواع خربزه وانار وامثال اینهاست و
اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است ودرجهت غربی ان جزیرهٔ
نیکاریاست واهلش فقیر وبی بضاعت وصاحب کبر ونخوت و
خودشانرا از سلاله قسطنطین ملك میدانند واز ان دودمان
میشمارند ومثل معروف که میکویند از استر سئوال کردند که
پدر تو کیست جواب داد که حصان خالوی من است درحق انها

صادق است وعدد انها مقدار ۳۰۰۰ نفس است ودیکر جزیره
ستانکیواست که مولد بقراط طبیب مشهور است ودیکر جزیره
بطمس است وان جزیره ایست که یوحنّای رسول را بان نفی کردند
وکتاب رؤیا را درانجا نوشت ودیکر جزیره کرید است که انرا
قریطش نیز میکویند وطول ان مقدار ۱۷۲ میل وعرضش مقدار
۲۵ میل ومحیطش ۵۰۰ میل است ومیوه وچوب وسائر
حاصلهای ان بخصوص زیتون بسیار است واز جمله شهرهای ان
کانیاست که درجهت شمال غربی واقعست واهلش مقدار
۱۵۰۰۰ نفس است ودیکر جزیره کندیاست که درجهت شمالیّه
واقعست واهلش مطابق کانیاست ودر زمان قدیم قومی از عرب
داخل ان شدند که تاهنوز در نواحی کوه ایدا باقی اند وبلغت
عربیّه تکلم میکنند وبیشتر اهل این جزیره ترك وروم ومردمانی
جاهل ونادانند ودیکر جزیره رودس است که طولش مقدار ۴۰
میل وعرضش مقدار ۱۵ میل ومحیطش مقدار ۱۲۰ میل است
وهوایش خوش ومعتدل وخاکش خوب ومرغوب ودر زمان قدیم
حاصلهای ان بسیار بوده وحال که بسیاری از لوازم معیشت محتاج
بخارج است ولکن شراب وبعضی میوه ها دران یافت میشود
ونشیمن ان شهر رودس است که درجهت شمال شرقی واقعست
واهلش مقدار ۵۰۰۰ نفس از ترك و ۱۰۰۰ نفس از یهود است
ودیکر جزیره قبرس است که از حیثیّت وسعت سیّمی جزائر بحر
متوسّطست وطولش مقدار ۱۴۰ میل ومعظم عرضش ۶۰ میل
است وساکنین حالیّه ان مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است واز جمله

شهرهای ان نیقوسیه یا فقسیه است وان در اواسط جزیره
در بیابانیکه کوهها بان احاطه دارد واقعست وزمان قدیم مقر
ملوك قبرس بوده ودیکر شهر لارنیکه است که در جنوب شرقی
واقعست ومقر قونسولهای دول خارجه است واز جمله حاصلهای
قبرس توت وزیتون وسرو وصنوبر واس وشقائق نعمان وترنجبین
وخشخاش وانواع بسیاری از میوه ها وحبوب وپنبه است و
شرابش مشهور ومعروف وحریرش خوب وبسیاری از حیوانات
وطیور اهلیّه وچند نوع از طیور برّیه واز حیوانات برّیه روباه و
خرکوش دران یافت میشود ومارش بسیار است وزهر بعضی
از انها مهلك است **قسم دوّیم** از املاك عثمانیّه در اسیا
ارمینیه یعنی بلاد ارمن است وان از جهت شمال ببحر اسود
وکرجستان واز شرق بکرجستان وجزئی از بلاد عجم واز جنوب
بکردستان وجزیره واز غرب باسیای صغری محدود است
اما مملکت ارمینیه قدیمه وسعتش از مملکت حالیّه زیاده تر بوده
ولکن قبل از تاریخ مسیحی بمدّت کمی جانبی از ان بمملکت رومانیّه
اضافه شد وبعد از ان استقلال یافت وباستقلال خود باقی
بود تا اینکه ترکها انرا مالك شدند پس جزئی از ان ببلاد عجم اضافه
شد وکوههای بلند بسیاری دران ممتد است چنانچه میانه
شهر ارزروم وطرابزون پنج سلسله بمحاذات یکدیکر ممتد است
ودر جهت شرقی ان کوه ارارط است که کشتی نوح بان قرار کرفته
وان فی الحقیقه دو کوه است که یکی از انها بزرکتر از دیکری است امّا
انکه بزرکتر است ارتفاعش مقدار ۱۷۳۰۰ قدم است وسرش

در ۳۹ ۴۲ عرض شمالی و ۴۴ ۱۵ طول شرقی است واما کوچکتر
ارتفاعش مقدار ۱۴۵۰۰ قدم است ودر ۳۹ ۳۹ عرض شمالی
و ۴۴ ۲۲ طول شرقی در جهت جنوب شرقی کوه بزرکتر واقعست و
میانه انها وادی عریض وسیعی است وبعضی از سیّاحها بعسرت
ومشقت بالای ان رفته وابواسحق اصطخری این دو کوه را تابع
بلاد اذربایجان قرار داده وانها را حرث وحُویرث نامیده
چنانچه کفته که در ارمینیه کوههای بسیاری ممتد است که از
جمله انها کوه بزرکی است که انرا حرث مینامند وبالا رفتن بان
بسیار مشکل است وهیچ وقت خالی از برف نیست وپائین ان
کوه کوچکتری است که حویرث نامیده میشود انتهی وکوه بزرکتر
بمسافت بسیاری از دور دیده میشود ودر سفح شمالی ان
بیشه های وسیعی است که خنزیرهای برّی وطیور دران مسکن
میکیرند ودران مغاره های بسیاری است که مأوای دزدهای
اکراد است واز جمله نهرهای این بلاد فرات است وان از دو نهر
مجتمع است که مخرج یکی از انها نزدیك شهر ارزروم است وقره
صو نامیده میشود ومخرج دیکری در کوههای جنوب غربی ارارط
است ومراد صو نامیده میشود وبجهت جنوب غربی جاری می
کردد ونزدیك شهر کبان بیکدیکر میرسند واز انجا بجنوب شهر
درین جاری میشوند واز انجا نهر بجهت جنوب بر میکردد و
تا نزدیکی ملطیه میرود ومیانه جزیره واسیای صغری فاصله می
شود ودیکر نهر رس است که از کوههای شمالی ارزروم بیرون می
اید وبجهت شرق جاری میشود ودر بلاد کرجستان میکذرد

وذکران پیش کذشت واز جمله بحیرات ان بحیرهٔ وان استکه در حدود ارمینیه وکردستانست وانرا بحیرهٔ ارجیش نیز مینامند و طولش مقدار ۳۰ میل وعرضش میانه ۹ میل و ۱۲ میل است و دیکر بحیره نزولک استکه در شمالی بحیره وان است ومیانه انها سلسله کوههای بلندیست امّا هوای این بلاد سرد وبعض کوههای انها در ایّام سال خالی از برف نمیماند مکر کاهی در ماه حزیران وتموزکه برفان زایل میشود ولکن در ناحیه حدود دجزیره هوا معتدل ومرتعهایش خوب ومواشی لبسیار وحبوب وکردو وسیب ان فراوانست ودر شطهای فرات درخت رز وزیتون یافت میشود واز جمله معدنهای انها اهن ومس است امّا سکان ارمینیه ارمن وترک وترکمان وکرد است وساکنین اصلیّان ارمن اندکه در سال ۴ دین مسیحی را قبول کردند واز جمله شهرهای ارمینیه ارزروم استکه انرا ارزن روم نیز میکویند ودران بیابان وسیعی استکه از مساوات دریا بمقدار ۵۷۰ قدم مرتفع است واهلش مقدار ۳۵۰۰۰ نفس است وابو الفدا ذکر کرده که این همان شهریست که در بعضی ازکتب عربیّه انرا قالی قلا نامیده اند ودیکر شهر ایازیداست که نزدیک کوه ارارط درجهت شمال غربی حدود بلاد عجم بمسافت ده میل واقعست و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر موش استکه درجهت جنوبیّه قره صو واقعست وشهر وان که درجهت شرقیّه وان است

قسم سیّم از املاک عثمانیّه در اسیا کردستان است وان از جهت شمال بارمینیه واز شرق بسلسله کوههائیکه

میانه ان وبلاد عجم فاصله میشوند واز جنوب بنهر زاب اصغر و از غرب بنهر دجله محدود است وبیشتر اهل ان اکراد ونساطره اند وبیشتر نساطره در کوههای شمال شرقی موصل تا حدّ بحیرهٔ ارومیه که در بلاد عجم است ساکنند ودر چند سال اکراد بانها هجوم اوردند وجماعت بسیاری از انها را کشتند واسیر کردند وایشان قبائل متفرّقه بودند که اکابرشان بر انها حکومت داشتند وبعد از ان که نساطره را مخذول ومنکوب کردند دولت عثمانی سپاه خود را فرستاد وبر انها ظفر یافت وجمیع را در تحت اطاعت خود اورد واز جمله نهرهای این بلاد خابور است که از کوههائیکه میانه شهر تبلیس وبحیرهٔ وان واقعست بیرون میاید وبجنوب غربی جاری میشود واز تبلیس وسعرت میکذرد ودر نهر دجله بمسافت ۵۱ میل از شهر زاخو ریخته میشود ودیکر نهر زاب اعلی استکه از کوههای حدّ اذربایجان بیرون میاید وبجهت جنوب جاری میشود ونزدیک موضعی که انرا سن میکویند در دجله ریخته میشود و بواسطه حدّت وشدّت جریانش انرا زاب مجنون نیز مینامند وامّا خاک این بلاد خوب ومرغوب وانواع حبوب ومیوه ها در انها بثمر میرسد وبیشتر کوههای انها بدرخت بلوط که عفص از ان چیده میشود مکتسی است وفقراء اکراد از این بلوط بجهة خود نانی طبخ میکنند ودیکر از شهرهای کردستان تبلیس یا بدلیس است که در غربی بحیرهٔ وان نزدیک محلّ التقاء دو نهر که نهر خابور از انها مجتمع است واقعست وان از شهرهای قدیم ومقرّ امراء اکراد بوده واهالی ان مقدار ۱۲۰۰۰ نفس استکه نصف انها ارمن اند

واین شهر در ۴۲ ۵۰ طول شرقی و ۳۷ ۳۰ عرض شمالی واقع
است ومیان ان وبحیرهٔ وان مسافت ۲۰ میل است ودیگر
شهر سعرت است که بمسافت ۵۴ میل در جنوب غربی تبلیس
در بیابانی که از نهر خابور سیراب میشود واقعست واهلش به
مقدار ۳۰۰۰ نفس از اکراد وارمن ویعقوبیه ونساطره میرسد
وعرضش ۳۸ شمالی وطولش ۴۲ ۴۰ شرقی است ودر نزدیکی
ان درخت انار وانجیر وزر زبسیار است وتمام انها از اب باران
سیراب میشوند ودیگر شهر زاکو است که بمسافت ۱۵ میل از
مصبّ خابور در دجله واقع است وزمینهای اطراف ان خصیب
ومیوه های انها بسیار است ودیگر شهر عمادیه است که به
مسافت ۳ منزل در شمال شرقی موصل واقعست ودران قلعه ایست
که اب جاری از زیران میگذرد وبیشتر ساکنین حالیهٔ ان
یهود ونساطره اند ودر عرض شمالی ۳۷ ۲۹ واقعست و
ارتفاعش از مساوات دریا مقدار ۴۲۶۵ قدم است وبیشتر
خانه هایش منهدم وبازارهایش مخروبه است ودر شمال شرقی
ان در یکی از وادیهائیکه داخل وادی زاب اکبر است شهر جاد
واقعست که انرا جولامرك میگویند ومقرّ بطریك نساطره است

قسم چهارم از املاك عثمانیه در اسیا جزیره است بدان
که اراضی واقعه میان فرات ودجله بدو قسم منقسم است یکی
جنوبی که عراق عرب نامیده میشود ودیگری شمالی والجزیره است
که از جهت شمال بارمینیه واز شرق بکردستان واز جنوب
بعراق عرب واز غرب باسیای صغری وسوریا وبادیهٔ شام

محدود

محدود است ودر توریة ما بین النهرین نامیده شده وبعضی ذکر
کرده اند که بواسطه انکه قبیله ربیعه وبکر ومُضر از یمن رحلت کردند
ودر شمالی ما بین النهرین ساکن شدند این نواحی را دیار بکر و
ربیعه ومضر میگفتند واز جمله نهرهای این قسم فرات ودجله و
خابور است واین غیر از نهر خابوریست که سابقا ذکر شد ومخرج
ان نزدیك موضعی است که انرا راس عین وعین ورده نیز میگویند
ونزدیکی شهر قرقیسا در فرات ریخته میشود ودر دو جانب ان
درختهای بسیاریست وشعر خارجیّه در مرثیه ابن طریف که گفته
ایا شجر الخابور ما لك مورقا کانك لم تجزع علی ابن طریف اشاره
بانست یعنی ای درخت خابور چرا برکهای تو نریخته کویا در مصیبت
ابن طریف جزع وناله نکرده امّا خاك این بلاد بخصوص اراضی که
نزدیك نهرها ست خوب ومرغوب ست ولکن هوای انها بواسطه
وزیدن باد سموم خوب نیست ودر بیابانهای انها شیر ونوعی
از درنده کان که در غیر انها معهود نیست وحمار وحشی واهو
یافت میشود واشجار انها سرو وصفصاف وپرتقال ولیمو وتوت
وتمرهندی است واهل انها اکراد ویعاقبه ونساطره وارمن واتراك
ویزیدیّه وعرب است اما شهرهای جزیره از جمله انها سروج است
که ابو زید سروجی منسوب بان است ودر زمان قدیم اب وبوستانها
ومیوه های ان بسیار بوده ولکن حال قابل ذکر نیست وبنهایت درجه
انحطاط یافته ودیگر شهر ماردین است که اهلش مقدار ۱۱۰۰۰
نفس از نصاری واسلام وافتاب پرست واتش پرست است
ودیگر از شهرهای ان رحبه است که در غربی فرات نزدیك موقع

رحبه مالک بن طوق که از قوادهای هرون الرشید بوده واقعست
و رحبه جدید در یک فرسخی فرات است و از دیار بکر محسوب می
شود و دیگر شهر قرقیسا ست که از دیار مُضر شمرده میشود اما
شهر داره در اصل کوه ماردین واقعست و در نزدیکی ان قبرهای
بسیاریست که روی بعضی از انها بخط یونانی نوشته شده و بواسطه
انکه نزدیک بمحو شدن است خوانده نمیشود و مواضعیکه باین
اسم موسوم است بسیار است چنانچه یاقوت در مشترک زیاده
از ۴۰ از انها ذکر کرده و فیروزابادی در قاموس زیاده از ۱۰
از انها تعداد نموده و شیخ ابو حسین احمد بن فارس در خصوص
جاهائیکه باین اسم معروف است کتابی تالیف کرده و انرا نیز داره
نامیده است و دیگر شهر دیاربکر است که از سنگهای سیاه
بنا شده و از این جهة ترکها انرا قره امید مینامند و محیطش مقدار
سه میل است و دران قلعه ایست که مشرف بدجله است و اهلش
ارمن و اتراک و یعقوبیه و نساطره است و قماشهای حریر و پنبه
دران بافته میشود و دجله از نهر کوچکی است که بدون جسر در
وقتی که اب باران جمع نشده باشد ازان میگذرند و طول این شهر
۳۹.۵۲ شرقی و عرضش ۳۷۵۵ شمالی است و بمسافت ۱۸
ساعت از ماردین واقعست. و دیگر شهر نصیبین است که در
جنوب شرقی داره بمسافت ۱۸ میل واقعست و ابو اسحق اصطخری ذکر
کرده که ان شهریست عظیم و وسیع و خصیب و با خیر و برکت و
لکن عقربهای موذی و مهلک دارد و وبا و بسیاری از امراض
دران حادث میشود و گُل انرا بافاق میبرند انتهی و این شهرا

دیار ربیعه است و مختص بگل سفید است و گل سرخ دران یافت
نمیشود و دیگر شهر موصل است که در جانب غربی دجله واقع است
و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و در جانب شرقی دجله موقع
شهر نینوا است که یونان رسول را خداوند بان مبعوث نمود و
دیگر جزیره ابن عمر است و ان شهر کوچکی است در غربی دجله و
یاقوت در مشترک ذکر کرده که طائفهٔ بزرگی از اهل علم بان منسوبند
که از جمله انها بنی اثیر اند که مبارک صاحب کتاب جامع الاصول
فی احادیث الرسول و نصر الله صاحب انشاء و بلاغت و علی صاحب
تاریخ است و بواسطه نسبت انها باین جزیره هر یکرا جزری می
گویند و دیگر شهر عانه است که شرابش بخوبی موصوف است و
دیگر بوازیج است که میانه اربل و تکریت است و بعضی از علما
بان منسوبند و دیگر سن است که نزدیک مصب زاب صغیر واقع
است و دیگر تکریت است و ان اخر شهرهای جزیره است که تالی
عراق است و در غربی دجله بمسافت ۴ روز از موصل واقعست
و در جنوب ان تُرعه ایست که نهر اسحاقی نامیده میشود و این شهر
اول حد سواد عراق است و دران قلعه بوده که شاپور پسر اردشیر
ابن بابک انرا بنا کرده و حال خراب و ویران است **قسم پنجم**
از املاک عثمانیه در اسیا عراق است و ان از جهت شمال بجزیره
و کردستان و از شرق ببلاد عجم و از جنوب ببادیه و خلیج عجم
که بحر فارس نیز نامیده میشود و از غرب ببادیه محدود است
و دران چند تُرعه و نهرهای فرات و دجله است که بیابانها و
جاهائیکه محل سیل است از انها سیراب میشود و از جمله انها

نهر عیسی استکه منسوب بعیسی بن عبد الله عباسی است وان از نهر فرات بیرون میاید ودر دجله ریخته میشود ودیگر نهر صرصر استدر جنوبی نهر عیسی ونهر مالکه در جنوبی نهر صرصر وجمیع اینها در دجله ریخته میشوند واز جمله شهرهای عراق بغداد استکه انرا شهر سلام نیز میکویند ودر عرض شمالی ۳۰ ۹ ۲۰ ۱ ۳ ۳ وطول شرقی ۵ ۴ ۵ ۴ ۴ ۴ دردو جانب دجله واقعست وبعضی کفته اندکه جانب غربی کرخ نامیده میشود وان جائی استکه ابن زریق بغدادی اشاره بان کرده استودع الله فی بغداد لی قمرا * بالکرخ من فلك الازرار مطلعه وابی جعفر منصور دران ساکن بوده وبعد ازانکه بغداد بنا شد ملقب بزوراء کردید چنانچه شیخ عمر ابن فارض کفته ارج النسیم سری من الزوراء سحرا فاحیا میت الاحیاء ویاقوت در مشترك کفته که زوراء اسم دجله بغداد است بمناسبت میل وعروج ان وجانب شرقی انرا هرون رشید رصافه نامیده است ودران قصرها از برای خود بنا کرده بود و درانوقت رصافه بهجت عظیمی داشت وتا انقراض دولت بنی عباس بهمین حالت باقی بود وپس ازان از عظمت قدیمه انحطاط یافت و بنای این شهر از خزفی استکه معروف بقرمید است واهل ان در فصل تابستان از شدت کرمی هوا روزها در سردابها وشبها بالای بامها میخوابند واز عمارات وقصرهای خلفاء بقیه باقی مانده واهل ان مقدار . . . . ء نفس است واین شهر معدن علماء وشعراء وفقهاء ومشاهیر در هر علم وفنی بوده واز متاخرین انها که عهدش نزدیکتر از همه است شیخ عبد الباقی افندی عمری استکه در

ملح داود پاشا وزیر بغداد قصیده نظم کرده که در قوافی ان لفظ خال را ملتزم شده ومطلع ان اینست الی الروم اصبو کلما اومض الخال فاسکب دمعا دون تسکابه الخال واز جمله انها شیخ عبد الحمید موصلی وشیخ صالح تمیمی است اما تجارت بغداد بیشتر در چیزهائیست که از هند وبنکاله وارد ان میشود واهلش عرب وفارس وترك وهنود است واز جمله شهرهای عراق هیت استکه در غربی فرات واقعست ودیکر حله استکه شیخ صفی الدین بن سرایای حلی صاحب دیوان مشهور ومحبوکات الارتقیه منسوب بانست اما شهر کوفه سعد بن ابی وقاص که از جمله صحابه حضرت رسول صلعم بود در زمان خلافت عمر بن خطاب انرا بنا کرد وجماعتی از نحویین منسوب بانند واهلش در عربیت محل وثوق واعتماد بوده اند واحمد بن حسین که معروف بمتنبی است سنه ۳۰۳ هجری دران تولد یافته ودر نزدیکی ان مسجد امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ع است وان مدفن انحضرت وفرزند دلبندا وحضرت سید الشهداء علیه السلام است وطائفه باطنیه که در روز ازانها پیدا شد وطائفه قرامطه که از جمله انها نصیریه است در این نواحی ظاهر شدند واما انبار در شرقی فرات نزدیکی مخرج نهر عیسی است وجماعت بسیاری از اهل فن منسوب بانند واحمد سفاح که اول خلفاء بنی عباس است دران مقر داشته ودر نزدیکی بغداد در جهت شمالیه ان موضعی استکه انرا سر من رأی میکفته اند وبعد مردم انرا مخفف کرده سامره کفتند چنانچه ابو طیب متنبی در بارهٔ کاتبی از اهل ان که نزد سیف الدوله

عدوی بوده کفته اسامری ضحکة کل رآء فطنت وکنت اغبی
الاغبیاء ومعتصم عبّاسی انرا بنا کرد وحال خراب و ویران و
بناء معموران کم است وبردان قریه دیکری است درکنار شرقی
دجله وصرصر در نزدیکی ان واقعست واما مدائن در جهت
جنوبی بغداد بمسافت یکمنزلی ان واقعست و بقیه های ایوان کسری
دران بوده وبعضی از قدماء ذکر کرده اند که وسعتان از رکنی
تا رکن دیکره ۹۵ ذراع وارتفاعش ۸۰ ذراع بوده واما واسط
در مجرای دجله قدیم واقعست وحال خشك وبی ابست واما شهر
بصره در غربی نهری که از التقاء نهر فرات ودجله حادث میشود
بمسافت ۷۰ میل از مصبّ ان در خلیج عجم واقعست وبعضی کفته
اند که بناء ان در زمان خلافت عمر بن خطاب بیکسال پیش از کوفه
شده وهردو را عراقین میکفته اند واهلش حال مقدار ۵۰۰۰
نفس است ودرخت خرمای ان بسیار است واز جمیع نواحی بلاد
عرب سبدران میاورند ودر صحت عربیت اهالی ان واعتماد
واستشهاد باقوال ایشان نظیر کوفه بوده مکر اینکه اهل ان در
بسیاری از مسائل لغویه باکوفیین مخالف بوده اند ولکن بعضی
از فضلاء کفته که در مسائل خلافیه مابین انها مذهب بصریین
از حیث لفظ ومذهب کوفیین از حیث معنی صحیح تر است وجماعی
از ادباء باین شهر منسوبند که از جمله انها شیخ حریری صاحب
مقامات معروف است ودر جنوبی بصره کوهیست که انرا سنام
میکویند ودر جنوب غربی ان وادی است که انرا وادی نساء
میکویند ودر نزدیکی بصره در جهت غربی ان قریه ابلّه است

ومیانه بغداد وواسط بلده ایست که انرا جبّل میکویند وخلق
بسیاری بان منسوبند که از جمله انها ابو الخطّاب شاعر جبّلی است
قسم ششم از املاك عثمانیه در اسیا برّ شام است وان
از جهت شمال باسیای صغری واز شرق بفرات وبادیه واز جنوب
بجزئی از بلاد عرب که انرا تیه بنی اسرائیل میکویند واز غرب
ببحر روم محدود است ودر زمان قدیم بدو قسم منقسم بوده
سوریا وفلسطین ولکن در وقت اضافه شدن انها بمملکت رومانی
قبل از تاریخ مسیحی بمدّتی هردو را سوریا میکفتند وزمانی
که اعراب مسلمین در اثناء سنه ۶۲۲ مسیحی انرا فتح کردند
هردو را شام میکفتند واین بلاد را بچهار جند تقسیم میکنیم
اوّل حلب دوّیم دمشق سیّم بیروت چهارم اورشلیم یعنی قدس
شریف وقبل از شروع در تفصیل این اقسام بدانکه انها را از
شمال بجنوب سلسله کوههائیکه از جمله انها کوه لکام است خرق
میکنند وان از جنوبی کوه طوروس که در اسیای صغری است در
برّ شام ممتد است وابو اسحق اصطخری کفته که این سلسله را تا
اینکه از لاذقیه تجاوز کند لکام وتا حمص را کوه بهراء وپس از
انرا کوه لبنان مینامند انتهی ولکن حق اینست که کوه لکام نزد
مصبّ نهر عاصی بجهت شمال ان بقرب سویدیه منتهی میشود و
در جنوبی مصبّ نهر عاصی کوه بلندی استکه انرا کوه اقرع می
کویند واز انجا از جهت جنوب این سلسله بوادی قلعه حسن
ودیر حمیراء ممتد میشود وان کوههای نصیریّه است واز اینجا
ابتداء کوه لبنان است که بلندترین سرهای ان در مکانی است

که انرا فم المیزاب میکویند وارتفاع ان مقدار ۱۱۰۰۰ قدم است وراس صنین کمی پست تر از انست وایلسلسله در وادی لیطانی نزد قلعهٔ شقیف منتهی میشود که ملک صلاح الدین ایوبی سنهٔ ۱۱۹۰ انرا از فرنکها کرفت واین اراضی را جبل عامل میکویند واز انجا از جهت جنوب سلسلهٔ بنواحی صفد وناصره ممتد میشود وبعد از جهت شرق بنواحی نابلس برمیکردد ودر جنوبی ناصره بیابان وسیعی استکه انرا مرج ابن عامر میکویند وان میانه کوههای مذکوره وکوه کرمل فاصله است وقطعه از این بیابان بجهت طریق واردن کشیده میشود ودران کوه منفردیست که انرا کوه طور مینامند وبعضی انرا کوه تجلّی میدانند که خداوند دران بموسی بن عمران تجلّی فرمود ولکن کوه تجلی غیر از انست امّا کوه کرمل اوّل از نزد دریا در نزدیکی حیفاست وبجنوب شرقی ممتد میشود تا اینکه بکوههای نابلس میرسد واز انجا بجنوب تا کوه شراة بجنوب بحیرهٔ لوط ممتد میشود وامّا کوه معروف بکوه شرقی اوّل ان در جنوبی حمص بمسافت یکمنزل میان حسیاء وشمسین محاذی کوههای نصیریّه است واز انجا این سلسله بجنوب غربی ممتد میشود ومیانه ان وکوه لبنان بیابان وسیعی است که انرا بقاع مینامند ومیانه ان وکوه شیخ وادی تیم اسفل ست واین شعبه را کوه حیش مینامند ودر جهت جنوبی ان در شرقی اردن کوه عجلون است ودر جنوبی این کوه کوه جلعاد است که انرا کوه صلت نیز میکویند ودر جنوبی ان کوه بلقاء است ودر جنوبی ان کوههای مواب تا شرقی بحیره لوط ممتد است واز جمله نهرهای

این بلاد نهر حلب است که از کوههائیکه نزدیکی عین تاب است بیرون میاید وبجهت جنوب جاری میشود ودیکر نهر عاصی است که انرا ارنط میکویند واز موضعیکه انرا نبع اللبوه میکویند ودر شمالی بعلبک بمسافت کمی واقعست بیرون میاید ودر نزدیکی سویدیه در دریای روم ریخته میشود ودیکر نهر عفرین ویغرا واسود است که مخرج انها در شرقی کوه لکام است ودر بحیرهٔ انطاکیه ریخته میشوند ودیکر نهر کبیر است که مخرج ان در کوههای نصیریّه است ودر نزدیکی لاذقیّه در بحر روم ریخته میشود ودر جنوبی ان نهر صنوبر ونهر ملکست ودر جنوبی نهر ملک نهر حسین است وپس از ان نهر کبیر است و این غیر از نهر کبیری است که ذکر شد وپس از ان نهر بارد است وجمیع این نهرها از کوههای نصیریّه بیرون میاید ودر بحر روم ریخته میشود امّا نهر ابی علی از کوه لبنان بیرون میاید ودر بحر روم ریخته میشود وامّا نهر ابرهیم در نزدیکی عاقوره از کوه لبنان بیرون میاید ودر بحر روم ریخته میشود وامّا نهر کلب از کوه لبنان بیرون میاید ودر بحر روم ریخته میشود وامّا نهر بیروت از دو نهر مجتمع است که مخرج یکی از انها نزدیکی ترشیش وکفرسلوان در کوه لبنان است ومخرج دیگری در نزدیکی فالوغا وحمّاناست ودر وادیکه تحت دیر قلعه است بیکدیکر میرسند وبجهت غرب جاری میشوند وپس از ان بشمال برمیکردند ودر نزدیکی بیروت در خلیج مارجرجس ریخته میشوند امّا نهر دامور از چند نهر کوچک مجتمع است

که یکی از انها نهر غابون است و دیکر نهر صفاست و نهر کوچك
دیکری از وادی عین داره بطرف انها میاید و نزد جسر قاضی
بانها میرسد وجمیع بجهت غرب جاری میشوند و در نزدیکی
معلقهٔ دامور در بحر روم ریخته میشوند واما نهر اولی از کوه
لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته میشود وامّا نهر لیطانی
مخرجش در نزدیکی بعلبك است و در بحر روم ریخته میشود
وانرا نهر قاسمیّه میکویند وامّا نهر مقطّع از کوهها ئیکه در شرقی
مرج ابن عامر است بیرون میاید و نزدیکی حیفا در بحر روم
ریخته میشود واما نهر اعوج مخرجش در نزدیکی لدّا ست و
در شمالی یافا در بحر روم ریخته میشود واما نهر بردی مخرجش
در نزدیکی زبدانیست و در بحیرهٔ مرج ریخته میشود وامّا
نهر اعوج غیر از انکه ذکر شد مخرجش از عین دورّیه است و در
بحیرهٔ مرج ریخته میشود واما نهر اردن از چند نهر بزرك و
کوچك مجتمع استکه از جملهٔ انها نهر حاصبانی ست و در بحیرهٔ
لوط ریخته میشود امّا بحیرات برّشام از جملهٔ انها بحیرهٔ انطاکیه
است و دیکر بحیرهٔ افامیا استکه از چند بحیره مجتمع است و
دیکر بحیرهٔ حمص است که انرا بحیرهٔ قدس میکویند وطولش مقدار
١٠ میل وعرضش مقدار ٤ میل است و دیکر بحیرهٔ مرج است
که در جنوب شرقی دمشق در جهت غوطه ان واقعست و در
جهت شمال شرقی بانیاس بحیره ایستکه انرا برکه ران میکویند
وماهیان بسیاری دران یافت میشود و دیکر بحیرهٔ حوله است
که نهر حاصبانی دران ریخته میشود و نهر شریعه از ان بیرون

میاید و در بحیرهٔ طبریّه ریخته میشود و بحیرهٔ طبریّه اعظم بحیرات
برّشام است و در کتب مقدّسه بحر جلیل و بحیرهٔ جناثرنا میده
شده واز جنوبی ان نهر اردن بیرون میاید و دیکر بحیرهٔ لوط است
که انرا بحیرهٔ میت و بحیرهٔ زغر میکویند و نهر اردن دران ریخته
میشود و هیچ نهری از ان خارج نمیشود وطولش مقدار ٥٠
میل وعرضش مقدار ١٠ میل است امّا هوای برّشام باختلاف
مواقع مختلف استچنانچه در کنار دریا کرم و تر و بعض اماکن
ان مثل اسکندرونه وبائی است که ناخوشی و تبهای ردیّه
بواسطه فساد هوای ان بسیار است و در هر جا که اب در فصل
تابستان زیاد میشود مثل طرابلس و رأس العین امراض نیز در
انجا زیاد میکردد اما کوهها هوای انها خوب و مقوّی بدن است
و سرمای انها در فصل زمستان شدّت ندارد مثل کرمای
انها در فصل تابستان واما بیابانهای داخله بلاد هوای انها
در فصل بهار و خزان خوب و سرمای انها در زمستان و کرمای
انها در تابستان شدت دارد و در بعض اوقات بادهای کرم
از جهت بادیه بانها مسلط میشود واز جملهٔ حیوانات برّشام
شتر و کامیش و اهو و روباه و کفتار و نوعی از پلنك است و
خرس در بعضی از کوهها مثل کوه صنّین و کوه شیخ و خنزیر برّی
در کوه ریحان و نزدیکی ان یافت میشود و در ان انواع بسیاری
از طیور اهلیّه و برّیه یافت میشود و در بعضی از سالها ملخ
دران میاید و کاهی از اوقات پرنده کوچکی که انرا سمر مرمی
کویند با نها غلبه میکند وانها را هلاك میکند امّا اهل این

بلاد از اصول مختلفه اند که الحاق طائفه از ایشان بساکنین اصلیهٔ انها مشکل است و این بلاد در زمان سابق بلاد کنعانیین بوده و غیر انها از نسل حام بن نوح و نسل سام در نواحی انها ساکن بوده اند پس بنی اسرائیل کنعانیین را از ارض فلسطین بیرون کردند و بعد از ان ملوک اشور با نها استیلا یافتند و بعد ملوک مادی و فارس و بعد ملوک مصر و پس از ان استقلال یافتند و بعد بمملکت مکدونیه اضافه شدند و پس از ان به مملکت رومانیه و بعد اعراب در اثناء سنه ٦٣٢ مسیحی انها را فتح کردند و بعد از ان تتر و اتراک عثمانیه مالک شدند و ساکنین انها بواسطهٔ تواتر تقلبات دول از جنسهای بسیاری ممزوج و مخلوط گردیدند و انها باعتبار مذاهب دینیه دوازده طائفه اند مسلمان و متاوله و دروز و نصیریه و اسماعیلیه و روم و پروتستانیه و موارنه و سریان و ارمن و یهود و سامره اما مسلمین انها عرب و ترک است و اعراب در سنه ٦٣٢ که این بلاد را فتح کردند داخل انها شدند و در همانجا ساکن گردیدند و تمام اطراف انها را تصرف کردند و لغت عربیه بلغت سریانیه که لغت متداوله ان بلاد بود غلبه کرد و اما ترکها دو نوع اند عثمانیه و ترکمان و این دو فرقه در اصل تتراند که از بلاد تتر و شمالی بحر خزر امدند و بعضی گفته اند که طائفه از تتر در خراسان نزول کردند و با زنان انجا مقاربت کرده جنسی از انها تولد یافت که انرا ترکمان می گویند یعنی شبیه بترک و اسم ترک از ترک که از نسل یافث

ابن

بن نوح است اخذ شده و اما اتراک عثمانیه ذکر انها در طی کلام در اسیای صغری گذشت و اما متاوله که انها را شیعه میگویند ظاهر هیئات انها انستکه از اصل فارسی بوده اند و اما نصیریه فروع قرامطه اند که در اراضی کوفه ظاهر شدند و این لقب از حمدان بن قرمط که ملقب بصاحب الخال و مدثر و مطوق بود اخذ شده و او در اثناء سنه ٢٦٤ ظاهر شد و تعلیم او را علم باطن نام نهادند و از این جهة طائفه او را باطنیه نامیدند و او مبشرین خود را در بسیاری از جاها فرستاد که مردم را دعوت کنند و اصحاب او زیاد شد و از میانه اینطائفه مردی که او را نصیر نمری میگفتند ظاهر شد و او شیخی بود عابد و زاهد و نزد انها از اولیاء شمرده میشد پس او از میانه اصحاب خود دوازده نفر انتخاب کرد که بتعلیم او مردم را بترسانند و چونکه امر او شیوع یافت والی او را گرفته بزندان انداخت و زندان بان کنیزی داشت که بالنسبة بشیخ شفقت پیدا کرده بود تا اینکه روزی زندان بان شراب خورده مست شد و مستغرق خواب گردید کنیزک فرصت یافته در زندان را باز کرد و شیخ را رها نمود و کلید را بجای خود گذارد چون زندان بان بیدار شد دید که شیخ نیست و علامتی از برای باز کردن در زندان نیافت گمان کرد که ملائکه او را رها کرده اند و بواسطه انکه از بازخواست ملک خلاصی یابد اینمطلب را شهرت داد تا اینکه بگوش شیخ نیز رسید پس او در اشتهار تعلیمهای خود بیشتر جری شد و بعضی ذکر کرده اند که اینشیخ از ارض

فصل هشتم

کوفه به برّشام رفت وتعلیمهای او در انجامیانه مردم ساده لوح شهرت کرفت واخر الامر پنهان کردید وخبری از او نشد وازجمله طائفه باطنیه اسماعیلیّه است ودولتی از انها در عراق عجم قوت یافت وهشت سلطان از انها مدّت هفتاد ویکسال در این بلاد سلطنت کرد وفرس انهارا اشیاخ جبل میکفتند ودولتی از انها در مصر قوی شد ودر انجا بدولت فاطمیّه نامیده شدند وجعفری ذکر کرده که در اواخر سنه ۴۰۷ هجری مردیکه اورا محمّد بن اسمعیل درزی میکفتند بمصر رفت واو از جمله دُعاة طائفه باطنیّه بود ودر کتب دروز نشتکین درزی نامیده شده پس اینمرد خدمت الحاکم بامر الله ابو علی منصور بن العزیز بالله که خلیفه ششم از دولت فاطمیّه بود رفت وبا او موافقت کرد وکتابی نوشت که دران میکوید انّ نفس ادم جاءت الی علی بن ابیطالب ومنه الی اسلاف الحاکم متقمصة من واحد الی اخر حتی انتهت الی الحاکم وهو خالق الکون الی اخر بیانه واین کتابرا در یکی از جوامع خواند پس مردمان بسر او هجوم کردند که اورا بکشند واو فرار کرده پنهان شد وحادثه عظیمی در قاهره ظاهر کردید وخانه درزی را غارت کردند وبسیاری از اصحاب اورا کشتند وپس از ان حاکم سرًّا اورا به برّشام فرستاد واو در وادی تیم اسفل که نزدیکی کوه شیخ است فرود امد ودر انجا بالوهیّت حاکم ندا کرد وچونکه امراء تنوخیّین که از عراق ببرّشام امده بودند از طائفه باطنیّه بودند مطیع ومنقاد او شدند واز این سبب انهارا طائفه دروز مینامند ودرزی

در بلاد ترک در آسیا

مذکور در واقعه ترسنه ۴۱۰ هجری کشته شد این اصل طائفه دروز وکیفیّت امتداد شان در برّشام بود که ذکر شد واما عقائد انها هرکه بخواهد بتفصیل اکاه شود بکتاب مختصر البیان فی مجری الزمان وکتاب کشف دیانة الدروز که در پاریس طبع شده رجوع نماید واما عدد ساکنین برّشام از جمیع طوائف اجمالاً مقدار ۱۶۶۰۰۰۰ نفس است که مقدار ۵۶۰۰۰۰ از انها اهل حضر وبقیّه اعراب بادیه اند واما تفصیل

	انها از اینقرار است	
مسلمان	۸۱۵۰۰۰	
روم	۲۴۰۰۰۰	
موارنه	۲۲۰۰۰۰	
روم ملکیّه وغیر انها از طوائف نصرانیّه	۴۰۰۰۰	
دروز	۱۰۰۰۰۰	
متاوله	۲۵۰۰۰	
نصیریّه واسماعیلیّه	۲۰۰۰۰۰	
ارمن وبقیّه طوائف	۲۰۰۰۰	

واز جمله حاصلهای برّشام درخت صنوبر وزیتون وخرما وارز وکردو وتوت وبادام وسرو وکز وصفصاف است واز حبوب کندم وجو وعدس وماش ونخود وباقلا ودیکر سوسن وعناب ونیشکر ودرخت حناء وانواع کل ویاسمین وزنبق وقرنفل ونرجس وامثال اینها واکثر سبزیها وبقول مأکوله دران یافت میشود واما پنبه ان برای ساختن قمشه

چندان مرغوب نیست واما شراب برّشام کمتر مرغوب است مگر
سیاه مریمیان که عفوصتش کمست وبعضی از رزها ی ان که
در نواحی کسروان وتالی ان تا اعمال طرابلس است بخصوص
شراب سبعل که بعض مشایخ در وصفان کفته کل النبید
محرّم الّا النبید السبعلی واز جمله حاصلهای این بلاد تبغ
است که معروف به تتن است وبهترین انواع ان در جبل وبترون
وجبل ریحان است وبسیاری از ان بقسطنطینیه ومصر و
دمشق میرود ودر بعضی از اراضی ان قنّب روئیده میشود
ودر اراضی حلب وکوههای بترون سقمونیا که معروف بمحموده است
یافت میشود وغالبًا نشا وصمغ در داخل ان میکنند وخالص ان
کمتر یافت میشود واما معادن برّشام از جمله انها معدن نقره
وقلع است در کوههای شمالی اسکندرونه ومعدن اهن در
کوه اقرع وکوه لبنان وزغال سنك در نزدیکی قرنایل از
اعمال بیروت ونمك در بعضی از جاهای ان وبیشتر از نواحی
تدمر وفرات میاورند وهم چنین نمك بارود واما سرمایه
تجارت ان صمغ عربی که غالبًا بصمغ پسته وزردالو مغشوش
است وصمغ قتاد وسنا وافیون وپوست روباه وخرگوش
وعفص است واز جمله مصنوعات ان انسجهٔ حریر وپنبه وصوف
وقصب طلا ونقره است ودر نواحی اورشلیم وبیت لحم مسابح
وصور بسیاری از صدفیکه انرا عرق اللؤلوء مینامند واز بحر
احمر میاورند میسازند وغالبا تختها را بان مرصع میکنند
وببلاد ایطالیا وفرانسا میفرستند واز امّهات شهرهای

برّشام حلب است وان شهری است قدیمی واز برای ان نهری
استکه انرا قویق میگویند وبوستانها از ان سیراب میشود
واهل ان از ابیکه از دو جا در شمالی شهر بمسافت ۸ میلی
جوشد میاشامند وان در قناتهائیکه در خانه وبازارها
وکاروانسراها وحمامها منشعب است جاری میشود ودر بوستان
های ان درخت پسته بسیار است ودر ان میوه یافت می
شود که ببار درخت خرما نزدیك است وبسیار شیرین است
وبازارهای ان تنك وبناهایش خوش منظر است ولکن دوام
وثباتی ندارند وباروی ان محکم است ولکن بواسطه زلزله
منهدم شده ومحیطش مقدار ۷ میل است ودر زمین ان
علامت کوههای اتش فشان که علّت حدوث زلزله میشود
ظاهر است واز بسیاری انها این شهر چند مرتبه خراب شده
ودر سنه ۱۸۲۲ مسیحی در ۱۳ ماه اب زلزله عظیمی
حادث شد که جهت عظیمی از حلب وانطاکیه وقریه‌های مجاوره
انها را خراب کرد واز جمله بناهای مشهوره حلب برج قدیمی
استکه انرا سرایه بنی جنبلاط میگویند واما هوای ان خوب
وموافق صحّت امزجه است ولکن در بدن اهالی ان وغریبی که
در انجا مکث میکند بثره که انرا کبّه وسالك میگویند پیدا می
شود وانها انرا حبّة السّنة میگویند زیرا که قبل از یکسال
علاج پذیر نیست واما تجارت حلب از زمان قدیم بسیار
کمتر است وحال قافله‌ها از بغداد ودمشق وموصل ودیار
بکر در ان جمع میشوند ودر اواسط سال ۱۱۶ اهلش بمقدار

۳۰۲۰۰ نفس میرسید ولکن حال نصف عدد مذکور در ان بیت
وان در عرض شمالی ۵ ۱۱۲ و ۳ وطول شرقی ۹ ۷ ۳ ۳ واقعست
ودر ناحیه جنوبی حلب بمسافت منزل کوچکی قنسرین واقعست
وان در اوائل اسلام شهری بزرکتر از حلب بوده ولکن حال
خراب و ویرانست و در نزدیکی ان قریه ایستکه انرا حاضر
قنسرین میکویند ودر نزدیکی ان موضعی استکه انرا فرادیس
میکویند ودر جنوب شرقی حلب بمقدار ۲۰ میل قریه ایستکه
انرا صفیره میکویند ودران مقدار ۳۰۰ خانه است ودر
جهت شرقی ان بمقدار ۴ میل وادی نمک استکه محیطش
مقدار مسافت ۴ روز راهست وزمینش تمام نمک است واز
دور مثل بحیرهٔ اب صافی بنظر میاید واهوان سفید بجهت بار
زدن نمک دران میایند ودر جنوب شرقی این وادی خرابه
قدیمی استکه انرا زوبامینا مند ودر نزدیکی قنسرین شهر
خناصره واقعست وان قلعه ایستدر طرف بریه وحال در
این نواحی قبیله از عرب ساکنند که ملقب بسلایب اند وبفلاحت
ومواشی اعتنائی ندارند وغذای انها کوشت اهواست اما شهر
عین تاب در شمالی حلب بمسافت سه منزل واقعست وان شهری
است معمور وصاحب اب و بوستان واهل ان مقدار ۲۰۰۰۰
نفس از ارمن واتراک وپروتستانیه است ودر جنوب شرقی
ان قریه نزب است ودر جنوب غربی عین تاب شهر کلس است و
میانه حلب و نهر اسود واطراف ان املاک وقریه های بسیاری
است واهل انها عرب وکرد وترکمان ویزیدیه ونصیریه ونصاری

است وبیشتر نصاری از طائفه ارمن اند اما شهر انطاکیه در
زمان قدیم از جمله شهرهای مشهور عالم بوده ودر عصر سلوقیه
قصبه مملکت سوریا بوده وانرا سلوقس ملک که ملقب بغالب
بود بنا کرد ودر اول امر دین مسیحی دران قوت یافت وپس از
ان مسلمین در سنه ۶۳۷ انرا فتح کردند وبعد از ان فرنکها
در سنه ۱۰۹۸ انرا پس کرفتند وبعد از خروج انها از بر شام
سلطان مصر سنه ۱۲۶۸ انرا خراب کرد وبسیاری از اهلش را
بقتل رسانید وکنائس انها را خراب کرد وبعد از ان بواسطه کثرت
زلزله خراب و ویران شد وحال بحالت پستی است واز عظمت
قدیم ان بغیر از باروئیکه بسه جهت ان احاطه دارد چیزی باقی
نمانده وجهت چهارم ان نهر عاصی است و اهل ان مقدار ۹۰۰۰
نفس از اتراک ونصیریه وروم وارمن ویهود است ودر جهت
غربی ان شهر دفنه است که حال انرا بیت الماء میکویند ودر
جنوبی عاصی واقعست وکوههائیکه چشمه های بسیاری از
انها جاری میشود بان احاطه دارند اما سویدیه در نزدیکی
مصب نهر عاصی است ودر شمال غربی ان موقع شهر سلوقیه
است وان در سفح کوهیکه انرا کوه موسی میکویند واقعست
واما اسکندرونه در شمال انطاکیه بنزدیکی دریا واقعست
ودر میانه انطاکیه واسکندرونه قریه بیلان است و در شمالی
اسکندرونه بایاس است ودر شمال شرقی بایاس کنیسه
سوداء وهرونیه است وچنانچه یاقوت حموی در مشترک
ذکر کرده انها از جمله ثغور وسنور بوده اند ودر جهت

است و بعضی گفته اند که انرا سلیمن بن داود بنا کرده و شاید
که مقصود از بناء تعمیر ان باشد امّا چند دمشق مشهورترین انها
دمشق شام است و ان در طول شرقی ۳ ٤ ۳ و عرض شمالی
۲ ۳ ۳ واقعست و قدیم ترین شهرهای عالمست و مسلمین سنه
۱۴ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در تحت رایت خالد
بن ولید انرا فتح کردند و خلفاء بنی عبّاس تخت خلافت خود را ببغداد
نقل کردند و غوطه ان بتمام محل تفرّج و تماشاهای روی زمین
برتری دارد و در شمالی ان کوهیست که معروف بجبل قاسیون است
و از ابنیه قدیمه که قابل ذکر باشد در دمشق یافت نمیشود و اکثر
خانه های ان از خشت خام بنا شده و منظری از خارج ندارد و اهل
ان مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است و غالب انها با مانت و سلامت
نفس موصوفند و خاک ان خوب و لکن هوایش بد است و اب ان
بالطبیعه دافع مرض جذام است و از این جهة اهل ان هیچ وقت
باین مرض مبتلا نمیشوند و مرد غریبی هم که بان مبتلا باشد چون
در انجا توقف کنند بهمان درجه میماند و زیاد نمیشود و جماعتی
از مشاهیر علما و متادّبین در ان ظاهر شدند که از جمله انها
محمّد بن مالک اندلسی صاحب الفیّه مشهور در نحو و شیخ محمّد
حریری صاحب حاشیه شرح فاکهی بر قطر و شیخ حسن بورینی
شارح دیوان فارض و عائشه باعونیه صاحب بدیعیه مشهور
است و در شمالی دمشق قطعه ایست که انرا جبّه عسال می
گویند و مشهورترین قریه های ان صیدنایاست و در شمال
شرقی قطعه معلولا ست و در اطراف ان چند قریه است مثل عین

التینه

التینه و بخعه و غیرانها و در شمال شرقی معلولا قطعه بیرود
است و در جوار ان راس عین و معرّه باش کردی و فلیطاء و سحل
و فسطل است و در شمال شرقی فسطل نبک است و ما بین
نبک و غوطه را ارض تحتیّه مینامند و در جوار نبک قاره است
و هرد و معتدل ترین قطعات این دیارند و در خوبی اب و هوا
ضرب المثل اند و در شمال شرقی نبک دیر عطیه است و میانه
دیر عطیه و تدمر حمیره و حفر و صدد است و میانه تدمر و
دیر حیر و طیبّه و سخنه و ارک است و در غربی نهر مسکنا و
حمام و رصافه هشام و رحبه واقعست و در وادی نهر بردی
و جهت شمالی و جنوبی ان ضیاع و قریه های بسیاری است که
از جمله انها فیجه است و دیگر بلودان و زبدانی است و در این
نواحی سیب بسیار است و بوستانها از انجا تا دمشق بیک
دیگر متصل است و اب و میوه و محل تفرج و تماشاهای این
دیار که مردمان قصد انها میکنند از سایر بلاد بیشتر است
مثل صالحیّه و قاره و نبک و نیرب و ربوه و منشار و بیت
راس و ان موضعی است که کنیز یزید بن عبد الملک اموی باراده
الهی بغتةً لانفه در ان وفات یافت و ان در وقتی بود که بجهت
تفرج و عیش در بیت راس امده بود و گفت که مردم چنین
گمان دارند که از برای احدی ممکن نیست که یکروز عیش کاملی
بکند که منغّص نگردد و من اینمطلب را تجربه میکنم و علی الصباح
امر کرد که از واقعات و حوادث مملکت اصلاً باو خبر ندهند و
با کنیز خود حبابه که بسیار مایل باو بود خلوت کرد و او از برای

ملك تغنی میکرد تا اینکه طعام حاضر کردند پس ملك با حبابش مشغول
بطعام خوردن شدند و از برای ملك قدری از انار بیت رأس
که دانهها درشتی داشت آورده بودند حباب یکی از انها را
شکست و دانه از انرا تناول کرد از قضایای الهیّه اندانه کلوی
او را کرفته هماندم وفات یافت پس ملك در ماتم او جزع و فزع
شدیدی کرد تا اینکه مریض شد و در همان ماه وفات یافت
امّا بعلبك در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و بعد از استیلاء
مسلمین تا مقدار هفت سال از تاریخ هجری نیز بعظمت قدیمه خود
باقی بود و پس از ان انحطاط یافت و حال از ان قلعه باقی مانده
که از بناهای عجیبه شمرده میشود و مردم انرا از بناهای
سلیمن بن داود میدانند و موقع این شهر در شمال شرقی سهل
بقاع است و در نزدیکی ان مخرج نهر لیطانی است و ابهای نهر
بوذونی که مخرجش در کوه لبنان است بان اضافه میشود و
میانه زحله و معلقه جاری میکردد و نهر یحفوفه و نهر عنجر از
جهت جبل شرقی بان اضافه میشود و بلده انرا ابو الفداء عین
الجرّ نامیده و در نزدیکی ان قریه مجدل است که انرا مجدل عنجر
میکویند و اکثر اهل بلاد بعلبك متاوّله اند و امّا جبل شرقی
که در جهت عنجر است وادی حریرا انرا خرق میکند و بعد از ان
وادی تنکی است که انرا وادی قرن مینامند و در جنوب ان
وادی بکّه است و در جنوب این وادی جبل شرقی بدو قسم منقسم
میشود که غربی ان در جهت نهر لیطانی است و شرقی بکوه
شیخ منتهی میشود و انوادیکه میانه انها ست وادی تیم اعلی می

کویند و از قریههای ان دیر عشائر و ینطه و کفرقوق و بکیفا و
راشیا ست و وادی تیم اسفل متصّل بان است و از قریههای
ان میمس و کفیر و حاصبیا و عین جرفا و شعبه و راشیای فخّار و
هبّاریه است و حکّام این بلاد امراء شهابیّین بوده اند و
اهل ان از مسلمان و نصاری و دروز مخلوط است و در جنوب
ان موضعی است که انرا تلّ قاضی میکویند و در شرقی ان
بانیاس است امّا جبل شیخ کوهیست که در کتب مقدّسه کوه
حرمون نامیده شده و در جنوب شرقی ان اقلیم بلان است و از قریه
های این اقلیم عرنه و بیت جنّ و دربل و قلعه جندل و غیر اینهاست
و در جهت جنوب دمشق وادی عجم است و از قریههای ان جدیده
و قطنا و عرطوز و داریّا و دیر علی و عادلیّه و صحنایا ست و در
جنوب وادی عجم قطعه ایست که انرا جیدور میکویند و از قریهها
ان نواریث و دیر بخت و دیر عدس و صنمین و کفرشمس و غیر اینهاست
و در شرقی بحیرهٔ حوله و بحیرهٔ طبریّه ارض جولان است امّا ارض
حوران در جنوب شرقی دمشق است و ان بنقره و لجاة و جبل
حوران تقسیم میشود و در شرقی کوه حوران ارض بثینه است و
ان زمینی است که در کتب مقدّسه ارض باشان نامیده شده
و از قریههای ان بثینه و دومه و عیون و مجدل و صلخد است
و اهل این بلاد عرب و نصاری و دروز است و امّا قطعه کوه
عجلون باراضی که از جهت شمال میانه نهر یرموك و از جنوب میانه
نهر زرقاء واقعست مشتمل است و خاك ان خوب و مرتعهایش
بسیار است و این قطعه بهشت قسم منقسم است کفارات و سرو

وجهامنه وواسطیه وبنوعبید وکوره وجبل عجلون ومعراض است ولکن حال اکثر انها ویران است واز جمله انها کداره است که انرا امّ قلیس میکویند و دیکر ابیلا واربیلا که حال انرا اربد میکویند وبلّا که انرا کفر بیل میکویند ومحنایم که انرا محنه میکویند وازغوب که انرا راحب میکویند وکراسا که حال جرش میکویند وبنزدیکی قریه عجلون قلعه ربض است که انرا باعوثه نیز میکویند واز جنوبی نهر زرقاء تا نهر موجب بلقاء است ودر شمالی ان کوه صلت است واز مواضع قدیم ان جلعاد وعمّون است که حال عمان میکویند وحشبون که حال حسبان میکویند ودیکر عال ونبا وماعین وعراعر ودیبان است ودر زمان قدیم ارض بنی عمّون در جنوبی اینقطعه بوده واز جنوبی نهر موجب که انرا نهر ارنون میکویند تا احساء ارض کرك استکه ارض مواب یا قوم لوط بوده واز قریه های ان کرك استکه انرا کیر مواب میکویند ودیکر رابه وزغر است واز جمله شهرهائیکه در کنار بحر متوسّط از جهت شمال بان ابتدامی شود لاذقیه است ودر زمان قدیم از شهرهای معتبره بوده وامراء تنوخیین دران مسکن داشته اند ومحمّد بن اسحق تنوخی در انجا وفات یافته ودر زمان قدیم تجارت شراب دران وسیع بوده ولکن حال بیشتر تجارت ان در تتن وپنبه وکندم وجو وزیت وعسل وشمع وپشم است وزلزله دران بسیار حادث میشود ودر سنه ۱۷۹۶ بسیاری از ان بواسطه زلزله خراب کردیده و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰ نفس از مسلمان وروم است امّا شهر جبله چیزیکه قابل ذکر باشد بغیر از جامعیکه سلطان ابرهیم انرا بنا

کرده دران نیست واهلش مقدار ۸۰۰۰ نفس است وامّا شهر طرطوس که در زمان قدیم انرا انترادوس مینامیدند وابو الفدا انرا انطرطوس نامیده اهلش مقدار ۴۰۰۰ نفس است وحال قریب بخرابیست ودر جهت شمال شرقی طرطوس بمسافت ۵ ساعت قلعه مرقب است وان در سر کوهی واقعست که بمقدار هزار قدم از مساوات دریا مرتفعست وامّا جزیره رواد در جنوب غربی طرطوس بمسافت ۳ میل واقعست وان جزیره کوچکی استکه محیطش مقدار ۱۵۰۰ قدم است واهلش مقدار قلیلی است امّا جبال نصیریّه در شرقی اماکن مذکوره است وان چند قطعه است که از جمله انها خوابی است واین قطعه در جنوب شرقی مرقب است ودران مقدار ۵۵ قریه استکه اهل انها نصیریّه واسماعیلیّه ومسلمان وروم است ودیکر قطعه مرقب است ودران مقدار ۹۰ قریه استکه اهل انها نصیریّه ومسلمین ونصاری از طائفه موارنه وروم است وحکّام این دو قطعه امراء بنی عذرا اند ودیکر قطعه قدموس است وحکّام ان اسماعیلیّه اند وانها دو طائفه اند حجاویّه وسویدانیه وتمام بلقب امراء خوانده میشوند ودر این قطعه مقدار ۱۷۷ قریه استکه اهل انها اسماعیلیّه ونصیریّه است ودر جهت شرقی مرقب واقعست ودر شمالی ان قطعه سمت قبله است وبمقدار ۷۰ قریه مشتمل است وجمیع اهالی ان نصیریّه است ودیکر قطعه بنی علی است ودران مقدار ۴۳ قریه است که اهل انها نصیریّه است ودیکر قطعه قرداحه است ودران مقدار ۸۰ قریه استکه

اهالی ان نصیریه اند و دیگر قطعه جبل مهالبه است و در
ان مقدار ۴۷ قریه است و اهل انها نصیریه است و دیگر قطعه
مزیرعا ست و این قطعه بسه قسم منقسم است مزیرعه و عماره
و ساحل مزیرعه و در جمیع انها مقدار ۱۱۰ خانه و مزرعه است
و دیگر قطعه صهیون است و دران مقدار ۶۴۷ قریه است و
اهل انها مسلمین اند اما ساحل لاذقیه مقدار ۶۰ قریه از قریه
های نصیریه دران واقعست و در شمال شرقی لاذقیه قطعه
بهلولیه واقعست و دران مقدار ۴۷ قریه است و اهل انها
نصیریه اند و در شمال شرقی ان قطعه کوه اکراد است و دران
مقدار ۱۲۰ خانه و مزرعه است و اهل ان نصیریه و اکراد و
ارمن است و در شرقی طرطوس صفیطه واقعست و اهل ان
مقدار ۵۰۰ نفر از روم و ۳۰۰ از مسلمین است و در تمام این
قطعه مقدار ۳۵۰۰۰ نفر است که مقدار ۵۸۰۰ از انها نصیریه
و ۸۰۰ روم و ۸۰ موارنه و باقی مسلمانند و در جنوب شرقی
ان دیر حمیراء است و در نزدیکی ان عین دوریدا است که مدتی
ابش جاری و مدتی قطع میشود و جریان و انقطاع ان بحسب
اختلاف فصول ست و این همان نهر سبتی است که بعضی از
مورخین اشاره بان کرده و در جنوب شرقی این نهر قلعه حصن
استکه در زمان قدیم بحصن الاکراد معروف بوده اما بلاد عکار
بجنوبی قطعه حصن متصل است و دران مقدار ۱۴۰ قریه است
و اهلش مقدار ۷۰۰۰ نفر از متاوله و ۵۰۰ از نصیریه و ۶۰۰
از روم و ۴۵۰۰ از موارنه است و اشهر قریه های ان عکار است

که در

که در زمان قدیم مقام امراء بنی سیفا بوده و حال زیاده از ۳۰
خانه دران نیست امّا شهر طرابلس در طول شرقی ۳۵ ۴۴ ۲۰
و عرض شمالی ۳۴ ۲۶ ۲۶ است و مسلمین در سنه ۶۸۸
انرا فتح کردند و بوستانهای ان بسیار است و اهلش بشدّت
بأس و عزت نفس موصوفند و تجارت ان وسعتی ندارد و امّا
بترون که یونانیّین انرا بتریس نامیده اند اهلش مقدار ۳۰۰۰
نفر است و اکثر انها موارنه اند و امّا شهر جبیل اهلش مقدار
۶۰۰ نفر است و در نزدیکی ان اثار قدیمه معتبره یافت می
شود و امّا شهر بیروت در طول شرقی ۳۵ ۲۸ و عرض شمالی
۳۳ ۵۰ واقعست و بنای ان خوب و ابش خوشگوار است و
هوای ان لطیف و پاکیزه است مگر در نواحی نهر بیروت که در
ایّام تابستان امراض بسیار درانجا حادث میشود و اهل ان
مقدار ۸۰۰۰۰ نفر است و تجارت ان خوب است و امّا صیدا
در جنوبی بیروت واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر است
و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته ولکن حال به بیروت
محوّل شده و در جنوبی صیدا در طریق صور قریه صرفند است
و در نزدیکی ان موقع صرفه صیدا است و امّا صور در جنوبی
صیدا است و میانه ان و عکّا مسافت یک روز و نصف است و
اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفر از متاوله و نصاری است و امّا
عکّاء در جنوبی صور واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر از
مسلمین و نصاری است و در جنوبی ان شهر حیفا ست و ان
قابل ذکر نیست و بدانکه بلاد تابعه جبل لبنان ۲۱ قطعه است

قطعهٔ اولی از جهت شمال زاویه است تا شرقی طرابلس و دران
کوهیست که انرا ترُبل میکویند دوّم کوره است تا جنوبی طرابلس
وان دو قسم است علیا و سفلی واز قریه های کوره علیا امیون
واز قریه های کوره سفلی نخله و قلمون و فیع و بلمند است سیّم
جبّه بشرّه است تا جنوبی طرابلس واز قریه های ان بشرّه و
اهدن و طراز و حصرن و کرم سدّه و بزعون و حدشبت و حدث
است چهارم جبّه مُنیطره است واز قریه هاء ان منیطره و میروبا
وعاقوره و تنوّرین است پنجم بلاد بترون است واز قریه های
ان عرنه و کفر حُلتّا و بقسمیا و بشعله و دوما و صورات و اصیا
وحلتا و حردین و بشتودار است ششم بلاد جُبیل است واز قریه
های ان شیت و برباره و غزوز و مُنصف و کفور و بجعاز است
هفتم فتوح است واز قریه های ان بوار و غنیه است هشتم
کسروان است واز قریه هاء ان حزرعه کفر ذبیان و شبروح و
ریفون و جعیتا و عجلتون و غزیر و عرمون و غُسطا و ساحل علما
و عین طوره و زوق مکایل و زوق مصبح و زوق اکراد است نهم
متن است وان در شرقی بیروت است واز جمله قریه هاء ان عاریّا
وعبادیه و هلالیه و رأس المتن و خریبّه و شبانیه و صلیما و
فالوغا و کفر سلوان و مُتین و شویر و بسکنتا است دهم ساحل
بیروت است واز قریه هاء ان سنّ الفیل و بوشریه و شیاح و برج
وحدث است یازدهم غرب است وان دو قسم است سفل و اعلی
واز قریه هاء غرب سفل شویفات و بشامون و عین عنوب و دیر قوبل
و سرحمول است واز قریه هاء غرب اعلی عالیه و بسوس و کحاله و سوق

غرب و عیثاث و شملان و عیناب است دوازدهم جرد است در
شرقی غرب واز قریه هاء ان بشاتر و بحمدون و شارون و بدغان
وعین داره و رشمیا و بحوارّه است سیزدهم شحّار است واز
قریه هاء ان عبیه و کفرمتی و عین درافیل و بوم و ناعمه است
چهاردهم قطعه مناصف است واز قریه هاء ان دیر قمر و بیت
الدین است پانزدهم عرقوب است وان دو قسم است اعلی و ادنی
واز قریه هاء اعلی عین زحلتا و بمهریه و ورهانیه است واز
قریه های ادنی باروك و فریدیس و کفرنبرخ است شانزدهم
شوف است واز قریه هاء ان مختاره و عین قنیه و بعذران و
عین ماطور و عزینه و عین بال و جدیده و سمقانیه و بعقلین
است هفدهم غربی بقاع است تا شرقی شوف و عرقوب واز
قریه هاء ان زحله و معلقه و مکسر و جدیثه و مشغره و سغبین
است هیجدهم اقلیم جزین است واز قریه هاء ان جزین و کفرحونه
و جرجوع و بکاسین و روم و بنبره و قیتوله است نوزدهم اقلیم
تفاح است واز قریه هاء ان برامیه و جباعیه و عبرا و صالحیّه
و هلالیه است بیستم اقلیم خرنوب است تا غربی شوف واز
قریه هاء ان برغوثیه و حسّانیه و معنریّه و دبیه و دعوریه
و برجا است بیست و یکم جبل ریحان است تا جنوبی این اقالیم
واز قریه های ان میدون و ردیه و عیزانیها است واقالیم مذکوره
وجبل ریحان در تحت ایالت مشایخ جنبلاطیه بوده و انها
بزرکترین مشایخ این بلاد بوده اند و عدد نفوس در این دو
قسم که احصا شده از اینقرار است که ثبت میشود

عدد نفوس در قسم شمالی			
نصاری	دروز	مسلمین و متاوله	مقاطعات
۱۰۰۴۴		۱۹	مقاطعه کسروان
۷۴۷۰		۳۱۹۶	بلاد جبیل و جبه منیطره
۶۸۰۳		۱۸۸	بلاد بترون
۲۰۹۹			فتوح
۱۷۳۱		۶۰	زاویه
۴۸۵		۱۳۹	قویطع
۱۰۲۰۰			جبّه بشرّه
۲۵۰۰		۱۲۶	کوره
۴۱۸۱			قاطع المتن
۱۴۶۱۷	۲۱۵۴	۲۰۰	متن و زحله و ساحل بیروت
۲۸۲		۵	بسکنتا و تالی ان

عدد مجموع		
نصاری	دروز	مسلمین و متاوله
۶۰۴۱۲۲	۲۱۵۴	۳۹۳۳

عدد نفوس در قسم جنوبی			
نصاری	دروز	مسلمین و متاوله	مقاطعات
۸۷۲			ساحل بیروت
۱۴۵۱	۱۰۸۱		غرب سفل
۱۵۶۳	۷۷۱		غرب علی
۲۰۱۶	۸۹۱		جرد

۱۳۰۵	۱۱۵۳		عرقوب علی و اسفل
۱۱۱۷	۸۳۸		مناصف
۱۶۳۱	۹۹۰		شحّار
۳۲۷	۶۸۶		جبل ریحان
۱۳۲۵	۳۵۱۷		شوف
۳۲۷۱	۹۷		اقلیم جزین
۱۷۸۴	۳۱		اقلیم تفاح
۱۵۰۲	۱۰۱۵		اقلیم خرّوب
۱۷۷۷	۳۰۰		دیر قمر
۱۹۹۴۱	۱۱۳۷۰		مجموع
۶۰۴۱۲	۶۰۸۷		مجموع قسم شمالی
۸۰۳۵۳	۱۷۴۵۷		مجموع هر دو قسم

اما بلاد شقیف اراضی است که میانه نهر زهرانی و قاسمیه واقع است و امّا بلاد بشاره در جنوب شرقی صور است و اکثر اهل ان متاوله اند و از قریه‌ها این بلاد بنت جبیل و حدیث و طیّبه وزیریّه و بدیاس و قانا ست و مرج عیون تابع بلاد بشاره است و از قریه‌ها ان ابل قمح و مطلّه و کفر کلی و قلیعه و جدیده و ضیم و ابل الهواء است که انرا ابل و مرج عیون میگویند و امّا بلاد صفد که انرا صفت نیز میگویند از اصول قریه‌های ان قدس است و دیگر صفدا ست و اهل ان مسلمین و یهود و قلیلی نصاری است و دیگر عکبره و میرون و کفر برعم و جش است و در غربی بلاد صفد

قطعه ایستکه انرا جبل میکویند واز قریه‌ها ان ترشیحه و
سعسع وغیر اینهاست واهل ان نصاری ودروز ومسلمین اند
ودر جنوبی جبل میانه عکّا وطبریّه قطعهٔ شاغور است واز
قریه‌هاء ان منصوره ومغار ومجدلکروم ورامّه وکفر عنان و
غیر اینهاست واهل ان دروز ونصاری ومسلمین اند واما
بلاد ناصره از قریه‌ها ان ناصره وکفر کنّا وصفوریّه واکسل و
ام جبیل وقانای جلیل است واما بلاد طبریّه از جمله انها طبریه
است که از بناهای هیرودس است ودر زمان خلافت عمر بن
خطاب سنه ٦٣٧ مسیحی مسلمین این بلاد را فتح کردند و
از جمله قریه‌ها این قطعه مجدل وکرك وکفر سبت وعولم ولوبیه
وسیرین وحطّین است واما بلاد نابلس ٨ قطعه است اوّل
قطعه جانین است واز قریه‌ها ان جانین وعرانه وجلبون و
نورس وزرعین وسولم ونین وبیسان وبرقین است دوّیم
حارثه است واز قریه‌ها ان طوباس وسیرس وجدیده وکفر
ومیثلون است سیّم شعراویه است وان دو قسم است
شرقیّه وغربیّه واز جمله قریه‌ها شرقیّه فندقومیّه وسیلة
الظهر ودیر ورامه وفحمه وجُبَع وسانور است واما شعراویه
غربیّه درمیانه شرقیه وبحر واقعست واز جمله قریه های ان
قانوق ودیر ومخالد وزیتا وعِتّیل وغیر اینهاست چهارم وادی
شعیر است واز جمله قریه‌ها ان بیت امرین وبرقه ورامین و
طولکرم وسبطیه است پنجم بیتاوی است در شرقی نابلس و
از جمله قریه‌ها ان بیتا وهودلی وسالم وبیت جن وعقربه

وسیلون است ششم قطعه بنی صعب است واز جمله قریه‌های
ان حجّه وفندق وعزّون وجلجوله وکفر سابا وارسوف وغیر
اینهاست هفتم جوره عمره است واز جمله قریه های ان بورین
وبیتا یبا ورافیدیه وغیر اینهاست هشتم جوره مرداءات
واز جمله قریه های ان عین ابوس وحواره وفرخه ولبن وساویه
وغیر اینهاست اما شهر نابلس همان شهر شکیم است ومیانه
کوه عیبال وکوه جرزیم واقعست واکثر اهل این بلاد مسلمین اند
واما شهر یافا درکنار دریا واقعست وبوستانهایش بسیار
است ومیانه ان واورشلیم مسافت ٣٠ میل است واهلش
مقدار ٩٠٠٠ نفر است واما رمله در جنوب شرقی یافا واقع
است وشیخ خیر الدّین صاحب فتاوی الخیریّة که پیش فقها وعلما
مشهور است منسوب بانست واما لُدّ در شمال شرقی رمله
واقعست ودر زمان قدیم شهر عظیمی بوده واما شهر اورشلیم
که بقدس شریف معروفست مشهورترین شهرهای عالم است
ولکن حال از عظمت قدیمه انحطاط یافته واعتباری از برای ان
نیست مکر بجهت اماکن مقدّسه مشهوره که دران واطراف
انست که نصاری از جمیع اقطار برای زیارت انها میایند ووادی
های بسیاری بان احاطه دارد که از جمله انها وادی بن هینوم و
وادی یهوشافاط است ودر جنوب غربی اورشلیم بمسافت دو ساعت
قریه بیت لحم است که مولد حضرت عیسی است اما شهر حبرون
که انرا خلیل میکویند در جنوبی اورشلیم بمسافت یك روز راه واقع
است وحضرت ابرهیم واسحق ویعقوب دران ساکن بوده اند واما

شهر غزّه در جنوب غربی خلیل بمسافت یک روز راه واقعست
و ابن حوقل ذکر کرده که قبر هاشم بن عبد مناف در اینجاست و
امام شافعی دران تولّد یافته و عمر بن خطّاب در زمان جاهلیت
دران اسیر شده و در شمالی ان شهر عسقلان است و دران
اثار قدیمه یافت میشود و امّا عریش بعضی انرا از مصر و بعضی از
فلسطین میدانند و ان در جنوب غربی غزّه واقعست و اثار قدیمه
دران یافت میشود

فصل نهم در بلاد عرب

و انرا از جهت شمال بفلسطین و بعض سوریا و جزیره و از شرق بجزیره
و عراق عرب و بحر فارس که انرا خلیج عجم میکویند و بعض بحر هند
و از جنوب بما بقی بحر هند و از غرب ببوغاز باب مندب و
بحر احمر که انرا بحر قلزم میکویند و بوغاز سویس و بعض شام
محدود است و میانه ۱۲|۱۲ و ۳۵ عرض شمالی و ۱۲|۳۳
و ۵۹ طول شرقی است و معظم عرض ان مقدار ۱۱۵۰ میل و
معظم طولش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰ میل است و عدد اهل ان مقدار
۱۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و این بلاد بر پنج قسم تقسیم میشود
یمن و حجاز و تهامه و نجد و یمامه امّا ارض بحرین نزد اکثر از عراق
شمرده میشود ولکن فی الحقیقة از بلاد عربست مکر اینکه
متّصل بعراق است امّا یمن از سه جهت بدریای قلزم محدودست
و جهت چهارم تهامه و یمامه و بحرین است و اقسام ان حضرموت
و شحر و مهره و عمان و نجران است و بعضی کفته اند که وجه تسمیهٔ
ان بیمن وقوع انست از یمین کعبه در وقت استقبال المشرق مثل
وقوع شام از شمال ان و اما حجاز در جنب بحر احمر واقعست و

وجه تسمیهٔ ان بحجاز حاجز بودن ان میانه نجد و تهامه است امّا
نجد از جهت شمال بشام و از شرق بعراق و از غرب بحجاز و از جنوب
بیمامه متّصل است و بهترین اراضی بلاد عربست و امّا یمامه
میانه نجد و یمن است و از شرق ببحرین و از غرب بحجاز متّصل است
و ابو اسحق اصطخری ذکر کرده که در ناحیهٔ ایله برّیه ایست که انرا
تیه بنی اسرائیل میکویند و ان اکرچه بدیار عرب متّصل است و
لکن از دیار انها نیست و عرب دران اب و مرتعی ندارد اما اهالی
این بلاد حالاتشان کما کان معلوم نیست چه که در اعصار قدیمه
تاریخی با اعتبار تر از تاریخ انها نبوده ولکن انچه معلوم است
اینستکه بعضی از اولاد سام بن نوح در عراق متوطن بودند
و بنو حام انها را از انجا بیرون کردند پس بعضی در جهت شمال
باشور رفتند و برخی در سمت غرب ساکن شدند و چونکه
در لغت اصلیّه حرف غین نبود انها را عرب نامیدند پس عرب
بمعنی غرب است و نسل انها بنسل اسمعیل و مدیان و عیسو
و لوط مخلوط کردید و در جهات جنوبیّه با قبائلیکه از نسل
حام بودند مخلوط شدند و از انها قبیله ها و نسلهای بسیاری
پیدا شد که بعضی از انها منقطع و برخی در تحت نسلهای دیکر
مندرج شد و در زمان جاهلیّت بانواع مختلفه عبادات باطله می
کردند و خداوندان و بتهای بسیار مثل لات و عزّی و هبل و
نسر و سواع و یغوث و غیر اینها داشتند و اکثر انها پرستش افتاب
و ماه و ستاره کان میکردند و از این جهت اسامی انها عبد العزّی
و عبد یغوث و عبد الشمس و عبد المشتری و امثال اینها بود و

در زمان قدیم در فصاحت و بلاغت و حذاقت و کرم و شجاعت
و نظم اشعار شهرت عظیمی داشتند و در اوقات معلومه در
اماکن معیّنه از برای بیع و شری و مفاخرت بیکدیکر و انشاء اشعار
جمع میشدند و از جمله اشعار انها معلّقات سبع است که بخانه
کعبه اویختند و علمای اسلام بواسطه فصاحت و صنائع شعریّه
که در انها بود بشرح انها بسیار اهتمام کردند و در اثناء سنه
۶۲۲ مسیحی که سنه هجرت است دین اسلام قوّت کرفت و بسیاری
از اعراب مسلمان شدند و در سنه ۲۷۷ هجری طائفه قرامطه
قوّت کرفتند و بکوفه و بصره و ارض بحرین غلبه کردند و لشکر
عظیمی از انها در تحت رایت ابی طاهر خلیفه قرمط بمکّه امد و از اهالی
و غربای ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس را بقتل رسانیدند و از خانه
کعبه حجر الاسود را کرفتند و در اواخر قرن ماضی طائفه وهابیّه
قوّت کرفتند تا اینکه بالاخره ابرهیم پاشا بانها ظفر یافت و
بدانکه جانب عظیمی از بلاد عرب صحراهائی است که باران در انها
بندرت میبارد و چیزی در انها نمیروید مکر کیاه کمی که مرتع مواشی
اهل بادیه است و لکن وادیهای خوب که صاحب اب و درختست
بخصوص در نواحی حضرموت و شحر که از بلاد یمن است بسیار است
و از جمله کوههای این بلاد کوه عارض است که از جهت شمال و
جنوب ممتد است و طرف جنوبی ان در نزدیکی صعده ببلاد یمن
متصل است و از انجا از جهت شمال تا نزدیکی خلیج عجم ممتد است
و دیکر کوه احُد و کوههای مکّه و منی است که انها را اخاشب می
کویند و کوههای سود اکه در نزدیکی کوه اجاست نیز اخاشب می

کویند و میانه انها بیابان ریک زار بیستا ما نهریکه کشتی از ان
عبور کند در بلاد عرب نیست و از کوههای انها جویهای بسیاری
سرازیر میشود و لکن در ریکهای کرم فرو میرود و بدریا
نمیرسد و در نزدیکی صنعاء یمن نهر کوچکی است که بدریای هند
متصل میشود و نهر دیکری در بلاد مهره است که ان نیز در عمان
بدریا داخل میشود و امّا هوای این بلاد در کوهها معتدل و در
بیابانها بسیار کرم است و در شمال یمن از ماه حزیران تا تشرین
دوّم باران میبارد و در شرقی ان از تشرین دوّم تا شباط و
در حضرموت و عمان از شباط تا نیسان و در اکثر صحراهائیکه
باران بسیار میبارد بعضی از نباتات بریّه در انها میروید و
احیاناً باد سموم بانها میوزد و تمام را میسوزاند و اما اشجار در
بادیه‌ها غیر از بعضی از اشجار که اب کمی انها را کفایت میکند نمیروید
و لکن در بعضی از وادیها و کوهها کز و حنا و زنجبیل و یاسمین
و تمر هندی و خرما و نی و کندم و جو و قهوه و تتن و فلفل و صبر و
بادنجان و انار و بادام و پسته و زرد الو و سیب و کلابی و لیمو
و انجیر و شقایق و نرجس و خربزه و موز و طلح که صمغ عربی از
ان است و نارجیل و لبان یافت میشود و امّا حیوانات بلاد عرب
از جمله انها اسب است که در خوبی مشهور و معروف است و دیکر
شتر و کاومیش و کاو وحشی و خر و بز و کوسفند و حمار وحشی
و بز بری و خنزیر و خرکوش و اهو و شیر و کفتار و یوز و کرک و
روباه است و در جهت جنوبی نسناس یافت میشود و از جانوران
موذی مار و عقرب و انواع مورچه و رتیلا یافت میشود و در

غالب اوقات ملخ باین بلاد هجوم میکند و غله واشجار انهارا
تلف مینماید واما معدنهای بلاد عرب حال کم است ولکن در
زمان قدیم بسیار بوده والان در بعضی از اماکن انها اهن و مس
وارزیز وجزع وعقیق ولؤلوء یافت میشود وشکّی نیست که در
انجا معدنهای بسیاری استکه تاکنون کشف نشده بخصوص در
نواحی طور سینا واما تجارت این بلاد در زمان قدیم وسیع
بوده وحال کم است وازجمله چیزهائیکه ازانجا ببلاد دیگر می
رود قهوه وصمغ عربی وصبر ومرّ وسنا وفلفل وحناء وعود
وغیر اینها ازعقاقیر است امّا شهرهای این بلاد مشهورترین
انها مکّه است وان از حجاز است وبئر چاه زمزم چشمه ای در
ان نیست وان برای اشامیدن خوب نیست چه که مورث قرحه و
بثورات میشود ومقتدر بالله که از خلفای بنی عباس بود از
مسافت بعیده ابی دران جاری کرد ومسجد الحرام که خانهٔ کعبه
درمیان ان واقعست درانست واهلش مقدار ۳۵۰۰۰ نفس
است واز تجارت باحجّاج امور معیشت خود میگذرانند ودر
غربی مکّه درکنار دریای قلزم شهر جدّه است وان بندر
مکّه است ودرطول شرقی ۳۹٤ وعرض شمالی ۲۱۳۳۱۴
واقعست واهلش مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است واز اهل هند
ویمن ومصر وشام ومغرب وبلاد ترک مخلوط اند وازاماکن مشهوره
مکّه صفا ومروه است ودیگر وادی منی وکوه عرفات ومزدلفه
استکه انرا جمع وبطن محسّر نیز میکویند ودرجنوبی مکه کوه ثور
است وثبیر کوه دیگری استکه از منی ومزدلفه دیده میشود

ونیز

ونیز اسم چند کوه است بنزدیکی مکّه سوای کوه مذکور مثل ثبیر زنج
وثبیر اعرج وثبیر خضراء وثبیر نصع وثبیر غنیاء وثبیر احدب که
انرا اثبره میکویند وغار مشهور که حضرت رسول با ابی بکر دران
مخفی شدند درکوه ثور واقعست وشیخ محمّد بوصیری درقصیدهٔ اش
که معروف به برده است اشاره بان کرده وماحوی الغار من خیر
ومن کرم وکل طرف من الکفّار عنه عمی فالصدق فی الغار والصّدّیق
لم یرما وهم یقولون ما بالغار من ارم ودرشمال غربی مکّه قریه
حُدیبیه است وبعضی کفته اند که بعض ان درحلّ وبعضی در
حرم است امّا تبوک درشرقی ایله واقعست ودرسنه ۹ هجری
واقعه عظیمی میانه مسلمین وروم دران حادث شد ودرشرقی
تبوک دومه جندل است ودرهمان سنه که غزوهٔ تبوک واقع
شد خالد بن ولید انرا فتح کرد امّا حِجر بکسر حاء درجنوبی دومه
جندل است وبعضی کفته اند که دیار ثمود انجا بوده واما حَجر بفتح
حاء درنزدیکی شهر یمامه است وهرد ومنزل قبیله بنی حنیفه و
بعضی از مُضر است وبنی حنیفه از قبیله بکر بن وائل اند که مسیلمه
کذّاب که ادّعای نبوّت کرد از انها بود وایشان از عرب مستعربه
اند از قبیله ربیعه فرس که حریری صاحب مقامات مشهور از
انهاست واصل او از قریه مشان بوده وقبور اشخاصیکه در
حرب مسیلمه کذّاب در زمان خلافت ابی بکر کشته شدند در
حجر مذکور واقعست ودر بلاد عرب مواضع عدیده باین اسم
مسمّی است مثل حجر راشده دردیار بنی عقیل وحجر بنی سلیم
وحجر دوس ووادی دیگری در بلاد عُذره وغطفان وموضع

دیکری در یمن وحذام جدیسیه کداو دا زرقاء جوّ نیز میکویند ومسافت سه روز راه را میدیده وکرویّت زمین پیش او چیزی نبوده چنانچه درباره او کفته اند اذا قالت حذام فصدّقوها ❊ فانّ القول ما قالت حذام اصل او از یمامه از مکانی استکه انرا جوّ میکویند واو مابین مردم ضرب المثل است چنانچه ابو طیّب کفته

برتني السُّرى بَرى المُدى فرددتني	أخفّ على المركوب من نفسي جرمي
وابصر من زرقاء جوّ لانّني	متی نظرت عینای ساواهما علمی

وبعضی کفته اند که اسم او یمامه بوده و بلد یمامه باسم او نامیده شده و بواسطه کبودی رنك او ملقّب بزرقاء کردیده واما تیماء در شرقی حجر واقعست و در زمان قدیم معمورتر از ان بوده و در ان قلعه ایستکه معروف با بلق فرد است ومنسوب بسموال بن عادیاء یهودی است واما ثعلبیه در شمال شرقی تیماء است و در شمال شرقی ان فید واقعست وان از نجد است و در نصف راه قاصدین عراق از کوفه بنزدیکی کوه اجا وسلما واقعست و در غربی حجر مدین واقعست و در انجا چاهی استکه بعضی کفته اند که ان چاهی استکه موسی کوسفندان شعیب را از ان سیراب میکرده اما مدینه اسمش یثرب است ولکن غالباً انرا مدینه میکویند وان در زمینی مستوی واقعست و در شمالی ان کوه اُحد و در جنوبش کوه عیر است و درختهای ان بسیار است واکثر اراضی ان قابل زرع نیست وبیشتر چیزهائیکه در ان محلّ احتیاج است از مصر میاید وانرا مدینة الرّسول وامّ القری وطیّبه نیز میکویند چنانچه شیخ عمر فارض کفته تیقّنت ان لا

دار من بعد طیبة تطیب وان لا عزّة بعد عزّة واما خیبر در جهت شمال شرقی مدینه بمسافت ۴ منزل واقعست وقبائل یهود متعدّده که بمکر وحیله وخباثت موصوفند در ان ساکنند و بعضی کفته اند که ان از عمالقه بوده و بعد به بنی عنزة بن اسد بن ربیعه رسیده وهوای ان بد ومورث تبهای شدیده است و درختهای خرمای ان بسیار است وتمرش بجهات بعیده میرود واما جار در جنوب شرقی مدینه بمسافت یك روز ویك شب واقعست وان بندر مدینه است وجماعتی بان منسوبند که از جمله انها عبد الملك بن حسن جاری احول است و در جنوب شرقی ان ابی است که انرا بدر میکویند و در نزدیکی ان قریه بدر است که واقعه مشهور میانه مسلمین ومشرکین قریش در ان واقعشد وبالاخره اهل اسلام ظفر یافتند واز جمله اشخاصیکه در ان روز از مشرکین کشته شد بدر بن اسود بن زمعة بن مطّلب بن نوفل قرشی بود واما جُحفه در جنوب شرقی بدر است وحال خراب و ویران است ومیانه جُحفه ومکّه عسفان است وان منزلی است در راه قاصدین مصر وشام وانرا مدّج عثمان نیز میکویند واما طائف در شرقی مکّه واقعست وسردترین اماکن حجاز است و میوه های ان بسیار است و در نزدیکی ان بوستانهائیست که از چشمه ها وجویهائیکه از کوهها سرا شیب میشود سیراب می کردد وکل و درخت رز در انها بسیار است واهل ان از قبیله ثقیف اند که کُلیب بن یوسف ثقفی ملك شام که معروف بحجّاج است از انهاست واما عکاظ در نزدیکی حدّ میانه یمامه و تهامه است و

در زمان قدیم در ایّام یك شنبه بازاری در ان برپا میشد و
هر سال قبائل عرب از برای تفاخر بیکدیگر و انشاد اشعار در ان
جمع میشدند و مدّت یکماه یا ببیست روز در انجا میماندند
وامّا صنعاء یمن شهر و انزه شهرهای عربستان است و قصبهٔ
یمن است و در عرض ۱۵۲۱ شمالی واقعست و در کثرت انهار و
اشجار شبیه بدمشق است و هوای ان معتدل و بازارهایش
خوب و تجارتش وسیع است و در زمان قدیم پای تخت ملوك
یمن بوده و در جنوب شرقی صنعاء موقع شهر مارب است که انرا
سبا میکویند باسم عبد الشمس که ملقّب بسبا بود و بعضی
کفته اند که در انجا سدّ عظیمی ساخت و سیلابها را از مسافت
بعیده در ان جاری کرد و در جهت شمال غربی صنعاء صعده است
که پوستهای مدبوغ از انجا بسائر بلاد میرود و در غربی صنعاء
بمسافت یکمنزل از شط بحر احمر شهر زبید واقعست که قهوهٔ ان
باطراف میرود و نسبتش اصلاً بان داده میشود مکر اینکه
عامّهٔ ناس از روی اشتباه نسبت انرا بمکّه میدهند و ان در
عرض شمالی ۲۰۱۳ و طول شرقی ۴۳۲ واقعست و بناهایش
از خشت خام است و اهلش مقدار ۵۰۰۰ نفس است و در
۴ منزلی ان و ۶ منزلی صنعاء بیت فقیه است و ان در اراضی
که قهوه در انها میروید واقعست و امّا شهر عدن در کنار
دریای هند واقعست و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته
ولکن حال اعتباری از برای ان باقی نمانده و در تصرّف انکریز و
محطّ کشتیهای انها است که میانه هند و سویس جاری میشود

وجزیره

وجزیره سقطره که صبر سقطری معروف از ان بسایر بلاد میرود
تابع یمن و در تحت حکومت ان است امّا شهر مسقط قصبهٔ بلاد
عمّان است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و امّا احساء اعظم
بلاد بحرین است و صاحب انهای جاری و چشمه‌های بسیار کرم است
و درخت خرمایش بسیار است و از انجا تمر بنواحی یمامه میبرند
و باکندم معاوضه میکنند و در شمالی احساء در کنار خلیج
عجم قطیف واقعست و درخت خرمای ان کمتر از احساء است
و میانهٔ انها مسافت دو روز راه هست و از بصره بمسافت ۸ روز
راه واقعست و میانه ان و کاظمه ۴ روز راه هست و بنزدیکی
ان در خلیج عجم جزائر بحرین است امّا کاظمه در شط خلیج عجم واقع
است و امّا شهر یمامه در جنوبی احساء واقعست و مسیلمهٔ
کذّاب منسوب بان است و در نزدیکی ان وادی است که انرا
خرج میکویند و در ان چند قریه است و در شمال یمامه شهر
ریاض است که پای تخت وهّابیّین و مرکز سطوت انها است و
تجّار از احساء و قطیف و عمّان و مکّه و وادی نجران و یمن در
ان جمع میشوند و انها با علی درجه ترفّض و تشیّع بمذهب
وهّابیّین اند که ابداً شراب نمیخورند و تتن و سایر دخانیّات
استعمال نمیکنند و استعمال انرا از اعظم کناهان میدانند و
رخصت داخل کردن انرا در بلادشان نمیدهند و ان حال
قصبهٔ بلاد نجد است و این بلاد بخوبی اسب و شتر و کوسفند
مشهور است و در شمالی ان رمول است و در شمالی ان کوه
شمر است که قصبه ان شهر حائل است و بنزدیکی ان در سلما

قبر حاتم طائی است وان در تحت حکومت ریاض بوده وحال صاحب
حکومت مستقله است اما وادی جوف در حدود بادیهٔ شام
است وقصبه ان شهر جوف است وان نیز تحت حکومت کوه شمر
است که شهر حائل قصبه ان است واز جمله شهرهای قدیمه بلاد
عرب حمیر است که در شمال شرقی زبید واقعست ومیانه ان و
صنعاء منزل است ودر جنوب زبید قلعه تعز است که مقام
ملوک یمن بوده وان بالای کوهی است که محیط باراضی تهامه وزبید
است ودر شرقی صنعاء شهر ظفار واقعست وان قصبه بلاد
شحر است وتجارتش با هند است ودر اراضی ان بسیاری از
اشجار هند مثل نارجیل وتنبل یافت میشود واما نجران
بمسافت ده منزل از صنعاء واقعست واراضی ان از قبیله همدان
بوده واهالی در زمان جاهلیت بتی داشتند که انرا یعوق مینامیدند
وهمدان پسر کهلان بن سبا بود **فصل دهم** در بلاد فارس
غربیه یعنی مملکت ایران بدانکه بلاد عجم در این ایام بچند قسم
تقسیم میشود مملکت ایران یا مملکت فارس وافغانستان یا
کابل وبلوچستان اما مملکت ایران قسم غربی انهاست وانرا بلاد
فارس نیز میگویند وان از جهت شمال ببعض ارمینیه وکرجستان
وبحر خزر وبعض بلاد تتر واز شرق با فغانستان وبلوچستان
واز جنوب ببحر هند وخلیج فارس واز غرب بخلیج فارس وعراق
عرب وکردستان وبعض جزیره محدود است ومساحتان
مقدار پانصد هزار میل مربع واهلش مقدار دوازده هزار
هزار نفس است وان هشت قسم است اذربایجان وگیلان

ومازندران وعراق عجم وخوزستان وفارس وکرمان وخراسان
واکثر اراضی اینمملکت از مساوات دریا بسیار مرتفع است وجبال
ووادیها وبیابانهای ان بسیار است ودر ان بسیاری از بحیرات
شور است که از جمله انها بحیره ارمیه است که در شمال غربی
اذربایجان است وطولش مقدار ۹۰ میل وعرضش ۳۲
میل وعمقش زیاده از چهار ذراع نیست ومقدار ۱۴ نهر از
جبال مجاوره ان داخل ان میشود وهر وقت که اب این نهرها
زیاده میشود اب این دریا مقدار ۳۰ قدم مرتفع میگردد
بعضی گفته اند که اب ان شور وتلخ است وماهی در ان تعیش
نمی تواند بکند وانرا بحیرهٔ تلا نیز میگویند ودیگر بحیره ایست که
در شرقی فارس است وطولش مقدار ۶۰ میل است ودیگر
بحیرهٔ شیراز وغیر اینهاست که حاجتی بذکر انها نیست واز جمله
نهرهای این بلاد قزل اوزان است که مخرجش در کوههای عراق
عجم است وبجهت شمال جاری میشود پس بجهت شرق بر می
گردد ودر بحر خزر ریخته میشود وطول ان مقدار ۴۰۰ میل
است ودیگر نهر قره صو است وشاید که این همان نهریست که
عرب انرا نهر هود ودجله اهواز میگوید وان از کوههای عراق
عجم بیرون میاید ومیانه کوههای خوزستان میگذرد ودر
دجله ریخته میشود ودیگر نهر نهاوند است که از کوههای عراق
عجم بیرون میاید وبجهت جنوب جاری میگردد ودر فرات ریخته
میشود ودیگر نهر طاب است که از کوههای غربی شیراز بیرون
میاید ودر خلیج فارس ریخته میشود وطول ان مقدار ۱۸۰

میل است و در وصفان بعضی گفته اند ما طاب لی قطّ عیش
الّا علی نهر طاب و دیگر نهر قارون است وان نهری است که
بلاد خوزستان را غرق میکند و در رأس خلیج فارس ریخته
میشود و این نهر از التقاء دو نهر مجتمع است که یکی از انها نهر
اولی است که در نبوّت دانیال مذکور است و امّا هوای مملکت
ایران مختلف است چنانچه در نواحی بحر خزر بنهایت تری است
و بسرعت از گرمی بسردی منقلب میشود و باینواسطه در انجا
درد مفاصل و مرض استسقاء و چشم درد بسیار عارض می
شود و امّا در جهات متوسّطه برودت ان در فصل زمستان
شدید و حرارتش در موسم تابستان بقسمی است که اهالی
ان حتّی الامکان دران قامه نمیکنند و در اصفهان در اواخر
تابستان تب بسیار عارض میشود و امّا در همدان و شیراز
هوا خوب است بخلاف سایر بلاد و امّا نواحی خلیج فارس و بحر
هند حرارتش شدید است و باد سموم دران بسیار میوزد
و امّا خاک این بلاد اکثر ان قابل کشت و زرع است بخصوص
در نواحی اصفهان و همدان و شیراز و اذربایجان و خراسان
و در غالب بلاد بسیاری از میوه ها مثل انجیر و انار و الو و
زرد الو و شفتالو و سیب و گلابی و انگور و گیلاس و بادام
و انواع خربزه و هندوانه و لیمو و پرتقال و غیر اینها یافت می
شود و بعضی ذکر کرده اند که دران مقدار ۲۰ نوع از جنس
خربزه و مقدار ۱۴ نوع از انگور یافت میشود و از جمله حاصلهای
ان گندم و جو و عدس و نخود و باقلا و ارزن و ماش و لوبیا

و برنج و تنباکو و افیون و راوند و زعفران و پنبه و مصطکی
و بعض صمغهای عطریّه است و در بسیاری از بلاد کرز و
چغندر و کلم و کدو و شلغم و گندنا و پودنه و شبت و غیر
اینها از سبزیها یافت میشود و در گیلان و مازندران
بوستانهای بسیاری است که از نهرهائیکه از کوههای
مجاورهٔ انها سراشیب میشود سیراب میگردد و لیمو و توت
و پرتقال انها بسیار است و بیشتر اعتناء اهل گیلان بحریر
است وان در مازندران کم است و از جمله حیوانات این
بلاد اسبها خوب است از اسبان عربی و ترکمانی و دیگر استر
و حمار است که اهالی ان بتربیت انها بسیار اعتنا دارند و امّا
گاوهای ان صغیر الجثّه است ولکن گوسفندان ان فربه و عظیم
الجثّه است و بهترین پشمها در نواحی کرمان است که از ان
چیزهائی بافته میشود که معادل انسجهٔ کشمیر است و از حیوانات
برّیه حمار وحش و گرگ و پلنگ و روباه و شیر و خرگوش و
خرس و عنتر و نوعی از گربه که عظیم الجثّه است و اهو یافت می
شود و همچنین از طیور اهلیّه و برّیه انواع بسیاری در این
بلاد یافت میشود و در بحر خزر و نهرهای مازندران ماهی
بسیار است و از معادن نمک در این مملکت بسیار است و
مس در کوههای کرمان و مازندران و ارزیز و کبریت در
کرمان و فارس و اهن در اذربایجان و ارزیز و نقره و مس
و فیروزج در کوههای بحر خزر و مرمر در نواحی همدان و
نفط میانه شیراز و بوشهر یافت میشود و در کرمان مغارهٔ است

که نوعی از نفط از ان تقطیر میشود که انرا مومیاء میگویند و
سالی یکمرتبه در این مغاره را باز میکنند و انچه در ان از نفط تقطیر
شده میگیرند و ان بقدر نادری است پس انرا مهر میکنند و در
خزانه سلطان میگذارند و قیمت ان از طلا بیشتر است و در
بعضی از اماکن خراسان قلیلی از ان یافت میشود و از مصنوعات
این بلاد انسجه حریر و مخمل است در مشهد و اصفهان و تبریز و
انسجهٔ پنبه در اماکن کثیره و طناب و فرش و شال در کرمان و
خراسان و اذربایجان و الات و ادوات خیل در همدان و الات اهن
و فولاد در شیراز و ان بخوبی شراب مشهور و معروف است و نیل
و دود قرمز و شکر از بلاد مسکوب و هند و پوست گوسفند
از بخارا و قهوه از عربستان وارد ان میشود و اما حکم این بلاد
بسلطان واحد منحصر و جمهور را در ان مدخلیتی نیست و اکثر
عساکران بغیر نظام است سوای ۲۰۰۰۰ پیاده و ۳۰۰۰۰ سوار
که در نواحی اذربایجان اند و عساکر غیر منتظمان بمقدار ۲۰۰۰۰
نفر میرسد و دخل این مملکت از گمرک و خراج و جزیه در سال
مقدار ۲۰۰۰۰۰۰۰ غرش است و اما اهل این بلاد از اصول
مختلفه از فارس اصلی و تتر و ترک و کرد است و اکثر انها متدین
بدین اسلام و بمذهب تشیّع عمل میکنند و طریقه تصوّف در
ان بسیار است و اهالی اصلیّه ان که بمذهب زردشتی باقی
مانده اند اکثر در نواحی یزد ساکنند و در سر کوهی از کوههای
این بلاد اتشکدهٔ دارند که اتش مقدس را در ان حفظ میکنند و
در ان از ارمن و نساطره و یعاقبه نیز ماوی دارد و اکثر نساطره

در اذربایجان در نواحی ارمیه و جبال کردستان ساکنند و از جمله
شعرای مشهور این بلاد شیخ سعدی و حافظ شیرازی و انوری
و فردوسی و کمال الدین اسمعیل و خاقانی و منوچهری و عبید
و اوحدی است و اما شهرهای ایران از جمله انها خُوی است در
شمال غربی اذربایجان که بصنعت دیباج معروف است چنانچه
شیخ عمر فارض گفته کعروسٍ جُلیت فی حِبرِ صنع صنعاؤ دیباج
خُوی و اهل این شهر مقدار ۲۵۰۰۰ نفس است و در جنوبی
ان ارُمیه است بمسافت یکمنزل از بحیره ارُمیه و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰
نفس است و حول انکوههای نساطره است که جماعتی از انها در
مذهب مسیحی داخل شده اند و بعضی گفته اند که حضرت زردشت
صاحب شریعت مجوسیّه از این شهر بوده و در شرقی بحیرهٔ ارُمیه
شهر مراغه است که هلاکوخان بعد از ظفر یافتن باسمعلیّه در
عراق عجم در ان اقامت نمود و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و
جماعت بسیاری از هر فن بان منسوبند و اما شهر اردبیل در شرقی
اذربایجان است و از اعظم شهرهای انست و در نزدیکی ان کوه
سیلان است که خالی از برف نمی ماند و اما شهر تبریز در شمالی
مراغه در ۴۶ ۱۷ ۴۷ طول شرقی و ۳۸ ۵ ۱۰ عرض شمالی
است و در غنی و تجارت از اعظم شهرهای بلاد عجم بوده و در
ان مقدار ۲۵۰ جامع و مدرسه بوده و جماعت بسیاری از
علماء منسوب بانند که از جمله انها ابوزکریا یحیی تبریزی شارح
دیوان حماسه است و اما قُم در طول شرقی ۵۰ ۲۹ و عرض شمالی
۳۴ ۴۵ است و بعضی گفته اند که در سنه ۸۳ هجری بنا

شده وازجمله اینشهرها کرمانشاه است وانرا قرمیسین نیز می
گویند وازاعظم شهرهای عراق عجم شمرده میشود ومحیط ان
مقدار ۳ میل واهلش مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است ودران
بسیاری از فواکه ومیوه ها یافت میشود ودر اراضی ان زعفران
بخوبی بعمل میاید والات حربیه ازمس وغیره وفرش وجامه از
پنبه دران ساخته میشود ودیگر زنجانست که درحدود
اذربایجان واقعست واهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است واما
شهر همدان در وسط بلاد جبل است وکوه الوند مشرف بانست و
صاحب نهرها وبوستانهای بسیاری است وبعضی گفته اند
که این همان شهر اکبتانای قدیم است واهلش مقدار ۴۰۰۰۰
نفس است وجماعتی از شعراء وعلماء بان منسوبند که ازجمله انها
ابن خلوف همدانی شاعر وشیخ احمد بن حسین معروف ببدیع الزمان
صاحب مقامات است ودر جنوبی همدان موقع نهاوند است
وان شهریست صاحب انهار وبساتین وفواکه ودر زمان خلافت
عمر بن خطاب واقعه عظیمه میانه مسلمین وفرس دران واقع
شد واما طهران در ۳۵ ۴۰ عرض شمالی و ۵۱ ۲۲ ۴۰
طول شرقی واقعست ومقر سلطان عجم است مگر درایام تابستان
که بجهت حرارت وکثافت هوا موکب همایونی ازانجا بنواحی ان حرکت
مینماید واهلش مقدار ۹۰۰۰۰ نفس است واما شهر اصفهان
در ۳۲ ۳۹ ۴۴ عرض شمالی و ۵۱ ۴۴ ۳۷ طول شرقی
واقعست ودر زمان قدیم قصبه مملکت ایران ودار السلطنه
ان بوده ولکن حال از عظمت قدیم نسبتا انحطاط یافته واهل

ان مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است وجماعتی از علماء بان منسوبند
که ازجمله انها ابو الفرج علی بن حسین صاحب کتاب اغانی است و
از قریه های مشهوره ان راوند است که بعضی از علماء بان منسوبند
واما شهر قزوین در طول شرقی ۴۹ ۳۳ ۱۵ وعرض شمالی ۳۶ ۱۱
واقعست وانرا قزبین نیز میگویند وازاین جهت نسبا میشود که
بحر خزر را بحر قزبین میگویند وجماعتی از علماء بان منسوبند که
ازجمله انها شیخ محمد قزوینی صاحب کتاب عجائب المخلوقات واثار
البلدان وتلخیص المفتاح در علم بیان است واما کاشان در
جنوب غربی قم است واهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است ودر
۵۱ ۱۷ طول شرقی و ۳۳ ۴۳ عرض شمالی واقعست واما
شیراز در طول شرقی ۵۲ ۴۲ ۲ وعرض شمالی ۲۹ ۳۷ ۳۰
واقعست ودر زمان قدیم شهر خوبی بوده وبوستانهای بسیاری
داشته وحال از وضع قدیم تنزل یافته وجانبی ازان بواسطه زلزله
که در سنه ۱۸۲۴ مسیحی واقعشد خراب گردید وقبر سیبویه
وخواجه حافظ وشیخ سعدی دران واقعست وبلبل دران
بسیار یافت میشود واهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ومعادل
شیراز در عظمت وبزرگی فیروزاباد است که شیخ مجد الدین
فیروزابادی صاحب قاموس اللغة منسوب بانست وان در
جنوب غربی شیراز واقعست ودر شمال شرقی شیراز بمسافت
۳۴ میل بقایای شهر پرسپولیس است که اسکندر مکدونی
زمان رجوع او از هند بان عود کرد واز قریه های قدیمه فارس
اصطخر است که سیبویه وابو اسحق اصطخری صاحب مؤلفات د

جغرافیا منسوب بانست واما شهر یزد در جنوبی خراسان واقع
است واز شهرهای معتبره است و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است
وقافله ها از سایر بلاد دران میایند ومرکز تجارت وسیعی است
ودر شمال شرقی خراسان شهر مشهد است که مرقد منور امام ثامن
حضرت علی بن موسی الرضا علیهما الاف التحیة والثناء دران
واقعست و شیعیان از اقطار بلاد بزیارت انحضرت میایند واهل
ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ودر ۵۹۳۵۲۷ طول شرقی و
۴۰۱۷۱۶۳ عرض شمالی است واما نیشابور در طول شرقی
۴۹۲۲۷ ۵۸۴ وعرض شمالی ۲۲۰۱۶۳ واقعست و اهلش
مقدار ۵۰۰۰ نفس است ودیگر از شهرهای انکرمان است که شال
کرمانی وزیره بان منسوبست ومابین مردم ضرب المثل است که
میکویند مثل بردن زیره بکرمان وقطره بعمان واهلش مقدار
۲۰۰۰۰ نفس است ودیکر بوشهر است در خلیج فارس وان
در طول شرقی ۵۰۵۰ وعرض شمالی ۲۸۵۹۳۰ واقع است
واهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ومرکز تجارت وسیعی است
ودیکر لار است وان قصبه قسمی از بلاد جنوبیه فارس وکرمان
است که لارستان نامیده میشود وان در خلیج فارس است و
دیکر شهر استراباد است در بحر خزر وان در طول شرقی ۶ ۵
۴۲۴ ۵ وعرض شمالی ۳۱۵ ۳۶ ۳ واقعست واز جمله
بلاد دیلم که تالی اذربایجان است شهر ری است که مدفن محمد
بن حسن فقیه وکسائی مقری است ومحمد بن زکریای رازی
طبیب مشهور منسوب بان است وانتساب و برازی بنا بر قول

سیوطی است در کتاب نسب و ابن خلدون کفته که زاء ان زائد
است چنانچه در مروزی که نسبت بمرو شاهجان است نیز زیاد
کرده اند

فصل یازدهم در بلاد فارس شرقیه

وان از
جهت شمال ببلخ واز شرق بچین وهند واز جنوب بدریای هند
واز غرب بکرمان وخراسان محدود است وبچهار قسم تقسیم میشود
هرات وکابل وسجستان وبلوچستان ومساحتش مقدار ۴۰۰۰۰
میل مربع است اما مملکت هرات در شمال غربی بلاد فارس شرقیه
است وطرف شمال غربی ان بصحرای خوارزم متصل است ودر
انجاسوای بعضی قبائل ترکمان کسی ساکن نیست ودر جنوبی این
صحرا سلسله کوههائیست که از جهت غرب ممتد است ودران
وادیهای خصیب ومرتعهای خوب یافت میشود واین سلسله
از شرقی شهر هرات عریض است وعرضش بمقدار ۲۰۰ میل می
رسد وطولش مقدار ۳۰۰ میل است واز جهت شرق بکوههای
قوهستان در نواحی شهر کابل ملحق میشود ودران چشمه ها
وجویهای بسیاری است ودر وادیها ومرتعهای ان کندم وجو
زرع میکنند وبعضی از میوه ها مثل انار وبادام دران یافت میشود
وبرف مقدار ۴ ماه دران باقی میماند واما هوای این بلاد خوب و
لطیف است ودر زمستان سرمای ان سخت است ودر تابستان
حرارت شدت ندارد واکثر اراضی ان مرتع مواشی است ودر نواحی
شهر هرات بوستانها ودرخت توت وحریر بسیار است واهالی
ان از فرس وعرب واتراک مخلوط است واکثر توجه انها بفلاحت
وزراعت است اما شهرهای این بلاد در زمان قدیم مشهور

ومعروف بوده وحال اکثر انها مثل شهرستان ومرو شاهجان و
مرورود وبادغیس وغیر اینها خراب و ویران وقابل ذکر نیست
واما شهر هرات طولش مقدار ۳۰ میل وعرضش مقدار ۱۵
میل است واز ابِ نهر سیراب میشود وتجارتش با کابل وبخارا
وکشمیر وهند وبلاد فارس غربیّه وسیع است واز نواحی
شرقیه نیل وشکر وشال کشمیری واقمشه پنبه وپوست گوسفند
واردان میشود واز انجا بیزد ومشهد واصفهان وطهران می
فرستند واز جمله حاصلهای ان زعفران وبادام وگلاب وحریر
است ودران قماشهای حریر وتیغه شمشیر وغیر ان از الات
قطّاعه ساخته میشود وپای تخت اینمملکت است وجماعتی بسیار
از علما از هر فن بان منسوبند وابو الفداء گفته که هرات در زمان
عثمان فتح شد ودر مقام نسبت دادن بان هَرَوِیّ گفته میشود انتهی
وقول جعفر بن شمس الخلافه درباره یکی از کتّاب بنا بر انستکه
گفته اوراق کدیته فی بیت کلّ فتیً علی اتفاق معانٍ واختلاف
روی قد طبّق الارض من سهل الی جبل کانّه خطّ ذلک السایح
الهروی ومقصود او شیخ علیّ بن ابی بکر سیّاح استکه در زمان سیاحت
هر دیواریکه میرسید اسم خود را بان مینوشت واو از اهل هرات
بود واین شهر از خراسان شمرده میشود واهلش مقدار صد
هزار نفس است اما شهر مرو شاهجان حال اعتباری ندارد ودر
زمانیکه مأمون در خراسان بود دران مسکن داشت وبعضی ذکر
کرده اندکه یزدجرد اخر ملوک فرس دران کشته شد وکتّاب
خلافت وجماعتی از علماء وپیشوایان از ان بیرون امدند واما

سجستان از جهت غرب بصحراهای کرمان واز شمال بهرات و
از شرق با فغانستان واز جنوب ببلوچستان محدود است
ودر جنوب غربجان در حدود قسمیکه میانه بلوچستان و
کرمان واقعست صحرای بی اب وگیاهی استکه انرا کوهستان
میگویند واین غیر از کوهستانی استکه سابق ذکر شد ودر غرب
ان بحیره زرنج استکه محیطش مقدار ۱۵۰ میل است وچند نهر
از نواحی افغانستان بان منضم میشود که اعظم انها هیرمند است
وابش قدری شور استکه بغیر از وقت ضرورت قابل اشامیدن
نیست ودر وسط ان جزیره کوچکی است ومساحت سجستان
مقدار ۲۵۰۰۰ میل مربّع است وبسیاری از خرابه‌های شهرهای
قدیم در انست ومقرّ سلطان ان در جلال اباد است واما مملکت
افغانستان از جنوب ببلوچستان واز شرق بنهر السند واز غرب
بسجستان وهرات واز شمال بهرات وکوههای هندکوش که میانه
ان وبلخ فاصله است محدود است ومساحتش مقدار ۱۵۰۰۰۰
میل مربع است وجمیع اینها با هرات وسجستان در ایام نادر شاه
تابع مملکت ایران بودند وبعد مستقل شدند وپس از وفات احمد
شاه بچند قسم تقسیم شدند وحال بهمین منوال باقی است ودر
جهات شمالیه ان کوههای بلند ووادیهای عمیق وبیابانهای
خصیبی است وجمیع قریب بیکدیگرند بقسمیکه در دو ساعت
از امکنه حارّه بمواضعیکه خالی از برف نمیماند انتقال ممکن است
ونهرهای انها بسیار است اما در جهات جنوبیّه ابهم نباتات
کمست وخالی از اشجار است واز کوههای جهات شمالیّه سلسله

هندکوش است و این سلسله تا محاذی کشمیر هندکوش نامیده
میشود و از انجا بطرف شرق همالیا موسوم است و از جمله نهرهای
ان نهر هند است که در طی کلام در هندوستان ذکر خواهد شد
و دیگر نهر الهند استکه در بحیره زرنج ریخته میشود و طولش
مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر نهر غنداب استکه بمسافت ۸۰
میل از شمال شرقی قندهار بیرون میاید و بجنوب غربی جاری می
گردد و در نهر الهند ریخته میشود و طولش مقدار ۵۰۰ میل است
و دیگر نهر خوشخور استکه از کوههای حدود چین بیرون میاید
و بجنوب مایل بغرب جاری میشود و در جبال هندکوش نفوذ
میکند و از انجا بطرف شرق بر میگردد و در نهر هند ریخته
میشود و در افغانستان سوای بحیره که در جنوبی شهر غزنه است
بحری نیست و محیط ان مقدار ۱۲ میل است و ابش شور است
و بسیاری از پرنده کان ابی دران یافت میشود امّا هوای
افغانستان بواسطه اختلاف علوّ اماکن مختلف است و در
زمستان برودت ان شدید است و در تابستان حرارت ولکن
سرمای جهات غربیّه سخت تر از شرقیّه است و امراض وبائیّه
در این بلاد بسیار کم حادث میشود و غالب امراض دیده و چشم
درد و امثال اینها دران عارض میگردد و از جمله حیوانات این
بلاد پلنگ و یوز و گرگ و کفتار و روباه و خرس و اهو است
و اما شیر بسیار کم است و بزبرّی در جهات شرقیه و سگ
برّی و خارپشت در نواحی نهر خوشخور و نوعی از گربه که مویش
دراز است و نزد اهالی ان اعتبار دارد و ببلاد مجاوره خود شان

میفرستند و از طیور نسر و باز و عقاب و کلنگ و غیره یافت میشود
و از جمله درختهای ان شفتالو و امرود و سیب و گلابی و انار و بادام
و عنّاب و گردو و پرتقال است و در کوههای ان صنوبر و مصطکی و
سنجان و جور در بعض بیابانها فنی شکر یافت میشود و گل ان
بسیار است و شرابش خوب است و انگور غزنه مشهور است و
در سال دو فصل دران زرع میشود یکی در بهار که در موسم خزان
انرا درو میکنند و دیگری در خزان که در فصل تابستان انرا می
دروند و اکثر تجارت ان با بخارا است و امّا اهل این بلاد از قبائل
مختلف اند و عدد انها بمقدار چهار هزار هزار نفس میرسد و قریب
بده لغت از عربی و فارسی و هندی و ترکی و منغولی و افغانی و غیره
تکلّم میکنند و نزد علمای انها اعتبار لغت فارسیّه از سایر لغات
بیشتر است و دین انها اسلام است بمذهب سنّت و در میانه
انها بعضی از طرائق جدیده محدثه نیز یافت میشود و اما شهرهای
این بلاد مشهورترین انها قندهار است و ان در عرض شمالی
۲ ۲ ۳ و طول شرقی ۶۳۰ ۶ واقعست و در ایّام احمد شاه قصبهٔ
این مملکت بوده و بعد از انکه تیمور پسر او بجایش نشست تخت
سلطنت را بکابل نقل کرد و اهل ان افغان و فرس و هنود و ترک و
بلوچستانیّه و عرب و ارمن و یهود است و عدد انها مقدار صد
هزار نفس است و در اطراف ان بوستانهای بسیار است که میوه
و اشجار انها بسیار است و اما کابل در عرض شمالی ۳۴۱۰ و طول
شرقی ۶۹۱۵ واقعست و تیمور شاه انرا قصبه این مملکت قرار
داد و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و مسافت میانه ان و

قندهار مقدار ۲۳۲ میل است واما شهر غزنه قریب بدویست
سال پای تخت بود که دولت غزنویّه وخوارزمیّه دران سلطنت
میکردند ودر عرض شمالی ۳۳ ۱۰ وطول شرقی ۶۸ ۵۷ واقع
ومیان ان وکابل مسافت ۸۰ میل است ودران مقدار ۱۵۰۰ خانه است
وبمسافت ۳ میل ازان مدفن سلطان محمود غزنوی است واما
شهر جلال اباد درجنوبی نهر کابل است ودرجنوبی هرات بمقدار
یازده منزل شهر فرّه واقعست واهل ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس
است اما بلوچستان ازجنوب بدریای هند واز شرق بسند و
ازشمال بافغانستان وسجستان واز غرب بکرمان ولارستان
محدود است وعرضش مقدار ۳۵۰ میل ومساحتش مقدار
۱۴۶۰۰۰ میل مربّع است واکثر این بلاد کوه وصحراهای بی اب
است مگر بلاد لصّ وماوراء ان ازشمال ونهرهای این بلاد کم
است واکثر انها سیلاب استکه در زمستان جاری ودر
تابستان قطع میشود وهوای انها کثیف وبد ودر زمینهای
پست حرارت ودر کوهها واراضی مرتفعه برودت شدّت دارد و
اشجار کم است وازجمله معادن انها نمک وکبریت ورخام است
وازحیوانات شتر واسب وگوسفند وبز وگاو درانها یافت
میشود واهل انها مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است وایشان از فرس
وهنود وتتر وافغان واکراد مخلوطند وبعضی ازلغات انها مشابه
لغت هندیّه وبعضی مشابه لغت فارسیّه است واکثر انها از
اهل سنّت وجماعت اند ودرمکران طائفه لودیّه ساکنند وازان
جمله عادات انها انستکه چون کسی ازایشان وفات میکند تمام

چیزهائیکه مختصّ باو بوده با او دفن میکنند که ذکر او ازمیان انها
فراموش شود وعلت افسرده گی خاطرشان نگردد ودرمیان انها
تزویج نیست بلکه بزنا وفسق عیش میکنند وایشان از اصل فارسی
اند ولغتشان فرع فارسی قدیم است **فصل دوازدهم**
در ترکستان وان ازشمال بسیبیریا واز شرق ببعض سیبیریا و
چین واز جنوب ببعض چین وافغانستان وهرات وایران واز
غرب ببحر خزر ونهر اورال محدود است ومساحتش مقدار
۷۷۵۰۰۰ میل مربّع است وبسه قسم منقسم است اوّل ترکستان
جنوبی که درجنوبی نهر جیحون واقع است ونزد اعراب این قسم
بطغارستان وبدخشان وبعض خوارزم منقسم است دوّیم
ترکستان وسطی وان اراضی ایستکه درشمالی جیحون ودر وادی
نهر سیر واقع است واعراب انرا ماوراء النهر میگویند سیّم ترکستان
شمالی واکثر این بلاد صحرا وبیابانهای بی اب است مگر نواحی
نهر سیر ونهر جیحون وجهات جنوبیّه شرقیّه ومیانه اندو ایران و
افغانستان سلسله کوههای هندکوش فاصله است واز این سلسله
سلسلهای چندی بجهت شمال منشعب است ومیانه ان وچین
سلسله بلورطاغ یعنی کوههای بلور که متصّل بکوههای التائی است
فاصله است وطول ان مقدار ۵۰۰ میل است ووسط این بلاد را
چند سلسله خرق میکند که ازجمله انها اصفرطاغ واقطاغ وقره
طاغ وکوههای سمرقند است وازجمله نهرهای این بلاد نهرسیر
استکه ازکوههای بلور بیرون میاید وبجهت شمال جاری میگردد
ودربحیرهٔ ارال ریخته میشود وانرا نهر سیحون نیز میگویند واما

نهر جیحون از جبال بلور بیرون میاید و بطرف غرب جاری میگردد
پس بشمال غربی منعطف میشود و در بحیرهٔ ارال ریخته میشود و
نهرهای بسیاری که از کوههای هندکوش سرازشیب میگردد در ان
ریخته میشود و طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است و اما بدخشان اسم
اقلیم و شهر خاصی از انست و در ان معدن یاقوت و لاجورد و اهن
و کبریت و نمک یافت میشود و بلور و پادزهران بسیار ببلاد میرود
و اهالی ان از اصل ترک و متدین بدین اسلام اند و اما بلاد خوارزم
در شمالی خراسان و شرقی بحر خزر و غربی ماوراء النهر است و اکثر اهل
ان قبائل ترکمانیه اند و عدد انها مقدار ۸۰۰۰۰۰ و بعضی ۵۰۰۰۰
نفس گفته اند اما بلاد بلخ تالی شمالی جبال هندکوش و از شرقی
ان بدخشان و از شمالی ان ماوراء النهر است و قصبه ان شهر
بلخ است و اما بلاد ماوراء النهر از جمله شهرهای ان بخارا است که
پای تخت دولت صفاریه و سامانیه و غزنویه و سلجوقیه و خوارزمیه
بوده و اما شهر سمرقند بمسافت ۱۱۲ میل در شرقی بخارا است و طولش
۶۴ ۵۳ شرقی و عرضش ۳۹ ۴۰ شمالی و محیطش مقدار ۸
میل بوده و لکن حال چنین نیست و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است
و اما سغد سمرقند یکی از محل تفرجهای عالم است و نهر ازراقی می
گویند و از ان شعبه های بسیاری منشعب میگردد که در این اراضی
الی حدود بخارا متفرع میشود و شیخ رئیس ابو علی حسن بن عبد
الله بن سینا سنه ۳۷۰ هجری در دهات بخارا تولد یافت و اما
وادی نهر سیر که معروف ببلاد فرغانه است از جمله شهرهای ان
خجند است و در ان مقدار ۳۰۰۰۰ خانه است و دیگر خوقند

است و از جمله قصبه این نواحی است و در ان مقدار ۵۰۰۰۰
خانه است و اما ترکستان شمالی اهل ان قبائل بادیه از ترک و ترکمان
است و با مسکوب در مواشی تجارت میکنند و در عوض قماش و
الات و ادوات زینت میگیرند **فصل سیزدهم در هندوستان**
و ان از شمال بسلسله کوههای همالایا و از شرق بخط مفروضی از
سلسله مذکوره بنهر برهم پوترا و همچنین بنهر مذکور و خلیج بنگاله
و از جنوب بدریای هند و از غرب نیز بدریای هند و نهر هند و سند
محدود است و معظم عرضش ۱۶۲۰ میل و معظم طولش ۱۴۰۰
میل جغرافیه و مساحتش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰ میل مربع جغرافیه
و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما کوههای ان
از جمله انها کوههای همالایا است که میانه هند و بلاد تبت فاصله
است و ارتفاع بعض انها مقدار ۲۹۰۰۰ قدم است و از مسافت
۶۲ میل نمایان میشود و درخت صنوبر و سندجان در ان
بارتفاع ۱۲۰۰۰ قدم میرسد و از معدنها طلا و اهن و مس و
سرب و نمک و اهک و کبریت و انتیمون در ان یافت میشود و هیچ
وقت خالی از برف نمیماند و دیگر سلسله الغات است که ارتفاع
ان میانه ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ قدم است و الغات شرقیه متجه غربیه است
و میانه ۱۱ و ۱۶ عرض شمالی است و ارتفاع بعض ان مقدار ۳۰۰۰
قدم است و میانه این دو سلسله از جنوب در عرض ۱۱ شمالی جبال
نیلغیری یعنی کوههای ازرق است که ارتفاع بعض انها مقدار ۶۰۰۰
قدم است و بعضی ۵۰۰ قدم ذکر کرده اند و اما نهرهای این بلاد
طولانی و وسیع و بطیئ الجریان و عمیق است بقسمیکه بسیاری

از انها قابل عبور کشتی است واز جمله انها نهر هند است که انرا نهر سند و نهر مهران نیز میکویند واز شمالی کوههای همالایا در طول شرقی ٨٠٥٥ شرقی وعرض شمالی ٣١٢٢ بیرون میاید وبشمال غربی جاری میکردد پس بجنوب غربی منحرف میشود و نهر کابل و نهرهای دیکر از نواحی افغانستان وچند نهر بزرك از طرف شرق بان اضافه میکردد وتمام در دریای هند ریخته می شود واز وادی کشمیر وکوههای همالایا پنج نهر در این نواحی جاری میکردد که طول بعض انها مقدار ٥٠٠ میل است واین پنج نهر بهم شونا بکه در شهر مُلتان میکذرد متصّل میشود و در جنوب غربی ملتان بمسافت ١٠٠ میل نهر بیاج و نهر صُتلج که از کوههای همالایا سراشیب میشوند بان اضافه میکردد و در دریای هند ریخته میشود واما نهر الکنك از کوههای همالایا بیرون میاید وبجهت غرب جاری میکردد وپس از ان بجنوب وبعد بجنوب شرقی منحرف میشود وچند نهر از کوههای مجاوره ان منضّم بان میکردد و در قنوج واله آباد وبنارس وغیر اینها میکذرد ویازده نهر بزرك بان اضافه میشود و در اله آباد نهر جمنه بان منضّم میکردد وبمسافت ٢٢٠ میل از بحر بدو قسم تقسیم میشود یکی کوچکتر که انرا هوجلی میکویند و در کلکتّه عبور میکند ودیکری بزرکتر و ان در جهت اصلیه باقی میماند وبمسافت ٨٠ میل از مصبّ هوجلی در خلیج بنکاله ریخته میشود واما نهر برهم بوترا مخرجش در شمالی جبال همالایا در بلاد تبت است واوّل بطرف شرق جاری میشود پس بجنوب بر میکردد وبعد بجنوب غربی وپس از ان بجنوب وقبل

از وصول ان ببحر بمقدار ٣٠ میل در نهر الکنك ریخته میشود و اما نهر صون مخرجش در اواسط بلاد است وبشمال شرقی جاری می کردد وبنزدیکی شهر پطنه در نهر الکنك ریخته میشود واما نهر نربدّه مخرجش در نزدیکی مخرج نهر صون است وبسمت غربی مائل بجنوب جاری میکردد و در خلیج کمبای ریخته میشود و در نزدیکی ان مصبّ نهر صور است وطول ان مقدار ٤٦٠ میل است واما نهر کودوری از کوههای الغات غربیّه بیرون میاید وبطرف شرق جاری میکردد پس بجنوب شرقی بمقدار ٨٥٠ میل و در خلیج بنکاله ریخته میشود واما نهر کریشنه از کوههای الغات غربیّه بیرون میاید وبمقدار ٦٥٠ میل بجهت شرق جاری میکردد و در خلیج بنکاله ریخته میشود و در جنوبی ان نهر پنار است وطول ان مقدار ٣٥٠ میل است ودیکر نهر قلرون ونهرهای بسیاری است که حاجتی بذکر انها نیست واما هوای هندوستان باختلاف عرض وارتفاع ان ومجاورت کوهها ونهرها مختلف است و در نواحی کلکته وراس خلیج بنکاله تب واسهال وامراض کبد وهم چنین در نواحی مدرس بخصوص از ماه اب تا تشرین دوّیم بسیار عارض میشود و در جهات شمالیّه امراض ریه وتب و در نواحی کوههای همالایا درد نقرس حادث میشود واما اشجار ونباتات ان زیاده از ٨٠٠٠ نوع از نباتات و ٢٥٦ نوع از اشجار در ان یافت میشود واز جمله حاصلهای ان کندم وجو وغیر اینها از حبوب ونی شکر وپنبه وتوت ونارجیل وخرما وخیزران وتنبل وتید است که چوب ان برای ساختن کشتی بکار میاید واز جمله میوههای ان

موز وانار وبادام وانکور وتمر هندی وپرتقال ولیمو است و
درجهات شمالیه سیب وصندل وخشخاش که افیون ازان کرفته
میشود ودر کوههای همالایا اشجار ونباتات ودر اقالیم بارده
انواع صنوبر وبلوط وغیر اینها یافت میشود واما حیوانات ان
ازجمله انها اسب وکاو وکاومیش وکوسفند وشتر وفیل وشیر
وپلنک وکرکدن وکرک وکفتار ویوز وخرس وخنزیر بری وروباه
وانواع اهو ونهنک وعقرب ومار وانواع ضباب وحشرات است
وازطیور بریه طاوس وخروس وکبوتر وغیر اینها یافت میشود
وازجمله معدنهای ان الماس ویاقوت ونقره ومس واهن وارزیز
است واما ساکنین این بلاد سه صنفند هنود ومسلمین وفرس
وازاهل اوروپا مقدار ۴۰۰۰۰ نفس درانها ساکن اند واما
لغات هندیه که حال دراکثر بلاد شایع است مخلوط ازهندی
وفارسی وعربی است وغالبا بحروف عربی بشکل خط فارسی نوشته
میشود اما شهرهای ان ازجمله انها کشمیر است که درجهت شمال
غربی است واهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است ودر نزدیکی
ان دریاکوچکی است که طولش مقدار ۶ میل است واما لاهور
درجنوب کشمیر واقعست واهلش مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است
ودرجنوب غربی لاهور ملتان است ودران بسیاری از اقمشه
حریر وفرش وطناب ساخته میشود واما احمداباد ازشهرهای
مشهوره هندوستان است وبعضی ذکر کرده اند که دران هزار
جامع بوده که هریک دومناره داشته واعظم انها جامع سلطان
احمد بوده که تا حال نیز باقی است واهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفس

است واما دهلی در طول شرقی ۷۷۵ وعرض شمالی ۲۸۴۱
واقعست واهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است واما الله اباد
درنزدیکی موضعیکه نهر جمنه بنهر الکنک میرسد واقعست و
اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است واما بنارس در عرض شمالی
۲۵۳۰ وطول شرقی ۸۳۱ واقعست وبراهمه انرا شهر مقدس
میدانند وازاقطار بلاد قصد ان میکنند وبناهای ان بهتر از
بناهای اکثر شهرهای هندوستان است واهلش در صیاغت طلا
ونقره وترصیع ید طولائی دارند واما بطنه بمسافت ۴۰۰ میل در
شمال غربی کلکته واقعست وتجارت نمک وبارود دران وسیع
است واهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس است واما اغره بمسافت
۱۳۷ میل از دهلی واقعست وازشهرهای قدیمه است واهلش
مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است واما کلکته قصبه بلاد هند است
ودر طول شرقی ۸۸۲۸ وعرض شمالی ۲۲۳۳ واقعست و
میانه ان ودریا مقدار ۱۰۰ میل است وتجارتش از طرف بر وبحر
وسیع است واهلش مقدار ۲۳۰۰۰۰ نفس است واما بمبئی
در طول شرقی ۷۲۵۸ وعرض شمالی ۱۸۵۶ واقعست واهلش
مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفس است واعظم بندرات جهات غربیه است
وتجارتش وسیع است واما مدرس در طول شرقی ۸۱۲۱ وعرض
شمالی ۱۳۵ واقعست وانکریز درسنه ۱۶۳۹ انرا فتح کرد
واما جزیره سیلان در طی کلام در جزائر اسیا ذکر خواهد شد انشا

فصل چهاردهم در هند چینیه وان اراضی ایست که از
جهت شمال چین وقسمی از هندوستان که دود وجانب نهر برهما

بوترا و از شرق دریای چین و از جنوب دریای مذکور و بوغاز
ملقا و از غرب بنکاله و دریای ان با انها احاطه دارد و میانه
٩٢ و ١٠٨ طول شرقی و ٧ و ٤ عرض شمالی واقعست و این بلاد
بسه قسم تقسیم میشود بورما و صیام و کوشین چین و هوای
انها کرم و تر و بیشه و جنکلهای انها بسیار است و در کوههای
انها چوبهای بسیاری یافت میشود و ساکنین انها کم است و از
جمله اشجار انها صندل و تیک و ابنوس و درخت خرما است و در
کنار نهرهای انها موز و زنجبیل و قاقله و جوز طیب و انواع فلفل
و سقمونیا و کافور و تمر هندی و نارجیل و ناردان و خیزران و
اکثر میوه های هندوستان یافت میشود و از جمله حیوانات این
بلاد فیل است و اما شتر یافت نمیشود و اسب نادر الوجود است
و هم چنین کاو و بز کم است و کوسفند اصلا یافت نمیشود و لکن
کاومیش و خنزیر بسیار است و کرکدن و پلنك و یوز و خرس و خار
پشت نیز دران یافت میشود و اما حیوانات دیکر از قبیل روباه
و کفتار و کرك و اهو که در اکثر بلاد یافت میشود دران دیده
نشده و اما اهل این بلاد قامتشان از اهل هندوستان و چین
کوتاه تر و سیاهی بدنشان از انها کمتر است و لغات انها مختلف
است و بیکی از مذاهب دیانت بوذیه معتقدند اما مملکت بورما
از شمال باسام و تبیت و از شرق بچین و کوشین چین و صیام و
از جنوب بصیام و ملقا و بحر و از غرب ببحر و بنکاله محدود است
و از جمله حاصلهای ان کندم و تتن و پنبه است و از معادن طلا
و نقره و اهن و انتیمون و زرنیخ و کبریت و کهربا و یاقوت و رخام

و مقناطیس دران یافت میشود و چشمه های نفط ان بسیار است و
در هر سال مقدار هزار هزار لیرهٔ انکریزی از دخل انها وارد خزینه
سلطان میشود و عدد نفوس حالیه ان بمقدار ٣٥٠٠٠٠٠
میرسد و در زمان قدیم زیاده از این بوده و انها باختلاف عادات
و هیئات و طباع بدوازده قسم منقسم اند و بیشتر انها کوتاه
قامت و صاحب مکر و حیله اند و موافق شرع خود زیاده از یك
زن نمیتوانند کرفت و لکن از کنیزان هر قدر که بخواهند میکیرند
و مرده کان خود را میسوزانند و استخوانهای انها که باقی میماند
دفن میکنند و بنوعی از دیانت بوذیه اند و بعضی از انها خدائی
که او را غداما مینامند ستایش و نیایش میکنند و از برای او
هیکلها بنا میکنند و در انجا تمثالها از نقره یا مس یا رخام می
کذارند و اما لغت اهل بورما ٣٣ حرف است و از شمال بیمین
نوشته میشود و در نوشتن طرق بسیاری بجهت اختصار
استعمال میکنند بقسمیکه کاتب بسرعتی که متکلم تکلم میکند می
تواند نوشت و قصص و تواریخ و قصائد شعریه در نزد انها
بسیار یافت میشود و لکن معرفت انها در علوم کمتر از اهل هندوستان
است و سال انها قمری است و اول ان روز ١٤ ماه نیسان است
و در سحر و نجوم زیاده اعتنا دارند و لکن معرفت انها در صنائع
کم است و زنان انها بساختن قماشهای حریر و پنبه اشتغال
دارند و بضاعت تجارتشان شکر و پنبه و نیل و قاقله و صبر و
فلفل و نمك و شوره و عسل و شمع و عاج و معادن مذکوره
است و سلطان ان بنفسه مستقل در حکم است اما شهرهای ان

از جمله انها شهر آوا است در شرقی نهریکه در نهر ایراودّی ریخته میشود و ان در عرض شمالی ۲۱۵۱ واقعست و در شمالی ان بمسافت ۶ میل شهر امیرابورا است که از سنه ۱۷۸۳ تا سنه ۱۸۲۴ مسیحی پای تخت این مملکت بوده و اهالی این دو شهر مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر پیکو است که قصبهٔ مملکت بوده و در انوقت محیطش ۲۰ میل بوده و دیگر رانکون است که اعظم بندرات این مملکت است و از شهرهای جدیده است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است اما بلاد ارکان قسمتی از بورماست و در شط بحر بنکاله میانه ۱۸ و ۲۱ عرض شمالی است واما مملکت صیام از غرب و شمال بمملکت بورما و از شرق بکوشین چین و از جنوب به خلیج صیام و شبه جزیره ملقا محدود است و مساحت ان بمقدار ۲۵۰۰۰۰ میل مربع میرسد و اهل ان با توابعش مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس است و هوایش بواسطه نزدیکی بخط استواء بسیار گرم است ولکن از ماه نیسان تا ایلول که باران میبارد لطیف است و خاکش خوب است و از معادن طلا و نقره و اهن و مس و ارزیز و انتیمون در ان یافت میشود و حیوانا تش مثل بورماست و طیورش خوش منظر و در نهر مینام نهنگ یافت میشود اما لغت اهل صیام ۳۷ حرف است و علوم در نزد انها بسیار کم یافت میشود و در دیانت و حکم مانند اهل بورما هستند بضاعت تجارت انها معدنهای مذکوره و پنبه و تنباکو و چوبهای بنا است و از جمله شهرهای ان صیام ایست که انرا یوثیه میگویند و در زمان قدیم پای تخت این مملکت بوده و دیگر بنکوک است که در

عرض شمالی ۱۳ ۴۰ و طول شرقی ۱۰۱۱۰ واکثر بناهای ان از چوب است و اهلش مقدار ۴۱۲۰۰۰ نفس است و بسیاری از انها در زورقها در روی نهر بسر میبرند اما مملکت لاوس از شمال بچین و از شرق بتونکین و کوشین چین و از جنوب بکبوتیا و از غرب بصیام و بورما محدود و میانه ۱۴ و ۲۲ عرض شمالی واقعست و از جمله حاصلهای ان عاج و شمع و عسل و بعضی از عقاقیر طبیه است و در بعضی از کوههای ان معدن اهن و در ریگهای نهرهای ان چیزی از طلا یافت میشود و معدن وسیعی از یاقوت و زمرد در ان است و این مملکت تابع صیام است و اهلش بمقدار ۱۴۰۰۰۰۰ نفس میرسد و بامانت و دیانت موصوفند و اما کوشین چین میانه ۸ و ۲۲ عرض شمالی و ۱۰۳ و ۱۰۸ طول شرقی است و هوا و حاصل ان مثل بورما و صیام است و حریر و عطریات و چوبهای بناء ان بسیار است و معدنهای وسیعه از طلا و نقره در ان یافت میشود و حیواناتش مثل بورماست و دیگر گاو و خر و استر و بز و گاومیش و خنزیر نیز در ان یافت میشود و اهلش مقدار ۹۱۰۰۰۰۰ نفس است و بنوعی از دیانت بوذیه اند و قصبه این بلاد شهر هوی فو است که نهر هوی از دو جانب و ترعهٔ که عرضش هفتاد ذراع است از دو جانب دیگر بان احاطه دارد و اما بلاد تونکین میان ۱۷ و ۲۳ عرض شمالی و ۱۰۱ و ۱۰۸ طول شرقی واقعست و در قرون سابقه تابع چین بوده و در سال ۱۳۱ استقلال یافت و در سنه ۵۵۳ مسیحی اهل تونکین بکوشین چین استیلا

یافتند و در سنه ۱۸۰۰ اهل کوشین چین بتونکین غلبه کردند و بیازده قسم تقسیم شد و در این اقسام هیجده شهر است که عدد نفوس بعضی از انها بمقدار ۴۰۰۰۰ و بعضی ۷۰۰۰ میرسد و قصبه این بلاد شهر کیهو است که در ۲۱ عرض شمالی واقعست و میانهٔ ان و دریا مسافت ۱۰۰ میل است اما هوای این بلاد معتدل و خاکش خوب و کار فلاحت و زراعت بر زنان انها راجع است و جمیع حاصلهای اقالیم حارّه در ان موجود است و حیوانات و میوه‌های ان مثل بورما و صیام است و بضاعت تجارت ان حریر و اقمشه و ظروف و عاج و صدف و خیزران است و اما اهالی ان بعضی شبیه باهل چین و بعضی از اصل تراند و دین غالب انها دیانت بوذیّه است اما بلاد کمبودیا میانهٔ خلیج تونکین و خلیج صیام واقعست و هوایش معتدل و اکثر حاصلهای اقالیم استوائیّه در ان موجود و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفس است و بدیانت بوذیّه اند و از جملهٔ شهرهای ان سایکون است و اهلش مقدار ۱۸۰۰۰ نفس است که ۱۰۰۰۰ از انها چینی است و دیگر شهر لوئیک است و اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفس است و دیگر هوئیسون است که بساختن نسیج حریر مشهور است امّا شبه جزیرهٔ ملقا طولش ۷۷۵ میل و معدّل عرضش ۱۲۵ میل است و میانهٔ ۱۲۲ و ۸۲۷ عرض شمالی واقع و از معادن طلا و آهن در ان یافت میشود و حیواناتش مثل صیام و بورما است و هر سال مقدار زیادی از افیون ان بچین میرود و اهلش کوتاه قامت و شجاع و زبردست و لغت انها

بحرف عربی نوشته میشود و الفاظ بسیاری از لغت عرب گرفته اند و دین غالب انها اسلام است بمذهب اهل سنت و جماعت و از جملهٔ جاهائیکه در این نواحی در تصرّف انکریز است شهر ملقا است در جنوبی این بلاد و دیگر جزیرهٔ بینان است که در ۵۲۵ عرض شمالی و ۱۰۰۱۹ طول شرقی است و دیگر شهر سنکابور است که در سنه ۱۸۱۹ مسیحی بان استیلا یافت و عدد نفوس ان بمقدار ۳۰۰۰۰ میرسد

فصل پانزدهم در مملکت

چین و ان از شمال ببلاد سیبیریا و از شرق ببوغاز سخالیان و دریای جاپان و بحر اصفر و از جنوب بدریای چین و خلیج تونکین و هندوستان و هند چینیه و از غرب بهندوستان و افغانستان و ترکستان محدود و میانه ۲۰ و ۵۶ عرض شمالی و ۵ ۵ ۳ ۷ و ۵ ۴ ۵ ۱۴ طول شرقی واقعست و مساحتش ۵۳۰۰۰۰۰ میل مربّع است و محیطش مقدار ۱۲۵۵۰ میل و اهلش مقدار ۳۶۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و بسه قسم منقسم است منشوریّه در جهت شمال شرقی و چین اصلیّه و املاک اضافیّه مثل منغولیه و ایلی و تیبت تا حدّ ترکستان و افغانستان و کوههای بلند بان احاطه دارد که از جملهٔ انها کوههای التائی است و بیشتر انها میانه ۴۷ و ۵۲ عرض شمالی واقعست و دیگر سلسلهٔ بلور طاغ است که میانهٔ ان و بدخشان فاصله است و چند شعبه از ان بجهت جنوب ممتد است و بعضی دیگر میانهٔ ان و تونکین فاصله است و دیگر سلسلهٔ دیگری است از شبه جزیره کوریا تا نزدیکی مصبّ

نهر عامور اما سلسله هائیکه اواسط این بلاد را خرق میکند از جمله
انها سلسله ایست که اهل چین انرا تین شان میکویند و اولش در
طرف شمالی بلور طاغ در عرض ۴۰ شمالی است و از انجا بجنوب شرقی
بر میکردد و قطعه ایلی را بدو قسم میکند شمالی و جنوبی و از جمله
انها سلسله نان شان است در ۳۴ عرض شمالی که میانه بلاد
تیبت و صحراء کوبی فاصله است و دیکر سلسله ها و شعبه های
بسیاریست که حاجتی بذکر انها نیست اما صحرای مذکور در وسط
این مملکتاست و طولش مقدار ۱۸۰۰ و عرضش میانه ۳۵۰ و
۴۰۰ میل و مساحتش مقدار ۱۲۰۰۰۰۰ میل مربع است اما
نهرهای این مملکت از جمله انها نهر اصفر است که انرا هوانهو میکویند
و مخرجش در ۳۵ ۱/۳ عرض شمالی و ۹۴ طول شرقی است و در
بحر اصفر ریخته میشود و بواسطه انکه در مجرای ان خاک زردی است
که در وقت جریان اب بان خاک مخلوط میشود و رنکین میکردد
انرا نهر اصفر میکویند و دیکر نهر وای و نهر لو و نهر فان است که
در نهر اصفر ریخته میشود و دیکر نهر کبیر است که انرا تاکیان
میکویند و از چند نهر مجتمع است و در ۳۲ عرض شمالی در بحر
اصفر ریخته میشود و اما نهر کان کیان که انرا شو کیان نیز میکویند
نهری است که نزدیک شهر کنتون در دریای چین ریخته میشود
و طولش مقدار ۷۰۰ میل است و دیکر نهر پیهو است که در
شهر باکین میکذرد و در بحر اصفر ریخته میشود و دیکر نهر
عامور است که از بلاد سیبیریا بیرون میاید و در بوغاز
سغالیان ریخته میشود اما بحیرات چین از جمله انها بحیره بویان

است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش مقدار ۲۰ میل است و
دیکر بحیره تنتینهو است که محیطش مقدار ۲۲۰ میل است و در
نواحی این دو بحیره بحیرات بسیاری است و میانه نهر اصفر و نهر
کبیر بحیره هونسیهو است و در ملنشویه بحیره هنکای و بحیره هونن
است و در اطراف صحرای کوبی چند بحیره شور است و از جمله غرائب
بلاد چین باروی مشهوری است که میانه چین اصلیه و منغولیه
فاصله است و انرا یکی از سلاطین انها بمقدار ۲۲۰ سال قبل از
تاریخ مسیحی بجهت حفظ این بلاد از هجوم قبائل شمالیه بنا
کرده و اولان نزدیک دریا در ۴۰٫۴ عرض شمالی و ۱۲۰۲
طول شرقی است و بنزدیکی ۹۹ طول شرقی و ۴۰ عرض شمالی
منتهی میشود اما هوای این مملکت اجمالاً میتوان کفت که معتدل و
خوب است ولکن در مثل چنین مملکت وسیعی لابد از اختلاف
است چنانچه در جهات شمالیه و کوههای مرتفعه برودت شدت
دارد و در جهات جنوبیه و وادیها و بیابانها حرارت در نواحی
نهرها و بحیرات تبدیل باعارض میشود و در نواحی کنتون درجه حرارت
در تابستان میانه ۸۰ و ۸۸ و در زمستان میانه ۵۰ و ۶۰
است و از جمله معدنهای ان زغال سنک و طلا و نقره و زیبق
و زرنیخ و لاجورد است و از جمله حیوانات این بلاد فیل و پلنک
و خنزیر و نوعی از کاو و میش و کاو و اسبهای صغیر الجثه و شتر
و کوسفند و بز و انواع اهو است و از جمله اشجار ان صنوبر و سرو
و خیزران و بذیان و درخت خرما و صفصاف و انواع توت است
و اما حکم این مملکت بسلطان واحد راجع لکن نه مطلقا چه که ما بین

انها شرائع و قوانینی مقرر است که غالباً جرأت نقض و انحراف از
انها ندارد و لکن در عزل و نصب هر که بخواهد و تعیین ولیعهد
بعد از خودش مختار است و اما لغت چین مقدم ترین لغات است
و از وضع قدیم کمتر تغییر یافته بخلاف اکثر لغات و از بالا به پائین
نوشته میشود و بجای حروف علامات و اشاراتی استعمال می
کنند که بعضی از انها اصلیه و بعضی فرعیه است و عدد این
علامات بمقدار ۲۵۰۰۰ میرسد و قصص و اشعار و تواریخ
انها بسیار است و لکن تواریخ قدیمه انها بندرت محل وثوق و
اعتماد است و از جمله عادات انها انستکه موی سر شانرا میتراشند
و میانه سر را میگذارند تا اینکه بلند شود پس میبافند و بعقب
سر میاندازند و دیگر از ادبهای انها انستکه پای دختران خورد
سال را در قالبی میگذارند که همان کوچکی باقی بماند و این بواسطه
انستکه کوچکی پای را در زن مستحسن میدانند و کثرت نکاح
نزد انها مباح و جایز است و لکن غالباً مردان انها زیاده از یک
زن ندارند و اگر کنیزی داشته باشند بمنزله خدمتکار است
برای زنان انها و دین غالب در این مملکت دیانت بودیه است
و معرفت انها در علوم کم است و لکن بواسطه قلت مخالطت و
معاشرت با سایر طوائف و عدم اطلاع با نچه که در نزد غیر خود
شان از طوائف و طبقات اهل عالم است بخود شان مغرور و
چنان گمان میکنند که در معرفت و حکمت و مدنیت و عقل و
فهم بنهایت درجه ان فائز شده اند اما شهرهای این مملکت از
جمله انها باکین است که در عرض شمالی ۳۹۵۴۱۳ و طول

شرقی ۱۱۶۲۷ واقعست و قصبه این مملکت است و محیطش
مقدار ۲۵ میل و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفس است و ان
برای ان باروئی است که ارتفاع ان بمقدار ۳۰ قدم میرسد و
اما شهر نانکین قبل از سنه ۱۴۲۳ مسیحی قصبه اینمملکت
بوده و بعد از عظمت قدیم انحطاط یافت و اهالی حالیه ان بمقدار
۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد و دران کارخانه ها از برای ساختن
قماشهای حریر و پنبه فراهم است و در شمالی ان شهر سوشاو است
و دران کارخانه ها از برای ساختن اقمشه حریر و پنبه و کاغذ
و الات و ادوات مصنوعه از عاج و استخوان و چوب و امثال
اینها مهیا است و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰ نفس است و دیگر
شهر نانوان است که در ۳۸ عرض شمالی و ۱۱۰۳۷ طول شرقی
واقعست و دیگر شهر فوتشو و تایطون و هونان است که اهل
چین گمان دارند که ان در وسط کره زمین واقعست اما شهر کنتون
در عرض شمالی ۲۳۷۱۰ و طول شرقی ۱۱۳۱۴۳۰ واقع است
و میانه ان و مکاو مقدار ۷۰ میل است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰
نفس است و باروئی بان احاطه دارد که طولش مقدار ۶ میل است
و ان اعظم بندرات چین و مقر قونسولهای دول خارجه است اما
شهر کاشغر در عرض شمالی ۳۹۲۵ و طول شرقی ۸۵ واقع است
و در زمان قدیم تابع بلاد ما وراء النهر بوده و لکن حال تابع بلاد
چین است و اهلش مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است و اما شهر ختن
در عرض شمالی ۳۷ و طول شرقی ۸۰۳۵ واقعست و ان نیز در
زمان قدیم تابع ما وراء النهر بوده و حال تابع چین است و اهلش

مقدار ۴۴۵۰۰ نفس است وازجمله شهرهای بلاد تیبت
لاسا ست وان در عرض شمالی ۲۹۳۰ وطول شرقی ۹۱۴۰
واقعست وازجمله عادات این بلاد انستکه جمیع برادرانی که در
یک خانه ساکنند در یک زن شرکت میکنند واو بالسویه زوجه
انهاست مگر اینکه برادر بزرگتر احقّ واقدم است **فصل
شانزدهم** در جزائر اسیا واین جزائر بزرگترین جزیرهای دنیاست
واعظم انها جزائر جاپانست که در اوقیانوس محیط میانه ۳۵
۲۶ و ۴۹ عرض شمالی واقعست وجمیع انها در تحت حکومت واحده
داخل واوّل انها از جهت جنوب جزیره کریمو است ودر اطراف ان
چند جزیره کوچک است ومساحت جمیع انها ۲۸۵۵۲ میل
مرّبع است ودیگر جزیرهٔ سیکوکو است با چند جزیره کوچک
که مساحت تمام انها مقدار ۱۷۳۷۲ میل مرّبع است ودیگر
جزیره نیغون است با چند جزیره دیگر که مساحت جمیع انها مقدار
۱۱۰۷۶۸ میل مرّبع است ودیگر جزیره جسّو است با چند
جزیره دیگر که مساحت جمیع انها مقدار ۶۳۴۴۶ میل
مرّبع است ودیگر جزیره سغالیان استکه مساحتش مقدار
۴۸۲۴۶ میل مرّبع است ودیگر جزائر بونین استکه مساحت
جمیع انها بمقدار ۱۸۲۷ میل مرّبع میرسد ومساحت مجموع
این جزائر ۲۷۰۲۱۱ میل مرّبع است وبوغاز کوریا ودریای
جاپان وبوغاز سغالیان میانه این جزائر وچین فاصله است
واهالی انها مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس است ودر هیئت و
عادت باهل چین شباهت دارند وجمیع در تحت حکومت واحده اند

اما هوای انها مختلفست ودر فصل زمستان برودت ودر
موسم تابستان حرارت شدید است ونهرهای انها بسیار است
وحاصلهای انها مثل حاصلهای چین است وان معادن طلا و
نقره ومس در انها یافت میشود واهالی انها بهرهٔ از علوم ندارند
ولکن قصص واشعار وتواریخ نزد انها یافت میشود وتجارتشان
وسیع است وازجمله عادات انها انستکه کسی که از بلادشان
بیرون میرود چون بازگشت کند او را قبول نمیکنند وراه نمیدهند
ومیانه جزیره کزیمو وفرموسا سلسله جزائریست که عدد انها
بمقدار ۳۶ جزیره میرسد واینسلسله را لوشو میگویند و
اعظم انها در عرض شمالی ۲۶۱۴ وطول شرقی ۱۲۵۲۱ واقع است
وهوای انها خوب ولطیف ومواشی وحاصلهای انها بسیار است
واهالی انها در بعضی چیزها باهل جاپان ودر بعض دیگر باهل
کوریا شباهت دارند امّا جزائر فیلیبیّه مقدار ۱۲۰۰ جزیره
است وجبال وکوههای اتش فشان انها بسیار است وزلزله در
انها بسیار حادث میشود وبادهای سخت زیاده میوزد وهوای
انها تر است وازاین جهت باوجود واقعشدن انها در منطقه
حارّه تمام اوقات فصل بهار است ومیوه وغلّه انها منقطع نمی
شود واهل انها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰ نفس است واعظم انها
جزیره منیلا استکه انرا لوزون نیز میگویند ودر طول شرقی
۱۲۰۵ وعرض شمالی ۱۴۳۸ واقعست وجمیع حاصلهای
اقالیم استوائیه در ان یافت میشود امّا جزیره بورنیو که انرا
جزیره مهراج وجزیره سرپر میگویند میانه ۶ عرض شمالی و ۴۲۰

عرض جنوبی و ٥ ١٠٩ و ٢٠ ١١٩ طول شرقی واقعست و مساحت
ان مقدار ٢١٢٧٠٠ میل مربع و اهلش مقدار ٣٥٠٠٠٠٠
نفس است و دران فلفل و پنبه و قرنفل و صندل و ابنوس و
کافور و عسل و از معادن طلا و اهن و مس و الماس و انتیمون
یافت میشود و حیوانات ان مثل هندوستان و بورماست
و میانه بورنیو و کینیای جدید جزائر ملکاس است و اعظم انها
جزیره جیلبس است و انها را جزائر طیوب نیز میکویند و اهالی
انها مردمانی وحشی و تندخو هستند که عبادت اجرام فلکیه
میکردند و بعد بعضی از مذاهب هندیه در میانه انها پیدا
شد و ازد ویست سال قبل بعضی از انها در دین اسلام داخل
شدند و اما جزیره جاوه که انرا یاوه میکویند یکی از جزائر صوند است
و در جنوب بورنیو واقع است و طول ان مقدار ٦٦٠ میل
و عرضش میانه ٥٠ و ١٣٥ میل و مساحتش ٥٢٣٣٥
میل مربع است و تابع مملکت هولاند است و دران کوههائی
ممتد استکه ارتفاع بعضی از انها بمقدار ١٢٠٠٠ قدم میرسد و
نهرهای کوچک بسیاری از انها سرا شیب میکردد و حیوانات و
حاصلهای ان مثل جزیرهٔ بورنیو است و قصبه اش شهر بتاویه
است و اما جزیره تیمور از جزائر شرقیه صوند است و اهالی ان
مردمانی وحشی و بی تربیت و عبادت بتها میکنند و اما جزیرهٔ
سوماطره میانه ٣ ٥ عرض جنوبی و ٤٠ ٥ عرض شمالی است و
طولش مقدار ١٠٥٠ میل و عرضش میانه ١٥٠ و ٢٠٠ میل است
و حاصل و حیوانات ان مثل بقیهٔ اقالیم استوائیه است و اهالی

ان

ان کوتاه قامت و زرد رنکند و در جهات متوسطه قومی هستند
که کوشت انسان میخورند و دین انها بت پرستی است و شهر
بنکولن قصبه این بلاد است و ان در عرض جنوبی ٣٤٩ و
طول شرقی ١٠٢١٧ واقعست و هوایش کثیف و بد است و در
بحر بنکاله در شمالی سوماطره جزائر نیکوبار است و در شمالی
انها جزائر انداماان است و جمیع انها خاکشان خوب و حیوانات
و نباتاتیکه در اقالیم استوائیه موجود است در انها یافت می
شود و در شمالی جزائر انداماان کوه اتش فشانی استکه ارتفاع
ان مقدار ١٨٠٠ قدم است و اما جزیره سیلان که انرا سراندیب
نیز میکویند میانه ٥٦ و ٩٥٠ عرض شمالی و ٧٩٥٠ و
٨١٥٥ طول شرقی واقعست و معظم طول ان مقدار ٢٧٠ میل
و عرضش میانه ٤٠ و ١٤٠ میل و مساحتش مقدار ٢٧٠٠٠
میل مربع است و ارتفاع بلندترین کوههای ان بمقدار ٧٠٠٠ قدم
میرسد و نهرهای کوچک بسیار و دو نهر بزرک از انها سرا شیب
میکردد و جمیع حاصلهای اقالیم استوائیه در ان یافت میشود
و حیواناتش مثل هندوستان و بورماست و اهلش مقدار
١٠٠٠٠٠٠ نفس است و از جمله شهرهای ان جفنا پاتام است
و ان در عرض شمالی ٩٣٦ و طول شرقی ٧٩٥٠ واقعست
و دیکر شهر کلومبو است در جنوب غربی و اهلش مقدار ٥٠٠٠
نفس است و در شمالی ان جزیره کوچکی استکه محیطش مقدار
٢٠ میل است و جمیع اینها تابع دولت انکریز است و در جنوب
غربی هندوستان جزائر لکادیف استکه بعضی از انها غیر مسکون

است واهالی انها فقیر و بی بضاعت و در ۱۹ جزیره متفرقند وعدد انها مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است ودین انها اسلام است واین جزائر در تحت حکم انکریز است امّا جزائر ملدیف در جنوبی جزائر مذکوره است واهالی انها از اصول مختلفه اند وبدین اسلام متدیّن ودر خلیج فارس نیز چند جزیره استکه بعضی از انها در طیّ کلام در بلاد فارس وعربستان ذکر شد وبقیّه قابل ذکر نیست **فصل هفدهم** در قارّه اوروپا او ان از جهت شمال بحر ثلج شمالی واز شرق بکوههای اورال ونهر ولکا ونهر دون وبحر اسود وبوغاز قسطنطنیّه وبحر مرمرا وبحر جزائر روم واز جنوب ببحر روم وبوغاز کوه طارق واز غرب باوقیانوس اتلانتیکی محدود است ومعظم طول ان از مصبّ نهر کارا تا راس فلنسنت بمقدار ۳۴۹۰ میل میرسد ومعظم عرضش از راس شمالی تا راس متبان مقدار ۳۴۲۰ میل است و مساحت سطحش مقدار ۲۴۵۰۰۰۰ میل مربّع واهلش مقدار ۳۲۰ ملیون است ومیانه قارات از حیث سعه حال اکرچه صاحب رتبه اوّلیه است ولکن ان بواسطه سعی واهتمام اهل انست نه بجهت کثرت حاصلهایش چه که اکثر حاصلهای معتبره ان را از قارات دیکر میاورند ودریاهای ان بسیار است وازجمله انها بحر ابیض استکه سیزده نهر بزرک دران ریخته میشود وهر سال از شدّت برودت هوا منجمد میشود ودیکر بحر شمالی استکه انرا بحر جرمانی میکویند ومساحتش مقدار ۷۰۹ ۳۵۱ میل مربّع است ودیکر بحر بلتیک است میانه اسوج و

روسیا و مساحت ان مقدار ۱۵۱۹۰۰ میل مربعست و دیگر
بحر متوسّط است و طول ان مقدار ۲۸ میل وکمتر عرضش مقدار
۸ میل است و مساحتش بمقدار ۸۶۰۰۰۰ میل مربع میرسد
و عرضش میانه اندلس و افریقا مقدار ۱۵۰ میل است و دیگر
بحر اسود است و مساحت ان با بحر ازوف بمقدار ۲۳۳۰۰۰
میل مربع میرسد و امّا بحیرات اوروپا ببسیار است و اکثر انها در
بلاد سویس و ایطالیا والمانیا و روسیا و اسوج است و اعظم
انها بحیره لادوکا است در روسیا و مساحت ان مقدار ۴۰
۶۳ میل مربع است و امّا نهرهای ان ببسیار است و اعظم انها
در جهات شرقیه است و نهرهای کوچک بسیاری بانها منضمّ می
شود و اما کوههای ان از جمله انها کوههای آلپا است در بلاد
سویس و شمالی ایطالیا و بلندترین انها کوه بلانک است در بلاد
سویس که ارتفاعش مقدار ۱۵۷۰۰ قدم است و دیگر کوههای
ابنین است که از طرف جنوب از کوههای آلپا ممتدّ است و در
بلاد ایطالیا میگذرد و دیگر کوههای کرپاث است که بلاد
اوستریا را تا شمالی نهر دنوب خرق میکند و دیگر کوههای بلکان
است در بلاد عثمانیّه و کوههای اورال که میانه اوروپا و اسیا
فاصله است و کوههای اسکندناویه که میانه اسوج و نروج
فاصله است و کوه اتش فشان ان سه است اوّل کوه اتنا در
سیسیلیا دویم کوه بزوف در نزدیکی شهر ناپولی سیّم کوه
هکله در جزیره ایسلاند امّا هوای اوروپا در جهات شمالیّه
سرد است چه که در منطقه بارده واقعست امّا در جهات متوسّطه

وجنوبیّه معتدل است و امّا حیوانات و معادن ان در طیّ کلام
در ولایات مفرده ذکر خواهد شد و امّا اهالی ان باعتبار اصلشان
بچهار قسم منقسم اند اوّل شعوب جرمانیّه یعنی ساکنین پروسیا
و جرمانیا و هولاند و بلجیک و دیمارک و اسوج و نروج و لغات
انها فرع لغت جرمانیّه است و اهالی جزائر بریطانیه نیز در این قسم
داخل است دویّم شعوب رومانیه و لغت انها فرع لغت لاتینیّه
است و از اصل رومانی اند که بقبائل شمالیه از اهل فرانسا و
ایطالیا و غیر انها مخلوط شده اند سیّم شعوب سقلبیّه یعنی اکثر
ساکنین روسیا و بعضی از سکّان اوستریا چهارم شعوب ترکیه
یعنی اتراک و اهل شمالی روسیا و دین غالب در این قاره نصرانیّت
است مگر در بلاد اتراک که دین غالب اسلام است و امّا یهود در
اکثر ممالک این قاره متفرّقند و بعضی از قبائل شمالیّه بکیش بت
پرستی باقی اند و بدانکه اینقارّه بهفده مملکت تقسیم میشود اوّل
روسیا یعنی بلاد مسکوب دویّم اسوج و نروج سیّم دیمارک
چهارم جزائر بریطانیه یعنی انکلستان پنجم فرانسا ششم هولاند
هفتم بلجیک هشتم جرمانیا نهم پروسیا دهم بلاد سویس یازدهم
اوستریا دوازدهم پرتوکال سیزدهم اسپانیا چهاردهم ایطالیا
پانزدهم بلاد عثمانیّه شانزدهم بلاد روم هفدهم جزائر ❊
قسم اوّل روسیاست و ان از جهت شمال بحر ثلج شمالی و از
شرق بکوههای اورال و نهر ولکا و نهر دون و از جنوب بحر اسود و
بلاد عثمانیّه و اوستریا و از غرب ببلاد عثمانیّه و اوستریا و
پروسیا و بحر بلتیک و نروج محدود و مساحتش مقدار

۱۴۲۴۳۰ میل مربع و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰۰۰۰ نفس است
و کوههای اورال و کوه قاف میانه ان و اسیا فاصله است و اما کوههای
الفینیه سلسله ایست که از کوههای اسکندناویه ممتد است و
در ان بعضی از نباتات و بسیاری از معادن اهن و مس و رخام
یافت میشود و اواسط این بلاد اراضی عالیه ایست که ارتفاع
انها بمقدار ۱۲۵۰ قدم میرسد و مخرج نهر ولکا و دینبر و دون
که بجهت جنوب جاری میشوند و چند نهر دیگر که بطرف شمال
جاری میگردد در انهاست و بسیاری از معدن اهن و زاج
و زغال سنگ وغیره در این جهات یافت میشود و اما کوههای
کرباثاذ و استریا ممتد است و در انها معدن اهن و کبریت و
غیره یافت میشود و در این مملکت بیشه‌ها وسیعی است که بسیاری
از چوبهای انها را بجهت ساختن کشتی بسایر ممالک اوروپا میبرند و
بیشتر انها در جهات شمالیه است و اما نهرهای روسیا از جمله
انها نهر دوینا ست که طولش مقدار ۴۰۰ میل است و در بحر ابیض
ریخته میشود و دیگر نهر پتشوره است که طولش مقدار ۷۰۰
میل است و دیگر نهر اونیکا ست که از بحیره اونیکا جاری میشود
و نهر طورینا که میانه روسیا و نروج فاصله است و در خلیج بوثنیا
که طولش مقدار ۳۰۰ میل و عرضش مقدار ۱۰۰ میل است و
نهرهای بسیاری در ان ریخته میشود داخل میگردد و اما خلیج
فینلاند طولش مقدار ۱۴۰ میل و عرضش میانه ۲۲ و ۴۴ میل
است و نهرهای بسیاری در ان ریخته میشود که از جمله انها
نهر نیفا ست که از بحیره لادوکا جاری میگردد و دیگر نهر دوینا

غربی است که طولش مقدار ۴۶۰ میل است و نهر دنیبر و نهر
دنیستر که طولش مقدار ۴۸۰ میل است در بحر اسود داخل
میشود و نهر دنوب میانه روسیا و بلاد عثمانیه فاصله است و
انرا نهر دینوب نیز میگویند و نهر کوبان که از جبال کوه قاف بیرون
میاید در بحر ازوف داخل میشود و اما بحر ازوف که انرا بحر اُزوف
نیز میگویند معظم طولش مقدار ۱۲۱۰ میل و معظم عرضش مقدار
۱۲۰ میل و معظم عمقش ۴۸ قدم است و میانه ان و بحر اسود
شبه جزیرهٔ حادث میشود که انرا قِرم میگویند و اما بحیرات
روسیا بسیار است و از جمله انها بحیره سامن است که طولش
۱۴۰ میل و عرضش ۳۰ میل است و دیگر بحیره لادوکا ست که
طولش ۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۲۵ میل است و دیگر بحیره
اونیکا ست که طولش مقدار ۱۵۰ میل است و اما هوای این مملکت
بحسب اختلاف مواقع مختلف است چه که جانبی از ان در منطقه بارده
یعنی دائره شمالیه واقع و جزئی در منطقه معتدله و در بیابانهای
ان مرتعهای خوب از جهة مواشی قبائل تتار است و از معادن طلا و
نقره و الماس و اهن بخصوص در جانب شرقی کوههای اورال یافت می
شود اما شهرهای روسیا از جمله انها پطرزبورغ است که قصبه این
مملکت است و در کنار خلیج فینلاند واقع است و در خوبی و ظرافت
بهترین شهرهای اوروپا ست و در ان کتابخانه ایست که بمقدار
۳۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰۰
نفس است و دیگر مسکوا است که مسافت ۴۸۷ میل در جنوب
شرقی پطرزبورغ است و در زمان قدیم قصبه این مملکت و اعظم

شهرهای اوروپا بوده واهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس است
واز طرف برّ تجارتش بد نیست ودیکر شهر اودسا ست که اهالی
ان بمقدار ۵۰۰۰۰ نفس میرسد وشهرهای مذکوره اعظم شهرهای
این مملکت است واکثر اهل ان از طائفه روم است وجماعتی از
لاتینیّه وپروتستانیّه ومسلمین وبت پرست ومجوس نیز در
ان ساکنند واما حکم روسیا از نوع ملکی مطلق است وسلطان
ان صاحب سلطنت عمومیّه است وعسکر این مملکت در طرف
برّ ۷۰۰۰۰۰ وکشتیهای جنکیش ۴۰۰ است واما شعوبات
از طوائف عدیده مخلوط است واز این جهت این مملکت را روسیا
میکویند یعنی قبائل متفرّقه واکثر انها اصلاً از صقالبه اند ولکن
میانه انها تتر واتراك ومغول وقلموق نیز یافت میشود واکثر اهل
این مملکت بحالت خشونت ودرشتی وعادات متوحّشه قدیمه
باقی اند مکر اهالی بعضی از شهرهای مذکوره که در ظلّ تربیت و مدنیّت
غنوده واسوده اند واز حیثیت طبع مردمانی قانع وسهل المعاشرة
ولهو ولعب وحوادثات جدیده را دوست میدارند واکابر انها
بملاهی راغب ومایل وچونکه تازه از حالت بربریّت وتوحّش خارج
شده اند لذا هنوز بدرجه سامیه ادب وتمدّن وتربیت فائز
نکردیده اند وعوام انها غالباً بحالت کثافت مشاهده میشوند
وزنان انها بمنزله بندکان از برای مردانند چنانچه مردان بمنزله
بندکان از برای اشرافند واما بلاد لبلاند یا لاپونیا در جهت
شمال غربی در کنار بحر متجمّد واقع است واز این جهت هوایش سرد است
واهالی ان مثل بعض قبائل اسوج ونروج وشمال امریکا کوتاه

قامت وغلیظ العقل واعتماد انها در معیشت بنوعی از کاو وحشی
است که انرا رنه میکویند که شیر وکوشت انرا میخورند واز پوستش
کسب میکنند وبنهایت درجه نادانی وکند ذهنی اند وببعض
اعتقادات مسیحیّه که با اعتقادات بت پرستان مخلوط است
معتقدند واملاك شمالی اسیا وطرف غربی بحر قزوین وجانب
شمال غربی امریکا در تحت این ولایت است ووسعت جمیع انها
مقدار ۸۰۰۰۰۰۰ میل مربّع است واهالی انها مقدار ۰۰
۷۰۰۰۰ نفس است **قسم دوّیم** مملکت اسوج ونروج است
وان از جهت شمال باوقیانوس شمالی واز شرق بروسیا وخلیج
بوتنیا وبحر بلتیك واز جنوب ببحر بلتیك وبوغاز کاتیغات واز
غرب ببحر شمالی واوقیانوس اتلانتیك محدود ومساحت سطح
ان مقدار ۳۰۰۰۰۰ میل مربّع است واهلش بمقدار ۰۰
۵۰۰۰ نفس میرسد وکوههای اسکندناویه میانه اسوج ونروج
فاصله است وطول انها مقدار ۱۰۰۰ میل وارتفاع بلندترین
سرهای انها بمقدار ۸۴۰۰ قدم میرسد واعظم نهرهای ان نهر دال
است که طولش مقدار ۴۲۰ میل است ودیکر نهر طورنیا است
که میانه اسوج وروسیا فاصله است ودر رأس خلیج بوتنیا ریخته
میشود ودیکر نهر عوتا است که از بحیرهٔ وینر بیرون میاید واز
جمله بحیرات ان بحیره وینر است که ذکر شد وطول ان مقدار ۱۰۰
میل وعرضش مقدار ۶۰ میل است واز جمله جزائر ان در بحر
بلتیك کوتلاند وایلاند است ودر بحر اتلانتك در ناحیه
شمال غربی جزیره لقدن واقعست واما هوای این ولایت سرد است

وفصل زمستان ان طولانی وتابستانش کوتاه است ودر جهت
شمالی بواسطه انکه داخل دائره شمالیه است دو ماه ونیم در فصل
تابستان افتاب بان میتابد ودو ماه ونیم در زمستان ازان
غائب میشود که جمیع اوقات شب است واز این جهت فصل بهار
ندارد واما خاک اینولایت قابل زرع نیست مکر قلیلی ازان وبجهة
کثرت بیشه وکوه ونهر وبحیرات ولطافت وسردی هوای ان در
اکثر اوقات سیاحان بواسطه تفرج ورفع هم وغم قصد انرا میکنند
ودران معدنهای نقره ومس واهن وقلع وکبریت وغیر اینها
یافت میشود واین مملکت بدو ولایت تقسیم میشود اسوج و
نروج اما اسوج بر ۲۴ قطعه منقسم است وثانی بر ۱۷ قطعه
ودران چند ترعه است که اعظم انها ترعه کوتا ست وطول ان
مقدار ۴۴۱ میل است واز جمله شهرهای ان ستکهلم است در
اسوج وان قصبه این مملکت است واهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس
است ومرکز تجارت تمامی این مملکت است ودیکر شهر کریستیانا ست
وان قصبه نروج است واهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و
نائب سلطان دران اقامت دارد ومقر خود او در استکهلم است
واکثر اهل این مملکت بمذهب پروتستانیه اند ولکن در جهت
شمالی ان کمی از بت پرستان ساکنند وانها بنهایت درجه نادانی
وجهالت اند ودر هر بلدی از بلاد این مملکت مدرسه عامه
از برای تحصیل علوم برپاست وسه مدرسه کلیه وبیست
وسه مدرسه متوسطه در تمام این مملکت برپاست واکثر اهل
فلاحت وزراعت از خواندن ونوشتن با بهره ونصیب اند وحکم

این مملکت از نوع ملکی مقید است ومجلس احکام انها یکی در شهر
استکهلم ودیکری در کریستیانا ست واهالی ان صاحب قوت
وشجاعت وامانت وحشمت وبشاشت اند واکثر طعام اهل
فلاحت ان شیر وپنیر وماهی است ودر بعضی از جاها بخوردن
نان وکوشت فخریه ومباهات میکنند وببلاد خودشان بسیار
مایل وراغب اند واما ولایت نروج تابع ولایت دینمارک بوده
ودر سنه ۱۸۱۴ مسیحی بمملکت اسوج اضافه شد **قسم**
سیم مملکت دینمارک است وان از شمال بمضیق سکاجراک
واز شرق باسوج واز جنوب بجرمانیا وبحر بلتیک واز غرب نیز بجرمانیا
محدود است وطولش از شمال بجنوب ۳۰۰ میل وعرضش
مقدار ۱۰۰ میل وسطحش ۲۲۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار
۲۰۰۰۰۰۰ نفس است واعظم نهرهای ان نهر ایدر است که
مخرجش در نزدیکی بحر بلتیک است ودر بحر جرمانیا ریخته میشود
وطولش مقدار ۴۵ میل است وبحیرات ان زیاده از ۴۰۰ بحیره
است وبزرکترین انها بحیره بلوین است که محیطش مقدار ۱۰ میل
است وچند جزیره تابع انست وبهترین انها جزائریست که در بحر
بلتیک واقعست واعظم انها جزیره زیلاند است که سطحش مقدار
۲۸۰۰ میل مربع واهلش مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفس است و
دیکر جزیره فوین است در نزدیکی زیلاند که سطحش ۲۰۰۰
میل مربع است وهوای این ولایت رطوبت دارتر از هوای بلادی
استکه در این قاره از حیث عرض مساوی با انست وزیاده
از دو ثلث ایام سال دران باران میبارد وتابستانش کرم است

واکثر اراضی ان ریک زار است و بسه قسم منقسم است دینمارک
اصلیه و مقاطعات سلسویک واین دو قسم داخل در معاهده
جرمانیه است وسیم جزائر فارو است در شمال اسکاتلند و در
مملکت اصلیه سه ترعه است که اعظم انها ترعه کیال است که
میانه بحر بلتیک وبحر جرمانیا را بیکدیگر وصل میکند ودیگر ترعه
سینکنین است که میانه بحیره اودنیسی وبحر را بیکدیگر وصل
میکند واز امهات شهرهای این ولایت کوبنهاغن است وان
قصبه این ولایت است وبحسن منظر وکثرت ابنیه جمیله مشهور
ومعروف است ودران سه مدرسه کلیه وچند مدرسه دیگر
ویک کتابخانه است که بمقدار ۱۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و
اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر است ودیگر شهر السنور است
واهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است ودیگر شهر الطونا است و
اهل ان بمقدار ۳۰۰۰۰ نفر میرسد واز جمله املاک خارجیه
این ولایت جزائر فارو است که بمقدار ۲۵ جزیره مشتمل است
ودیگر جزیره ایسلاند وغرینلاند در امریکای شمالی وجزائر
صلیب در هند غربی وسه قطعه از قطعات جرمانیا است و
اهالی جمیع املاک خارجیه ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است
واکثر اهل این بلاد بصید ماهی اشتغال دارند ودین غالب در
میانه انها مذهب پروتستانیه است وکمی از لاتینیه وغیره
نیز در میانه انها یافت میشود وحریت وازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است واز برای انها دو مدرسه کلیه یکی در
کوبنهاغن ودیگری در کیال است ودر قلعه کریستیانبرج که

از جمله املاک خارجیه انست زیاده از ۵۰۰ مدرسه
متوسطه ویک کتابخانه است که بمقدار ۳۰۰۰۰۰ مجلد کتاب
مشتمل است واهالی ان در تعلیم وتربیت اطفال خود بسیار
اهتمام دارند واما حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است واهالی
ان از اصل طوطونی اند ولغت انها بلغت سوج ونروج شباهت
دارد ومثل سایر اهل شمال استعمال مسکرات میکنند ودر
تمدّن وتربیت از بقیّه طوائف اوروپا پست‌تر اند ودر سال
هشتم ونهم با اهالی سوج ونروج در نهب وغارت در دریا
متفق شدند واهل اوروپا کمال خوف وبیم از انها داشتند و
مدّت مدیدی ملوک این ولایت بر بلاد انکلیس استیلا یافتند
ولکن حال سطوت انها مخمود ودست تعدّیشان کوتاه است
قسم چهارم جزائر بریطانیّه یعنی انکلستان است واین
مملکت بدو جزیره بزرک که در جهت شمال غربی اوروپا واقع
است ویکی از انها را بریطانیه کبیره ودیگری را ایرلند می
کویند مشتمل است واولی از انها بدو قسم منقسم است انکلند
واسکاتلند وچند جزیره که در نزدیکی ان واقعست مثل
جزائر شتلند وجزائر هبریدن وجزیره مان وجزیره وایت
تابع انست واین مملکت بحسب سعت هفتمی ممالک اوروپا
واز حیثیّت جمعیت چهارمی ودر اعتبار تمدّن وهیئت اجتماعیّه
وقوّه بحریّه وامتداد املاک خارجیّه وتجارت وصنائع و
علوم اولی انها محسوب میشود وقلعه کوه طارق وجزیره مالطه
وهفت جزیره در بحر متوسّط که معروف بلبند قیّه است

واملاك وسیعه دیکر در هند شرقی وافریقا وامریکا و
چند جزیره در اوقیانوس اتلانتیك واوقیانوس محیط وقارهٔ
هالند جدید تابع انست وحکمران از نوع ملکی مقیّد است
وحریت وازادی وانصاف وعدل وداد ان از سایر ممالك
بیشتر ومساحت دو جزیره اصلیه مقدار ۱۲۰۰۰۰
میل مربّع واهالی ان مقدار ۲۷۰۰۰۰۰۰ نفس است
واکثر انها پروتستانیه اند وحرّیت وازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است ودخل این مملکت از کمرك وجزیه بمقدار
۵۰۰۰۰۰۰۰ لیره انکلیسیّه میرسد ولکن دولت مقدار
۸۰۰۰۰۰۰۰۰ لیره انکلیسیّه باهالی ان مدیون است و
این بواسطه کثرت حربهائی است که میانه ان وبعض دول دیکر
بخصوص مملکت فرانسا واقع شد ومردم در برّ وبحر بالطوع
والرغبة خدمت دولت را میکنند وعدد عساکران بمقدار
۱۵۰۰۰۰ نفر میرسد که غالبًا در ایرلند یا در املاك
خارجیّه اند وعساکر دیکری در هند وغیره دارد واما
کشتیهای جنکی ان مقدار ۱۲۰۰ کشتی است وچونکه حکم
این مملکت از نوع ملکی مقید است لذا دو مجلس از برای
ترتیب احکام وقوانین ان که یکی از انها راجع باشراف واعیان
مملکت است واجزاء ان ۳۰۰ نفر است ودیکری بعامّه ناس و
اجزاء ان ۷۰۰ نفر است در لندن منعقد میشود وبجهت
اجراء این قوانین در هر بلده وقطعه از این مملکت مجالس و
محافلی معیّن ومقرر است اما انکلیترا که انرا اِنکِلند میکویند

بزرکترین اقسام انکلستان است واهلش بیشتر ودر امور
فلاحت وزراعت کمال اهتمام دارند وازاین جهت اراضی انها
معمور وخصیب است ودر زمستان وتابستان از اب باران
سیراب میشود واما نهرهای ان از جمله انها نهر سا ورن است
که در نزدیکی شهر بریستل در خلیجیکه از اوقیانوس اتلانتیك
ممتد است ریخته میشود ودیکر نهر مرسی است که نزد شهر
لیورپول در بحر ایرلند ریخته میشود ودیکر نهر تیمس است
ومیانه این نهرها ترعه‌های بسیاریست که میان انها را بیکدیکر
وصل میکنند وبواسطه سفر کردن از جائی بجای دیکر سهل
واسان است وچونکه این جزیره در کنار دریا واقع است
هوایش تر ومعتدل وبنا تاتیکه محتاج بحرارت شدیده است
در ان نمیروید ولکن حبوبات ان بسیار است واسب وکوسفند
ومواشی دیکران خوب در ان معدن زغال سنك ومس و
سرب وقلع بسیار است واهالی ان در علوم وفنون وصنائع
باعلی درجه ان فائز شده اند ومدارس عامّه وخاصهٔ ان بسیار
وکتب ارزان وفراوان وازاین جهت تحصیل علوم ومعارف
فنون وصنائع برهر کسی سهل واسان است وقصبه این
مملکت شهر لندن است وان در غنی وتجارت وجمعیت اعظم
شهرهای عالم است وطولش ۵ میل وعرضش ۷ میل واهلش
مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفس وبازارهایش بمقدار ۱۰۰۰۰ میرسد
ودر دو جانب نهر تیمس بمسافت ۳۰ میل از مصبّ ان بنا
شده ومردم از جانبی بجانب دیکران از روی پنج جسر که

سه جسر انها از سنك ودو جسر دیكر از اهن است عبور میكنند وزیر زمین نهر دهلیز وسیعی از سنك بسته شده و ان راه انهاست در زیر اب و بناهای عظیمه این شهر بسیار است ومشهورترین انها كنیسه سنت پولس وكنیسه وستمینستر است و اما شهر لیورپول بحسب تجارت دویمی شهرهای انكلند است واهلش مقدار ۲۵۰۰۰۰ نفر است و بمسافت ۳۲ میل از ان شهر منچستر است وان شهر عظیمی است كه انواع اقمشه از پنبه دران بافته میشود ودیكر از شهرهای ان برمینكام و شفیلد است و در انها انواع الات اهن ساخته میشود ودیكر لیدس واكزیتر است كه قماشهای پشمینه در انها بافته میشود ودیكر كدرمنستر است كه فرش دران بافته میشود ودر انكلند چند بحیرهٔ كوچك در جهت شمال است كه در فصل تابستان بجهت تفرّج وتماشا قصد انها میكنند امّا جهات غربیّه انكلند در زمان قدیم مملكت مستقلی بوده و زمانیكه رومانیین در عصر یولیوس قیصر كه ۵۵ سال قبل از حضرت عیسیٰ بود انرا فتح كردند اهلش بنهایت توحّش و بربریّت بودند واز شیر مواشی وكوشت انها معیشت میكذرانیدند وحكومت رومانیین مدت ۴۷۵ سال طول كشید وپس از ان طائفه سكسنیّه در انكلند امدند وباهالی اصلیّه ان غلبه كردند وبا انها امیزش نمودند واین بلاد در انوقت بهفت مملكت مستقله منقسم بود تا اینكه در سنه ۸۲۸ ملك اغبرت ان ایك مملكت ساخت واما اسكوتسیا یعنی اسكاتلند در جهت

شمالی انكلند واقعست واهلش ازان كمتر وهوایش سردتر وكوههایش بیشتر وبواسطه كوههای اعزمبیان بدو قسم تقسیم میشود اعلی واسفل امّا قسم اعلی در جهت شمال غربی است وان كوههای بلند سردی است كه سوای تربیت بعضی از مواشی قابل چیز دیكر نیست ودران چند بحیره است كه از جمله انها بحیرهٔ لنس ولومند است كه طولش مقدار ۳۰ میل است واهل سیاحت از هر ولایت بجهت تفرّج در فصل تابستان قصد ان میكنند واما قسم اسفل در جهت جنوبی واقع است ودر خوبی معادل انكلند است وزمین ان قابل زرع وبرای مرتع مواشی خوب است واهالی ان بلاد خودشان بسیار مایل وراغب وانها را ببسایر بلاد مسكونه تفضیل میدهند وبعلوم وشیوع معارف در بلادشان بسیار اهتمام دارند اما اهل كوهها وسكان جزائر كاده وهبریدن وشتلند غالبًا مردمانی فقیر وبی بضاعت اند ودر اسكاتلند معدن زغال سنك وقلع بسیار است وكارخانهای عظیمه از برای ساختن اقمشه از پنبه وپشم وكتان والات اهن فراهم است ودران سه مدرسه جامعه وچند مدرسه عامّه برپاست ومدرسه ایدنبرك مشهورترین مدارس انكلستان است در علم طبّ واما نهرهای اسكاتلند از جمله انها نهر فورث است كه درنزدیكی شهر ایدنبرك در خلیجیكه از بحر ممتد است ریخته میشود ودیكر نهر كلاید و نهر توید است كه میانه ان وانكلند فاصله است واز جمله ترعه های ان

ترعه کلاسکو است که میانه نهر کلاید و نهر فورث را بیکدیکر وصل میکند و دیکر ترعه کالیدونیا ست که میانه خلیج موری و اوقیانوس اتلانتیك را جمع میکند و از امّهات شهرهای اسکاتلند ایدنبرك و ابردین و دندی و کلاسکو است و شهرهای مذکوره از حیثیّت تجارت و جمعیت اعظم شهرهای انت و اسکاتلند در زمان قدیم مملکت مستقلی بود تا اینکه در سنه ۱۶۰۳ مسیحیّه که آلیزابث ملکه انکلند وفات یافت بواسطه انکه نسلی از او باقی نمانده بود سلطنت بیعقوب ملك که از اقارب او بود راجع شد و از انوقت بمملکت انکلند منضم کردید و این دو مملکت مملکت واحده و در تحت یك حکومت داخل شد و اهالی ان مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفر است و بدیانت عیسویّه بمذهب پروتستانیه متدین اند و امّا ایرلند جزیره خوبی است و مساحتش مقدار ۳۰۴۰۰ میل مربّع است و بخلیج سنت جارج و بحر ایرلند از انکلند و اسکاتلند منفصل است و بچهار قطعه تقسیم میشود اوّل ولستر در جهت شمال و اعظم شهرهای ان بلفاست است دوّیم لینستر در جهت شرق و اعظم شهرهای ان دبلین است سیّم منستر در جهت جنوب و اعظم شهرهای ان کارك است چهارم کانت در جهت غرب و اعظم شهرهای ان کالوه است و خاك این جزیره خوب و قابل کشت و زرع و هوایش معتدل و تر است و حبوب و کتان که انواع عدیده از اقمشه از ان میسازند در انجا بسیار است و اعظم نهرهای ان نهر شنن است که طولش مقدار ۱۷۰ میل است

وبعد از کذشتن ان از چند بحیره در اوقیانوس اتلانتیك بحیره میشود و اعظم بحیرات ان بحیره نیاغ است در جهت شمال شرقی و طول ان مقدار ۱۵ میل و عرضش ۷ میل است و دیکر بحیره ارن است و ان دو بحیره است که متصّل بترعه ایست و از جمله ترعه‌های ان ترعه ملکیه است که میانه بحر ایرلند و اوقیانوس اتلانتیك را بیکدیکر وصل میکند و این بحیرات بصفای اب و حسن منظر مشهور و معروف‌اند و از این جهت اهل سیاحت در فصل تابستان محض تفرّج و تماشا و عیش قصد انها می کنند و در ایرلند یك مدرسه جامعه است که در علم طبّ مشهور است و ان مدرسه دبلین است و مدرسه دیکری در مینوت از برای کاتولیکها ست و سه مدرسه عمومیّه یکی در بلفاست و دیکری در کالوه و سیّم در کارك است و بواسطه انکه اکثر اراضی ان ملك اکابر و اشراف این بلاد است و بیشتر اهالی شرکاء انها هستند از این جهت اکثر انها فقیر و بی بضاعت و از علوم و فنون و صنائع بی بهره اند و اکثر اهل ایرلند از طائفه کاتولیکیّه اند و مقدار ربع انها پروتستانیه است و انها غالبًا در جهت شمالیّه ساکنند و اما شهر دبلین و کارك و بلفاست اعظم شهرهای انست و ان در زمان قدیم مستقل بود و در سنه ۱۱۷۲ عیسویّه انکلیس بان استیلا یافت

قسم پنجم مملکت فرانسه است و ان از جهت شمال ببلجیك و خلیج انکریزی و از شرق بپروسیا و بوریا و بادن و بلاد سویس و سردینیا و از جنوب ببحر متوسّط و اسپانیا و از غرب

بخلیج بسکی محدود ومسافت سطح ان ۲۵۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۳۳۰۰۰۰۰۰ نفر است و از جمله کوههای ان سلسله کوههای سرفان است که از طرف شرقی اینمملکت بجنوب غربی ممتد است تا اینکه بطرف شرقی کوههائیکه میانه فرانسا و اسپانیا فاصله است متصل میشود و شعبه های جنوبیه را کانتال مینا مند و بلند ترین کوههای فرانسا کوه او راست که ارتفاع ان بمقدار ۴۲۳۰ قدم میرسد و در نزدیکی بلاد سوس کوههای جورا و کوههای الپاست که میان فرانسا و بلاد سویس وایطالیا واقعست واما نهرهای این مملکت بسیار است و از جمله انها نهر سین است که طولش مقدار ۴۵۰ میل است و از وسط پاریس میگذرد و دیگر نهر لایر است که اعظم نهرهای فرانساست و طول ان مقدار ۶۰۰ میل است و از کوههای سرفان بیرون میاید و در خلیج بسکی ریخته میشود و دیگر نهر گرن است که طولش ۴۰۰ میل است و در بحر بسکی ریخته میشود و دیگر نهر رون است که طولش ۵۴۰ میل و مخرجش در کوههای الپا و عمیق و سریع الجریان است و در بحر متوسط ریخته میشود واما خلیجهای ان از جمله انها خلیج انکریزی است که گذشتن کشتی از ان محل خطر است و در جهت غرب خلیج دیگری است که انرا خلیج بسکی می گویند و دیگر خلیج لایون است و ان جزئی از بحر متوسط است واما ترعه های این مملکت بمقدار ۸۶ ترعه میرسد و طول جمیع انها ۲۳۵۰ میل است و اکثر نهرها را بیکدیگر وصل میکنند و بواسطه ان انتقال از جائی بجای دیگر سهل و اسان است و اما

جزائر ان از جمله انها جزائر الیریان وری ونایرموتیر وبلی وانت است در خلیج بسکی وجزائر هایرس در جهت جنوبی وجزیره کارسیکا در بحر متوسط که طولش مقدار ۱۱۰ میل و عرضش ۵۰ میل است و در انها سلسله کوههائیست که ارتفاع رؤس انها بمقدار ۹۰۶۰ قدم میرسد و از جمله شهرهای انها باستیاست که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر اجاشیا است که مولد ناپلیون است و معدن ان بسیار است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است اما زمین این مملکت خصیب و خوب و بهترین ان اراضی شمالیه است که قابل تربیت حبوبات است و وادی لیمان اخصب اراضی دنیا است و در جهت جنوب غربی بیابانهائی است که ابداً نباتات در انها نمیروید واما هوای فرانسا خوب ولطیف و نواحی شمالیه ان بسیار سرد است بقسمیکه نهر سین که قریب بپاریس است منجمد میشود و در اماکن متوسطه ان هوا معتدل و پاکیزه و مقوی بدن است و در ماه تموز شروع بدرویدن زراعتهای ان میشود واما نواحی جنوبیه هوایش گرم است ومع ذلک بد نیست واما اشجار ونباتات ان از جمله انها انجیر و امرود و شفتالو و صنوبر و صفصاف و بلوط و زیتون ولیمو و توت سفید و سیاه و زردالو و بادام و گردو وانار وخربزه وانواع حبوبات بقول است ومشهور ترین شرابهای ان شراب شمپین و برغندی است که انرا برندی میگویند و از جمله معادن ان نقره و قلع و توتیا و انواع رخام و زغال سنگ است و از بهائم اسب و استر و خر و گاو و گوسفند و روباه و گرگ

وکربه برّی و سلک آبی و غیر اینها از حیوانات دریا یافت میشود
و از امّهات شهرهای این مملکت پاریس است که قصبهٔ ان و در
جمعیّت دوّیمی شهرهای اوروپاست و در دو جانب نهر سین
واقعست و محیطش ۲۰ میل و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفر
است و از جملهٔ قصرهای ان قصر عظیمی است که انرا لوفر میکویند
و دران تصویرهای خوب کران بها و چیزهای تازه که قابل دیدن
است که از زمان قدیم تا حال از اقطار عالم جمع کرده اند موجود
است و کنائس و مدارس و دیرهای ان بسیار است و از جمله
مدرسههای ان مدرسهٔ کلیه ایست که تلامیذان بمقدار
۱۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله کتابخانههای ان کتابخانه ایست که
بمقدار ۵۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و این شهر بکثرت
مطبعه و سهولت اکتساب علوم و فنون معروف و مشهور است
و اکثر مدارس ان برای استفادهٔ جمهور ناس مفتوح و مانعی از
دخول نه و دیکر از شهرهای ان لایلنس است که دوّیمی شهرهای
فرانسا شمرده میشود و کارخانههای ان بسیار و در ساختن
اقمشهٔ حریر مشهور و تجارتش وسیع و اهلش مقدار ۰۰۰
۲۰۰ نفر است و دیکر شهر مارسلس است و ان قدیمترین
شهرهای فرانساست و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر است
و دیکر شهر طولان است در جهت جنوبی و اهل ان مقدار ۰۰
۳۰۰ نفر است و دیکر شهر باردو است در جهت غربی و تجارت
ان وسیع و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است و دیکر شهر
روان است که بمسافت ۷۰ میل از مصبّ نهر سین واقع است و

کارخانههایش متعدد و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است
و اما اهل این مملکت اکثر بفلاحت و زراعت اعتنا دارند و در
اینعمل بنهایت درجه ان رسیده اند و اکثر انها صاحب ملکند
و بالطبع مایل بتجارت نیستند و لکن در مدّتی کمی دران تقدّم
یافتند بقسمیکه در امور تجارتیّه مشهورترین اهل اوروپا شدند
و کارخانههای انها بسیار است و ارباب انها در انواع صنایع
دقیقه کمال مهارت دارند و لکن در اکثر مصنوعات رعایت و
ملاحظهٔ ظرافت را بیشتر از منفعت و متانت میکنند و امّا
املاک خارجیّهٔ ان از جملهٔ انها بوندیشاری و تاریکال و
بانان و ماهای است در اسیا و جزیرهٔ بربون در اوقیانوس
هندی و جزیرهٔ مریم در نزدیکی جزیرهٔ مدکاسکر و جزائر غربیّهٔ
افریقا و منزلهٔ سینغال در کنار بحر غربی و جزیرهٔ پطرس و
میکیلون و مارتیکا و غوادیلوب و جزئی از جزیرهٔ مارتین و جزیرهٔ
غیانا و اما عسکر این مملکت مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفر است
و لکن در وقت جنک سوای عسکر ردیف بمقدار ۵۰۰۰۰۰
نفر میرسد و کشتیهای جنکی ان مقدار ۴۰۰ است و حال در
ساختن کشتیهای تجارتی سعی و اهتمام دارند و عسکران بطریق
قرعه کرفته میشود و تا مدّت پنج سال باید که خدمت کنند و یا
انکه دیکری را عوض خود بدهد که بجای او خدمت کند و اهل
این مملکت صاحب نخوت و شجاعت و انصاف و مروّت و تمدّن
و تربیت و بلهو و لعب و غنا و رقص مایل و راغب و در جمع
علوم و فنون سعی و اهتمام دارند چنانچه مدارس پاریس و

کتابخانه‌های ان در همه جا مشهور و معروف است و در این مملکت برجها و قصرها و قلعه‌ها و بناهای خوب یافت میشود که در دنیا شبیه و مثل انها نیست و اهالی ان بر سفر میل و رغبت ندارند و حکمران جمهوری است و اکثر اهالی ان از طائفه لاتینیه است ولکن مابین انها بسیاری از پروتستانیه نیز یافت میشود و حریت و ازادی از برای جمیع مذاهب حاصل است قسم ششم و هفتم بلجیم و هالند است اما مملکت بلجیم که انرا بلجیک میگویند از جهت جنوب بفرانسا و از غرب نیز بفرانسا و بحر شمالی و از شمال بهالند و از شرق بجرمانیا محدود و مساحت سطح ان ١١٥٠٠ میل مربع و اهلش مقدار ٤٠٠٠٠٠٠ نفس است و اکثر اراضی ان خوب و خصیب و هوایش معتدل و خشک و مقوی بدن است و از طرف فرانسا نهر شلت داخل ان میشود و از شهر کنت و انتورپن میگذرد و در بحر شمالی ریخته میشود و همچنین نهر میوسی یا ماس که از ان بلاد هالند میگذرد و در بحر شمالی ریخته میشود و ترعه‌های ان بسیار است و از این جهت اکثر نهرهای ان بیکدیگر وصل است و سفر کردن از شهری بشهر دیگر بکمال اسانی ممکن و میسر است و از امهات شهرهای ان برسل است که در دو جانب نهر سن که در نهر شلت ریخته میشود واقعست و ان شهر نیست خوش منظر و بساختن فرش و انواع اقمشه ثمینه مشهور و معروف است و در ان کتابخانه ایست که بمقدار

١٠٠٠٠٠ مجلد کتاب مشتمل است و دو مجلس از جهت ترتیب قوانین و شرائع و احکام و قواعد مملکت در ان مقرر است و اهلش مقدار ١٠٠٠٠٠ نفس است و مقر سلطان مملکت در اینجاست و دیگر شهر انتورپن است که در دو جانب نهر شلت بنا شده و ان شهری است خوش منظر و بناهایش خوب و اهلش مقدار ٨٠٠٠٠ نفس است و از جمله بناهای ان کنیسه ایست که بشکل خاصی بنا شده که معروف ببناء غوتی است و دیگر مناره ایست که ارتفاع ان بمقدار ٤٤١ قدم میرسد و اهالی ان در امور فلاحت و زراعت باعلی درجه ان فائز شده اند و بیشتر زراعت انها حبوب است و در صنائع و امور تجارت یدی طولی دارند و چیزهای خوب و پاکیزه میسازند و بواسطه حریت و ازادی ایشان در تجارت انها را بقیمتی ارزانتر از انچه دیگران میفروشند میدهند و اکثر انها از طائفه لاتینیه اند و مابقی پروتستانیه است و سه مدرسه کلیه دارند و تحصیل علوم و معارف از برای خاص و عام سهل و اسان است و جنگهای بسیار در ان واقع شده و حکمران از نوع ملکی مقید است و دو مجلس از برای ترتیب احکام و قوانین در شهر برسل مقرر است که اجزای انها از مابین قبائل و طوائف انتخاب میشود و اجزای مجلس اول هشت سال و اجزای مجلس دویم چهار سال بوظیفه خود قیام میکنند و اصل اهالی این مملکت از قبائل متفرقه است و لکن بیشتر با اهل فرانسا و فلمنک شباهت دارند و بعضی از انها بلغت فرانساوی و

بعضی بلغت فلمنکی تکلم میکنند واما مملکت هالند که معروف
بفلمنک است ونِدِرلند نیز انرا میکویند از جهت شمال وغرب
ببحر جرمانیا واز شرق بمملکت جرمانیا واز جنوب بمملکت بلژیک
محدود ومساحت سطح ان ۱۳۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار
۳۰۰۰۰۰۰ نفس است واز جهت شرق نهر راین داخل ان می
شود وازان میکذرد ودر بحر شمالی ریخته میشود ونهر میوس و
نهر شلت از بلجیک داخل ان میشود وازان میکذرد ودر بحر
شمالی ریخته میشود واز بحر جرمانیا خلیج زویدر داخل ان میشود
وطولش مقدار ۴۰ میل است واز جمله بحیرات ان بحیرهٔ هارلیم است
که طولش مقدار ۱۴ میل است واعظم جزائر ان جزیره بیولند و
والکرن است واما هوای ان تر واکثر اراضیش ریک زار و
مرتعهایش خوب بواسطه انکه قسمی ازان مساوی سطح دریا ست
اهل ان ناچارند که درکنار دریا ونهرهائیکه درجنب بلاد
انها واقعست سدهای عظیم بنا کنند که در وقت مدّ دریا
انهارا از ضرر اب نکاهداری کند ومع ذلک کرارًا ومرارًا بلاد
ایشانرا اب فرو کرفته واز امّهات شهرهای این مملکت هک است
که قصبه ان است ودران چند قصر ومجلس از برای ترتیب
احکام وقوانین این مملکت مقرر ومعین است واهلش بمقدار
۴۰۰۰۰ نفس میرسد ودیکر شهر امستردم است که در
زمان قدیم از حیثیت تجارت وقوهٔ بحریه اعظم شهرهای عالم
بوده وحال دران کتابخانهها ومدارس ومجالس ومحافل
عدیده از برای صنائع غریبه مهیّا وموجود است واهلش

مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر لیدن است که
مدرسه کلّیه وعلماء ان مشهور است واهلش مقدار
۳۰۰۰۰ نفس است واهل این مملکت بواسطه هیجان دریا
باراضی انها وکثافت ورطوبت هوا وبدی اب در امور فلاحت و
زراعت عسرت ومشقت بسیار دارند ومع ذلک بلاد انها
خصیب ونباتات بسیار ومرتع مواشی انها خوب است وتجارت
ان در ایام قدیمه وسیع بوده ولکن حال کم است وکارخانههای
بسیار از برای ساختن اقمشه صوف وکتان وحریر وپنبه در
ان مهیّا وفراهم است واز جمله املاک خارجیّه ان جزائر کوراسائو
ویوسینیا نیا است وجزئی از سورینام در کیانا که در امریکاست
وچند قلعه وکارخانه در افریقا وجزائر یافا وسوماطره وبورنیو
وجیلبس وتیمور وغیر اینها از جزائریکه در اوقیانوس محیط واقع
است واهالی جمیع املاک خارجیّه ان مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰
نفس است واکثر اهل این مملکت پروتستانیه ومابقی لاتینیه
ویهود است وچند مدرسه کلّیه در لیدن وغرونینجین
واترلیشت دارند وبتحصیل علوم وفنون ومعارف راغب و
مائل وبواسطه کثرت مدارس اکتساب تعلم از برای انها
بکمال سهولت واسانی ممکن ومیسّر ومانعی نه وحکمران از نوع
ملکی مقید است ودو مجلس از برای ترتیب قوانین واحکام
مقرر ومعین است که اجزاء یکی از انها را سلطان بنفسه
اختیار میکنند واجزای دیکر را سایر ناس انتخاب میکنند
واینها احکام وشرائع مملکت را بموافقت سلطان ترتیب می

دهند واصل اهالی ان ازجنس اهل جرمانیاست ومردمانی
نظیف وظریف وبعمل خیر واحسان وبناء مدارس راغب ومائل و
راههای انها خوب وقریه هایشان نیکو وبازارهای انها وسیع
وپاکیزه است **قسم هشتم** جرمانیاست که انرا المانیا
نیز میکویند وان ازجهت شمال ببحر جرمانی وتخوم دنمارك و
بحر بلتیك واز شرق بپروسیا واوستریا واز جنوب باوستریا
وبلاد سویس واز غرب بفرانسا وبلجیك وهالند محدود
ومساحت سطح ان ۲۴۵۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار
۳۷۰۰۰۰۰۰ نفر است ودران سلسله کوههائی
استکه ازجمله انها شعبه ازکوههای الپا وشعبه ازکوههای
کرپاث است ونهرهای ان بمقدار ۵۰۰ میرسد ومخرج نهر
الطونا وویسر والب دران است اما هوای ان مختلف است
وخاکش خصیب وخوب در ناحیه جنوبیه اشجاریکه در
اقالیم جنوبیه نمو میکند دران یافت میشود ونصف اهالی
ان پروتستانیه ونصف دیکر لاتینیه واز یهود اکثر از
۳۰۰۰۰۰ نفر دران ساکن وحریت وازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است وحکم ان از نوع جمهوری است وهر طائفه
وکیلی ازجانب خود بدیوان عمومی که در شهر فرنکفورت
منعقد میشود میفرستد وعساکر ان بمقدار ۳۰۰۰۰۰
نفر میرسد واهالی ان صاحب همت وحرص وامانت وثبات
در اعمال ودر ابداع واختراع موهبتی الهیه دارند چنانچه
ساختن بارود وصنعت چاپ وعمل ساعت را استنباط

کردند وعلمای انها در تالیف وتصنیف کتب صاحب غیرت و
همت اند و ۲۰ مدرسه کلیه و ۱۵۰ کتابخانه که بمقدار ۰۰
۵۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است از برای تحصیل علوم وفنون
ومعارف دران موجود وفراهم واز علماء صاحب تالیف مقدار
۱۰۰۰۰ عالم در انست که هر سال قریب ۵۰۰۰ کتاب
تالیف میکنند وبواسطه کثرت وسائل اکتساب علوم از برای
انها سهل واسان است واز جمله شهرهای ان فرنکفورت و
لیپسك ودرسدن ومونیخ واوغسبرج واستراسبرج و
غیرا ینهاست **قسم نهم** مملکت پروسیاست وان ازجهت
شمال ببحر بلتیك واز شرق بروسیا واز جنوب باوستریا و
جرمانیا واز غرب نیز بجرمانیا محدود ومساحت سطحش مقدار
۱۰۶۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰ نفر
است واز جمله نهرهای ان نهر اودر استکه طولش مقدار ۵۶۰
میل است ودر بحر بلتیك ریخته میشود ودیکر نهر البا استکه
طولش ۵۸۰ میل است ودر بحر شمالی ریخته میشود ودیکر
نهر فیستولا استکه طولش ۶۵۰ میل است ودر بحر بلتیك
ریخته میشود واز جمیع این نهرها کشتی بسهولت واسانی عبور
میکنند واما بحیرات ان کوچك وقابل ذکر نیست وجزیرهٔ روجین
در بحر بلتیك تابع انست وسطح ان ۳۷۰ میل مربع واهلش
مقدار ۲۵۰۰۰ نفر است ودر حول ان چند جزیره کوچك
واقعست اما هوای این مملکت معتدل ودر نواحی جنوبیه
موافق صحت امزجه ودر نزدیکی بحر بلتیك سرد وتر است و

از جمله معادن ان نقره و مس و اهن و قلع و نمك و کهرباء است
و از امهات شهرهای ان برلین است و ان شهری است خوش منظر
و بازارهایش وسیع و مستقیم و بناهایش عالی و فاخر و در ان
یك مدرسه کلیه و چند مدرسه دیکر از برای تحصیل علوم و
فنون و معارف مهیا و موجود است و اهلش بمقدار ۰ ۰
۲۵۰ نفس میرسد و دیکر شهر بوتسدام است که صاحب بناهای
عظیمه است و اهلش بمقدار ۴۰۰۰۰ نفس میرسد و دیکر
شهر کولون است و اهل ان مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است و
دیکر شهر کونغسبرج است در عرض شمالی ۵۴ ۴۲ و
طول شرقی ۲۰۴۸ و میانه ان و دریا مسافت ۲۴ میل است
و باروئی بان احاطه دارد که طولش مقدار ۱۷ میل است و اهل
ان بمقدار ۶۴۰۰۰ نفس میرسد و دیکر شهر دانتزیك
است که در طول شرقی ۱۸۳۱ و عرض شمالی ۵۴۲۱
واقعست و اما اهل این مملکت از امور فلاحت و زراعت
چنانچه باید و شاید اکاهی ندارند و در تربیت مواشی بسیار
اعتنا و اهتمام مینمایند و در ان قماشهای صوف و کتان و پنبه
ساخته میشود و چابخانه‌های ان بسیار و تجارتش در مواشی
و حبوبات است و اکثر تجارت بحری ان در دست غرباست و
بیشتر اهالی ان پروتستانیه است و طائفه از لاتینیه و
یهود نیز در ان ساکن است و حریت و ازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است و در ان شش مدرسه کلیه که بهترین
مدارس اوروپاست و چند مدرسه متوسطه و ۲۲۰۰۰

مدرسه عمومیه از برای تحصیل علوم و معارف مهیا و فراهم
است و بحسب معرفت عمومیه بهترین ممالك اوروپاست و
اهالی ان در تعلیم و تربیت اطفال خود کمال سعی و اهتمام دارند
و اما حکمران از نوع ملکی مطلق است و عساکران بمقدار
۳۰۰۰۰۰ نفر میرسد و هر یك از اهالی ان که بسن هفده
سالکی رسیده باشد سه سال باید که در میانه عسکر تعلیم
بکیرد و خدمت کند و تا سن سی سالکی عسکر ردیفند و در
هر هفته یکمرتبه از برای تعلیم و مشق حاضر میشوند و در هر
سال سه هفته خیمه‌هایشان را از برای تعلیم و مشق نصب
میکنند پس فی الحقیقه عساکران بعدد اهالی انست و انها
بهترین عساکر اوروپا هستند چنانچه از جنکهائیکه میانه
انها و مملکت اوستریا و فرانسا واقع شد مشهود و معلوم
میشود و اول کسیکه سبب شهرت و اعتبار این مملکت کردید
فرهید ریك اول بود و فرهید ریك ثانی بعضی از اراضی بان اضافه
کرد و لکن تا سنه ۱۸۱۵ از ممالك معظمه شمرده نمیشد و
از جمله توابع ان بعضی از مقاطعات جرمانیاست **قسم دهم**
بلاد سویس است و این ولایت کوچك و از جهت شمال بجرمانیا
و از شرق باوستریا و از جنوب بسردینیا و اوستریا و از غرب
بفرانسا محدود و مساحت سطحش ۱۷۵۰۰ میل مربع و
اهلش مقدار ۲۲۰۰۰۰۰ نفس است و کوههای الپ که
مرتفع ترین کوههای اوروپاست در ان ممتد است و ارتفاع
اعلای انها بمقدار ۱۵۷۰۰ قدم میرسد و هیچ وقت خالی

از برف نیست و چند نهر از انها بیرون میاید که اعظم انها نهر
راین است که از شمال در جرمانیا جاری میشود و دیگر نهر
رون است که از جهت جنوب در فرانسا جاری میشود و
دیگر نهر بو است که میانه ایطالیا و اوستریا جاری میگردد
و در خلیج بندقی ریخته میشود و اعظم بحیرات ان بحیره جنیفه
است که طولش مقدار ۴۰ میل و عمقش ۱۰۰۰ قدم و ابش
زلال و صافی است و دیگر نهر قنستانس است که طولش ۴۵
میل و عرضش ۱۵ میل است و امّا هوای این مملکت بواسطه
ارتفاع ان خوب و موافق صحّت امزجه است و در کوههای
ألپا سرد و در بیابانها معتدل و در مقاطعه طیسین گرم
و در وادیها بحسب بلندی و پستی انها مختلف است و بالا
رفتن از کوههای ان بواسطه زیادتی برف و پستیهای خطرناک
انها بسیار صعب و مشکل است و گاهی از اوقات تیکه های
بزرگ برف بطرف وادیها سراشیب میشود و قریه هائیکه در
میانه راه واقعست خراب میکند و در ان انواع وحوش و نوعی
از کرکس که کودکان خورد سال را بچنگال گرفته پرواز میکند
یافت میشود و این مملکت به بیست و دو قطعه تقسیم میشود
و از امّهات شهرهای ان ذوریک و برن و لوسرن و جنیفه
است که صاحب بناهای عالی و فاخر و اهلش برغبت در تحصیل
علوم و معارف مشهور و معروفند و ارباب فلاحت و زراعت
انها کمال خبرت در اینعمل دارند و در ان قماشهای حریر و پنبه
و کتان و الات اهن ساخته میشود و بواسطه انکه گمرک از انها

مرفوع است تجارت انها بسیار خوب و ربح و سود انها بیشتر است
و نصف اهالی ان پروتستانیه و نصف دیگر لاتینیه است و
امّا حکمران از نوع جمهوری است **قسم یازدهم مملکت**
اوستریا است و ان از جهت شمال به باواریا و ساکسونیا و
پروسیا و روسیا و از شرق نیز بروسیا و ملدافیا و از
جنوب بولاخیا و سربیا و بلاد ترک و بحر ادریا و نهر بو و از غرب
بسردینیا و بلاد سویس و باواریا محدود و مساحت سطحش
۲۵۸۰۰۰ میل مربّع و اهلش ۳۶۵۰۰۰۰۰ نفس است
و کوههای کرپات و ألپا از شرق بغرب در ان ممتد است و دیگر
کوه اورتلو که ارتفاعش بمقدار ۱۲۸۵۰ قدم میرسد و کوه
دیگری که ارتفاعش ۱۲۷۷۵ قدم است و کوه البینا که
ارتفاعش ۱۱۵۰۰ قدم است در ان ممتد است و اعظم
نهرهای ان نهر دونو است که انرا دانیوب میگویند و دیگر نهر
ألطونا است که در بحر اسود ریخته میشود و دیگر نهر ألبا است
که در بحر شمالی ریخته میشود و اعظم بحیرات ان بحیره بلاتیون
است که طولش ۴۵ میل و عرضش ۱۰ میل است و دیگر
بحیره نیوسیدال است که طولش ۲۰ میل و عرضش ۴ میل
است اما هوای این مملکت مختلف است چنانچه در جهات
شرقیه معتدل و در ناحیه غربیّه سرد و در بقاع نهر ألطونا
گرم است و اما خاک ان خوب و بعضی از ان قابل زرع و بعضی
مرتع مواشی است و از معادن طلا و نقره و مس و اهن و قلع و
زغال سنگ و نمک در ان یافت میشود و از چشمه های معدنی

فصل هفدهم

مقدار ۶۰۰ چشمه در ان یافت میشود و اعظم ترعه های ان
ترعه فرنسیس است که طولش ۶۰ میل است و دیکر ترعه فینا
و نیوسطادت است که طولش مقدار ۴۰ میل است و از امهات
شهرهای ان فینا است در دو جانب نهر الطونا و در ان بیت
دیر و ۵۰ کنیسه است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس
است و دیکر شهر نیوسطادت است و اهل ان مقدار ۸۰۰۰
نفس است و دیکر شهر تریسته است که در کنار بحر ادریا واقع
است و بندر تجارتی این مملکت است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰
نفس است و بواسطه انکه این مملکت از دریاهای بزرک دور است
تجارت بحریه اش چندان وسیع نیست ولکن تجارت بریه ان
خوب است و اهلش در صنائع حذاقتی ندارند و فلاحت و زراعت
ان بواسطه قلت خبرت اهلش باین عمل کم است و در ان اقمشه
صوف و کتان و کاغذ و الات اهن و ابکینه و ظروف ساخته میشود
و دین غالب در ان دیانت لاتینیه است ولکن بسیاری از
رومیه و پروتستانیه نیز در انجا ساکن و بیشتر از ۸۰۰
دیر و ۶ مدرسه کلیه و چند مدرسه متوسطه از برای
تحصیل علوم و معارف مهیا و موجود است و حکمران از نوع
ملکی مطلق است و اهلش از قبائل عدیده مخلوط و ممزوج و
بلغات مختلفه متکلم و باعمال متنوعه مشغول و این مملکت
تا سال ۱۲ از جمله ممالک شمرده نمیشد و پس از ان شروع
بترقی کرد و قوت یافت تا اینکه حال از ممالک عظیمه محسوب و
معدود است **قسم دوازدهم و سیزدهم مملکت**

در مملکت اسپانیا

اسپانیا و پرتوکال است اما اسپانیا از جهت شمال ببحر بسکی
و از شرق ببحر متوسط و از جنوب نیز ببحر متوسط و اوقیانوس
اتلانتیکی و بوغاز کوه طارق و از غرب نیز باوقیانوس مذکور
محدود و مساحتش مقدار ۱۸۰۰۰۰ میل مربع و اهلش
مقدار ۱۴۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما کوههایش سوای
کوههای برانس که میانه ان و فرانسا فاصله است ۶ سلسله
دیکر است که این بلاد را شرقا و غربا خرق میکند و در بعضی
از انها انواع اشجار مثل کز و صنوبر و سندیان و غیره میروید و
در ان مقدار ۲۳۰ نهر جاری است ولکن اکثر انها نهرهای کوچک
و قابل ذکر نیست و اعظم انها نهر اشبیلیه است که در قرطبه
میکذرد و اشبیلیه همان شهری است که معروف بسیفیل
است و این نهر در نزدیکی قادس دراوقیانوس ریخته میشود و طول
ان مقدار ۲۵۰ میل است و چند نهر از جهت شمال و جنوب
داخل ان میشود که از جمله انها نهر شنیل است که در شهر غرناطه
میکذرد و نهر مرسیه که در شهر مرسیه جاری میشود و مصب
ان در بحر متوسط است و دیکر نهر الودیان است که اول بجهت
غرب و پس از ان بجهت جنوب جاری میشود و دیکر نهر تغوس
است که بطرف غرب جاری میشود و در پرتوکال میکذرد و هم
چنین نهر دورو و این سه نهر در اوقیانوس ریخته میشود و
دیکر نهر ابره است که بجهت جنوب شرقی جاری میکردد و در
نزدیکی شهر طرطوشه در بحر متوسط ریخته میشود و دیکر یازده
نهر سوای نهرهای مذکوره است که در بحر متوسط ریخته میشود

واینها اعظم نهرهای اسپانیا هستند وچشمه های معدنی ان
بمقدار ۱۲۰۰۰ میرسد واما هوای ان معتدل ومقوّی بدن و
خاکش خوب وبسیاری از معادن در ان یافت میشود واسب
خر وکاو وکوسفند وبز ان بنهایت خوب وبسیاری از فنون
لغویّه در نزد اهالی ان یافت میشود وحکمران از نوع ملکی مقیّد
است ودخلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ لیره انکلیسیّه وقرض
ان بمقدار ۲۰۰۰۰۰۰۰ لیره انکلیسیّه میرسد وعسکر
ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است وکشتیهای جنکی ان قابل ذکر
نیست واما شهرهای این مملکت از جمله انها قرطبه است واهل
ان مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است ودیکر اشبیلیه است وان
از شهرهای معتبره بوده ودیکر طلیطله است که از شهرهای
مشهوره ان است ودیکر مادرید است وان قصبه این مملکت
وشهری خوب وصاحب بناهای عالی وکنائس ومدارس وقصرها و
کتابخانه هاست واهلش مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفس است ودیکر
بطلیوس وقادس وملاغه ومرسیه وبلنسیه وطرطوشه
وبرشلونه وسلمنکه ولیوس وقستلیون وسرقسطه است
واما مملکت پرتوکال از جهت شمال وشرق بمملکت اسپانیا واز
جنوب وغرب باوقیانوس اتلانتیک محدود ومساحت سطح
ان ۳۶۰۰۰ میل مربّع واهلش مقدار ۳۵۰۰۰۰۰
نفس است واعظم نهرهای ان نهر دورو ونهر الودیان ونهر
تاغوس است واما هوایش خوب ومعتدل وموافق صحت اخرجه
است وحکمران از نوع ملکی مقیّد است وبلادش بدوازده

قطعه تقسیم میشود واعظم شهرهای ان لیسبون است وان
شهریست خوب وصاحب بناهای عالی وقصورش بهترین قصرهای
اوروپا ودر ان ۱۴۰ کنیسه و ۷۵ دیر ویک کتابخانه ایست
که بمقدار ۸۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است واهلش مقدار
۲۶۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر ایورتو است واهل ان
مقدار ۷۰۰۰۰ نفس وتجارتش در لیمو وپرتقال وشراب است
واهل این مملکت با وجود اینکه اراضی انها خوب وخصیب است
بفلاحت وزراعت اعتنائی ندارند وکارخانه های انها کم
است وبمذهب لاتینیه اند ویک مدرسه کلّیه در کویمبرا
دارند ومدارس عامّه انها کم است ودر زمان قدیم املاک
خارجیّه ان وسیع بوده ولکن در این عصر مکر قلیلی در امریکا
وهند وجزائر اسیا باقی نمانده واهالی ان از اصل اهل اسپانیا
هستند ودر لغت وخلق وعادت بانها شبیه اند واین مملکت
سابقا در تحت حکومت رومانیین بوده ودر سنه ۱۱۳۹
استقلال یافت ودر سال ۱۵ مشهور شد واملاک ان در
شرق وامریکا امتداد یافت ودر سال ۱۶ مملکت عظیمی کردید
ودر سنه ۱۵۷۶ بمملکت اسپانیا اضافه شد وپس از ان
در سنه ۱۶۴۰ استقلال یافت ولکن حریّت وسطوت وقوّه
بریّه وبحریّه قبل را حاصل نکرد **قسم چهاردهم** مملکت
ایطالیا است وان از جهت شمال بفرانسا وسویسرا واوستریا
محدود واز شرق ببحر ادریا واز جنوب وغرب ببحر متوسط و
مساحت سطح ان ۱۲۰۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار ۰۰۰

۲۰۰۰۰ نفس است وکوههای آلپا واپنین وکوه کورنوکه ارتفاعش مقدار ۲۰۹۵۲ قدم است وکوه فیلینوکه ارتفاع ان مقدار ۸۱۶۳ قدم است دران ممتد است واعظم نهرهای ان نهر پو است که میانه ایطالیا واوستریا فاصله است ودیکر نهر تیبر است که در شهر رومیه جاری میکردد واز جمله خلیجهای ان خلیج بندقی وخلیج تریسته است وازجمله جزائر ان جزیره سیسیلیا وسردینیا وکارسیکاست وتوابع های ان بسیار است واعظم شهرهای ان شهر رومیه است که صاحب بناهای عالیه وقصرهای عظیمه است وکنیسه پطرس وپولس رسول دران واقعست وان بزرکترین کنائس عالم و بهترین انهاست ومقر پاپاکه رئیس کنیسه لاتینیه است در انجاست واهل ان مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر ناپولی است واهل ان مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر پالیرمو است واهل ان مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر بولونیا است واهل ان مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر پادوا است واهل ان مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است وبواسطه فقدان حریت دراین مملکت اکثر اهالی ان بحالت جهل وغباوت مشاهده میشوند وبمذهب لاتینیه اند ودران بناهای فاخره جمیله یافت میشود که مثل انها در عالم نیست واکثر اهالی ان کندم کون وچشمهای انها درخشنده وموهایشان سیاه وزنان انها خوش صورت اند واین مملکت بچند قسم منقسم است واحکام مختلفه درانها

جاری واز جمله انها سردینیا است که انرا سارود میکویند وان درشمال مملکت است ومساحتش مقدار ۱۹۱۲۵ میل مربع وازجمله شهرهای ان جنوا ونیقا وتورین است ودیکر لومباردیا ست وازجمله شهرهای ان میلانو وفیرونا وفینیس است ودیکر بارما ست وقصبه ان شهر بارما ست ودیکر مودینا ست وقصبه ان شهر مودینا ست ودیکر توسکانیا ست وقصبه ان شهر فیورنسا ست ودیکر ناپولی است وقصبه ان شهر ناپولی است

قسم پانزدهم مملکت عثمانیه است

دراوروپا وان ازجهت شمال باوستریا وروسیا وازشرق بحر اسود وبحر مرمرا وبوغاز دردنیل وبوغاز قسطنطینیه وازجنوب بلاد روم وازغرب بحر روم واوستریا محدود ومساحت سطح ان ۱۴۰۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار ۹۵۰۰۰۰۰ نفس است وکوههای بلقان انرا خرق میکند وارتفاع رؤس انها به مقدار ۱۰۰۰۰ قدم میرسد وازجمله نهرهای ان نهر ماریزا است که ازکوههای بلقان بیرون میاید ودر بحر جزائر روم ریخته میشود وطول ان ۲۵۰ میل است ودیکر نهر درینو است که در بحر ادریا ریخته میشود ودیکر نهر وردار است که از کوههای بلقان بیرون میاید ودر بحر سالونیکیه ریخته می شود وطول ان مقدار ۲۰۰ میل است ودیکر نهر ملاسا است که از کوههای بلقان بیرون میاید ودر بحر جزائر روم ریخته میشود واما هوای ان بهتر از هوای بقیه بلاد اوروپا است وامراض ووباهائیکه دران حادث میشود نه بواسطه بدی

کثافت هواست بلکه بواسطهٔ عدم اعتناء اهالی ان بنظافت ابدان وبیوت وبازارهایشان است وزمین این مملکت خوب ودران لیمو وپرتقال وانار وانکور وانجیر وبادام وزیتون و اشجار برّیه مثل بلوط وصنوبر وصفصاف وغیره روئیده می شود وازجملهٔ معدنهای ان اهن ومس وقلع وکبریت ورخام است وازامّهات شهرهای ان قسطنطینیّه است که مشهور باسلامبول است وقسطنطین ملک سنه ۳۳۰ انرابنا کرد ودران ۳۰۰ حمّام و ۳۴۰ جامع است واهلش مقدار ۶۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهرادریانوپلی استکه دوّم شهرهای این مملکت است ومقام قدماء سلاطین بوده وتجارت ان وسیع وصاحب بناهای عالیه وقصور قدیمه وجامعهای خوب اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر فیلیپوپلی استکه بواسطهٔ تجارتش مشهوراست واهل ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر غالیپولی ست و اهل ان مقدار ۸۰۰۰۰ نفس ست ودیکر شهر سالونیکیّه استکه محل تجارت وبعمل اقمشه وپوست مشهور واهلش مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است ودر نزدیکی ان کوه اتوس است که انراکوه مقدّس میخوانند ودران ۲۲ دیر و ۵۰۰ کنیسه ویک مغاره است واهل این مملکت با اینکه اراضی انها خوب و قابل انواع زراعت است عمل فلاحت انها خوب نیست وبتجارت چندان التفاتی ندارند بلکه اکثر تجارت در دست روم و ارمن وغیرهاست وکارخانه های انها قابل ذکر نیست وعلوم

در نزد انها کمتر یافت میشود ولکن چند سال میشود که شروع باقامهٔ مدارس در قسطنطینیه کرده اند ودر تحصیل علوم جدّ وجهد مینمایند وامادیانت ترالت اسلام است ولکن میانهٔ انها روم وارمن ولاتینیه ویهود وپروتستانیّه نیز یافت میشود وحرّیت وازادی ازبرای جمیع مذاهب حاصل است وحکمران ازنوع ملکی مطلق است واکثر اهالی ان مردمانی کریم وامین ودراین عصر شروع بتحصیل معارف وتمدّن و تربیت کرده اند

قسم شانزدهم جزائر اوروپاست که بعضی ازانها در بحر ثلج شمالی وبعضی دراوقیانوس اتلانتیکی وبعضی در بحر متوسط واقعست وازجملهٔ انها جزائر سپیتسبرکن است در بحر ثلج شمالی که میانه ۷۶ و ۸۰ عرض شمالی و ۹ و ۲۴ طول شرقی است وبزرکترین این جزائر طولش بمقدار ۳۰۰ میل میرسد ودر انها کوههائی استکه ارتفاع بعضی ازانها بمقدار ۴۵۰۰ قدم میرسد وانیها تابع مملکت مسکوب است ودیکر جزیره ایسلند استکه طولش مقدار ۲۸۰ میل وعرضش مقدار ۲۱۰ میل ومساحتش مقدار ۳۰۵۰۰ میل مربّع واهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس ست واین جزیره تابع مملکت دینمارک است ودران کوههائی استکه ارتفاع بعضی ازانها بمقدار ۶۰۰۰ قلم میرسد وچشمه‌های ان بسیار است وآب بعضی از انها بدرجهٔ غلیان میرسد وازجملهٔ حیوانات ان روباه وخرس سفید وکوساله دریائی وامثال اینهاست واکثر نباتات ئاکوله شمالیه دران یافت میشود وازکنارهای ان بسیاری از

انواع ماهی میگیرند و دیگر جزائر فرو است و انها مقدار ۲۵
جزیره است که میانه ایسلند و جزائر شتلند واقعست و تابع
مملکت دینمارک است و اهلش مقدار ۵۳۰۰ نفس است و
اکثر اعتماد انها بصید ماهی است و اما جزائر شتلند و هبریدن
تابع انکلستان است و اهالی انها فقیر و بی بضاعت و بیشتر
اعتماد انها بصید ماهی و طیور است و امّا جزائر بحر متوسّط از جمله
انها منورکه و میورکه وافیکه است و اینها تابع مملکت اسپانیا
ست و دیگر جزیره کارسیکا ست وان تابع مملکت ساروداست و
دیگر جزیره سیسیلیا یا سقلیه است وان تابع مملکت ناپولی
است و دیگر جزیره مالطه است وان تابع انکلستان است و
دیگر جزیره سردینیا است و ان تابع مملکت ساروداست و دیگر
جزائر بندقیه است وان هفت جزیره بزرگ و چند جزیره
کوچک است که بنفسه مستقل و در تحت حمایت دولت انکلند
داخل است و اما جزائر دوم چند جزیره است که میانه بلاد روم
و اسیای صغری واقعست و از جمله انها جزیره میلو و اندروس
و تینو و سیرا و غیر اینها است و اما جزائر اسیا سابقاً ذکر شد

فصل هیجدهم در قارهٔ افریقا و ان از جهت شمال به
بوغاز کوه طارق و اوقیانوس اتلنتیک و بحر متوسّط و از شرق
ببرزخ سوئیس و بحر احمر و بوغاز باب مندب و اوقیانوس
هندی و از جنوب با وقیانوس جنوبی و از غرب با وقیانوس
اتلنتیک محدود و مساحتش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰۰ میل
مربّع و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و از جمله

کوههای ان سلسله کوههای اطلس است وان فی الحقیقة
چند سلسله است که در بلاد غرب میانه ۲۶ و ۳۷ عرض
شمالی ممتد است و در این کوهها جنگلهای وسیعی است که
وحوش موذیه و درندگان وافعی در انها ماوی دارد و دیگر
سلسله ایست که از جهت جنوب از بلاد حبش ممتد است و
در وسط این قارّه سلسله کوههای قمر است وان از جهت
غرب از جنوبی بلاد حبش ممتد است و معلوم نیست که در
وسط این قارّه منتهی میگردد یا اینکه بکوههای غربیّه متصّل
میشود و جانب بزرگی از اواسط اینقارّه غیر منکشف است
که کوههای ان و اهالیش معلوم نیست و در انچه منکشف شده
صحراها و بادیه‌های وسیعی است که از جمله انها صحراء کبیر است
که میانه ۱۶ و ۲۹ عرض شمالی واقعست و طول ان مقدار
۲۹۰۰ میل و عرضش مقدار ۷۵۰ میل است اما نهرهای
افریقا مخرج و مصبّ بسیاری از انها معلوم نیست و از جمله
انها نیل مصر است وان از دو نهر مجتمع است که یکی از انها را
بحر ابیض و دیگری را بحر ازرق میگویند و مخرج این نهرها در
کوههای قمر است و در بحر متوسّط ریخته میشود و دیگر
نهر سنیگال است که از کوههائیکه در جنوبی صحراء کبیر است
بیرون میاید و در ۱۶۵ عرض شمالی در اوقیانوس اتلنتیک
ریخته میشود و طول ان مقدار ۸۰۰ میل است و دیگر
نهر کمبیا است که از کوههائیکه در جنوب غربی صحراء کبیر است
بیرون میاید و در عرض شمالی ۱۲۳۰ در اوقیانوس

ریخته میشود وطولش مقدار ۶۱۰ میل است و دیگر نهر نیکر
استکه از کوههائیکه در جنوبی صحراء کبیر است بیرون میاید
وچند شعبه میشود و اعظم انها در اوقیانوس تلانتیك
داخل میگردد وطول ان مقدار ۱۴۴۰ میل جغرافی است
ودیگر نهر اورانیا ستکه مصبّش در ۲۹ عرض جنوبی است
ودیگر نهر کویلیمان استکه دراوقیانوس هندی ریخته
میشود واما بحیرات افریقا ازجمله انها بحیره تشاد استکه در
اواسط اینقارّه در ۱۳ عرض شمالی واقعست وچند نهر ازجنوب
وغرب داخل ان میگردد ودران ماهی بسیاری یافت میشود و
دراطراف ان اراضی خصیب خوبی است ودیگر بحیره دبو است
درنزدیکی تنبکتو وبحیره قارون درمصر وبحیره دنبیه در بلاد
حبش واما هوای افریقا بواسطه واقعشدنان دراقالیم
استوائیه وکثرت صحراهایش کرم وخشك است ودربعضی
ازجاهای ان باد سموم میوزد وبواسطه قلّت اب وکثرت ریك
درصحراهای ان سفر کردن درانها صعب است وازحیوانات
برّیه ودرندکان شیر وپلنك ویوز وکفتار وکرکدن وفیل
وشتر وزرافه واسب ابی وخر وهنك و ۲۴۶ صنف از
طیور واقسام بسیاری ازمار دران یافت میشود وازجمله
معادنان طلا واهن ومس وزیبق ونمك وزغال سنك است
واما اهل ان سودان وبرابره است اما سودان درتمام اماکن
ان یافت میشود واما برابره درجهت شمالیّه ساکنند ودین
انها اسلام است وسودان بمذاهب مختلفه ازبت پرستی اند

ودران بمقدار ۱۵۰ لغت تکلم میشود وبواسطه عدم تعیین
حدود ولایات وممالك وقلّت معرفت بانها باعتبار وضع انرا
بهفت قسم تقسیم میکنیم قسم اوّل بلاد نیلیه استکه مشتمل
بمصر ونوبه وحبش وبعض ولایات کوچك است قسم دوّیم بلاد
مغرب استکه مشتمل بصحراء کبیر وبرقه وفزّان وتونس وطرابلس
وجزائر ومراکش وتوابع انهاست سیّم افریقای شرقی استکه
مشتمل بزنکبار ومزمبیق وصوفالا وغیر اینهاست چهارم
افریقای وسطی استکه مشتمل ببلاد سودان است پنجم
افریقای غربی استکه مشتمل بسنیکامبیه وکوینیه است
ششم افریقای جنوبی استکه مشتمل ببلاد راس وبلاد کفره
است هفتم جزائر است **قسم اوّل بلاد نیلیّه** است واز
جمله انها بلاد مصر استکه ازجهت شمال ببحر متوسّط وازشرق
ببحر احمر وازجنوب ببلاد نوبه وازغرب بصحراء کبیر وبلاد برقه
محدود است ومیانه ۲۳۴۰ و ۳۱۲۸ عرض شمالی و ۳۰
و ۳۴۳۶ طول شرقی واقعست پس معظم عرض انها ۴۶۸
میل ومعظم طول انها ۲۳۰ میل جغرافی است ومساحت انها
مقدار ۸۰۰۰۰ میل مربّع واهل انها مقدار ۲۰۰۰۰۰۰
نفس است امّا نهر نیل مخرجش بتحقیق معلوم نیست وچند نهر
ازبلاد حبش دران ریخته میشود واب ان قابل اشامیدن
نیست وانواع ماهی ونهنك بسیاری دران یافت میشود و
امّا هوای این اقلیم باختلاف فصول مختلف میگردد چنانچه
ازماه کانون تا اذار سرد وازماه اذار تا وقت فیضان نیل بسیار

کرم واحراض وبائیه وچشم درد بسیار حادث میشود ودر
ان جمیع انواع حبوب جوارش وبزرها یافت میشود وازجمله
اشجاران سیب وکلابی وشفتالو ولیمو وعناب ونارنج و
زردالو وانار وموز وتمر هندی وحناء وخیار شنبر و
خرما وغیر اینهاست ومواشی ان کماست ولکن شتر واستر
وخران بسیار خوبست وحیوانات برّیهٔ اش نیز قلیل است و
لکن کفتار واهو واسب ابی وشغال ونهنگ دران یافت می
شود وازطیور اهلیّه وبرّیه انواع بسیاری دران موجود
است وازجمله معادن ان رخام ویشم ونطرون ونمك ویاقوت
ولاجورد وغیر اینهاست واهل ان قبطی وعرب وترك است و
امّا شهرهای مصر واماکن مشهورهٔ اش ازجمله انها اسکندریّه
است که در زمان قدیم باعتبار تجارت وعلوم وفنون مشهور
ترین شهرهای عالم بوده ودران کتابخانه عظیمی بود که دراول
استیلاءِ مسلمین سوخته شد ودرانوقت قصبه بلاد
مصر بود واهالی ان ازاب چاههائیکه ازاب نیل پرمیکنند می
اشامند ودیگر شهر رشید است که میانهٔ ان واسکندریّه
مقدار ۴۰ میل ومیانهٔ ان ودریا مقدار ۴ میل است
ودر نزدیکی ان بوستانهای بسیاری است که درخت خرما
ولیمو وموز وحناء وغیر اینها درانها غرس شده واهلش
مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر دمیاط است و
اهل ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر منوف
است واهل ان مقدار ۵۰۰۰ نفس است واکثر انها بنا فتر

حصیر اشتغال دارند و از جمله قریه های این ناحیه برنبال و
رحمانیه و دمنهور و طرانه و وردان و غیر اینها ست اما شهر
قاهره قصبه این ولایت است و جوامع و مساجدان بسیار
است و مشهورترین جوامع ان جامع ازهر است که اکثر از
علوم موجوده در لغت عربیّه در انجا درس داده میشود و
دیگر شهر فیوم است و ان بلده ایست خصیب و اهلش مقدار
۵۹۰۰۰ نفس است و شیخ فیومی صاحب کتاب مشهور در
لغت عربیّه منسوب بانست و بعضی از اقمشه و کلاب و زیت
و شراب در ان ساخته میشود ولکن شرابش خوب نیست و
از برای ان ترعه از نیل است که انرا خلیج یوسف میکویند و در
نزدیکی ان برکه قارون است که طولش مقدار ۳۰ میل و
عرضش مقدار ۴ میل است اما صعید که انرا مصر عالیه می
کویند از جمله شهرهایش اسیوط است که شیخ جلال الدّین
اسیوطی صاحب مصنفات کثیره در جمیع فنون منسوب بان
است و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و مجمع قوافل
نوبه و بلاد سودان است و افیون نواحی ان خوب است و دیگر
از بلاد نیلیه بلاد نوبه و حبش است اما بلاد نوبه از
جهت شمال بمصر و از شرق ببحر احمر و از جنوب ببلاد حبش و
از غرب ببلاد سودان محدود و بعضی ذکر کرده اند که دیانت
علیسویه در سال هفتم داخل ان شد و اهالی ان از اصول
مختلفه و بهیئات متنوّعه اند و بلغات متفرقه که بعضی از انها بربریّه
و بعضی متفرّع از لغت عربیّه است تکلّم میکنند و اراضی ان

خورده خورده از حدود مصر بناحیه جنوب مرتفع میشود و
امّا هوای نوبه کرم و امراض مسریه در ان حادث نمیشود مکر
طاعون در بعض اوقات و ابتداء فصل باران در جهات جنوبیّه
در ماه حزیران است و در وادی نیل کرما شدت دارد و از
جمله حیوانات این جهات اسب و کاو و کوسفند و بز و شتر
و فیل و زرّافه و اهو و کفتار و اسب ابی است و از جمله طیور
انها کرکس و کلاغ و انواع طیور ابی است و از جمله اشجار و نباتات
انها ابنوس و کز و سنا و پنبه و تتن و تمر و انواع حبوبات
و بضاعت تجارت انها طلا و عاج و مشك و ابنوس و قهوه و
تمر و عسل و حبوب است و اما اهل نوبه مقدار ۱۵۰۰۰۰۰
نفس و مساحتش مقدار ۱۷۰۰۰۰ میل مربّع است امّا
شهرهای ان از جمله انها دنقله است و اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفس
است و دیکر سنّار است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است
و دیکر دنقله قدیم است که بالکلیّه خراب شده و دیکر دنقله
جدید است در جانب یسار نیل و اما بلاد حبش از جهت شمال
بسنّار و از شرق ببحر احمر و خلیج عدن و از جنوب باراضی مجهوله
که شعبه هائی از کوههای قمر در انها منشعب است و از غرب
ببلاد شلوك محدود و این مملکت در زمان قدیم صاحب
شوکت و اقتدار بوده و دین علیسوی در سال ۴ داخل ان
کردید و مقدار ۷۰ سال بلاد یمن را مالك شدند تا اینکه
سیف بن ذی یزن انها را بیرون کرد ولکن حال مملکت انها ضعیف
و بی اعتبار است و حکم انها از نوع ملکی مطلق است و کوههای

این بلاد بسیار است و از جمله انها سلسله ایست که بر
محاذات شط بحر احمر ممتد است و طول ان مقدار ۳۰ میل است
و از جمله نهرهای انها نیل ازرقاست که انرا بحر ازرق میکویند
و نیل ابیض در ۱۶ عرض شمالی بان میرسد و نهرهای بسیاری
از کوههای انها سراشیب میشود که مجال ذکر انها در این مختصر
نیست و این بلاد با وجود اینکه در منطقه حارّه واقعست
کرمای انها شدّت ندارد مکر در کنارههای بحر احمر و فصل باران
از ماه نیسان شروع میشود و خاک انها خوب و حبوب و میوهها
مثل انکور و لیمو و نارنج و غیر اینها بخوبی بثمر میرسد و از جمله
حیوانات انها اسب و کاو و کاومیش و کوسفند و فیل و شیر
و پلنک و کفتار و کرکدن و یوز و زرافه و نهنک و اسب ابی
است و طیور و دبابات انها مثل اکثر اقالیم استوائیه است
و معادن انها سوای نمک کم است و اهالی انها در هیئت بعرب
شباهت دارند و در لغتشان بسیاری از الفاظ عربیّه
استعمال میکنند و باعتبار اصل و دیانت باقسام مختلفه
منقسم اند و اما شهرهای این مملکت از جمله انها تیغری است
و اهلش مقدار ۸۰۰۰ نفر است و دیکر انتالو است که
پای تخت این مملکت است و اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است
و دیکر غندار است در ۱۲۳۵ عرض شمالی و ۳۲۷۳۳
طول شرقی و اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ خانه است و اما مملکت
عادل که انرا بلاد زیلع میکویند اهلش از جنس بربر و دین
انها اسلام و تجارتشان در بنده کان و طلا و نقره و عاج و

زیت و عسل و نوعی از فلفل است و اعظم شهرهای ان زیلع و
بربره است و این بلاد سابقًا تابع حبش بود و در سنه
۱۵۳۵ در تحت حمایت دولت عثمانیه داخل کردید و اما
مملکت اجان میانه عادل و زنکبار واقعست و اهلش بعضی
عرب و بعضی سودان است و اما مملکت دارفور میانه ۱۱ و
۱۶ عرض شمالی است و طولش مقدار ۳۴۵ میل و عرضش
مقدار ۲۳۰ میل است و از اب باران سیراب میشود و
بیشتر اعتناء اهالی ان بفلاحت و زراعت است و بواسطه
قوافل با مصر تجارت میکنند و بضاعت تجارت انها بنده کان
و عاج و پوست کرکدن و اسب ابی است و دین غالب در انجا
اسلام است و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است و قصبه
ان شهر قنّه است در ۱۴۱۱ عرض شمالی و ۲۶۸ طول
شرقی و اهل ان مقدار ۶۰۰۰ نفر است **قسم دوّیم**
بلاد مغرب است و ان از جهت شمال با وقیانوس اتلنتیک
و بوغاز کوه طارق و بحر متوسط و از شرق ببلاد مصر و بحر متوسط
و از جنوب بصحراء کبیر و از غرب با وقیانوس محدود و معظم طول
ان از شرق بغرب مقدار ۲۶۰۰ میل و عرضش در بعضی از
جایها ۵۵۶ میل و در بعض دیکر ۱۴۰ میل است و در زمان
قدیم ببلاد بربر نامیده میشده و بهفت قسم منقسم است
برقه و فزّان و تونس و طرابلس و جزائر و مراکش و فاس اما
برقه از جمله شهرهای ان برقه و ابن غازی و درنادنی است
و اما بلاد طرابلس حاصلهای انها بسیار و اسب و مواشی انها

خوب و درخت خرما در ان بمقدار صد قدم نمو میکند و ثمرش مشهور است و در انجا درخت سدر بسیار است و در کناره های دریا طلا یافت میشود و با مالطه و بلاد یونان و جزائر انها تجارت بسیاری دارد و بواسطه قوافل با فزان و غدامس و بلاد صحراء تجارت میکنند و بانجا اقمشه و اسلحه میفرستند و بعوض بنده کان و عاج و طلا و غیر اینها میاورند و از جمله شهرهای ان طرابلس است و اهل ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر لبیدا است که حال قابل ذکر نیست و دیگر شهر مسوراتا است و اهل ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است و اما بلاد فزان از جهت شمال بطرابلس و از شرق بوادی برقه و از جنوب و غرب بصحراء کبیر محدود و معظم عرض ان از شمال بجنوب مقدار ۲۵۵ میل و معظم طولش از شرق بغرب مقدار ۲۰۰ میل است و در شمالی ان سر سلسله کوه است که انها را جبال سود میگویند و علو انها بمقدار ۱۵۰۰ قدم میرسد و طولشان از شمال بجنوب مقدار ۱۰۰ میل است و اما هواء فزان گرم و باران در ان کم میبارد و بیشتر اعتماد اهالی ان بدرخت خرما ست و لیمو و انار و انجیر نیز یافت میشود و از جمله حیوانات اهو و پلنک و کفتار است و اهالی این بلاد بنا بر قول بعضی ۷۵۰۰۰ نفس و بحسب انچه دیگران گفته اند مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای انها سقنا است و اهل ان مقدار ۲۰۰۰ نفس است و در نزدیکی ان مقدار ۲۰۰۰۰۰ درخت خرما ست که خرمای انها را در

بازار طرابلس میفروشند اما بلاد تونس از شمال ببحر متوسط و از شرق ببحر مذکور و طرابلس و از جنوب ببلاد بعض قبائل متبدیه و از غرب ببلاد جزائر محدود و مساحت انها مقدار ۷۰۰۰۰ میل مربع است و از جمله حاصلهای انها حبوب و انواع میوه ها و صابون و پشم و اسفنج است و حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است و در زمان سابق تابع مملکت عثمانیه بوده و الان بنفسه مستقل است و از جمله شهرهای ان تونس است و اهل ان مقدار ۱۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر قیروان است که در صدر اسلام بنا شده و در نزدیکی ان شهر رقاده است که اول خلفاء فاطمیین که معروف بمهدی بود در ان اقامت داشت و دیگر شهر صفاقس است و اهل ان مقدار ۶۰۰۰ نفس است اما بلاد جزائر از جهت شمال ببحر متوسط و از شرق بتونس و از جنوب بصحراء کبیر و از غرب بمراکش محدود و میانه ۸،۳۰ طول شرقی و ۱،۳۰ طول غربی واقع و طولش مقدار ۵۶۰ میل و عرضش میانه ۴۰ و ۱۰۰ میل است و سابقا تابع مملکت عثمانیه بوده و پس ازان در سنه ۱۵۸۵ استقلال یافت و بعد اکثر انها در تحت حکومت فرنساویه داخل گردید و در انها چند نهر است که از کوههای اطلس بیرون میاید و در بحر متوسط ریخته می شود و اعظم انها نهر سلف است و اما هوای این بلاد خوب و جمیع حاصلهای اقالیم حاره در انها یافت میشود و اهل انها بمقدار ۲۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد و از جمله شهرهای انها

مستغانم و قسطنطینیه و تلمسان است و اما بلاد مراکش
از جهت شمال باوقیانوس اتلانتیک و بوغاز کوه طارق و بحر
متوسط و از شرق بمقاطعه تلمسان و از جنوب بصحراء کبیر و
از غرب نیز باوقیانوس محدود و مساحت انها مقدار ۲۴
۳۰۸۵ میل مربع است و بچهار قسم تقسیم میشوند اول
فاس در جهت شمال دویم مراکش در جهات متوسطه سیم
سوس در جهت جنوب چهارم طفیله در جنوب شرقی و
کوههای انها از شعبه های جبال اطلس است و از جمله انها
کوه درن و غماره و مدیونه و لیسرو نشرلیشرا ست و از جمله
نهرهای انها نهر سوس و ملویه و قلفل است و اما هوای این
بلاد خوب و معتدل و لطیف و خاک انها مرغوب و حاصلهای انها
مثل دیار مصر و سایر بلاد مغربست و از جمله مصنوعات انها
اقمشه حریر و صوف و فرش است و اهالی انها مقدار ۰۰
۸۵۰۰ نفس است و از جمله شهرهای انها مراکش است که
بعضی گفته اند که یوسف بن تاشفین انرا بنا کرده و دیگر شهر
مغادور است و ان بندر عظیمی است که در سنه ۱۷۶۰
بنا شده و دیگر شهر فاس است و اهل ان مقدار ۳۰۰۰۰
نفس است و دیگر مکناسه و طنجه است که مقر قونسولهای
دول خارجه است اما مقاطعه طفیله قصبه ان شهر طفیله
است که بمسافت ۲۰ مرحله از مراکش واقعست و اما بلاد
صحراء از جهت شمال ببلاد مغرب و از شرق بمصر و نوبه و از
جنوب ببلاد سودان و از غرب باوقیانوس اتلانتیک محدود

ودران شیر و پلنگ و افعی بسیار است و اهالی ان قبائل
متوحشه است و اما اجزاء شرقیه و وسطی از این قاره چنانچه
باید و شاید معلوم نیست و از جمله انها زنگبار است که فیما
۳ عرض شمالی و ۱۰ عرض جنوبی واقعست و دیگر مکزنکاست
که انرا منومتبا نیز میگویند و اهلش سودان است و از جمله
بندرهای ان صوفال است و دیگر موزمبیق است در عرض
جنوبی ۱۵ ۲ وطول شرقی ۴۰ ۴۰ و اکثر تجارت ان در کنیز و
غلام است و دیگر ملکوا است که طلا و عاج دران یافت
میشود و در داخل این بلاد اکثر حاصلهای اقالیم حاره و حیوانات
انها یافت میشود و اهالی انها مردمانی وحشی و جاهل است و
اما افریقای وسطی که عبارت از بلاد سودان است از جهت شمال
بصحراء کبیر و از غرب بسنیکمبیه و کینیه محدود و بقیه حدود
ان غیر معروف است و در منطقه حاره در دو جانب خط استوا
واقعست پس هوا و حاصل و حیوانات ان مثل سایر اقالیم استوائیه
است و جانب بزرگی از ان غیر معلوم است چه که هیچ کس از اهل
سیاحت داخل ان نشده و اما اجزائیکه داخل ان شده اند به
چند ولایت و مملکت تقسیم میشود که از جمله انها بغرمی و
برغو و برنو است و ان مملکتی است صاحب شوکت و اقتدار
و اهالی ان مسلمان و بحیرهٔ شاد در ۱۳ ۲۰ عرض شمالی دران
واقعست و طول این بحیره مقدار ۲۰۰ میل و عرضش مقدار
۱۵۰ میل است و اما اهالی ان مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس
است و بلغت عربیه تکلم میکنند و با مصر و مغرب و نوبه

در طلا و عاج و اسب و کنیز و غلام و نمک و غیر اینها تجارت می
کنند و از جمله اقسام این نواحی بلاد مندره ست در جنوبی برنو
و پای تخت ان در مکانی است که انرا موره میکویند و بمسافت
۱۸۰ میل از کوکا واقعست و در ناحیه غربیّه برنو قومی
وحشی و جاهل ساکن انست که پرستش و نیایش بت میکنند
و در غربی بلاد انها بلاد فلاّته است که جمیع حبوب و انواع
میوه های اقالیم استوائیه در انها یافت میشود و اهالی انها
مسلمان و نمازشان را بلغت عربیّه میخوانند بدون اینکه
معانی انرا ملتفت باشند و بوضو اعتنائی ندارند مکر در هر
روز بوقت صبح یکمرتبه وضو میسازند و بسیاری از بلاد
مجاوره انها خاضع و خاشع و مقهور و جزیه بانها میدهند
اما بلاد کانو حضیب و اهلش بسیار و قصبه انها شهر کانو است
در ۱۱ ۳۴ عرض شمالی و ۹ ۱۲ طول شرقی و اهلش مقدار
۳۰۰۰۰ نفس است و بیشتر انها بنده اند و این شهر در
این نواحی برنک کردن قماش مشهور و معروف است و اما
شهر سکاتو قصبه بلاد فلاّته است و طولش ۱۲ ۴ شرقی
و عرضش ۱۳ ۴ ۵ ۲ شمالی است اما شهر تمبکتو از بلاد
سودان محسوب و بسیاری از اهل بلاد مغرب بواسطه عمل
تجارت در ان ساکنند ولکن غالبًا پس از انکه متموّل و صاحب مایه
میشوند ببلاد خود معاودت میکنند و لغت عربیّه در انجا شایع
و ذائع است ولکن لغت اهالی اصلیه ان نیست و این شهر به
شکل مثلّث غیر قیاسی بنا شده و محیط ان مقدار ۳ میل است

وخانه هایش از خشت خام است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰
نفس است و اراضی اطراف ان قابل زراعت نیست بلکه
لوازم معیشت خود را از اماکن بعیده میاورند اما مملکت
بُرغو در جنوب شرقی تمبکتو است و طولش مقدار ۳۰ مرحله
و عرضش مقدار ۱۱ مرحله است و بچهار قسم تقسیم میشود
اول بُصّه و از جمله شهرهای ان بُصّه است در ۱۰ ۱۴
عرض شمالی و ۱۱ ۴ طول شرقی و اهالی ان با دهاتش مقدار
۱۲۰۰۰ نفس است دوّیم کیاما و از جمله شهرهای ان کیاما است
در ۹ ۳ ۷ ۳ ۳ عرض شمالی و ۴ ۵ ۳ ۲ ۵ طول شرقی
و اهالی ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است سیّم و اما در ۴ ۵
۹ ۵ ۳ عرض شمالی و ۴ ۵ ۵ طول شرقی و اهالی ان مقدار
۱۸۰۰۰ نفس است چهارم نیکی و اهالی این مملکت جمیعًا
پرستش و ستایش بت میکنند و اما مملکت یوربا در جنوب
بُرغو واقعست و اهلش نوعی از سودان و صاحب سلامت
و دیانت بت پرستی است و حکمران از نوع ملکی مطلق است
و از جمله شهرهای ان کاتونکا است در ۸ ۵ ۹ عرض شمالی و
۱۲ ۴ طول شرقی و اما مملکت بمباره در جنوب غربی تمبکتو است
و طولش مقدار ۱۵۰ فرسخ و عرضش مقدار ۱۰۰ فرسخ
است و نهر جلیبا انرا خرق میکند و اکثر اهالی ان سودان
و جماعتی از اهل بلاد مغرب نیز در میانه انها ساکن و از جمله
شهرهای ان سیکو است و اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفس
است و اما افریقای غربی بولایات متفرقه تقسیم میشود که

از جمله انها سنیکمبیه است که بواسطه گذشتن نهر سنیکال و نهر کمبیه در ان باین اسم نامیده شده و حدودان از جهت شمال صحراء کبیر و از شرق بلاد سودان و از جنوب کینیه علیا و از غرب اوقیانوس اتلانتیک است و ان نیز بچند قسم تقسیم میشود که جمیع انها در میانه ۹ و ۱۸ عرض شمالی واقعست و اکثر اراضی انها پست و جنگل و بیشه انها بسیار و درخت خرما و نارجیل و تمر هندی و موز و انجیر و لیمو و پرتقال انها زیاد و مار و دبابات موذیه و حیوانات و طیور مألوفه انها بسیار و هوای انها گرم و باران از ماه حزیران تا تشرین دویم میبارد و در تمام سال نم و رطوبت باقی است و از جمله نهرهای این ولایت سنیکال و کمبیه است که ذکر شد و چند نهر دیگر در انها ریخته میشود و اما اهالی این بلاد بعضی از جنس سودان و برخی مسلمان و بعضی بت پرست و عدد انها بمقدار ۰۰ ۰۰۰۰ ۱ نفس میرسد و انها قبائل و طوائف بسیاری هستند که بعضی با بعض دیگر محاربه و منازعه میکنند و نهب و غارت و اسیری میانه انها بسیار اتفاق میافتد و از جمله اقسام افریقای غربی کینیه است و ان اجزائیست که میانه ۶ و ۱ عرض جنوبی و مقدار ۱۰ عرض شمالی واقعست و اراضی ان خوب و حاصل و حیواناتش مثل سایر اقالیم استوائیه است و اهالی ان سودان و عدد انها مقدار ۷۰۰۰۰۰۰ نفس است و این بلاد بدو قسم تقسیم میشود کینیه علیا و کینیه سفلی اما علیا از جهت شمال بسنیکمبیه و بلاد سودان و از

شرق باجزاء مجهوله و از جنوب شرقی بکینیه سفلی و از جنوب و غرب ببحر محیط محدود و چند نهر انرا اغرق میکند که از جمله انها نهر روکل و نهر شربر و نهر مسورادو و غیر اینهاست و مشهورترین اقسام این نواحی مملکت بنین و مملکت دهومی و مملکت اشنتی است و ان قوی ترین ممالک سودان است و اهلش به مذهب فلتشیه اند و از جمله شهرهای ان کوماسی است که در ۰ ۵ ۴ ۳ و عرض شمالی واقعست و اهلش مقدار ۱۸۰۰۰ نفس است و اما حدود کینیه سفلی از شرق و جنوب مجهول و از شمال کینیه علیا و از غرب اوقیانوس اتلانتیک است و بچند مملکت کوچک تقسیم میشود که مشهورترین انها کونکو و انکولا و بنکویلا و لوانکو است و حاصل و حیوانات این بلاد مثل سایر اقالیم حاره است و اما افریقای جنوبی به بلاد رأس و بلاد هوتنتوت و بلاد کفره تقسیم میشود و سه سلسله کوه این بلاد را اغرق میکند و خاک وادیها و بیابانهائی که میانه این کوهها است خوب و نهرهای انها بسیار و بعضی از بیابانهای انها خالی از اب است و از جمله نهرهای این جهات نهر جبل و نهر فیل و نهر عریض و نهر سمک است و هوای انها خوب و موافق صحت امزجه است و اما حیوانات بلاد رأس مثل سایر اقسام افریقا است و حاصلهای انها حبوب و کتان است و اما قهوه و شکر کم است و از جمله معدنهای انها طلا و قلع و اهن و نمک بارود است و درخت انکور انها پربار و انواع شرابهای خوب از انها میسازند و درخت توت نیز یافت می

شود و الان بتربیت کرم ابریشم شروع کرده اند و اهالی این بلاد
که خاضع و خاشع دولت انکریزند مقدار ۱۴۰۰۰۰ نفس
است و اما هوتنتوت اهالی اصلیه انند و الان در نواحی بلاد
رأس کمتر یافت میشوند و بحالت جهالت و نادانی اند و در
انجا طائفه دیگری است که انها را بُصمان میکویند و ایشان
مردمانی زشت صورت و کریه المنظر و بدخو هستند که
جامه های انها از پوست کوسفند و بز است و اکثر اعتمادشان
بسرقت و دزدی و نهب و غارت است و از جمله شهرهای مشهور
این بلاد شهر راس است و اهالی ان از اهل هولند و انکلند و
سودان و هوتنتوت مخلوط و ممزوج است و عدد انها مقدار
۲۰۰۰۰ نفس است و این شهر محط کشتیهائی است که میانه
اوروپا و هند جاری میشود و اما بلاد کفره از جهت شمال
میانه نهر هبیق و از جنوب میانه بلاد راس واقعست و اهالی
انها در بعضی از صفات بسودانی شباهت دارند مثل پیچیدگی
مو و ضخامت لب و طویل القامه و سیاه رنک و کم حرکت و اکثر
اعتماد انها بکاو است و دین معلومی ندارند و از امور دینیه
سوای ختنه در میانه انها چیزی نیست و اما هوای این نواحی
در کناره های دریا بد و در کوههای داخله که چند نهر از انها
جاری میکردد و در اوقیانوس ریخته میشود خوب است
و در بیابانهای انها انواعی از جنس کرک و فیل و حیوانی بصورت
اسب که دو شاخ دارد یافت میشود و اهالی این اقطار بقبائل
بسیاری که حاجتی بذکر انها نیست تقسیم میشوند و اما جزائر

افریقا از جمله انها مُدیرا است که در ۳۲۳۸ عرض شمالی و
۱۴۵۴ طول غربی واقعست و هوای ان خوب و شرابش معروف
و مشهور است و دیگر جزیره پرتوسانتو است که در عرض
شمالی ۳۲۵۸ و طول غربی ۱۴۲۵ واقعست و این دو
جزیره از املاک پرتوکال است و دیگر جزائر خالدات است
و ان هفت جزیره اصلیه است که مقدار ۲۰۳۰۰ نفس
در ان ساکن است و در اطراف ان چند جزیره کوچک است و
جمیع انها تابع اسپانیا است و دیگر جزیره تنریف است که
کوه تنریف که ارتفاعش مقدار ۱۲۰۰۰ قدم است در ان
ممتد است و دیگر جزائر راس اخضر است که اصلش ده جزیره
است و اعظم انها جزیره سان یاکو است که در ۱۴۵۴ عرض
شمالی و ۲۳۲۹ طول غربی واقعست و این جزائر خوب و هوای
انها لطیف و حاصلهای ایشان بسیار و خاک انها نیکو و تابع
مملکت پرتوکال است و در خلیج گینیه چند جزیره است که از
جمله انها جزیره ماری توما است که طرف جنوبی ان در ۱۰ عرض شمالی
و ۸ طول شرقی واقعست و خاکش خوب و هوایش بد است و
دیگر جزیره پرینس است که در ۳۴ عرض شمالی و ۶۴۰
طول شرقی واقعست و این دو جزیره تابع مملکت پرتوکال است
و دیگر جزیره فرناندو پو است که محاذی مملکت اپنین در
۳۲۸ عرض شمالی و ۸۳۰ طول شرقی واقعست و این
جزیره خوب و جمیع حاصلهای اقالیم استوائیه در ان یافت
میشود و دیگر جزیره اسنشن است که در ۷۵۷ عرض

جنوبی و ۱۳۵۹ طول غربی واقعست ومحطّ کشتیهائی است که میانه اوروپا و هند جاری میشود و دیگر جزیره سنت هیلانه استکه در ۱۵۵۵ عرض جنوبی و ۵۴۹ طول غربی است و محیط ان مقدار ۲۸ میل است ومیانه راس رجاء صالح و شطوط برازیل سه سلسله جزیره غیر مسکونه است که اعظم انها ترستان اکونهاست که محیطش مقدار ۱۲ میل و خنزیر برّی و بز کوهی و بسیاری از پرنده کان دریائی در ان یافت میشود اما جزیره مدکاسکر میانه ۱۲ و ۲۵ عرض جنوبی و ۴۴ و ۵۱ طول شرقی واقعست و طولش مقدار ۸۴۰ میل جغرافیا و معدّل عرضش مقدار ۲۲۰ میل است و دران سلسله کوهها ئیست که از شمال بجنوب ممتد است و نهرهای بسیاری از انها سرازیر میشود و از جمله حاصلهای ان نیشکر و نارجیل و موز و تتن و فلفل و کهربا و کتان و بعضی از عقاقیر است و اسب و فیل و شیر و پلنگ دران یافت نمیشود و لکن گاو و گاومیش و گوسفندان بسیار و حکمش از نوع ملکی مطلق است و اکثر اهل ان پرستش بت میکنند و عدد انها مقدار ۴۵۰۰۰۰۰ نفر است و کتابت انها بحروف عربی است و در خلیجیکه میانه این جزیره و برّ افریقاست چند جزیره کوچک واقعست که اعظم انها جزیره کوموراس و جزیره هنکوان است و در این جزائر جمیع حاصلهای اقالیم حارّه موجود است و در شرقی جزیره مدکاسکر جزیره بربون استکه در ۲۰۵۴۳ عرض جنوبی

و ۵۵۲۰۱۵ طول شرقی واقعست وان تابع مملکت فرانسا ست وهوایش بغایت خوب است و دیگر جزیره موریتیوس است که درعرض جنوبی ۲۰۹ ۳/۴ وطول شرقی ۷۲۹ ۱/۴ ۵ واقعست ومحیطش مقدار ۱۳۵ میل وهوایش خوب وتابع انکلند است ودر اطراف ان چند جزیره کوچک است که تابع انست

فصل نوزدهم

در قارّه امریکا و ان قسم پنجم از اقسام دنیاست واز جهت شرق باوقیانوس اتلانتیک واز غرب باوقیانوس محیط محدود وطرف جنوبی ان که راس هورن است درعرض جنوبی ۵۵۵۸۳۰ وطرف شمالی ان تقریبا درعرض ۷۵ واقعست پس طولش از شمال بجنوب کمتر از ۹۰۰۰ میل نخواهد بود وعرضش از شرق بغرب میانه ۱۵۰۰ میل و ۱۸۰۰ میل است ومساحتش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰ میل مربع است ونهرهای ان اعظم نهرهای عالم است وچونکه این قارّه از قطب شمالی تا مقدار ۵۶ عرض جنوبی ممتد است ناچار هوا واقالیم ان بحسب وقوعش در منطقه حارّه یا بارده مختلف است وحاصلهای اقالیم مختلفه دران موجود وحیواناتش مثل سایر قارات است مگر فیل وشیر وپلنگ وشتر وزرافه وکرکدن واسب اهلی که دران یافت نمیشود ولکن مقدار ۸۰ صنف از حیوانات دران موجود است که در سایر قارات یافت نمیشود واز جمله معادن ان طلا ونقره وزیبق ومس واهن وانتیمون و کبریت ونمک طعام ونمک بارود وقلع وسنگ مقناطیس

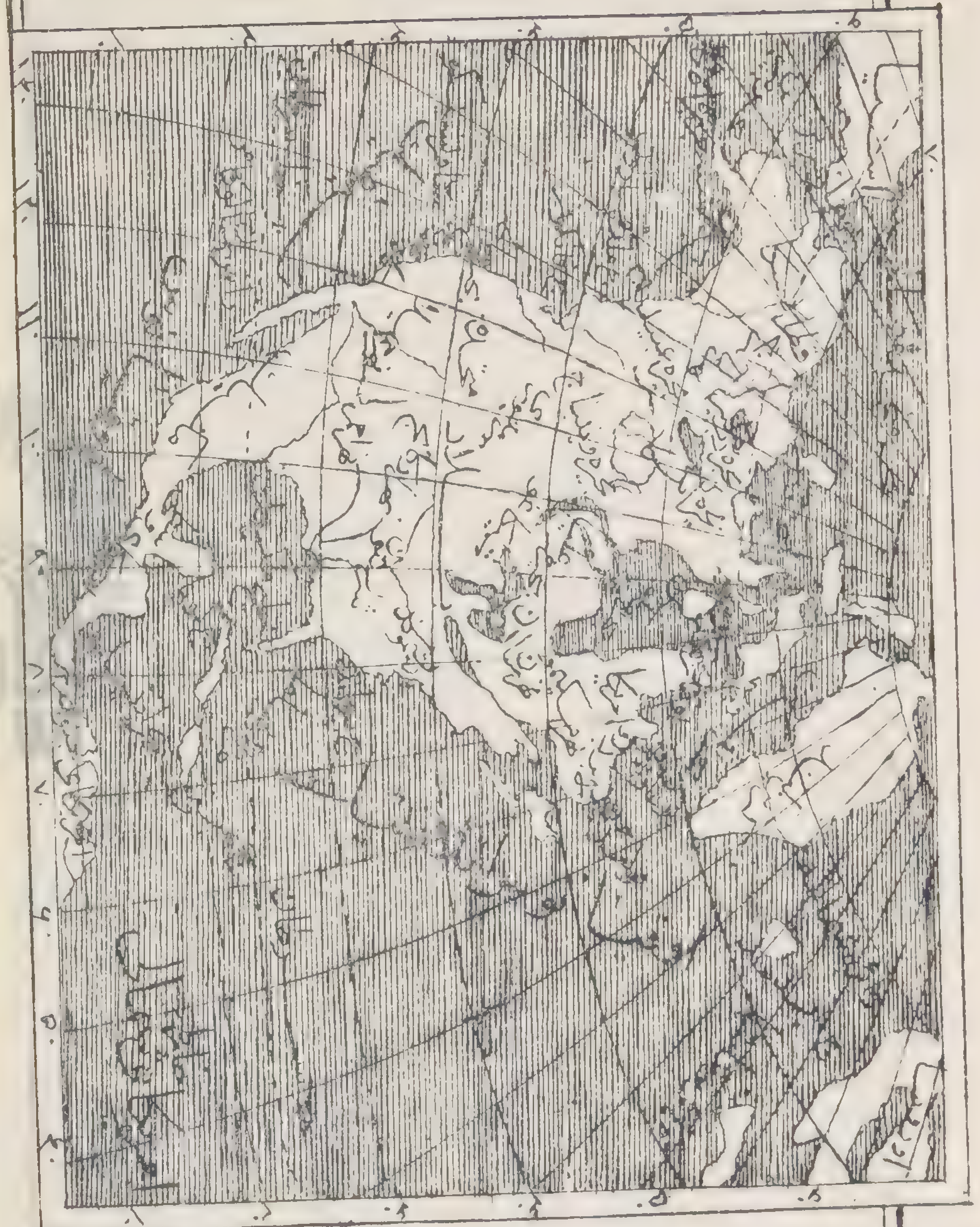

وانواع رخام وازسنکهای نفیسه الماس و زمرّد ولؤلؤ وغیر اینهاست واهلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد که بعضی ازانها اهالی اصلیه وبعض دیکراز نسل اهل اوروپا هستند که بعد از استکشاف این قارّه درانجا متوطن شدند واما زمین اینقارّه وسیع وخیز و برکتش بسیار بقسمیکه هرکاه ۵۰۰ ملیون نفس باهالی ان اضافه شود تمام بکمال وسعت ورفاهیّت معیشت خود میکذرانند وهیچ تنکی و سختی پیدا نمیشود واین قارّه پیش اهل اوروپا معروف نبود تا اینکه مِستِر کرستوفر کلمبوس سنه ۱۴۹۲ انرا کشف کرد ودرانوقت قبائل متوحّشه بسیاری درانجا ساکن بود که شباهت بطائفه هُنُود داشتند وبعدازانکه مستر کلمبوس باسپانیا مراجعت کرد واخبار کشف کردن انرا داد مِستِر امریکوس فسبوسیوس بان جهت مسافرت کرد و شطوط جنوبیّه انرا کشف کرد پس هردو باسم او نامیده شد وحال اینکه حق ان این بود که کلمبیه باسم کلمبوس نامیده شود واین قارّه بدو قسم تقسیم میشود شمالی وجنوبی اما امریکای شمالی باعتبار دول واحکام وبعضی ازان باعتبار موقع ومحل بچند قسم تقسیم میشود اوّل املاک روسیا در امریکا قبل ازین ذکر شد که مسکوف در اثناءِ سنه ۱۶۴۰ سیبیر یارا فتح کرد و باین واسطه تجارات خوبی رویهمرفته وبعض چیزها پیدا کرد وهم چنین بجهت شرق پیش امد تا اینکه بوغاز بیرین را قطع کرد وجزائر کوریله و

ألوتیان و شطوط امریکا را مالک شد و این املاک در مقدار ۱۴۱ طول غربی از بحر شمالی تا کوه مارالیاس است و این بلاد سرد و کوههای انها خالی از برف نمیمانند و در بیابانهائی که میانه کوهها و دریاست بعضی از کیاهها میروید و جنکلهای بسیار در انها واقعست دوّیم بلاد کرینلند است یعنی بلاد خضراء چه که لَنْد در لغت انکلیسیّه بمعنی بلد و زمین و کرین بکاف فارسی بمعنی سبز استعمال میشود اما طرف جنوبی این بلاد در ۳۰ ۵۹ عرض شمالی و شط شرقی انها بجهت شمال شرقی تا محاذی جزیره سبتسبرکن ممتد و شط غربی انها بجهت شمال غربی ممتد و بوغاز دافیس و بوغاز بافین محدود و اما جهات شمالیه انها معلوم نیست و اهالی اصلیه انها از طائفه اسکیمو است و ایشان مردمانی کوتاه قامت و پرطاقت و کلاه انها مانند کلاه رهبانان و در زمستان در خانه های کوچکی که از سنک میسازند و سقف انها را از کیاه و علف میپوشند بسر میبرند و طعام انها از کوشت کوساله دریائی است که صید میکنند و دین انها بت پرستی است و اما تجارت این بلاد در دست مملکت دینمارک است که الات اهن و انواع اقمشه و اسلحه بانجا میفرستند و در عوض پرطیور و شاخ اسب دریائی و پوست کوساله دریائی و پوست روباه و خنزیر و خرس و یوز و امثال اینها میکیرند و در این بلاد سلسله کوههائی است که ارتفاع بعضی از انها بمقدار ۳۰۰۰ قدم میرسد و نهری

که قابل ذکر باشد در انها نیست و لکن چشمه های انها بسیار و از جمله انها چشمه کرمی است که درجه حرارتش بمقدار ۱۰۴ میرسد و اما هوای این بلاد سرد و در زمستان دریا تا مسافت بعیده منجمد میشود و روشنی شفق در این بلاد بیشتر از اقالیم معتدله و استوائیه است و در دریاهای انها نوعی از ماهی یافت میشود که روغن انرا بجهت چراغ میکیرند و برای سوزانیدن بسیار خوب است و طول این ماهیها کاهی بمقدار ۶۰ قدم میرسد و در انها اسب ابی و کوساله دریائی و خرس سفید یافت میشود و در شطوط کرینلند بسیاری از جزائر غیر مسکونه است که پرنده کان دریائی انها بیشمار است و بواسطه پرشان انها را صید میکنند و پر انها نرم تر از پر طیور اقالیم استوائیه است سیّم املاک انکلیس در امریکا و ان اراضی ایستکه میانه ۵۰ ۴۲ و ۷۰ عرض شمالی و ۵۵ و ۱۴۰ طول غربی واقعست و از جهت شمال بحر ثلج شمالی و از شرق بخلیج بافین و بوغاز دافیس و اوقیانوس اتلانتیک و از جنوب با وقیانوس مذکور و بلاد متحده و از غرب باوقیانوس محیط و املاک مسکوب محدود و بچهار قسم تقسیم میشود اول برتانیه جدیده دوّیم کناده سیّم اسکاتلند جدید چهارم فانلند جدید و جزائر برموداس اما برتانیه جدیده اراضی ایستکه در شمالی ۵۰ عرض شمالی واقعست و خلیج هدسون که طولش مقدار ۱۰۰۰ میل و معظم عرضش مقدار ۶۰۰ میل است میانه ۵۲

و ۶۷ عرض شمالی در انها واقعست و بواسطه بوغاز هدسون با اوقیانوس متصل است و مدخل ان نزد مدخل بوغاز دافیس است و در این بلاد چند بحیره است که از جمله انها بحیره وینیپک است میانه ۵۱ و ۵۴ عرض شمالی و ۹۶ و ۹۹ طول غربی و چند نهر از غرب در ان ریخته می شود و چند نهر از ان بخلیج هدسون بیرون میرود و در نزدیکی ان جنگلهای وسیعی است که چوبهای انها از برای بنا خوب است و از جمله انها درختی است که در امریکا بسیار است و در ایام بهار سوراخ میشود و اب شیرینی از ان بیرون میاید که هرگاه انرا بجوشانند شیره خوش طعمی میشود و اگر زیاده بجوشانند شکر میگردد و دیگر بحیره غیاض است که از هر یکه طولش مقدار ۸۰ میل است پیدا شده و دیگر بحیرهٔ عبید است که میانه ۸ ۳۰ ۶ عرض شمالی و ۱۱۰ و ۱۱۹ طول غربی واقعست و طولش مقدار ۲۷۰ میل و محیطش مقدار ۱۰۰۰ میل و چند نهر داخل ان میگردد و نهر مکنزی که در ۷۰ عرض شمالی در بحر شمالی ریخته می شود از ان خارج میگردد و چند نهر در خلیج هدسون ریخته میشود که از جمله انها نهر چرشل و نهر نلسون و نهر سفرن و نهر البنی و نهر موس و نهر مین و غیر اینهاست و بدان که سلسله کوههائیکه امریکا را از شمال بجنوب خرق میکنند اول انها در نزدیکی حدود املاک مسکوب نزد بحر شمالی است و از انجا بجنوب غربی ممتد است و ارتفاع بعضی از انها

در این بلاد مقدار ۱۴۰۰۰ قدم است اما هوای این بلاد جهات شمالیّه انها سرد و جهات جنوبیّه اعتدالش بیشتر و هوای جوار خلیج هدسون تر و زمینی که قابل کشت و زرع باشد در این بلاد کم است و در انها معدن اهن و قلع و رخام و زغال معدنی یافت میشود و از جمله حیوانات انها کاومیش برّی و کرک و روباه و گربه برّی و خرکوش و سنجاب است و در ابهای انها انواع بسیاری از ماهی یافت میشود و اهالی انها از طائفه اسکیمو و قبائل دیگری از هنود متوحّشه است که بطوائف کثیره که لغات انها مختلف است تقسیم می شوند و اما بلاد کناده میانه ۴۲ ۳۰ و ۵۰ عرض شمالی و میانه ۶۴ و ۹۷ طول غربی واقع و از جهت شمال برتانیه جدیده و از شرق بخلیج مارلارنس و برنسویک جدید و از جنوب ببلاد متحده و جزئی از نهر مارلارنس و بحیره انتاریو و بحیره اری و بحیره هورون و بحیره علیا و از غرب ببحیره هورون و بحیره علیا و برتانیه جدیده محدود و بدو قسم تقسیم می شود کناده علیا در جهت غرب و کناده سفلی در جهت شمال شرقی و حدّ میانه انها نهر اتاوا است که در نهر مارلارنس ریخته میشود و حدّ میانه کناده علیا و بلاد متحده چند بحیرهٔ بزرک است که از جمله انها بحیره علیاست که طولش مقدار ۴۰۰ میل و معظم عرضش مقدار ۱۰۰ میل و محیطش مقدار ۱۲۰۰ میل است و ابش خوشگوار و ماهیش بسیار و در فصل تابستان که روی ان کرم میشود قعرش سرد

است ودران چند جزیره است که طول یکی از انها بمقدار
۱۰۰ میل وعرضش مقدار ۴۰ میل است وزیاده از
۴۰ نهر دران ریخته میشود وطلاطم این بحیره سخت است
واما هوای این بلاد اجمالاً سرد ومقوّی بدن واراضی کنارهٔ
علیا قابل انواع زراعت است ولکن کنارهٔ علیا ازاین حیثیت
مثل ان نیست ودر انها ازحیوانات گاومیش برّی وخرس
وگرگ وامثال اینها یافت میشود وازجمله معادن انها
اهن ومس وقلع وزغال سنگ است واهالی انها مقدار
۱۱۰۰۰۰۰ نفر است وجمیع انها در تحت حکومت انگلیز
است وازجمله شهرهای کنارهٔ سفلی کِوِبِك است واهل
ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است ودیگر منتریال است و
اهل ان بمقدار ۳۰۰۰۰ نفس میرسد وازجمله شهرهای
کنارهٔ علیا کیلنستون است که محل تجارت این جهاتست
ودیگر تورونتو وکوینستن است واما اسکاتلند جدید
ازجهت شمال بنهر مارلارنس وازشرق بخلیج مارلارنس و
ازجنوب باوقیانوس اتلانتیك وخلیج فوندی وازغرب
نیز بخلیج فوندی وبلاد متحده محدود وازجمله شهرهای
ان هلیفاکس وشهر ماریوحنا است وجزیره بریتون و
ادورد درخلیج مارلارنس وجزیره سابل تابع ان است
واما فانلند جدید جزیره ایست درخلیج مارلارنس که
میانه ۴۶ ه ۵۰ و ۵۱ ه ۳۰ عرض شمالی ومیانهٔ ۵۳ ه ۳۰
و ۵۸ ه ۲۰ طول غربی واقعست وطول این جزیره مقدار

۳۸۰ میل وعرضش از ۴۰ تا ۷۸۲ میل مختلف است
ومحیط ان مقدار ۹۰۰ میل است وهرسال مقدار زیادی
ماهی خشک ازانجا بافاق میرود ودرغربی فانلند جدید
جزیره انتیکوسی است که طولش مقدار ۹۰ میل وعرضش
۲۰ میل است وجزائر برموداس که درعرض شمالی ۳۱ ۱/۲
وطول غربی ۶۵ واقعست تابع اسکاتلند جدید است
واکثر لوازم این جزائر از بلاد متحده میاید واهالی انها ازاب
چاه میاشامند چهارم بلاد متحده است وان چند
قسم مستقل است که هریك بنفسه صاحب احکام وشرائعی
است ولکن جمیع در تحت یك حکم عمومی که ملاحظه
امور متعلقه باقسام مذکوره عموماً دران کرده میشود
متحدند وحدود این املاك ازجهت شمال املاك انگریز
وبحیراتیکه ذکر شد ونهر مارلارنس است وازشرق اوقیانوس
اتلانتیك وخلیج مکسیکو وازجنوب مکسیکو وخلیج
ان وخلیج کلیفورنیا وازغرب مکسیکو واوقیانوس محیط
ومساحت انها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰ میل مربع واهل
انها مقدار ۲۳۵۰۰۰۰۰ نفس است وکیفیت اتحاد
این بلاد اجمالاً اینست که درسنه ۱۶۰۷ مسیحیه
وپس ازان بسیاری ازاهالی اوروپا بخصوص ازاملاك
انگلیس ببعض اماکن بلاد متحده رحلت کردند وبعد ازان
که جمعیت انها زیاده گردید واملاك وسیعه ازهنود
بجنگ وجزیه گرفتند وبلاد انها معمور واباد شد ولت

انکلیس عمّال خودرا میفرستاد وجور و تعدّی بانها میکرد تا
اینکه اقسام مذکوره در شهر فیلدلفیا دیوانی منعقد کردند
و وکلاء از هر قسم حاضر شد و بالاخره در سنه ۱۷۷۶
بنا بر معاضدت و معاونت از عموم جمهور شد و بحرّیت و ازادی
ندا در دادند و معاهدات مستحکمه در این باب نمودند پس
جنکهای بسیار میانه انها و دولت انکلیس واقع شد تا این
که بالاخره در سنه ۱۷۸۲ بلاد مذکوره بحرّیت و
ازادی بانها مسلّم کردید و اقسامیکه اولاً در این معاهده
داخل شدند ۱۳ قسم است نیوهمشیر و مسّاشوستس
و رود ایلند و کنتیکوت و نیویورک و نیوجرسی و فلسلوانیا
ودلاوار و مریلند و ورجینیا وکرولینای شمالیّه و جنوبیّه
وجاورجیا وجانب بزرکی از این بلاد غیر معمور بود که سوای
قبائل هنود و وحوش کسی در انها مسکن نداشت و پس از
حرّیت رو بابادی نهاد و اهالی انها بسیار شد و بسیاری
از اهل اوروپا در انجا امدند و رفته رفته بلاد داخله
معمور کردید و طائفه هنود از پیش انها کریختند و چند
قسم دیکر داخل در معاهده انها شدند تا اینکه الان عدد
انها بمقدار ۳۱ میرسد و اقسام زائده از ۱۳ قسم مذکور
ماین و فرمانت و مشیغان و اوهیو و اندیانا و الینوی و
کنتوکی و تنیسی و الاباما و فلاریدا و میسیسپی و لوسیانا
و وسکونسن و ایووا و مسّوری و ارکانساس و تکساس و
کلیفورنیاست امّا ماین و فرمانت در شمالی اقسام اصلیّه

است و بقیه اقسام در غربی انهاست و اقسامیکه در این
معاهده داخل نشدند منیسوتا و نبراسکا و اوریکون
و اوتاه و هندیا و نیومکسیکو است و اقسام سابقه بحسب
وسعت مختلف است و بزرکترین انها تکساس است که مساحت
ان مقدار ۱۰۰۰۰۰ میل مربّع است و کوچکترین انها
رود ایلند است که مساحتش ۱۲۵۰ میل مربّع است
و در این بلاد دو سلسله کوه ممتد است که یکی از انها
کوههای کتسکل است که ارتفاع انها بمقدار ۶۴۷۶ قدم
میرسد و دیکری کوههای صخریّه است که سابقا ذکر شد
و نهرهای این بلاد بسیار است و اکثر انها صلاحیت عبور
کشتیهای بزرک دارد و از جمله انها نهر کنتیکوت است که
در خلیج جزیره طویلی که در نزدیکی شهر نیوهافن است ریخته
میشود و طول ان مقدار ۴۰۰ میل است و دیکر نهر
هدسون است که مخرجش در شمالی نیویورک است و
طولش مقدار ۳۵۰ میل است و دیکر نهر دلاوار است
که مخرجش در جنوبی نیویورک است و در خلیج دلاوار
ریخته میشود و طولش مقدار ۳۰۰ میل است و دیکر
نهر سسکویهنّا ست که مخرجش در جنوبی نیویورک است
و در خلیج شسابیک ریخته میشود و طولش ۵۰۰ میل
است و نهر بتوماک که طولش مقدار ۵۰۰ میل است نیز
در این خلیج ریخته میشود و چند نهر دراو قیانوس ریخته
میشود که از جمله انها نهر جمس و رونوک و بیدی و سوانا

وغیر اینها است واما نهر اوهیو بجنوب غربی جاری میشود و
مصبّ ان در نهر مسسیبی است و نهر واباش که طولش
مقدار ۵۰۰ میل است دران ریخته میشود وازجهت
جنوب نهر تنیسی که طولش مقدار ۱۲۰۰ میل است در
ان داخل میگردد واما نهر مسوری ازکوههای صخریّه بیرون
میاید وبجنوب شرقی جاری میگردد ودر نهر مسسیبی
ریخته میشود وطول ان مقدار ۳۱۰۰ میل است و
نهر بلات که طولش مقدار ۱۵۰۰ میل است ونهر حجره
اصفر که طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است وچند نهر دیگر دران
ریخته میشود ودیگر نهر ارکانساس است که مخرجش
درکوههای صخریه است وبجنوب شرقی جاری میگردد و
در نهر مسسیبی ریخته میشود وطول ان ۲۰۰۰ میل
است ودیگر نهر احمر است که ازجبال صخریّه بیرون میاید
وبجنوب شرقی جاری میگردد ودر نهر مسسیبی ریخته
میشود وطول ان مقدار ۱۵۰۰ میل است واما نهر
مسسیبی مخرجش در شمالی منیسوتا است وبطرف
جنوب جاری میگردد ودرخلیج مکسیکو ریخته میشود
وطول ان مقدار ۳۱۰۰ میل است ودیگر نهر ریودلنورتی
است که ازکوههای صخریّه بیرون میاید وبجنوب شرقی
جاری میگردد ودرخلیج مکسیکو ریخته میشود و
طول ان مقدار ۲۰۰۰ میل است ودیگر نهر برازوس
است که طولش مقدار ۹۰۰ میل است ودیگر نهر

کلورادو است که طولش مقدار ۹۰۰ میل است ودیگر
نهر کلومبیا است که ازکوههای صخریّه بیرون میاید وبشمال
غربی پس بغرب جاری میگردد ودر اوقیانوس محیط ریخته
میشود وطولش مقدار ۱۰۰۰ میل است ودیگر نهر کولورادو
است که ازجبال صخریّه بیرون میاید وبجنوب غربی جاری
میگردد ودرخلیج کلیفورنیا ریخته میشود وطولش مقدار
۱۰۰۰ میل است ودراین بلاد ترعههای بسیاری است که
میان نهرها وبحیرات رابیکدیگر وصل میکنند وازجمله انها ترعه
ایست که میانه نهر هدسون وبحیره اری رابیکدیگر وصل
میکنند ودیگر ترعه ایست که میان بحیره اری ونهر اوهیو رابیک
دیگر وصل میکنند وطول ان مقدار ۱۳۰۷ میل است و
امّا هوای این بلاد جهات شمالیّه انها سرد وجنوبیّه معتدل
ودرفلوریدا حرارت شدت دارد وهمچنین جهاتیکه درنزدیکی
خلیج مکسیکو است واجمالاً موافق صحت امزجه است مگر
این که در بعضی اماکن تب بسیار عارض میشود ولکن این اماکن
بالنّسبه بوسعت این بلاد چیزی نیست واما حاصلهای انها
بسیار وخاک انها قابل انواع زراعت وجمیع انواع حبوبات
اکثر انواع میوه ها در انها یافت میشود وسیب انها بسیار
خوب است ودردنیا نظیر ندارد وازجمله معادن انها طلا و
نقره واهن ومس وقلع وزیبق وزغال سنگ ورخام است
وچند بحیره شور در انها است که نمک از انها استخراج میکنند
وازحیوانات اهلیّه انچه درسایر بلاد موجود است در اینها

نیز یافت میشود و دیگر اسب برّی و گاومیش برّی و خرس
و گرگ و گربه برّی و انواع بسیاری از طیور که بمقدار ٣٦٢
نوع میرسد و بعضی از مارها که سمّ انها مهلک است در
این بلاد یافت میشود و اما حکم انها از نوع جمهوری است و
حکّام از قبل طوائف تا مدّت معیّنی انتخاب میشود ولکن
قضاة تا مدّت حیاتشان بوظیفه خود قیام مینمایند مگر
اینکه تقصیری که موجب عزل است از انها صادر شود و هر
قسمی از اقسام مذکوره صاحب حکم خاصی است مگر اینکه
جمیع در احکام عمومیّه که راجع بجمیع اقسام است شریک و
متّحدند و وکلاء خود را بدو دیوان که در شهر وشینگتون
برپاست میفرستند و در انجا انچه که چیز عمومی است و انچه به
دول خارجه متعلق است ملاحظه میکنند و دین غالب در انجا
دیانت پروتستانیه است و حرّیت و ازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است و در این بلاد مقدار ٣٠٠ مدرسه
جامعه و ١٠٠ مدرسه از برای تحصیل علوم جلیله و زیاده
از مدارس متوسّطه است و کتب ارزان و فراوان و تحصیل انها
از برای هر کسی سهل و اسان است و دخل این بلاد از گمرک و
غیره بمقدار ...... ٥٥ ریال میرسد و عساکر قانونیّه
انها مقدار ١٢٠٠٠ نفر و در دیفانها ..... ٢٠ نفر است
و کشتیهای جنگی انها مقدار ٧٠ کشتی است ولکن در وقت
حاجت هر قدر که بخواهند برای انها ممکن است و از جمله شهرهای
این بلاد بستون است که در عرض شمالی ٢١ ٤٢ و طول

غربی ٧١٤ واقعست و تجارتان وسیع است و در نزدیکی
ان تل بونکر است که واقعه مشهوره میانه عسکر انگلیس و
اهالی ان در انجا واقع شد و دیگر شهر نیوهافن است و ان
شهری است خوب محل تفرج و تماشایش بسیار و مدارس اش
مشهور و معروف است و دیگر شهر نیویورک است و ان
بحسب تجارت و جمعیت اعظم شهرهای این بلاد است و چند
مدرسه از برای تحصیل علوم و فنون و معارف در ان مهیّا
و موجود است و اهلش بمقدار ٥٠٠٠٠٠ نفس میرسد
و دیگر شهر فیلادلفیا است که میانه نهر دلاوار و نهر سکولکیل
است و ان شهری است خوب بازارهایش مستقیم و ان بعض
انها با بعضی دیگر زوایای قائمه مثل تقطیع صفحه شطرنج حادث
میشود و در ان بناهای فاخره و مدارسی که در علم طبّ مشهور
و معروف است یافت میشود و دیگر شهر بلتیمور و شینگتون
و شرلستون و سفنّا و نیوارلینس و سنسناتی و سانت
لوی و استوریا و مارفرنسیس است پنجم مکسیکو است و
ان از جهت شمال و شرق ببلاد متحده و از جنوب بگواتمالا و
اوقیانوس محیط و از غرب باوقیانوس مذکور و خلیج کالیفورنیا
محدود و این بلاد تابع اسپانیا بود تا اینکه سنه ١٨٢٤
در تحت حکم جمهوری استقلال یافت و در انها بسیاری از معادن
طلا و نقره و زیبق یافت میشود و سلسله کوههای صخریّه انها
خرق میکند و در انها چند کوه اتش است که بلندترین انها
بُبُوکتابتل است که ارتفاع ان بمقدار .... ٢٠ قدم میرسد و در

سال ۱۴ که اهل اسپانیا این بلاد را فتح کردند هنودی که
در انها ساکن بودند صاحب تمدّن و مُدُن وضیاع و عقار بودند
پس اکابر و اشراف و اعیان انها را بقتل اورده و رعایا را در تحت
بندکی و اطاعت خود در اوردند و این بلاد را مالک شده با
اهالی اصلیّه انها مخالطت نمودند و اهالی حالیّه ان یا از نسل
اهل اسپانیا و یا مخلوط از انها و هنود است و اراضی این بلاد
مرغوب و خوب است ولکن چنانچه باید و شاید اعتنائی بانها
ندارند و از جمله شهرهای انها تمپیکو و فراکروز و پتوسی و مکسیکو
و زکاتیکاس و غیر اینهاست و شبه جزیره کلیفورنیا در غرب
و شبه جزیره یوکاتان و جون کمپیشی تابع انهاست ششم
امریکای وسطی است که انرا کواتمالا میکویند و ان از جهت شمال
بمکسیکو و از شرق ببحر کریب و از جنوب ببرزخ داریان و اوقیانوس
محیط و از غرب باوقیانوس مذکور محدود و ان نیز تابع مملکت
اسپانیا بوده و در سنه ۱۸۲۴ در تحت حکم جمهوری داخل
کردید ولکن بواسطه حربهای داخلیّه که میانه اهالی ان واقع شد
ترقی از برای ان حاصل نکردید و کوههای صحریّه انرا فرق میکند
و سه کوه اتش فشان در ان واقعست و از جمله بحیرات ان بحیرهٔ
نکراکاست که طولش مقدار ۱۰۴ میل و عرضش مقدار
۷۷ میل است و نهر سانجوان از ان بیرون میاید و در بحر
کریب ریخته میشود و از جمله شهرهای ان تروکسلو و فراپاس
و سانت سلودور و لیون و غیر اینهاست و اما جزائر هند غربیّه
مجموع جزائری است که در مدخل خلیج مکسیکو و در بحر کریب

واقع است و از جمله انها مجموع جزائری است که انرا انتلیس کبری
میکویند که یکی از جزائر ان جزیره کوبا ست که طولش مقدار
۷۰۰ میل و عرضش مقدار ۷۰ میل است و ان تابع مملکت
اسپانیا است و دیکر پورتوریکو است که طولش مقدار
۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و ان نیز تابع مملکت
اسپانیا ست و دیکر هایتی است که طولش مقدار ۳۹۰
میل و عرضش مقدار ۳۰ میل و مستقلاً در تحت حمایت انکریز
است و اهالی ان بنده کانی هستند که ازاد شده اند و دیکر
جُمیکا است که طولش مقدار ۱۵۰ میل و عرضش مقدار ۴۰
میل است و ان تابع انکلند است و دیکر مجموع جزائر کریبیت
و ان چند جزیره کوچک است که بعضی از انها تابع انکلستان
و بعضی تابع فرانسا و بعضی تابع هالند و بعضی تابع دنمارک
و بعضی تابع اسوج است و اعظم انها جزیره ترنیداد است که
تابع انکلستان است و دیکر مجموع جزائر بهاما ست و ان چند
جزیره است که از جمله انها جزیره کوانیهانی است و ان اوّل زمینی
است که کلمبوس بعد از مسافرت از اسپانیا سنه ۱۴۹۲
بان رسید و حاصلهای این جزائر بسیار و شکر و قهوه و تتن
و پنبه و جمیع میوه های اقالیم استوائیه در انها یافت میشود
و هوای بعضی از انها خوب و بعضی بد و کثیف است و بادهای سخت
که بعض اوقات خانه ها را خراب میکند در انها بسیار میوزد و
از جمله شهرهای انها هفانا و سانسلفدور و برتوبرنس و کینستون
و سانت جوان است و اکثر انها بنده کانی هستند که انها را از

افریقا از برای کار زراعت و زرع پنبه ونیشکر اورده اند
واما امریکای جنوبی از شمال بجنوب سلسله کوههای اندس
انرا خرق میکند و بلندترین انها کوه سوراتا ست که ارتفاع
ان بمقدار ۲۵۴۰۰ قدم میرسد و دران چند کوه اتش
فشان استکه بلندترین انها کوه کوتوباکسی است که ارتفاع
ان بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و ازجمله نهرهای ان نهر
امازون استکه از کوههای اندس بیرون میاید و در اقیانوس
اتلانتیك ریخته میشود و طول ان مقدار ۴۰۰۰ میل
وعرضش مقدار ۱۶۰ میل است و نهرهای بسیاری از شمال
وجنوب داخل ان میشود دیکر نهر لابلاتا ست که طولش
مقدار ۲۰۰۰ میل و عرضش مقدار ۱۵۰ میل ست و ان
بچند قسم تقسیم میشود که ازجمله انها کلومبیا ست و ان بسه
قسم منقسم است ونیزویلا وغرناطه جدیده واکوادور و
جمیع انها در تحت حکم جمهوری داخل ست و اهالی انها بمقدار
۳۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد و نهر اورونوکو در ونیزویلا
میکذرد و طول ان مقدار ۱۳۰۰ میل است و ازجمله شهرهای
ان کراکاس است که اهلش مقدار ۲۳۰۰۰ نفس است
و ازجمله شهرهای غرناطه جدیده شهر بوغوتا ست که اهلش
مقدار ۳۵۰۰۰ نفس است و دیکر شاغرس و پناما ست
و ازجمله شهرهای اکوادور کویتو است که اهلش مقدار
۷۰۰۰۰ نفس است و کوه کوتوباکسی مذکور در نزدیکی ان
واقعست و این شهر میان کوههای بلندی که از مساوات دریا

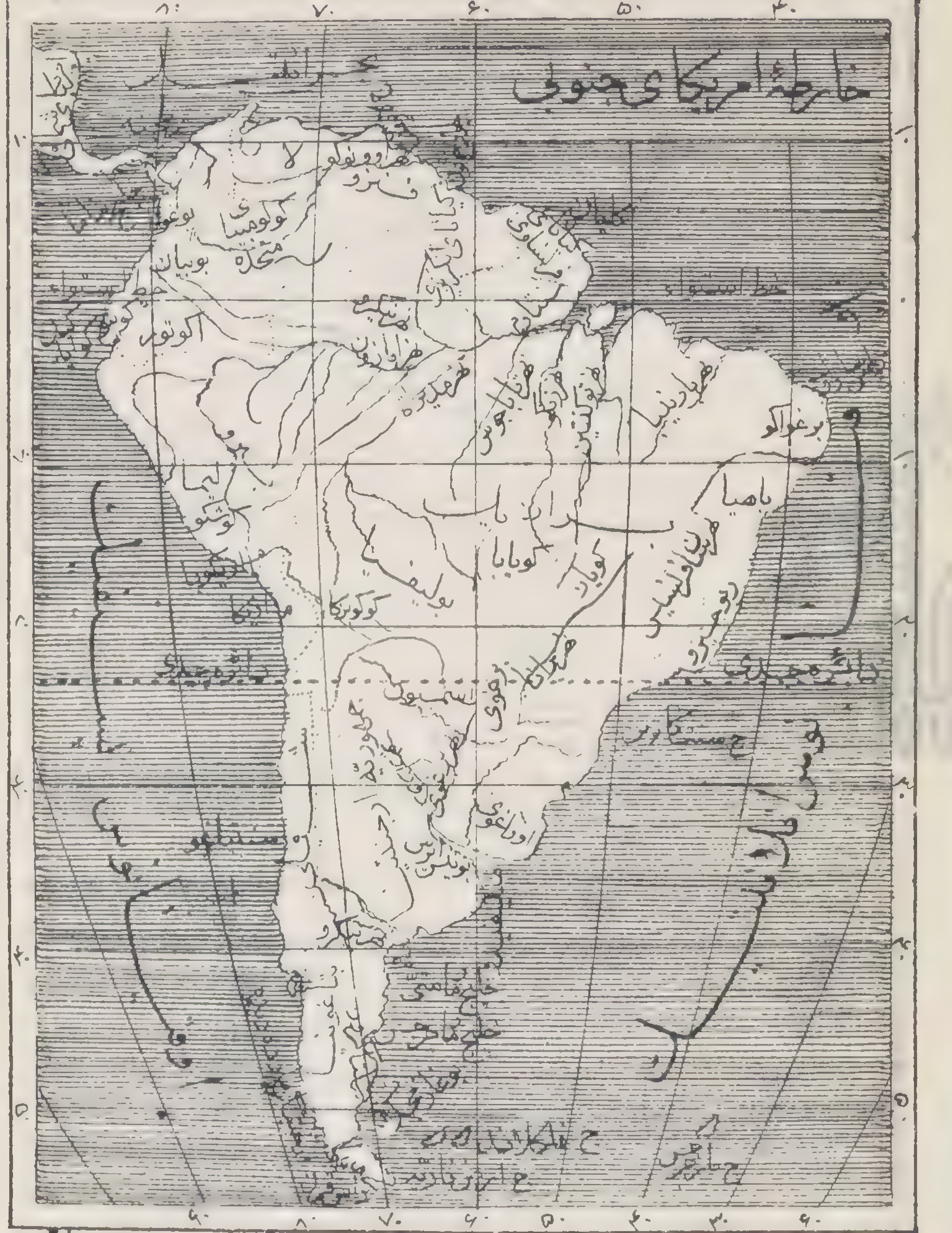

بسیار مرتفع است واقع شده و در انجا زلزله هائیکه خانه و
قریه ها را خراب میکند بسیار حادث میشود و دیگر از اقسام
ان بلاد پرو است که در جنوبی اکوادور است و در زمان
قدیم تابع مملکت اسپانیا بوده و پس از ان در تحت حکم جمهوری
استقلال یافت و در انها معدن طلا و نقره و مس یافت می
شود و اهالی انها بامور فلاحت و زراعت چندان اعتنائی
ندارند و قصبه این بلاد شهر لیما است که اهلش مقدار
۴۰۰۰۰ نفر است و عدد اهالی انها بمقدار ۱۷۰۰۰۰۰
نفس میرسد و انها از هنود یکه اهالی اصلیه انها است و اهل
اسپانیا که در انجا متوطن شدند مخلوط و ممزوج اند و دیگر
مملکت برازیل است و ان اعظم اقسام امریکای جنوبی است و
مساحتش مقدار ۲۷۰۰۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار
۴۵۰۰۰۰۰ نفس است و جانب عظیمی از ان صحراها و
بیابانهائی است که اشجار و حیوانات بریه انها بسیار است
و از جمله معدنهای ان طلا و نقره و الماس است و نهر امازون
از غرب تا شرق انرا خرق میکند و اعتناء اهالی ان بامور فلاحت
و زراعت کم است و تجارت ان در دست غربا است و قبائلی
از هنود متوحشه در انجا ساکنند و حکمران از نوع ملکی
مقید است و دین غالب در انجا دیانت لاتینیه است و
قصبه ان شهر ریوجنیرو است و ان در عرض جنوبی
۲۲ ۵۹ ۵۰ وطول غربی ۱۳ ۳ ۹ ۴ ۵ واقع است و
اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است و دیگر از شهرهای

سانت سلوادور است که در عرض جنوبی ۱۲ ۵۸ وطول
غربی ۳ ۳ ۸ ۳ ۲ ۳ ۰ واقع است و اهلش مقدار ۱۲۰۰۰۰
نفس و تجارتش وسیع است و دیگر شهر پرنامبوکو است
که در عرض جنوبی ۸ ۵ وطول غربی ۳۵ ۱۵ واقع است و
اهلش مقدار ۴۲۰۰۰ نفس است و دیگر شهر فلاریکا است
که اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و این مملکت از نهرهای
بسیاری سیراب میشود و چند سلسله کوه در ان ممتد است
و بواسطه قلت اعتناء اهالی ان حاصلهایش کم است و غنی و
رتبه هیئت اجتماعیه ان از غیرش پست تر و در شمال برازیل
بلاد گویانا است و اهالی انها مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است
و شرقی انها تابع فرانسا و غربی تابع انگلستان و اوسط تابع
هولند است و اراضی انها پست و ترعه های انها بسیار است
و بیشتر اهالی انها بنده کانند و اما بلاد بولیفیا میانه پرو
و برازیل واقع است و چند شعبه از کوههای اندس در انها
منشعب است و بلندترین رؤس این کوهها در این بلاد واقع
است و در حدیکه فاصل میانه انها و پرو است بحیره تتیاکا
واقع است و طول ان مقدار ۱۵۰ میل است و در جنوب غربی
انها بریه کوبیر است و حکم انها از نوع جمهوری است و از جمله
شهرهای انها شوکویسا است که اهلش مقدار ۳۵۰۰۰
نفس است و در نزدیکی ان معدن نقره یافت میشود و اما
بلاد شیلی اراضی است که میانه کوههای اندس و دریای
محیط از حدود بولیفیا تا حدود پاتاگونیا واقع است و در

انها چند کوه آتش فشان است و از جمله معدنهای انها طلا و نقره و زیبق است و حکم انها از نوع جمهوری است و از جمله شهرهای انها سانتیاغو است که اهلش مقدار ۰۰۰ ۵۶ نفس است و در کنار دریا شهر کوکیمبو و فالبراسو و کنسپلشن و فالدیفیا واقعست و عدد جمیع اهالی انها بمقدار ۱۲۰۰۰۰۰ نفس میرسد که بعض انها از اصل اسپانیولی و بعض دیگر از انها و اهالی اصلیّه این بلاد مخلوط و ممزوجند و اما بلاد بونس ایرس که انها را لا پلاتا میگویند از شمال ببولیفیا و از غرب بشیلی و از شرق ببرازیل واوروگوای و اوقیانوس اتلانتیک و از جنوب بپاتاگونیا محدود و مستقلاً در تحت حکم جمهوری داخل و از جمله شهرهای انها بونس ایرس است که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است و نهر لا پلاتا از شمال تا مقدار ۳۵ عرض جنوبی دران میگذرد و چند بحیره و چند نهر غیر از نهر مذکور در انها واقعست و اما هوای انها در جهت جنوب معتدل و در شمال گرم است و از انجا بسیاری از پوست گاو و شاخ و پیه ان باطراف میرود و اما بلاد براکوای که از جهت شرق و جنوب میانه نهر برانا و از غرب میانه نهر براکوای است از انها منفصل است و از جمله شهرهای انها اسمشن است که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و در جنوبی برازیل بلاد اوروکوای است و اهالی انها بمقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله شهرهای انها منتفدیو است که اهلش مقدار

۱۲۰۰۰ نفس است و امّا پاتاگونیا از جهت شمال بشیلی و لا پلاتا و از سایر جهات باوقیانوس محدود و مساحت سطح ان مقدار ۴۴۰۰۰۰ میل مربّع و اهالی ان قبائل متوحّشه از هنود است و عدد انها بمقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس میرسد اما ارض نار جزیره ایست در طرف پاتاگونیای جنوبی و بوغاز مجلّان میان انها فاصله است و طرف جنوبی انرا راس هورن میگویند و اما جزائر فالکلند در شرقی مدخل بوغاز مذکور است و تابع انکلستان است و خالی از سکنه است و همچنین جزائر شتلند که در عرض جنوبی ۶۱ تا ۶۴ و طول شرقی ۵۴ تا ۶۵ واقعست و جزیره جاورجیا که در عرض جنوبی ۵۴ و طول غربی ۳۶ واقعست و ارض سندویچ که در جنوب شرقی انست و جمیع اینها خالی از سکنه است و اما جزائر کلوپاغوس در تحت خط استواء محاذی اکوادور است و خالی از سکنه است و اما جزیره سانت فیلکس و جزیرهٔ جوان فرناندز تابع شیلی است و جزیره اخیره بجزیره روبنصن کروزی معروف است و در اوقیانوس اتلانتیک جزیرهٔ ترینی و جزیرهٔ فرناندو واقعست و انها تابع برازیل است

فصل بیستم

در اوسترالیا و جزائر بحر محیط بدانکه جزائریکه در بحر محیط واقع است باوسیانیکا یا اوقیانیا معروفست و ان بملاسیا و اوسترالیا و پلینیسیا تقسیم میشود اما ملاسیا بجزائر بورنیو و جیلبس و فیلبین و غیر اینها که سابقاً ذکر شد مشتمل است و اما اوسترالیا بهولند جدید و کینیای جدید و زیلند

جدید وارض فاندیمان وچند جزیره کوچك مشتمل است اما
هولند جدید قارهٔ بزرکی است که اهل هولند سنه ۱۶۰۶
انرا کشف کردند و مساحت ان مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ میل
مربّع واهلش مقدار ۱۷۰۰۰۰۰ وبنا بر قول بعضی از جغرافیّین
۳۰۰۰۰۰۰ نفر است وجانب عظیمی از ان الی الان غیر
منکشف است واما هوایش معتدل وانواع بسیاری از حیوانات
که در قارات دیکر نیست دران یافت میشود و هم چنین طیور
ونباتات ان واهالی اصلیّه اش نوعی از سودان است که بجنس
ملقّی نزدیك است وانها بحالت بربریّت وتوحّش اند وعدد
نفوسی که از غرباء درانجا ساکن اند بمقدار ۴۰۰۰۰ نفس
میرسد ودراین نواحی شهر سیدنی که در ۳۵۵۵ عرض
جنوبی و ۱۵۱۳۵ طول شرقی است در تحت حکم انکریزی
داخل است و در جنوبی هولند جدید ارض فاندیمان است و
بوغاز باس میانه انها فاصله است و مساحت این جزیره ۲۷۰۰۰
میل مربّع واهلش مقدار ۴۰۰۰۰ نفر و تابع دولت
انکلیس است و اهالی اصلیّه ان هم چنانی است که در هولند
جدید کذشت واز جمله شهرهای ان هوبارتستن ولانسستن
است و در شمالی هولند جدید کینیای جدید است که میانه
۱۳۲ و ۱۵۲ طول شرقی ومیانه خط استواء و ۱۰ عرض جنوبی
واقعست ودران کوههای بلند وجنکلهای وسیعی است
واهلش از اهل هولند جدید با تربیت تر ومتمدّن ترند و
عدد انها بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر میرسد واما زیلند جدید

در شرقی هولند جدید است و ان دو جزیره است که بوغازی میانه انها فاصله است و مساحت این دو جزیره مقدار ۹۵۰۰۰ میل مربع و اهالی انها مقدار ۴۰۰۰۰ نفس و هوای انها خوب و اراضی انها خصیب است و در انها سلسلهٔ کوههائیست که ارتفاع بعضی از انها بمقدار ۱۴۰۰۰ قدم میرسد و اهالی انها قبائل متوحشه ایست که در این ایام بواسطهٔ داخل شدن مبشرین انجیل میانه انها قدری تمدن و تربیت حاصل کرده اند و در انجا نوعی از کتان است که بنهایت خوبست اما کلیدونیای جدید میانه ۱۳۷ و ۲۲۳۰ عرض جنوبی و میانه ۱۶۳۳۷ و ۱۶۷۱۴ طول شرقی است و اهالی ان از سکان جزائر ماضیه متمدن تر و با تربیت تر اند و در شمالی ان جزائر هبریدس جدید است و انها مجموع جزائریست که میانه ۱۴۱۰ و ۲۰ عرض جنوبی واقعست و در شمالی انها جزائر سلیمان است که میانه ۵ و ۱۰ عرض جنوبی و ۱۵۵ و ۱۶۰ طول شرقی واقعست و اهالی انها بنهایت توحش و بربریت اند و در اوسترالیا جزائر بسیاری است که ذکر انها موجب تطویل است و اما بلینیسیا مشتمل بجمیع جزائر بحر محیط است که تا جنوبی خط ۳۰ عرض شمالی واقعست سوای جزائر مذکوره از ملانیسیا و اوسترالیا و از جمله انها مجموع جزائر بیلو است که میانه ۴۵۶ و ۱۲۸ عرض شمالی و میانه ۳۴۵ و ۱۳۶۴۰ طول شرقی واقعست و دیگر جزائر فیجی و جزائر شرکه و جزائر اصدقاء و جزائر ربانیین و جزیره تبکارن است که در ۲۵۴ عرض جنوبی و

۱۳۰۲۵ طول غربی واقعست اما جزائر سندویج مقدار ده جزیره است که میانه ۱۸۵۰ و ۲۲۲۰ عرض شمالی و میانه ۱۵۴۵۳ و ۱۶۰۱۵ طول غربی واقعست و اهالی انها نوبت چندی بحالت توحش و بربریت باقی بودند تا اینکه مبشرین انجیل در میانه انها داخل شده و از انها تمدن و تربیت حاصل کردند و حکم انها از نوع ملکی مقید است و دولت بلاد متحده و انگلند و سایر دول اوروپا استقلال انها را مسلم داشته اند و بواسطهٔ انکه این جزائر محط کشتیهائی است که در این دریاها جاری میشود لابدا اهالی انها زیاده خواهد گردید و بدانکه بعضی از اهل امریکا و انگلستان اراضی وسیعه در جهت قطب جنوبی داخل دائرهٔ جنوبیه کشف کرده اند و جمیع خالی از سکنه بوده و این اراضی بسیار سرد و داخل شدن بانها از کثرت یخ که در دریاهای این نواحی است کمال صعوبت و عسرت دارد و کشف انها سنه ۱۸۴۰ تاریخ مسیحی بوده . . . این تفصیل کرهٔ زمین و متعلقات ان بود که باینجا منتهی شد و دائرهٔ ان بر مقدار چهل هزار هزار متر که هر متری یک ذراع و ثلث ان میشود میرسد و مع ذلک کوچکترین کواکب است و عدد نفوسی که در روی انند مقدار هزار و پانصد ملیون است **قال مؤلفه** هذا ما رأیت ان اشرحه فی هذا الفن مقتصراً علی اهم اموره مع انه یمکن ان یؤلف فی کل بلاد مجلدات فجاء هذا الکتاب بحمده تمّ کافیاً فی بابه منزهاً عن الاسهاب الممل و الایجاز المخل وکان الفراغ من تسویده سنة اثنتین وخمسین وثمانمائة بعد الالف من تاریخ المسیح والحمد لله اولاً واخراً انتهی

اتنا	اطنا	ایرلاند	ایرلند
اجمیر	ازمیر	برلین	برلن
ادریانوپل	ادرنه	بسیفیك	پسیفیك
اربل	صیدا	بطرسبرج	پطرزبورغ
اسکوتسیا	اسکاتلند	بغداد	بغداد
اسوج	سوایدن	بلجیك	بلژیك
استکهم	استکحلم	بناما	پناما
اسلامبول	قسطنطنیه	بوشهر	ابوشهر
اغره	آکره	بودّیه	بودّیه
افریقا	افریکا	بیتلحم	بیتالحم
البرت	البر	تتار	تاتار
البا	الپا	تولنس	تونیز
الیصابات	الیزابت	جاپان	ژاپون
المان	نمسه	جرکس	چرکس
امریکا	ینکی‌دنیا	جنبارن	چنبارن
انکلیترا	انکلند	جیلان	گیلان
اندلس	اسپانیا	ختن	خلم
اوسترالیا	استریلیا	خیوه	خوارزم
اوستریا	استریا	دکن	دکهن
اوروپا	فرنکستان	دمشق	شام
اورشلیم	بیت‌المقدس	دمغان	دامغان
	دینمارك	دینمارك	

ساردن

ساردن	سردینیا	کلیبولی	کلیپولی
سجستان	سیلستان	کلات	کیلات
سرالون	سیرالون	کنك	کانك
سقوطره	سقطره	کورسیکا	کارسیکا
سیلان	سراندیب	لکنو	لکهنو
سینا	طور	ماداکاسکا	مدکاسکر
شاهرود	شهرود	مرسلیا	مرسیلیا
شوشتر	شستر	مغرب	ماروك
صربستان	سربستان	مکسیك	مکزیك
صین	چین	ملتان	مولتان
صیام	سیام	میلان	ملان
طرابزون	طربزان	نابولی	ناپولی
غمره	عموره	ناپولی	نیپل
فالکلاند	فالکلند	ندرلاند	ندرلند
قبرس	قبرلیس	نزوج	نوروج
قرطجنه	قرطاجنه	نیشابور	نیشاپور
قلزم	بحراحمر	ویانا	وین
قلمق	قالمق	هملایا	همالیا
قوهستان	کوهستان	هندکوش	هندوکش
کابل	کابول	هولاند	هالند

مخفی نماند که چون اکثر اسامی اقالیم و ممالك و بلاد و مدن و قری بالنسبه باختلاف لغات یا در لغت واحده مختلف میشود لذا بعض

هو الاول و الآخر

چاپخانه آستان قدس
ویژه کتاب

در
مطبعهٔ
گلزار حسنی بسعی
و اهتمام مترجم بزبور
طبع آراسته شد
و بدون اذن
کسی حق
چاپ
ندارد

بمبئی

۱۴ر

١٢٧١